

# معرفت اقتصاد اسلام

سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۶



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

این دو فصل نامه، به استناد گواهی شماره ۳/۷۷۶۶۵ مورخ ۱۳۹۱/۴/۱۰ کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری)، از شماره ۲ حائز رتبه «علمی پژوهشی» گردید.

## مدیر مسئول

محمدجواد توکلی

## سر دبیر

حسن آقا نظری

## مدیر اجرایی و صفحه آرا

امیرحسین نیکپور

## ناظر چاپ

حمید خانی

## چاپ

زمزم

سامانه ارسال و پیگیری مقالات

Nashriyat.ir/SendArticle

## اعضای هیئت تحریریه

حمید ابریشمی

استاد اقتصاد دانشگاه تهران

پرویز داودی

استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی و مدیر گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی

مسعود درخشان

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

فرهاد رهبر

دانشیار اقتصاد دانشگاه تهران

حسن سبحانی

استاد اقتصاد دانشگاه تهران

غلامرضا مصباحی مقدم

استاد اقتصاد اسلامی دانشگاه امام صادق

الیاس نادران

دانشیار اقتصاد دانشگاه تهران

حسن آقا نظری

استاد اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و عضو شورای علمی گروه اقتصاد

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

سیدمحمد کاظم رجایی

دانشیار اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدجمال خلیلیان اشکنزی

دانشیار اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی،

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - اداره کل نشریات تخصصی

تحریریه ۳۲۱۱۳۳۶۶ مشترکان ۲۲۱۱۳۳۷۴ - دورنگار ۳۳۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

پيامک: ۳۷۱۶۵۰۸۶ / صندوق پستی ۱۰۰۰۲۵۲۲۱۱۳۳۷۳

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir

فروشگاه اینترنتی: http://eshop.iki.ac.ir

نمایه در:

sid.ir & isc.gov.ir & magiran.com & noormags.ir

## راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

### الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط **WORD** با پسوند **Doc** از طریق وبگاه نشریه به <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

### ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. **چکیده:** چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
  ۲. **کلیدواژه‌ها:** شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوی که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
  ۳. **مقدمه:** در مقدمه مقاله، پس از تعریف مسئله، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله براساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
  ۴. **بدنه اصلی:** در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:

الف - ارائه نظریه و یافته جدید علمی؛

ب - ارائه تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛

ج - ارائه استدلال جدید برای یک نظریه؛

د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.

۵. **نتیجه‌گیری:** نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
۶. **فهرست منابع:** اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله براساس شیوه زیر آورده می‌شود: نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر. نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.

### ج). یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از چهار ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

## فهرست مطالب

---

### نظریهٔ «اختصاص جبران کاهش ارزش پول به بعد از سررسید»... / ۵

سیدعباس موسویان / کیه حسین میثمی

### روش استنباط نظریهٔ اقتصادی از کتاب و سنت / ۲۹

کیه سیدمحمدکاظم رجایی / مهدی خطیبی

### اندازه‌گیری شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید بانک‌های منتخب نظام بانک‌داری بدون ربا... / ۴۷

کیه سیدمحمد رضا سید نورانی / رضا وفایی یگانه

### عقلانیت طیفی اسلامی در مقابل نظریه انتخاب عقلایی اقتصاد متعارف / ۶۷

پرویز داودی / محمدجواد توکلی / محمدسعید پناهی بروجردی

### نقش مفاهیم ارزش‌محور در سامان‌دهی ساختار نظام اقتصادی... / ۸۵

احمدعلی یوسفی / مجتبی غفاری

### جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف و اسلامی / ۱۰۳

محمدحسین کرمی / سعید گودرزی

### ۱۳۰ / Abstracts



## نظریه «اختصاص جبران کاهش ارزش پول به بعد از سررسید» با تأکید بر قاعده «اقدام» و «ممنوعیت ضرر»

سیدعباس موسویان / استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

حسین میثمی / استادیار پژوهشکده پولی و بانکی

دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۷ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴

samosavian@yahoo.com

meisamy1986@gmail.com

### چکیده

یکی از مباحث مهم در زمینه «تورم»، بررسی مشروعیت «جبران کاهش ارزش پول در قراردادهای مدت‌دار» است. این تحقیق ضمن ارزیابی دیدگاه‌های مربوطه، به این پرسش می‌پردازد که «چگونه می‌توان از ترکیب قواعد فقهی اقدام و ممنوعیت ضرر در تحلیل جبران کاهش ارزش پول، در چارچوب فقه اسلامی استفاده کرد؟». برای پاسخ به این سؤال، از روش تحلیل محتوا و روش دلفی دومرحله‌ای برای گردآوری نظرات خبرگان بانک‌داری اسلامی استفاده شده است. بر اساس فرضیه مقاله، «جبران کاهش ارزش پول قبل از سررسید، به سبب اقدام شخص، ربا محسوب می‌شود؛ اما پس از سررسید، به خاطر از بین رفتن اقدام و ضرر دیدن شخص از کاهش ارزش پول، جبران کاهش ارزش پول ضروری است». یافته‌های تحقیق حاکی از وجود سه دیدگاه در مورد جبران کاهش ارزش پول، شامل: «جایز بودن به صورت مطلق»، «جایز نبودن به صورت مطلق»، و «ضرورت تفصیل بین تورم شدید، متوسط و خفیف» می‌باشد. هر سه دیدگاه با مشکلاتی روبرو است. در مقابل، دیدگاه منتخب، که بر ترکیب قواعد اقدام و ممنوعیت ضرر استوار است، مبنای نظری مناسبی برای تحلیل جبران کاهش ارزش پول در چهارچوب اسلامی فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: کاهش ارزش پول، بانکداری اسلامی، قاعده اقدام، قاعده ممنوعیت ضرر، فقه اسلامی، ربا.

طبقه‌بندی JEL: E52, D53.

در اقتصادهای جدید، تورم و کاهش ارزش پول پدیده‌ای است که معمولاً در سطوح کم یا زیاد اتفاق می‌افتد. این مسئله به ماهیت پول‌های اعتباری و نقش بانک مرکزی و شبکه بانکی در خلق پول پر قدرت مرتبط است؛ زیرا بانک مرکزی و شبکه بانکی بدون محدودیت فنی می‌توانند پول خلق کنند و این فرایند در صورتی که به شیوه مناسب مدیریت نشود، می‌تواند به ایجاد تورم و کاهش ارزش پول بینجامد (منکیو، ۲۰۱۶، ص ۱۰۱).

پدیده تورم و کاهش ارزش پول، می‌تواند آثار قابل توجهی در اقتصاد واقعی و روابط حقوقی ذی‌نفعان در بازارهای پول و سرمایه و کل نظام مالی و اقتصادی داشته باشد. برای مثال، با ایجاد تورم، این سؤال مطرح می‌شود که آیا جبران این کاهش ارزش در روابط و معاملات پولی و مالی مدت‌دار ضروری است؟ و اگر این ضرورت ایجاد شود، آیا جبران آن بر عهده طرفین قرارداد است و یا بر عهده دولت و بانک مرکزی، که با اقدامات خود، عامل اصلی ایجاد تورم بوده‌اند؟

در اقتصاد و بانک‌داری اسلامی نیز امکان شکل‌گیری تورم وجود دارد و این موضوع سبب ایجاد سؤالاتی می‌شود که یکی از مهم‌ترین آنها، مشروعیت داشتن یا نداشتن جبران کاهش ارزش پول در بدهی‌هاست، به ویژه اینکه در چهارچوب اسلامی، به علت آنکه هرگونه افزایش در بدهی‌ها مصداق ربای جاهلی (بدترین نوع ربا) محسوب می‌شود، دقت در مسئله جبران کاهش ارزش پول اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. در این رابطه، محققان گوناگون پاسخ‌ها و دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متضادی ارائه کرده‌اند که نیازمند بررسی و تحلیل است.

با توجه به آنچه مطرح شد، به نظر می‌رسد بحث جبران کاهش ارزش پول در چهارچوب اسلامی نیازمند ارزیابی دقیق‌تر است. بر این اساس، این تحقیق می‌کوشد تا ضمن موضوع‌شناسی پدیده تورم در نظام‌های پولی و اعتباری جدید، دیدگاه‌هایی را که تاکنون توسط محققان بانک‌داری اسلامی در این رابطه مطرح شده است ارزیابی و نقد کند و با استفاده از دو قاعده فقهی اقدام و ممنوعیت ضرر، دیدگاه جدیدی در این زمینه ارائه دهد. همچنین، می‌کوشد با استفاده از روش دلفی دومرحله‌ای، دیدگاه مذکور را در معرض نظرات خبرگان بانک‌داری اسلامی قرار دهد.

سؤالات اساسی که در این تحقیق به آنها پاسخ داده می‌شود، عبارت است از:

الف. دیدگاه‌هایی که تاکنون در بحث جبران کاهش ارزش پول در چهارچوب اسلامی مطرح شده، دارای چه نقاط ضعفی است؟

ب. چگونه می‌توان از ترکیب قواعد فقهی اقدام و ممنوعیت ضرر در تحلیل جبران کاهش ارزش پول در چهارچوب اسلامی استفاده کرد؟

مقاله به روش «توصیفی» و «تحلیل محتوا»، به بررسی این فرضیه می‌پردازد که «قبل از سررسید، به خاطر اقدام شخص، نیازی به جبران کاهش ارزش پول وجود ندارد و الزامی کردن انجام این کار، می‌تواند با چالش ربا مواجه شود. اما پس از سررسید، به سبب از بین رفتن اقدام و ضرر دیدن طلبکار از کاهش ارزش پول، لازم است کاهش ارزش پول جبران شود».

## پیشینه تحقیق

هرچند در دوره اخیر، تحقیقات گوناگونی در زمینهٔ تحلیل تورم و کاهش ارزش پول در چهارچوب اسلامی انجام شده، اما با این حال، تأکید بر قاعده اقدام در تحلیل جبران کاهش ارزش پول، کمتر مطمح نظر محققان قرار گرفته است. در ادامه، برخی از این تحقیقات، که یا به صورت صریح و یا ضمنی به قاعده اقدام اشاره کرده‌اند، بررسی می‌شود:

*تلخابی و ناظمی (۱۳۹۵)* ارتباط قاعده اقدام و جبران تورم را بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق آنها نشان می‌دهد: یکی از مسائل جدید در فقه و حقوق اسلامی، جبران کاهش ارزش پول است که علمای اسلام نظرات متفاوتی درباره آن دارند و چند دیدگاه در رابطه با آن مطرح شده است. یکی از این دیدگاه‌ها ضرورت تفصیل بین غصب و غیرغصب است. همچنین در غیرغصب، بین تسامح در تأخیر پرداخت بدهی و عدم تسامح فرق گذاشته می‌شود. در فرض غصب و تسامح، به علت زیان رساندن به مالک و استناد به قاعده ممنوعیت ضرر، ضرورت جبران مطرح می‌شود، و در غیر این حالات، به خاطر اقدام و رضایت مالک بر پرداخت مال به طرف مقابل، بر عدم جبران تأکید می‌شود. با این حال، به نظر می‌رسد دیدگاه صحیح عدم دلالت قاعده اقدام بر سقوط ضمان کاهش ارزش پول از سوی مالک است؛ زیرا اقدام مالک فقط موضوع سقوط را محقق می‌کند و هیچ دلالتی بر ایجاد حکم سقوط ندارد. همچنین در صورت عدم دلالت قاعده اقدام بر سقوط، ادله جبران کاهش ارزش پول بر دلالت خود بدون معارض باقی می‌ماند.

*آیت‌الله صافی گلپایگانی (۱۳۷۵)* به صورت ضمنی و با تأکید بر ضرورت جبران در صورت مطالبه بدهکار، به قاعده اقدام در تحلیل کاهش ارزش پول اشاره می‌کند. در تبیین این دیدگاه، این گونه مطرح شده است که به طور کلی، اگر بدهی اشخاص، اسکناس رایج و مانند آن بوده و موعد پرداخت آن رسیده باشد و یا اشتغال ذمه به آن به طور نقد باشد (به عبارت دیگر، بدهی مذکور حال یا در حکم حال باشد) و با مطالبه طلبکار، بدهکار در ادا، مسامحه و تأخیر کند و با افزایش شاخص قیمت‌ها و تغییر قدرت خرید، مالیت و قدرت خرید آن بیش از حد متعارف و به نحو غیرمستسامح‌فیه کاهش یابد، ظاهر این است که عرفاً طلبکار متضرر شده، بدهکار نسبت به ضرر مذکور (که از دیرکرد پرداخت حاصل شده است) ضامن می‌گردد. در بحث مهریه، اگر اسکناس تعیین شده برای صداق با رضایت زوجه در ذمه زوج باقی مانده باشد، ظاهر این است که زوج ضامن ضرر و تنزل مالیت آن نیست. و اگر با عدم رضایت زوجه از پرداخت خودداری کرده باشد، زوج ضامن ضرر زوجه است.

*آیت‌الله صالحی مازندرانی (۱۳۷۶)* در تحلیل جبران کاهش ارزش پول در بحث مهریه، به صورت ضمنی و با تأکید بر درخواست مهریه توسط زوجه از زوج، به نحوی به جایگاه اقدام زوجه در تحلیل کاهش ارزش پول اشاره می‌کند. در این زمینه این گونه مطرح شده است که اگر در فاصله میان عقد و پرداخت، در ارزش مهریه کاهشیه به وجود نیامده باشد و یا آنکه کاهش کم بوده و در خور توجه نباشد، در این صورت، ضمانی در کار نیست؛ ولی اگر کاهش ارزش آن به حدی باشد که دیگر با پرداخت آن مبلغ، عرفاً مهر را پرداخت نکرده، ضامن است. علاوه بر

این، اگر زن مهریه‌اش را خواستار شود و شوهر - با آنکه توان دارد - پرداخت را به تأخیر بیندازد و در این فاصله ارزش مهریه کاهش پیدا کند، ضامن است.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، هرچند برخی از محققان در موارد معدودی به قاعده اقدام در تحلیل کاهش ارزش پول در چهارچوب اسلامی اشاره کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد ابعاد این مسئله نیازمند تحقیق بیشتر است. به طور خاص، تحقیقات گذشته به ضرورت تفصیل بین کاربرد قاعده اقدام قبل و بعد از سررسید و تبیین ارتباط آن با قاعده ممنوعیت ضرر توجه کافی نکرده‌اند. از این منظر، پژوهش حاضر دارای نوآوری محسوب می‌شود.

### تحلیل دیدگاه‌های مطرح در زمینه جبران کاهش ارزش پول در چهارچوب اسلامی

تورم به صورت ذاتی پدیده‌ای اقتصادی است که آثار مهمی در زندگی عموم مردم دارد. این پدیده با مفهوم دیگری به نام لزوم یا عدم لزوم جبران کاهش ارزش پول گره می‌خورد و از این نظر، موضوعی برای تحلیل‌های فقهی - حقوقی واقع می‌شود. در واقع، پرسش آن است اگر دو شخص با یکدیگر قرارداد مدت‌داری منعقد کردند و طی مدت قرارداد - به هر علت - تورم ایجاد شود، آیا جبران کاهش ارزش پول لازم است یا خیر؟ آیا این جبران و زیاده‌ای که پرداخت می‌شود مصداق ربای محرم در اسلام نیست؟

مسئله جبران کاهش ارزش پول قبلاً توسط محققان گوناگون بررسی و تبیین گردیده و دیدگاه‌ها و مباحث گوناگونی درباره آن بیان شده است. در این قسمت، به ارزیابی و نقد مختصر مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح شده در بحث جبران کاهش ارزش پول نقد و ارزیابی و زمینه برای ارائه دیدگاه منتخب پژوهش در قسمت بعد فراهم می‌شود:

### اول. دیدگاه عدم لزوم جبران کاهش ارزش پول به طور مطلق

#### الف. تبیین

برخی محققان معتقدند: جبران کاهش ارزش پول به طور کلی مردود است و قابلیت پذیرش ندارد. این دسته از محققان عمده‌تاً به تعریف «مال مثلی» استناد می‌کنند و پول را از مثلیات می‌دانند. بر اساس تعریف مشهور فقها:

مال مثلی آن است که افراد آن ویژگی‌هایی دارند که میزان رغبت عموم مردم به افراد آن و قیمت افرازش به واسطه آن ویژگی‌ها اختلاف نیابد. هر چیزی که غالباً - نه ندرتاً - این گونه باشد، آن شیء مثلی خواهد بود و این مطلب به حسب زمان‌ها، مکان‌ها و کیفیت‌های مختلف تفاوت می‌یابد (طباطبایی یزدی، ۱۳۳۷ق، ص ۱۲۱).

از سوی دیگر، فقها اتفاق نظر دارند که «ضمان مال مثلی به مثل است». بر این اساس، چون پول اعتباری عصر جدید نیز از منظر فقهی مال مثلی است و ضمان آن نیز صرفاً به مثل است، اشتراط پرداخت هر نوع مازادی به خاطر کاهش ارزش پول و ایجاد تورم ناصحیح است و مصداق ربای قرضی به حساب می‌آید (حائری، ۱۳۶۹، ص ۱۵).

بر اساس این دیدگاه، تفاوتی بین پول درهم و دینار با پول اعتباری عصر حاضر از حیث پول بودن



وجود ندارد. بدین روی، اگر قرار باشد قدرت خرید پول اعتباری مقومٌ مثلثیت آن محسوب شود، این مطلب درباره پول درهم و دینار نیز باید صادق باشد. این درحالی است که طی تاریخ، تورم و تغییرات عمومی قیمت‌ها درباره درهم و دینار هم اتفاق افتاده است، اما هیچ یک از ائمه معصومین(ع) یا فقها به جبران کاهش ارزش پول درهم و دینار اشاره‌ای نمی‌کنند. بر این اساس، در پول‌های اعتباری نیز قدرت خرید عنصر اصلی مثلثیت به حساب نمی‌آید، بلکه عنصر قوام مثلثیت پول، به ارزش اسمی است که اعتبار می‌شود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۷۷).

## ب. نقد

استدلال‌های ارائه شده درباره مثلی بودن پول از سوی برخی دیگر از فقها و اندیشمندان نقد شده است. این گروه از فقها معتقدند: عنوان مثلی و قیمی (که در کتب فقهی در ذیل بحث ضمان مطرح می‌شود) مفاهیمی عرفی و انتزاعی هستند و توسط شارع وضع نشده‌اند. بنابراین، برای درک ماهیت آنها در هر زمان، باید به عرف مراجعه کرد (قحف، ۱۴۱۵ق، ص ۴۴).

از سوی دیگر، دقت در عرف امروزی نشان می‌دهد قدرت خرید با ماهیت پول اعتباری گره خورده است و بدین روی، می‌توان قدرت خرید را مقومٌ مثلثیت پول اعتباری در نظر گرفت. این دیدگاه از سوی فقهای همچون *آیة‌الله موسوی اردبیلی* تأیید شده است (نظری و غفوری چرخابی، ۱۳۸۹، ص ۸). بنابراین، تأکید صرف بر مسئله مثلی بودن پول، نمی‌تواند به مثابه استدلالی مناسب پذیرفته شود.

دلیلی هم که در دفاع از دیدگاه عدم جبران کاهش ارزش پول بیان شده قابل نقد به نظر می‌رسد؛ زیرا هر چند پول‌های رایج در عصر ائمه اطهار(ع) (درهم و دینار) هم با تغییر (افزایش یا کاهش) ارزش مواجه بودند، اما میزان این تغییرات با تورم‌های پول اعتباری قابل مقایسه نیست. برای مثال، برخی منابع نقل می‌کنند در زمان *ابویوسف* (از علمای اهل سنت در قرن دوم هجری قمری) ارزش پول در مقایسه با صدر اسلام، ۱۵ درصد کاهش یافته بود (بانک توسعه اسلامی، ۱۴۱۶ق، ص ۹۴؛ یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۴).

مسئله این میزان کاهش ارزش پول طی نزدیک به دو دهه، با تغییرات قابل توجه پول‌های اعتباری عصر جدید قابل مقایسه نیست. بر این اساس، بی‌توجهی ائمه و فقها به تغییرات ارزش درهم و دینار نمی‌تواند دلیلی بر لزوم یا عدم لزوم جبران کاهش ارزش پول اعتباری امروزی محسوب شود (شمس، ۱۳۷۶، ص ۱۱).

افزون بر این، دیدگاه مذکور با ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مبنی بر لزوم جبران کاهش ارزش پول در صورت تأخیر و با نظریه شورای نگهبان مبنی بر جبران کاهش ارزش پول در مهریه، تعارض دارد و نمی‌تواند آن را توضیح دهد. قابل ذکر است که شورای نگهبان در سال ۱۳۷۶ پذیرفت: اگر مهریه وجه رایج باشد، باید متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد، محاسبه شود (یوسفی، ۱۳۸۳).

## دوم. دیدگاه ضرورت جبران کاهش ارزش پول به طور مطلق و در همه شرایط الف. تبیین

برخی محققان معتقدند: اشتراط جبران کاهش ارزش پول به اندازه نرخ تورم، ربا به حساب نمی‌آید؛ زیرا - برای مثال - در عقد قرض، قرض‌دهنده قدرت خرید پول خود را به قرض‌گیرنده وام می‌دهد و در سررسید نیز باید همین قدرت خرید را دریافت کند. این محققان نتیجه می‌گیرند: به خاطر آنکه اقتصاد ایران همواره با تورم‌های بالا روبه‌رو بوده، در شبکه بانکی ایران ربا وجود ندارد؛ زیرا نرخ سودهای دریافتی و پرداختی پایین‌تر از نرخ تورم بوده است. در این باره بیان شده است:

اگر فردی امروز به شما یک میلیون تومان قرض بدهد و بگوید سال دیگر شما ۲۰ درصد به من سود بدهید و یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برگردانید، عده‌ای می‌گویند: این برای قرضی است، درحالی‌که به عقیده من، اصلاً ربا دیگر الان وجود ندارد؛ زیرا در علم اقتصاد از مسلمات است که نرخ تورم هر مقدار بود، به همان مقدار هم کاهش قدرت خرید پول ملی وجود دارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ص ۲).

پول زمانی ارزش ذاتی داشت، مثلاً در گذشته، پول به شکل طلا و نقره یا اشرافی ضرب می‌شد و پولی که رد و بدل می‌کردند از طلا یا از نقره بود و اینها ارزش ذاتی داشتند؛ اما پول امروز چنین ارزشی ندارد؛ حتی پشتوانه طلا هم دیگر مفهومی ندارد. امروزه تقریباً در هیچ نقطه‌ای از نقاط دنیا، پول به صورت طلا یا نقره نیست و همه‌اش کاغذ است. در نتیجه، پول نشانه قدرت خرید است؛ یعنی فردا اگر وزیر دارایی یا رئیس کل بانک مرکزی اعلام کند - مثلاً - این اسکناس ۱۰ هزار تومانی بی‌ارزش است، این پول‌ها باطل می‌شود. پول مادامی‌که اعتبار دارد، نشانه قدرت خرید است ... الان پول در همه دنیا، چه دلار باشد، چه پوند، یورو، دینار یا ریال، همه اینها نشانه قدرت خرید است؛ مثلاً فرض کنید کسی یک اسکناس هزار تومانی یا ۱۰ هزار تومانی دارد. این علامتی است از قدرت خریدی که فرد دارد و می‌تواند به وسیله این اسکناس نیازهایش را برطرف کند. در نتیجه، پول امروزی عینیت ندارد (همان).

جبران به اندازه تورم ربا نیست؛ زیرا اصل پول شخص پس داده می‌شود و صرفاً اسکناس زیاد شده است؛ اما اسکناس هیچ هویتی ندارد و صرفاً نشانه قدرت خرید است. لذا الان در کشور ما ربا اصلاً وجود ندارد. وقتی تورم ۴۰ درصد است، شما اگر به بنده ۱۰ میلیون تومان قرض دهید، بگویید سال دیگر ۳۰ درصد از شما سود می‌خواهم، باز هم کم است و پول واقعی را نگرفته‌اید؛ چون باید ۴۰ درصد روی آن بگذارید تا تبدیل به میزان واقعی آن شود (همان، ص ۳).

اساساً در هر قرضی (با هر وامی)، چه بانک بدهد و چه ما سپرده بگذاریم، باید نرخ تورم حساب شود؛ مثلاً بانک به بنده وام داده است به میزان ۱۰ میلیون تومان. بنده زمانی که بخواهم وام را بازپرداخت کنم، اگر ۴۰ درصد از من اضافه بگیرد، تازه اصل پولش را گرفته و ربا نیست؛ یعنی، جبران به اندازه نرخ تورم سود نیست و مازاد بر نرخ تورم، سود است. الان عملاً چنین چیزی نیست و بانک‌های کشور هیچ‌وقت این کار را نمی‌کنند (همان).

در تبیین منطق فقهی این دیدگاه بیان شده است:

به نظر ما، پول نه مثلی است، نه قیمی، هرچند مال است؛ زیرا ضابطه مثلی و قیمی، که فقها بیان می‌کنند، مربوط به اموال و کالاهایی است که ارزش ذاتی دارند. در واقع، فقهای ما کالاها را به دو قسم قیمی و مثلی تقسیم کرده‌اند؛ ولی اسکناسی که صرفاً مال اعتباری است شامل این تقسیم‌بندی نمی‌شود و به تعبیر اصطلاحی، پول

تخصصاً و موضوعاً از بحث مثلی و قیمی خارج است؛ زیرا امروز کسی پول را کالا نمی‌داند، بلکه آن را تنها نشانه قدرت خرید به حساب می‌آورد و نه چیز دیگر (همان).

## ب. نقد

به نظر می‌رسد به دلایل گوناگون این دیدگاه ناصحیح است. در این باره، می‌توان به چند نکته اشاره کرد: اولاً، بر فرض که جواز جبران قرض‌دهنده در عقد قرض به میزان نرخ تورم به لحاظ فقهی کاملاً درست باشد، باز هم این نتیجه که ربا در اقتصاد و بانک‌های ما اصلاً وجود ندارد ناصحیح است. زیرا نرخ تورم همیشه پوشش‌دهنده نرخ سود بانکی، به ویژه سود تسهیلات نیست. در واقع، طی سی و چند سال گذشته بارها اتفاق افتاده که نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده‌ها بیش از نرخ تورم بوده است. بنابراین، اینکه طوری بحث شود که گویا با پذیرش دیدگاه «لزوم جبران کاهش ارزش پول به اندازه نرخ تورم، کلاً ربا از اقتصاد و شبکه بانکی کشور حذف می‌شود، ناصحیح است.

ثانیاً، به نظر می‌رسد رفتار عرف با این دیدگاه تعارض دارد. در واقع، دقت در رفتار عرف نشان می‌دهد که معاملات بین افراد در جامعه بر روی ارزش اسمی پول منعقد می‌شود. بر این اساس، زمانی که یک شخص به دیگری ۱۰ میلیون تومان قرض می‌دهد، منظور طرفین این نیست که به اندازه ۱۰ میلیون تومان قدرت خرید قرض داده و گرفته می‌شود، بلکه منظور قرض دادن و گرفتن همان ۱۰ میلیون تومان ارزش اسمی پول است.

البته در اینجا باید بین «انگیزه معامله» و «قصد معاملی» تفکیک شود. ممکن است هدف قرض‌گیرنده از دریافت قرض خرید یک کالا (مثلاً، خودرو) باشد و انگیزه وی از ورود در عمل حقوقی قرض، دستیابی به قدرت خرید مذکور باشد، اما این تأثیری در قصد معاملی طرفین ندارد؛ یعنی در هنگام معامله نیت قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده واقعا قرض دادن یا گرفتن قدرت خریدی معادل یک خودرو نیست، بلکه - برای مثال - ۳۰ میلیون تومان قرض می‌کند و او هم ۳۰ میلیون قرض می‌دهد. بر این اساس، می‌توان مدعی بود که در عرف، معاملات بر روی ارزش اسمی و نه قدرت خرید انجام می‌شود.

این مطلب در نظریات برخی از فقها مشاهده می‌شود. در این باره، *آیة‌الله مکارم شیرازی* این گونه مطرح می‌کند: مسأله تورم در عصر ما، با این شدت و وسعت، که زاینده پول‌های کاغذی است، هرگاه در عرف عام به رسمیت شناخته شود، در فرض مسئله ربا نخواهد بود ... در چنین شرایطی، محاسبه نرخ تورم ربا نیست، ولی سود زاید بر آن ریاست. اما در محیط ما و مانند آن، که در عرف عام نرخ تورم در بین مردم محاسبه نمی‌شود، کلاً ربا محسوب می‌شود؛ زیرا اشخاصی که به یکدیگر وام می‌دهند بعد از گذشتن چند ماه یا بیشتر، عین پول خود را مطالبه می‌کنند و تفاوت تورم محاسبه نمی‌شود، و اینکه در محافل علمی تورم به حساب می‌آید، به تنهایی کافی نیست؛ زیرا مدار بر عرف عام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۸).

ثالثاً، هر چند تعدادی از مراجع تقلید دیدگاه مذکور را پذیرفته‌اند، این دیدگاه با نظر فقهای برجسته‌ای همچون آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی، بهجت، تبریزی، و فاضل لنکرانی ناسازگاری دارد (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱). واضح است که دیدگاهی می‌تواند در شبکه بانکی کشور اجرا شود که با نظر عمده مراجع سازگاری داشته باشد. رابعاً، مبانی فقهی این دیدگاه نیز به صورت جدی قابل نقد است؛ زیرا هیچ فقیهی در بحث از مثلی و قیمی، تفصیلی بین مال اعتباری و غیراعتباری قایل نشده است، بلکه تقریباً عمده فقها پول اعتباری را مالی مثلی در نظر می‌گیرند (موسایی، ۱۳۷۷، ص ۴۴).

همچنین اگر این ادعا پذیرفته شود که پول اعتباری صرفاً نشانه قدرت خرید است، آنگاه تالی فاسدی پدید می‌آید. در واقع، ثمره این دیدگاه آن است که پول‌های کاغذی نه مال دارای قدرت خرید است و نه عین قدرت خرید، بلکه فقط نشانه قدرت خرید به حساب می‌آید. چنین تعریفی پول را از ویژگی مال بودن خارج می‌کند و به آن جنبه سندیت می‌دهد که هیچ‌گونه ارزشی ندارد و فقط مسندالیه آن ارزش دارد. این درحالی است که قایلان این دیدگاه پول را مال می‌دانند و این تناقض است (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۰).

### سوم. دیدگاه ضرورت تفصیل بین تورم شدید، متوسط و خفیف الف. تبیین

برخی محققان معتقدند: در بحث جبران کاهش ارزش پول، لازم است بین سه حالت تورم شدید، متوسط و خفیف تفکیک شود و هریک به دلایل گوناگون احکام متفاوتی دارد:

اگر تورم شدید باشد، به‌گونه‌ای که عرف عام در مقابل آن در قراردادهای مدت‌دار از خود واکنش قابل ملاحظه‌ای نشان دهد، جبران کاهش ارزش پول لازم است و این از مصادیق ربا به‌شمار نمی‌رود. دلیلی که در این باره ارائه می‌شود آن است که ادای دین مفهومی عرفی است؛ به این معنا که اگر تورم به صورت شدید اتفاق بیفتد، صرف پرداخت مبلغ اسمی توسط مدیون منجر به بری‌الذمه شدن وی از منظر عرف نخواهد شد، بلکه عرف بازگرداندن ارزش حقیقی و قدرت خرید پول را منجر به بری‌الذمه شدن در نظر می‌گیرد (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۷).

اگر تورم خفیف باشد، به‌گونه‌ای که عرف عام در مقابل آن در قراردادهای مدت‌دار هیچ‌گونه واکنش قابل ملاحظه‌ای نشان ندهد، جبران کاهش ارزش پول جایز نیست و از مصادیق رباست. در اینجا هم مسئله ادای دین موضوعی عرفی است و چون عرف در مقابل تورم خفیف واکنشی نشان نمی‌دهد، بدین روی، با پرداخت مبلغ اسمی، مدیون بری‌الذمه خواهد شد.

در نهایت، اگر تورم متوسط باشد، به‌گونه‌ای که نوع واکنش عرف عام در مواجهه با آن قابل تشخیص نباشد، در این حالت جبران کاهش ارزش پول الزامی نیست و مصالحه بین طرفین، طریق احتیاط است. دلیل این موضوع آن است که در اینجا، شک وجود دارد آیا مدیون باید بیش از مبلغ اسمی چیزی بپردازد یا خیر؟ از

منظر اصولی، این نوع شک - در واقع - شک در تکلیف است و اصل عدم براءت (عدم تحقق تکلیف) جاری می‌شود؛ بدین روی، می‌توان این حالت را به دو مسئله دیگر منحل کرد: یکی تکلیف یقینی (بدهی به مقدار مبلغ اسمی) و دیگری شک بدوی (بدهی بیش از مبلغ اسمی)، که در این گونه موارد، اصل براءت درباره شک بدوی جریان پیدا می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۰).

## ب. نقد

این دیدگاه نیز به چند دلیل قابل نقد است:

اولاً، شاخصی برای تفکیک انواع سطوح تورم از یکدیگر ارائه نشده است. به عبارت دیگر، متر یا سنجه محقق برای تقسیم‌بندی تورم به شدید، متوسط، و خفیف واضح نیست؛ مشخص نیست چه نرخ از تورم حد آستانه در نظر گرفته می‌شود که با عبور از آن، بتوان تورم را شدید دانست. بر این اساس، دیدگاه مذکور نمی‌تواند ثمره عملی مشخصی برای حل چالش جبران کاهش ارزش پول داشته باشد. نکته دیگر آنکه اگر فرض شود در اقتصاد کشور تورم ۲۵ درصدی (شدید) وجود دارد و ثابت شود عموم مردم نیز تورم بالای ۱۵ درصد را تورم شدید به حساب می‌آورند، طبق استدلال نویسنده، جبران لازم است؛ اما مشخص نیست آیا باید کل ۲۵ درصد جبران شود یا تفاوت ۲۵ و ۱۵ درصد؛ زیرا مردم عملاً تا ۱۵ درصد تورم را در قراردادهای خود لحاظ نمی‌کردند. در این دیدگاه، به این پرسش نیز توجهی نشده است (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹).

ثانیاً، تمرکز اصلی دیدگاه مذکور بر نظر عرف است، در حالی که می‌توان شواهدی از عرف عام جامعه علیه دیدگاه مذکور ارائه دارد (قحف، ۱۴۱۵ق، ص ۶۲)؛ برای مثال، فرض کنیم فرد «الف» اول فروردین ماه مبلغ ده میلیون تومان به فرد «ب» قرض الحسنه دهد و مدت قرارداد یک ساله باشد. در این شرایط، اگر تورم ۲۰ درصدی (شدید) اتفاق بیفتد و در پایان سال (در سررسید قرارداد)، فرد «ب» همان مبلغ ده میلیون تومان را بازگرداند، از منظر عرف بری‌الذمه می‌شود؛ زیرا عرف این گونه قضاوت می‌کند که فرد «الف» با در نظر گرفتن جمیع شرایط خود، اقدام به فعل حقوقی قرض دادن کرده است و به همین دلیل، در سررسید نمی‌تواند چیزی بیش از مبلغ اسمی قرض داده شده را مطالبه کند.

یا فرض کنید فردی خانه خود را به ۵۰۰ میلیون به صورت ۳۰۰ میلیون نقد و ۱۰۰ میلیون شش ماهه و ۱۰۰ میلیون یک ساله می‌فروشد و کشور با تورم ۲۰ درصدی مواجه می‌شود. آیا در این فرض، فروشنده خانه، به خود اجازه می‌دهد به بهانه تورم و جبران کاهش ارزش پول، به جای ۱۰۰ میلیون اول ۱۱۰ و به جای ۱۰۰ میلیون دوم ۱۲۰ میلیون مطالبه کند؟ هیچ عرفی حتی در کشورهایی، که ربا را مجاز می‌شمارند، چنین حقی را به طلبکار نمی‌دهد.

## چهارم. دیدگاه مختار: عدم لزوم جبران تا سررسید و لزوم جبران بعد از سررسید

دیدگاه منتخب این پژوهش، «عدم لزوم جبران کاهش ارزش پول تا سررسید و لزوم جبران آن بعد از سررسید» است. این دیدگاه بر اساس ترکیبی از دو قاعده فقهی به دست می‌آید که عبارتند از: قاعده «اقدام» و قاعده «ممنوعیت ضرر». در ادامه، ابتدا این دو قاعده به اجمال بحث و سپس دیدگاه مختار تبیین می‌شود. در نهایت، به برخی شبهات احتمالی پاسخ داده می‌شود:

### الف. ماهیت قاعده اقدام

قاعده اقدام، که از آن به قاعده «اقدام به زیان» نیز تعبیر می‌شود، بیان می‌کند هر گاه شخصی با علم و آگاهی، عملی انجام دهد که سبب ایجاد زیان توسط دیگران به او شود، واردکننده زیان (که شخص دیگری است) مسئول خسارت نخواهد بود (محقق داماد، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص ۹۳).

فقهها و حقوق دانان مسئولیت نداشتن واردکننده زیان را مستند به اقدام دانسته‌اند؛ بدین معنا که شخص با اقدام علیه منافع خود، موجب از بین رفتن احترام مالش شده است. در واقع، هر چند مالکیت شخص بر اموالش مشمول حمایت شرع و قانون است، اما زمانی که شخص اقدامی انجام دهد که مالکیتش بر تمام یا بخشی از اموالش به خطر بیفتد، خود مسئول زیان‌های وارد شده و آسیب به اموالش خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵).

قاعده اقدام به دلایل عقلی و نقلی از سوی مشهور فقها پذیرفته شده است و می‌توان به احکام متعددی در منابع فقهی و حقوقی اشاره کرد که مبانی آنها قاعده اقدام است. در ادامه، به سه نمونه از این احکام اشاره می‌شود:

الف. یکی از حقوق مشتری در قرارداد بیع، «خیار غبن» است؛ به این معنا که اگر بین عوضین در زمان معامله تعادل وجود نداشته باشد (غبن اتفاق بیفتد)، مشتری حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. با این حال، هر گاه شخصی با آگاهی به غبن، اقدام به خرید، فروش، یا اجاره مالی کند، به لحاظ فقهی خیار فسخ ندارد و نمی‌تواند خسارت مطالبه کند؛ زیرا به زیان خویش اقدام کرده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۵). به لحاظ حقوقی نیز هر چند بحث خیار غبن در ماده (۴۱۶) قانون مدنی مطرح شده است، اما ماده ۴۱۸ به صراحت بیان می‌کند: «اگر مغبون در حین معامله عالم به قیمت عادلانه بوده است، خیار فسخ نخواهد داشت».

ب. یکی دیگر از حقوق مشتری در قرارداد بیع، «خیار عیب» است؛ به این معنا که اگر مورد معامله عیبی داشته باشد که بعد از معامله ظاهر شود، مشتری حق فسخ معامله را خواهد داشت. اما چنانچه مشتری با علم به نقص و عیب مبیع اقدام به خرید کند، دیگر خیار عیب نخواهد داشت؛ زیرا یکی از شروط تحقق خیار عیب، «جهل مشتری» و «پنهان بودن عیب در حین معامله» است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۶).

قانون مدنی نیز در ماده ۴۳۶ بیان می‌کند:

اگر بایع از عیوب مبیع تبری کرده باشد، به اینکه عهده عیوب را از خود سلب کند یا با همه عیوب بفروشد، مشتری در صورت ظهور عیب، حق رجوع به بایع نخواهد داشت. اگر هم بایع از عیب خاصی تبری کرده باشد، فقط نسبت به همان عیب حق مراجعه ندارد.

سقوط خیار عیب مشتری در فرض تبری بایع، به دلیل قاعده اقدام است؛ زیرا خیار عیب مستند به آن است که مشتری از مبیع معیوب متضرر می‌شود و بدین روی، شرع و قانون گذار از او حمایت کرده است؛ اما کسی که با فرض تبری بایع اقدام به بیع می‌کند، هرچند ضرر می‌بیند، اما این ضرر ناشی از اقدام شخصی وی است و از این رو، حمایت نخواهد شد. ج. بر اساس فقه و قانون مدنی، اگر شخص صغیر یا مجنونی سبب ایجاد ضرر شود، ضامن خواهد بود؛ اما اگر شخص آسیب‌دیده آگاهانه اموال خود را به دست صغیر یا مجنون دهد (مثلاً، ودیعه دهد) و او اموال را تباه کند، ضامن نخواهد بود. ماده (۱۲۵۱) قانون مدنی در این باره بیان می‌کند: «هر گاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیرممیز یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود». منطق این ماده نیز برگرفته از قاعده اقدام است.

در این نمونه‌ها، به وضوح مشاهده می‌شود که به خاطر قاعده اقدام، جبران ضرر و زیان وارد شده بر اقدام‌کننده، بر ضرررساننده واجب نیست. به عبارت دیگر، قاعده اقدام مانع جریان سایر قواعد می‌شود.

## ب. ماهیت قاعده ممنوعیت ضرر

به لحاظ لغوی، برای کلمه «ضرر» معانی گوناگونی ذکر شده است؛ مانند خلاف نفع، ضد نفع، نقص در حق، حال و شرایط بد، کمبود مال و جان و مانند آن (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵). اما به لحاظ اصطلاحی، منظور از قاعده ممنوعیت ضرر، آن است که در اسلام، تنها آن دسته از معاملات تأیید شده است که اصل معامله، اطلاق، یا شرایط آن موجب ضرر یا ضرار فرد دیگر یا جامعه در زمان حال یا آینده نشود. از این رو، ضرری بودن معامله به ابطال آن می‌انجامد (عراقی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۱).

به لحاظ سندی، قاعده ممنوعیت ضرر بسیار مستحکم است، به گونه‌ای که هم قرآن (بقره: ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۸۲)، هم روایات (به ویژه ماجرای سمرهٔ بن جندب، حدیث «شفعه» و حدیث «حفر قنات») و هم عقل بر قاعده ممنوعیت ضرر مهر تأیید زده‌اند و به این موضوع به خوبی در تحلیل‌های فقها اشاره شده است. به لحاظ شمول، قاعده نفی ضرر اختصاص به باب معاملات ندارد و ابواب متعددی از عبادات، مانند جهاد، نماز، روزه، زکات و حج را نیز در بر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۵۸).

علاوه بر فقه اسلامی، قاعده ممنوعیت ضرر در قانون اساسی (اصل ۴۰)، قانون مدنی (ماده ۱۳۲)، قانون مجازات اسلامی (ماده ۳۵۳) و دیگر قوانین موضوعه کشور نیز مکرر مطرح نظر قانون گذار قرار گرفته است. برای مثال، اصل ۴۰ قانون اساسی بیان می‌کند: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

### ج. حکومت قاعده اقدام بر قاعده ممنوعیت ضرر قبل از سررسید

دیدگاه منتخب این پژوهش آن است که قبل از سررسید، به خاطر اقدام شخص، نیازی به جبران کاهش ارزش پول وجود ندارد و الزام کردن بدهکار بر انجام این کار، می‌تواند با چالش ربا مواجه شود. اما پس از سررسید، به خاطر از بین رفتن قاعده اقدام و ضرر دیدن شخص از کاهش ارزش پول، لازم است کاهش ارزش پول جبران شود.

توضیح آنکه وقتی قرض‌دهنده عاقل و بالغ تصمیم می‌گیرد به هر علت بخشی از اموالش را به دیگری قرض دهد، با اقدام خود - در واقع - عدم انتفاع خود از مال را تا سررسید و مخاطرات احتمالی آتی پذیرفته است. یکی از این مخاطرات، احتمال ایجاد تورم و کاهش ارزش پول تا سررسید قرارداد است. به عبارت دیگر، زمانی که شخص تصمیم می‌گیرد از عقد قرض استفاده کند و از دیگر عقود سود ده (مانند مباحه، اجاره، جعاله، و مانند آن)، که به صورت طبیعی ریسک تغییرات قیمت را (تا حدی) در خود منعکس می‌سازند، استفاده نمی‌کند، با این کار، خود، مخاطرات ناشی از ورود در عقد قرض را می‌پذیرد.

همچنین زمانی که فرد بر اساس نرخ سود مشخصی اقدام به انجام معامله انتفاعی مدت‌دار (مانند بیع یا اجاره) می‌کند، خود، مخاطرات تغییرات نرخ تورم را می‌پذیرد. برای مثال، زمانی که با نرخ سود ۲۰ درصد مباحه یک‌ساله می‌کند، احتمال می‌دهد که ممکن است در آینده نرخ تورم، حتی بیش از ۲۰ درصد باشد، ولی شخصاً به سود ۲۰ درصد اکتفا کرده است. البته این اقدام و اکتفا تا سررسید است و شامل بعد از سررسید نمی‌شود.

نکته مهم در این باره، آن است که عرف عام مردم مؤید این دیدگاه است و می‌توان شواهدی در این باره ارائه کرد. برای مثال، در اقتصاد ایران، که همواره با شرایط تورمی روبه‌رو بوده است، معمولاً قرض‌الحسنه‌های بالای یک سال بین مردم رواج ندارد؛ مثلاً، بسیار کم مشاهده می‌شود شخصی به شخص دیگر منابع خود را به مدت ده سال قرض‌الحسنه دهد. یا اینکه برخلاف گذشته، که مهریه در عقد ازدواج به صورت وجه نقد تعیین می‌شد، در حال حاضر، مهریه معمولاً به صورت سکه طلا (که در برابر تورم تا حدی مصون است) تعیین می‌شود.

به نظر می‌رسد یکی از علل این مسائل، حساس بودن عرف عام به مقوله کاهش ارزش پول در بلندمدت است که مانع اقدام اشخاص در این باره می‌شود. بدین روی، در عرف مردم، اگر شخصی به منابع خود را ده ساله شخص دیگری قرض دهد (یا مهریه عقد ازدواج را وجه رایج در نظر بگیرد) و در سررسید مازادی برای کاهش ارزش پول طلب کند، سرزنش نخواهد شد و اقدام شخص در اعطای قرض، دلیلی بر عدم ضرورت دریافت چیزی بیش از اصل منابع به حساب می‌آید.

شاهد دیگر معیار بودن ارزش اسمی در رفتارهای معاملی عرف و عقلا، این است که اگر قرارداد بر اساس قدرت خرید پول بود، دو طرف در زمان انعقاد قرارداد قرض یا هر قرارداد مدت‌دار دیگر، باید روی قدرت خرید و معیار آن به توافق می‌رسیدند تا بعداً مشکلی پیش نیاید؛ مثلاً، تعیین می‌کردند این مقدار از پول (برای مثال ۱۰ میلیون تومان) بر اساس کدام یک از دارایی‌ها، چه میزان قدرت خرید دارد و به یک توافق مشخص می‌رسیدند. برای مثال، قرض‌دهنده این گونه بیان می‌کرد که من امروز (تاریخ مشخص) ۱۰ میلیون تومان، که معادل فلان مقدار گرم طلا



یا فلان مقدار ارز است، قرض می‌دهم و شما (قرض‌گیرنده) باید در سررسید، بر اساس قیمت طلا یا ارز (یا هر شاخص دیگری) قرض را تسویه کنید. این در حالی است که در رفتار عرف و عقلا چنین موضوعی مشاهده نمی‌شود، بلکه قرض‌گیرنده به صورت ساده، تقاضای ده میلیون قرض می‌کند و قرض‌دهنده نیز در صورت تمایل، آن را می‌پردازد و اصلاً قدرت خرید پول مورد توجه طرفین نیست.

از منظر تحلیل فقهی، اگرچه قاعده ممنوعیت ضرر بر ادله احکام حکومت دارد، اما قاعده اقدام بر قاعده ممنوعیت ضرر حاکم است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص ۹۳). در این باره، می‌توان به احکام متعددی اشاره کرد. برای مثال، از منظر فقهی و حقوقی، اگر شخصی مالش را به نصف قیمت بازار بفروشد، هر چند ضرر خواهد دید و به مقتضای قاعده ممنوعیت ضرر باید زیانش جبران شود، اما چون وی آگاهانه به ضرر خود اقدام کرده است، قاعده اقدام مانع اجرای مفاد قاعده ممنوعیت ضرر می‌شود و بنابراین، خیار غبن او ساقط می‌شود.

در بحث جبران کاهش ارزش پول نیز تا قبل از سررسید، قاعده اقدام مانع اجرای ممنوعیت ضرر می‌شود و جبران مشروعیت ندارد. اما پس از سررسید، با از بین رفتن قاعده اقدام، قاعده ممنوعیت ضرر اجرایی می‌شود و جبران کاهش ارزش پول واجب خواهد بود. البته اگر بعد از سررسید، تورم به اندازه‌ای کم باشد که عرف آن را در روابط خود لحاظ نکند، جبران لازم نخواهد بود؛ اما اگر تورم متوسط یا شدید باشد، به نحوی که عرف نسبت به آن واکنش نشان دهد، آنگاه جبران کاهش ارزش پول ضروری می‌شود.

به بیان دیگر، بعد از سررسید قرارداد قرض یا هر قرارداد دیگری، اگر بدهکار در پرداخت بدهی تأخیر کند و در اثر این تأخیر، ارزش دارایی (طلب) طلبکار کاهش پیدا کند، این مصداق ضرر بوده و عامل ایجاد ضرر (که بدهکار است) ضامن این ضرر خواهد بود. بر این اساس، بعد از سررسید، اقدامی هم وجود ندارد که مانع جریان قاعده نفی ضرر باشد.

## د. پاسخ به برخی اشکالات محتمل

با توجه به جدید بودن دیدگاه منتخب، ممکن است شبهه‌هایی درباره آن مطرح شود که در ادامه، به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

### ۱. تفاوت حکم و موضوع

شبهه اول به مسئله تفاوت تاثیر اقدام فرد در حکم و موضوع بازمی‌گردد. در این باره این گونه بیان شده است: اقدام فرد بر ضرر خویش، موضوع سقوط را محقق می‌کند، نه اینکه اقدام بر ضرر، حکمی را ایجاد کند. به عنوان مثال، وفای به عقد (وفوا بالعقود) و تهید طرفین به مفاد عقد، زمانی است که شرایط آن از نظر اسلام رعایت شده باشد؛ یعنی عقدی که شرایط لازم را دارد واجب‌الوفاء است و لذا عقدی که شرایط را ندارد واجب‌الوفاء و ضامن‌آور نیست. یکی از این شرایط در مورد خرید و فروش، مالک بودن بایع است. وقتی مشتری با علم به عدم مالکیت بایع اقدام به خرید می‌کند، موضوع عدم ضمان را محقق کرده است. در ودیعه نیز شخصی که امانت پیش او گذاشته می‌شود

در صورتی در زمان تعدی و تفریط ضامن است که شرایط تکلیف را داشته باشد. این موضوع به دلالت التزامی، دلالت دارد که اگر شرایط تکلیف را نداشت، ضامن نیست. حال وقتی مالی نزد دیوانه به ودیعه گذاشته شد، موضوع سقوط ضامن محقق شده است.

با توضیح این دو مثال، این سؤال مطرح می‌شود که آیا در مورد قرض، حکمی از طرف شارع وجود دارد مبنی بر اینکه قدرت خرید نباید مطالبه شود، تا اینکه اقدام به قرض دادن، مساوی با سقوط ضامن کاهش قدرت خرید باشد؟ در جواب، باید گفت: چنین حکمی وجود ندارد. تنها نکته‌ای که هست، شارع در مورد قرض فرموده نباید زیادی اخذ شود. لذا اینکه مطالبه قدرت خرید اخذ زیادی هست یا خیر، اول کلام است. به عبارت دیگر، اقدام بر ضرر، حکم‌ساز نیست، بلکه موضوع‌ساز است و دلالتی بر اسقاط ضامن کاهش قدرت خرید از طرف مالک ندارد (تلخیصی و ناظمی، ۱۳۹۵، ص ۵).

در پاسخ به این شبهه، می‌توان این گونه مطرح نمود که اگر لسان قواعد لاضرر یا اقدام، لسان نفی حکم باشد، باز هم این مسئله اختصاص به حکم وجوب و حرمت ندارد، بلکه این قواعد مطلق احکامی را که خلاف اصل هستند، برمی‌دارند. در بحث حاضر نیز جواز اخذ مبلغی (مازادی) معادل کاهش ارزش پول با استناد به روایات متعددی که بر نبود هرگونه مازادی در عقد قرض تأکید دارند، خلاف اصل است. بنابراین، چنین حکمی (حکم جواز اخذ مازاد) با استناد به قاعده اقدام نفی خواهد شد.

در واقع، در اینجا نیز مشابه مثال‌های مطرح شده، یک حکم کلی از طرف شارع وجود دارد و آن اینکه: «هر قرضی که در آن نفعی شرط شود، ریاست» (کل قرض جرّ نفعاً فهو ربا). بر اساس این حکم شرعی، پرداخت هر نوع زیادی مشروط (چه به صورت صریح و چه به صورت ضمنی) تحت هر عنوان ریاست. در این شرایط، وقتی قرض‌دهنده با علم به این حکم کلی شرعی و همچنین با علم اجمالی به امکان ایجاد تورم در اقتصاد، اقدام به قرض دادن می‌کند، عملاً موضوع عدم ضامن را محقق کرده است.

به بیان دیگر، قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده هنگام انعقاد قرارداد قرض، قصد دریافت و بازپرداخت ارزش اسمی را دارند؛ یعنی قرض‌دهنده گرچه احتمال شکل‌گیری تورم و کاهش ارزش پول خود را می‌دهد، ولی در عین حال اقدام به اعطای قرض و دریافت ارزش اسمی در سررسید می‌کند. در این فرض، اگر تورمی رخ دهد و ارزش پول کاهش پیدا کند، قرض‌دهنده اقدام به پذیرش این کاهش ارزش کرده است و دیگری (قرض‌گیرنده) ضامن وی نخواهد بود؛ زیرا اگر غیر از این بود، خود قرض‌دهنده باید از ابتدا قدرت خرید پول و شاخص تسویه حساب در سررسید را معین و سپس قرارداد قرض را امضا می‌کرد و عرف مردم (حتی در کشورهایی که ربا را مجاز می‌شمارند) در قرارداد قرض چنین نیست.

در واقع، در بیشتر کشورها عموم مردم، یا قرض نمی‌دهند یا بر اساس ارزش اسمی قرض می‌دهند. حتی در بانک‌داری ربوی نیز گرچه اصل قرض را همراه با زیاده شرط می‌کنند، اما رفتارشان کاملاً بر اساس ارزش اسمی است. بدین روی، اگر بانکی با نرخ بهره ۱۰ درصدی به مشتریان وام پنج ساله دهد، هرچند در برخی سال‌ها تورم آن کشور (منتظره یا غیر منتظره) بیش از ۱۰ درصد باشد، نمی‌تواند بیش از ده درصد بهره را مطالبه کند.

## ۲. عدم پیش‌بینی تورم

شبهه دیگری که در اینجا می‌تواند مطرح شود آن است که عرف توان پیش‌بینی دقیق تورم را ندارد. بدین روی، قرض‌دهنده‌ای که اقدام به فعل حقوقی قرض می‌کند، از آینده تورم اطلاعی ندارد و - مثلاً - نمی‌تواند پیش‌بینی کند که در سال آینده نرخ تورم ۳۰ درصد خواهد بود. در این شرایط، نمی‌توان از اقدام وی، عدم ضرورت ضمان جبران کاهش ارزش پول را نتیجه گرفت.

در پاسخ به این شبهه، می‌توان این گونه مطرح کرد که در اینجا، وجود علم اجمالی نسبت به تورم آتی (چه تورم محتمل و چه تورم غیرمنتظره) کفایت می‌کند، و نیازی به اطلاع دقیق از میزان تورم آینده وجود ندارد. توضیح آنکه به لحاظ علمی و فنی، امکان پیش‌بینی دقیق نرخ تورم اساساً وجود ندارد و حتی کارشناسان بانک مرکزی نیز نمی‌توانند به صورت دقیق، میزان تورم آتی را تعیین کنند. بنابراین، همین که شخص (قرض‌دهنده) احتمال می‌دهد ممکن است اقتصاد همراه با تورم (محتمل یا غیرمحتمل) باشد و نرخ آن هم به صورت دقیق قابل پیش‌بینی نیست و در عین حال، اقدام به اعطای قرض کند، خود اقدام کرده است و کسی ضرر را بر او تحمیل نکرده تا ضامن جبران کاهش ارزش باشد.

با این حال، بحث حاضر در رابطه با اقتصادی مانند ایران است که همواره با تورم‌های قابل توجه مواجه بوده است. حتی در برخی سال‌ها، تورم‌های غیرمحتمل و غیرمنتظره (با نرخ‌های بالای ۴۰ درصد) نیز اتفاق افتاده است. در چنین شرایطی، عموم مردم کاملاً پدیده تورم را احساس کرده، اجمالاً پیش‌بینی می‌کنند که در آینده نیز تورم وجود دارد. به عبارت دیگر، تجربه چند دهه تورم دورقمی این انتظار و پیش‌بینی عمومی را ایجاد کرده است که در آینده نیز احتمال تورم (محتمل یا غیرمحتمل) وجود دارد. بدین روی، اگر کسی مدعی شود که من در هنگام قرض دادن وقوع تورم را پیش‌بینی نمی‌کردم، از طرف عموم سرزنش می‌شود.

نکته مهم در این رابطه آن است که - همان گونه که قبلاً ذکر شد - عرف عام مردم موید این دیدگاه است و می‌توان شواهدی در این زمینه ارائه کرد. برای مثال، بر خلاف گذشته، که مهریه در عقد ازدواج به صورت وجه نقد تعیین می‌شد، در حال حاضر، مهریه معمولاً به صورت سکه طلا (که در برابر تورم تا حد زیادی مصون است) تعیین می‌گردد. این شواهد نشان‌دهنده وجود علم اجمالی، پیش‌بینی و واکنش عقلایی عرف عام نسبت به مسئله تورم است.

بر این اساس، وقتی قرض‌دهنده‌ای با وجود این علم اجمالی، اقدام به عمل حقوقی قرض دادن می‌کند، در واقع بین چند گزینه (مانند: نگهداری پول به صورت نقد، خرید خانه، خرید طلا و سکه، خرید ارز و مانند آن) عمل قرض دادن را انتخاب می‌کند. به دلیل همین انتخاب و اقدام (با وجود علم اجمالی)، در سررسید، حق دریافت مازاد را ندارد. بدین روی، اگر در زمان عقد قرارداد قرض، از قرض‌دهنده سؤال شود که آیا احتمال نمی‌دهی در آینده تورم در اقتصاد ایجاد گردد و ارزش پولت کسر گردد؟ به احتمال زیاد، نمی‌تواند بگوید: احتمال ایجاد تورم را نمی‌دهم، و اگر

این را بگوید از طرف عموم سرزنش خواهد شد. همان گونه که اگر کسی در شرایط کنونی، مهریه دختر خود را وجه نقد (مثلاً، پنجاه میلیون تومان) تعیین کند، قطعاً از طرف خانواده و اطرافیان سرزنش خواهد شد.

### ۳. ناسازگاری با نظرات فقها و مراجع تقلید

شبهه دیگری که در اینجا مطرح می‌شود آن است که به نظر می‌رسد هیچ‌یک از مراجع تقلید حاضر، به صراحت، به دیدگاه منتخب اشاره‌ای نکرده‌اند.

در پاسخ به این اشکال، می‌توان گفت: هرچند دیدگاه مذکور به طور کامل توسط مراجع بیان نشده است، اما دقت در دیدگاه‌های مراجع نشان می‌دهد دیدگاه منتخب با نظریات بیشتر مراجع ناسازگاری ندارد. حتی گاهی مراجع تقلید به صورت غیرمستقیم به قاعده اقدام یا ضرر و یا به هر دو قاعده اشاره کرده‌اند.

برای مثال، آیه‌الله مکارم شیرازی تأکید می‌کند: مسئله دو صورت دارد: یک وقت شخص با میل خود وامی به دیگری می‌دهد و می‌داند در این مدت تورم بالا می‌رود و در عین حال، به این کار راضی شده است. چنین کسی حق ندارد مبلغ بیشتری بگیرد، زیرا، خودش اقدام کرده است. صورت دوم آن است که شخصی خسارتی بر کسی وارد کرده و یا مدیون است و زمان ادای دین رسیده و آن را مدت زیادی به تأخیر می‌اندازد، به گونه‌ای که نرخ تورم بالا می‌رود. در این صورت، ادای دین و جبران خسارت جز با در نظر گرفتن نرخ تورم متوسط اشیای مختلف صدق نخواهد کرد (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷). در اینجا، عبارت «خودش اقدام کرده است» صراحتاً به قاعده اقدام اشاره دارد.

آیه‌الله سبحانی نیز در این باره بیان می‌کند:

چیزی که به مثابه قرض الحسنه داده است، فقط می‌تواند مثل آن را بگیرد ... و اگر بیش از آنچه پرداخته است به مثابه تورم و کاهش ارزش بگیرد، ربا خواهد بود. او (قرض دهنده) به هنگام پرداخت وام، حفظ ارزش و مالیت را شرط نکرده و بر یک اصل مسلم در باب وام - مثلاً، بمثل - تکیه کرده است، و آن اینکه آنچه را می‌گیرد، عوض آن را از خود آن، بدون کم و زیاد بردارد. لذا، ضرر از جانب خود قرض دهنده است که به حفظ ارزش پول خود توجه نکرده است و باید متحمل آن شود. به عبارت دیگر، قرض دهنده اسکناس راه که دارای ارزش است - نه ارزش خاص و معین - قرض داده است و باید همان را پس بگیرد. نتیجه اینکه تورم در چنین وام‌هایی تاثیر نخواهد گذاشت (سبحانی، ۱۳۷۲، ص ۱۱).

به نظر می‌رسد عبارت «ضرر از جانب خود قرض دهنده است که به حفظ ارزش پول خود توجه نکرده است و باید متحمل آن شود» به قاعده اقدام اشاره داشته باشد. در واقع، این دیدگاه دلیل جایز نبودن جبران کاهش ارزش پول را اقدام قرض دهنده در نظر می‌گیرد.

آیه‌الله صافی گلپایگانی نیز در این زمینه بیان می‌دارد:

در بحث مهریه، اگر اسکناس مورد صدق با رضایت زوجه در ذمه زوج باقی مانده باشد، ظاهر این است که زوج ضامن ضرر و تنزل مالیت آن نیست، و اگر با عدم رضایت او از پرداخت خودداری کرده باشد، زوج ضامن ضرر زوجه است (جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱). در این عبارت، بر مسئله رضایت زوجه (قاعده اقدام) و قاعده ضرر تأکید شده است.

آیه‌الله جوادی آملی نیز در این زمینه بیان می‌دارد:

در صورتی که تأخیر ادای دین برای عدم قدرت بدهکار باشد و در اولین فرصت آن را تأدیه کند، طلبکار حق دریافت مبلغ زاید را ندارد. در صورتی که تأخیر ادای دین عمدی بوده و سبب خسارت طلبکار شود، وی حق دریافت مبلغ زاید را از بدهکار دارد (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷).

مطابق نظر ایشان نیز طلبکار تا زمان برطرف شدن عسر و حرج مدیون، حق مطالبه مازاد ندارد؛ اما اگر بعد از آن تأخیر کرد، حق دریافت زیاده به عنوان خسارت دارد. آیه‌الله سید کاظم حائری نیز در این باره می‌نویسد:

چنانچه ... مدیون که وقت ادای دین او فرا رسیده و قادر به ادا هست، ولی معصیتاً ادا نمی‌کند، در این صورت، طبق قاعده لاضرر مقدار کاهشی را که به این پول عارض شده (شخص مقصر) ضامن است و چنانچه تأخیر ادا با توافق طرفین بوده یا به دلیل «نظرة الی المیسره» بوده، دلیل بر ضمان کاهش وجود ندارد و شخص مدیون در این صورت، امین است و ضمانتی برای او وجود ندارد (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲).

مطابق نظر آیه‌الله حائری نیز اگر تأخیر با توافق بوده (قاعده اقدام) حق گرفتن مازاد وجود ندارد؛ اما اگر بدون توافق بوده، ضمان کاهش ارزش پول وجود دارد (قاعده لاضرر).

#### ۴. ناسازگاری با قوانین

اشکال دیگری که مطرح می‌شود آن است که در قوانین موجود در نظام حقوقی کشور، به مسئله اقدام اشاره‌ای نشده است و به همین دلیل، امکان کاربرد دیدگاه منتخب وجود ندارد. در پاسخ به این اشکال، می‌توان به متن برخی از قوانین، که به صورت غیرمستقیم به قاعده اقدام پرداخته‌اند، اشاره کرد: برای مثال، ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، که به مسئله جبران کاهش ارزش پول مرتبط است، بیان می‌دارد:

در دعوی‌ای که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه طلبکار و تمکن بدهکار، بدهکار امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه (که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد) محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد، مگر اینکه طرفین به‌نحو دیگری مصالحه نمایند.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در این ماده قانونی، دو بار به مطالبه طلبکار اشاره شده است که می‌تواند اماره‌ای از تأکید بر قاعده اقدام باشد. به عبارت دیگر، اگر طلبکار اقدام به مطالبه نکند، مستحق جبران کاهش ارزش پول نخواهد بود. همچنین، در این ماده، بر ضرورت جبران بعد از سررسید تا زمان پرداخت تأکید شده و اجازه جبران قبل از سررسید داده نشده است، که با دیدگاه منتخب تحقیق سازگاری دارد.

## تحلیل دیدگاه منتخب پژوهش بر اساس نظر خبرگان

باوجود تحلیل‌های ذکر شده در قسمت قبل و با توجه به جدید بودن دیدگاه منتخب مطرح شده در این پژوهش، به نظر می‌رسد دریافت نظرات محققان بانک‌داری اسلامی در رابطه با دیدگاه مذکور، می‌تواند به تقویت و تکمیل آن کمک شایانی نماید.

بر این اساس، در این قسمت با طراحی پرسش‌نامه و استفاده از روش دلفی دومرحله‌ای (برای گردآوری نظرات) تلاش شده است تا نظر برخی از محققان حوزه بانک‌داری اسلامی در رابطه با دیدگاه منتخب تحقیق ارزیابی گردد. در ادامه به صورت مختصر، به جزئیات و نحوه استفاده از روش مزبور برای گردآوری و تحلیل دیدگاه خبرگان اشاره می‌شود:

### الف. ماهیت روش دلفی

روش «دلفی» یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که به منظور کسب دانش گروهی در موضوعی خاص از آن استفاده می‌شود. این روش فرایندی است که دارای ساختار پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری بوده و طی مراحل (راندها و یا دوره‌های) پیمایشی، در جهت گردآوری نظرات خبرگان و ایجاد اجماع بین آنان حرکت می‌کند. در حالی که بیشتر پیمایش‌ها سعی دارند پرسش «چه هست؟» را پاسخ دهند، دلفی به پرسش «چه باید باشد؟» پاسخ می‌دهد (احمدی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۳).

مهم‌ترین هدفی که در روش دلفی دنبال می‌شود، دسترسی به مطمئن‌ترین توافق گروهی خبرگان درباره موضوعی خاص است که با استفاده از پرسش‌نامه و نظرخواهی از خبرگان (در چند مرحله) صورت می‌پذیرد. این روش، بررسی کاملی از عقاید خبرگان، با سه ویژگی اصلی است که عبارتند از: پاسخ بی‌طرفانه به پرسش‌ها (پرسش‌نامه‌ها)، تکرار دفعات ارسال پرسش‌ها و دریافت بازخورد از آنها، و در نهایت، تجزیه و تحلیل آماری از پاسخ‌های دریافت شده به صورت گروهی (ایمانی جاجرمی، ۱۳۷۹).

### ب. شیوه کاربرد روش دلفی در این تحقیق

در ادله، در زمینه شیوه کاربرد روش دلفی در تحقیق حاضر توضیح داده می‌شود:

#### ۱. تشخیص و تعریف مسئله

مسئله اصلی این پژوهش دریافت نظر خبرگان در رابطه با نظریه «عدم جواز جبران کاهش ارزش پول قبل از سررسید به مقتضای قاعده اقدام و لزوم جبران بعد از سررسید به مقتضای قاعده لاضرر» است. در قسمت‌های قبلی مقاله، تحلیل‌های نظری در دفاع از این نظریه مطرح گردید.

## ۲. تعیین شاخص‌های انتخاب هیأت خبرگان (پانل)

دومین گام در اجرای روش دلفی در این پژوهش، تعیین شاخص‌های انتخاب خبرگان است. در واقع، لازم است معیارها و مشخصه‌هایی ارائه شود که خبرگان بر اساس این ملاک‌ها انتخاب گردند. مسلماً با توجه به موضوع پژوهش، خبرگان پژوهش باید به لحاظ نظری و عملی، صاحب‌نظر «بانکداری اسلامی» باشند. در واقع، باید از دو معیار کلی برخوردار باشند: یکی صاحب‌نظر بودن در بانکداری اسلامی به عنوان حوزه‌ای علمی، و دیگری آشنایی عملی با شبکه بانکی کشور.

## ۳. تعیین جامعه و نمونه

سومین گام در اجرای روش دلفی، تعیین جامعه و نمونه است. در این زمینه، با بررسی منابع و همچنین مشورت با برخی از صاحب‌نظران برجسته بانکداری اسلامی کشور، این نتیجه حاصل شد که قریب ۳۰ تن از هر دو معیار، یعنی «توانمندی علمی» و «آشنایی عملی با نظام بانکی کشور» برخوردارند. به عبارت دیگر، در این تحقیق جامعه خبرگان بانکداری اسلامی در کشور جامعه‌ای ۳۰ نفره در نظر گرفته می‌شود. لازم به ذکر است که در این تحقیق، صرفاً خبرگان خاص حوزه بانکداری اسلامی مطرح نظر بوده‌اند و بدین روی، صاحب‌نظران سایر حوزه‌های مرتبط، مانند: اقتصاد اسلامی، مالی اسلامی، بازار سرمایه اسلامی و فقه‌الاقتصاد، در جامعه در نظر گرفته نشده‌اند.

در رابطه با نمونه‌گیری، هرچند در ادبیات روش پژوهش کیفی، شیوه‌های متفاوتی برای انجام این کار ارائه می‌شود، اما در این تحقیق، با توجه به اینکه تعداد خبرگان بانکداری اسلامی در کشور محدود است (جامعه ۳۰ نفره)، تلاش شد برای بالاتر بردن کیفیت پژوهش، کل جامعه مورد پیمایش قرار گیرد. به عبارت دیگر، نمونه این پژوهش کل جامعه انتخاب گردید.

شیوه ارتباط با اعضای گروه به این صورت بود که در مرحله اول، فهرست خبرگان واجد صلاحیت تهیه گردید و با تمام آنها به صورت حضوری، تلفنی و یا از طریق رایانامه، تماس برقرار شد. در این تماس، پژوهشگران ضمن توضیح موضوع پژوهش به خبرگان، مراحل پژوهش و ابعاد کار را تبیین نموده، نظر آنان را در رابطه با مشارکت در پژوهش جویا شدند. در این مرحله، از مجموع ۳۰ خبره، ۱۷ تن برای همکاری در پژوهش اعلام آمادگی کردند.

## ۴. پرسش‌نامه

در مرحله اول دلفی، پرسش‌نامه تهیه شده شامل چهار سؤال بود و از خبرگان می‌خواست تا از طریق سوالات مندرج با طیف لیکرت (Likert spectrum)، نظر خود را در رابطه با نظریهٔ عدم ضرورت جبران کاهش ارزش پول قبل از سررسید به مقتضای قاعده اقدام و لزوم جبران بعد از سررسید به مقتضای قاعده لاضرر تبیین کنند.

پس از برگزاری مرحله اول دلفی، این نتیجه حاصل شد که خبرگان علاوه بر پاسخگویی به چهار سؤال مطرح شده، یک سؤال (بحث ضمانت دولت) را نیز به مجموعه گویه‌ها اضافه کردند. بر این اساس، در مرحله دوم دلفی،

پرسش‌نامه با پنج سؤال تهیه و برای پاسخگویی در اختیار خبرگان قرار گرفت. یافته‌های مرحله دوم دلفی نشان داد که خبرگان تمام ۵ گویه مطرح شده را تأیید کردند که این خود نشان‌دهنده ایجاد «اشباع نظری، اقتناع نگرشی و شکل‌گیری اجماع نسبی» است.

### ج. تحلیل نتایج

هدف از این بخش، تحلیل نتایج به دست آمده از دو مرحله دلفی با استفاده از روش‌های آماری مرتبط است. ابتدا در رابطه با موضوع مقدماتی، یعنی روایی و پایایی پرسش‌نامه بحث شد و روش آماری قابل استفاده تبیین گردید. در نهایت، یافته‌های به دست آمده از مراحل دلفی برجسته شد.

### ۱. روایی و پایایی پرسش‌نامه

همان گونه که در ادبیات روش پژوهش تأکید شده، اولین گام در موفقیت پرسش‌نامه تأیید روایی و پایایی آن است. روایی (اعتبار) پرسش‌نامه به این پرسش پاسخ می‌دهد که «آیا ابزار اندازه‌گیری مطمح نظر می‌تواند ویژگی و خصوصیتی را که ابزار برای آن طراحی شده است، اندازه‌گیری کند؟» به عبارت دیگر، ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه منظور پژوهش را می‌سنجد؟ (خلیلی شورینی، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

در این پژوهش، به منظور تضمین روایی پژوهش، از نظرات خبرگان بانک‌داری اسلامی در کشور استفاده گردید. علاوه بر آن، در تحقیق حاضر، تمام جامعه بررسی گردید (همه ۳۰ خبره بانک‌داری اسلامی در کشور)، که این روایی ابزار اندازه‌گیری را تا حد زیادی تأمین می‌کند.

ارزیابی «پایایی» ابزار، دومین گام در موفقیت پرسش‌نامه است. پایایی (اعتماد) پرسش‌نامه به این پرسش پاسخ می‌دهد: آیا ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان، نتایج یکسانی به دست می‌دهد؟

بر اساس آنچه در ادبیات روش پژوهش مطرح می‌شود، برای اندازه‌گیری پایایی، لازم است از شاخصی به نام «ضریب پایایی» استفاده شود. دامنه ضریب پایایی عددی از صفر تا یک است؛ به گونه‌ای که ضریب پایایی صفر معرف عدم پایایی، و ضریب پایایی یک معرف پایایی کامل است. پایایی کامل به ندرت مشاهده شده و در صورت مشاهده، قبل از هر چیز باید به نتایج شک کرد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۷۷).

یکی از روش‌های مرسوم برای محاسبه ضریب پایایی، «آلفای کرونباخ» است. در این پژوهش، به منظور ارزیابی پایایی، از این شاخص استفاده گردید. هر چند بنا به توصیه استادان آمار و روش پژوهش، به خاطر پژوهش در جامعه‌ای محدود، نیازی به استفاده از آن احساس نمی‌شد، اما به منظور جلوگیری از اختلاف نظر خبرگان، پایایی ابزار به کار رفته در این پژوهش از طریق این معیار محاسبه شد. نتایج نشان داد که ضریب مذکور برای پرسش‌نامه نهایی (شامل ۵ عامل) برابر با ۰٫۷۳ است. با توجه به اینکه این عدد بالاتر از ۰٫۷۰ است، بنابراین، می‌توان گفت: ابزار پژوهش پایایی لازم را دارد.



## ۲. روش آماری استفاده شده: آزمون دوجمله‌ای

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، یکی از مهم‌ترین مراحل روش دلفی، تحلیل نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه‌های تکمیل شده در مراحل (دورها) است. در ادبیات موجود، روش مشخصی برای تحلیل و مدیریت اطلاعات تولید شده در مراحل دلفی ارائه نشده و این مسئله به تنوع رویکردها در تحلیل نتایج دلفی منجر گردیده است.

به هر حال، منابع علمی تأکید نموده‌اند که روش‌های تحلیل لازم است بر اساس هدف دلفی، ساختار دورها، نوع پرسش‌ها و تعداد شرکت‌کنندگان تعیین شود. بنابراین، طبیعی است که شیوه تحلیل از یک پژوهش به پژوهش دیگر تغییر کند (تئودور و گردون، ۲۰۰۹، ص ۸۸). در پژوهش حاضر، پس از مشورت با برخی از استادان برجسته آمار و روش پژوهش، از روش آزمون «دوجمله‌ای» استفاده شده.

آزمون دوجمله‌ای، آزمونی ناپارامتری است که در آن بر مبنای یک مقدار یا مشخصه، موفقیت و شکست بررسی می‌شود. این آزمون به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا نیمی از افراد جامعه عملکرد بالا دارند یا خیر (در نیمی از آنها موفقیت وجود دارد یا خیر)؟ در این آزمون، چنانچه سطح معناداری کمتر از میزان خطا باشد، بالا بودن و یا وجود متغیر مورد نظر استنباط می‌شود. از آن‌رو که این آزمون معمولاً در سطح خطای پنج درصد انجام می‌شود، برای رسیدن به این نتیجه، باید سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۸۷).

در پژوهش حاضر، پرسش‌های پرسش‌نامه از مقیاس‌های نسبی طیف لیکرت برخوردارند. در این طیف، برای گزینه‌های کاملاً مخالفم، تا حدی مخالفم، بی‌نظم، تا حدی موافقم و کاملاً موافقم به - ترتیب - اعداد یک تا پنج در نظر گرفته شد. با این شیوه، اطلاعات کیفی و ناپارامتریک با مقادیر عددی و کمی تعبیر شدند.

در عمل، برای انجام آزمون دوجمله‌ای از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ استفاده شد؛ به این صورت که ابتدا در فرمان binomial مقادیر حدی تعریف گردید: جهت مثبت و موافق (پیروزی) برای کسانی که پاسخ کاملاً موافق و تا حدی موافق می‌دهند، بدون نظر برای افرادی که پاسخ بی‌نظم می‌دهند، و در نهایت، منفی و مخالف (شکست) برای کسانی که گزینه‌های کاملاً مخالف و تا حدی مخالف را انتخاب می‌کنند. بر اساس این تقسیم‌بندی، می‌توان تمام خبرگان را به دو دسته تقسیم کرد: افرادی که نظر موافق دارند، و آنها که نظرشان منفی است (خلیلی شورینی، ۱۳۸۶، ص ۳۷). با توجه به آنچه مطرح شد، فرضیه‌های مورد آزمون دوجمله‌ای بدین صورت قابل ارائه است:

$$\begin{cases} H_0: p \leq 0/6 \\ H_1: p > 0/6 \end{cases}$$

فرضیه صفر معادل پاسخ‌های منفی و بی‌پاسخ (افرادی که گزینه‌های کاملاً مخالف، تا حدی مخالف و بی‌نظم را انتخاب کرده‌اند) و فرضیه جایگزین معادل پاسخ‌های مثبت (کاملاً موافق و یا تا حدی موافق) است. علت انتخاب عدد ۰/۶ آن است که مقدار  $p=0/6$  حد آستانه‌ای در نظر گرفته شده است.

### ۳. نتایج

همان‌گونه که ملاحظه شد، این پژوهش در دو مرحله به انجام رسید. در مرحله اول، پرسش‌نامه با چهار گویه به خبرگان ارسال شد که در این مرحله، خبرگان ضمن تأیید آنها، یک سؤال (بحث ضمان دولت) را نیز به پرسش‌نامه اضافه کردند. بدین روی، پرسش‌نامه دور دوم دلفی با پنج گویه به خبرگان ارسال گردید. نتایج مرحله دوم دلفی، که از طریق آزمون دوجمله‌ای تحلیل گردیده، در جدول شماره ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: نظرات خبرگان در باره نظریه منتخب تحقیق

شماره	گویه	سطح معناداری	درصد موافقت	تأیید یا رد فرضیه پایه
۱	در عقد قرض و در سایر عقود اسلامی (مانند بیع نسیه)، قبل از سررسید به دلیل اقدام شخص (قاعده اقدام)، به لحاظ شرعی نیازی به جبران کاهش ارزش پول وجود ندارد و الزام کردن انجام این کار، می‌تواند با چالش ریا مواجه گردد.	۰/۰۰۰	۸۹	رد
۲	در عقد قرض و در سایر عقود اسلامی (مانند بیع نسیه) بعد از سررسید به دلیل از بین رفتن قاعده اقدام و جریان قاعده لاضرر، جبران کاهش ارزش پول به لحاظ شرعی واجب خواهد بود.	۰/۰۰۰	۹۰	رد
۳	میزان جبران بعد از سررسید بر اساس قاعده لاضرر، باید صرفاً به اندازه ضرر عرفی باشد و دریافت مازاد بر آن مشروعیت ندارد.	۰/۰۰۰	۹۲	رد
۴	اگر بعد از سررسید تورم به اندازه‌ای کم باشد که عرف آن را در روابط خود لحاظ نکند، به لحاظ شرعی جبران لازم نخواهد بود؛ اما اگر تورم متوسط یا شدید باشد، به نحوی که عرف نسبت به آن واکنش نشان دهد، نگاه جبران کاهش ارزش پول ضروری می‌شود.	۰/۰۰۰	۹۶	رد
۵	اگر به صورت قطعی ثابت شود که سیاست‌های دولت عامل کاهش ارزش پول است، نگاه دولت برای جبران زیان در قراردادهای اسلامی (بعد از سررسید)، شرعاً ضامن است.	۰/۰۰۰	۹۱	رد

تذکر: سطح خطا در تمام موارد ۰/۰۵ است.

در تحلیل نتایج این جدول، می‌توان این‌گونه بیان نمود که سطح معناداری محاسبه شده برای تمام گویه‌ها، کمتر از میزان آلفای پژوهش (پنج درصد) است و بنابراین، می‌توان گفت: فرض صفر رد شده و خبرگان با نظریهٔ منتخب پژوهش موافق هستند.

### نتیجه‌گیری

این تحقیق تلاش کرد تا ضمن موضوع‌شناسی پدیده تورم و کاهش ارزش پول در نظام‌های اعتباری جدید، مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح شده در زمینه جبران کاهش ارزش پول را در چارچوب بانک‌داری اسلامی ارزیابی و نقد کند و دیدگاهی جدید در این زمینه ارائه کند. همچنین سعی نمود با استفاده از روش دلفی دو مرحله‌ای، دیدگاه منتخب تحقیق را در معرض نظرات خبرگان بانک‌داری اسلامی قرار دهد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سه دیدگاه مطرح در زمینه جبران کاهش ارزش پول شامل «جایز بودن به صورت مطلق»، «جایز نبودن به صورت مطلق»، و «ضرورت تفصیل بین تورم شدید، متوسط و خفیف» هر سه نقدهای جدی دارند. بر این اساس، دیدگاهی جایگزین مطرح شد که عبارت است از: «جایز نبودن شرط جبران قبل از سررسید به مقتضای قاعده اقدام، و لزوم جبران بعد از سررسید به مقتضای قاعده ممنوعیت ضرر».

دیدگاه مذکور بیان می‌کند که پیش از سررسید، به خاطر اقدام قرض‌دهنده (یا فراهم‌کننده منابع) به عرضه وجوه به اختیار خود، اشتراط جبران کاهش ارزش پول قابل پذیرش نیست و با چالش ربا مواجه است. در واقع، هر چند پیش از سررسید، قرض‌دهنده یا فراهم‌کننده منابع بر اثر تورم ضرر خواهد دید، قاعده اقدام مانع اجرای قاعده ممنوعیت ضرر می‌شود؛ اما پس از سررسید، به خاطر از بین رفتن اقدام، قاعده ممنوعیت ضرر اجرا می‌شود و جبران کاهش ارزش پول ضروری است.

علیرغم آنچه مطرح شد، به نظر می‌رسد بحث کاربرد قاعده اقدام برای جبران کاهش ارزش پول، نیازمند تحقیقات فقهی و حقوقی دقیق‌تر است و همین می‌تواند موضوعی برای تحقیقات آتی در حوزه بانک‌داری اسلامی محسوب شود.

## منابع

- احمدی، فضل‌الله، و همکاران، ۱۳۸۷، «تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق»، *آموزش در علوم پزشکی*، ش ۸، ص ۲۱-۲۳.
- ایمانی جاجرمی، حسین، ۱۳۷۹، «آشنایی با روش دلفی و کاربرد آن در تصمیم‌گیری»، *مدیریت و برنامه‌ریزی شهری*، ش ۱، ص ۸-۱۰.
- بانک توسعه اسلامی، ۱۴۱۶ق، *حکم المحكمة الشرعية الاتحادية الباكستانية بشأن الفائدة*، جده، بانک توسعه اسلامی.
- بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۹۰، *قواعد فقه*، چ دوم، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- تلخایی، مجید، و ناظمی، محمد، ۱۳۹۵، «قاعده اقدام و جریان تورم»، *مطالعات فقه امامیه*، ش ۶، ص ۳۸-۵۰.
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰، *توضیح المسائل مراجع تقلید*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حائری، سید کاظم، ۱۳۶۹، «الاوراق المالية الاعتبارية»، در: *مجموعه مقالات دومین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی*، مشهد، مجمع بررسی‌های اسلامی.
- خلیلی شورینی، سیاوش، ۱۳۸۶، *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*، چ پنجم، تهران، یادواره کتاب.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، *پول در اقتصاد اسلامی*، تهران، سمت.
- زبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۷۲، «احکام فقهی کاهش ارزش پول» *رهنمون*، ش ۶، ص ۷-۱۰.
- سرمد، زهره، و همکاران، ۱۳۸۹، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، چ بیستم، تهران، آگاه.
- شمس، سید حسین، ۱۳۷۶، «احکام فقهی پول»، *فقه اهل بیت*، ش ۹، ص ۳۱-۵۴.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۳۷۵، *پاسخ به استفتاء کمیسیون امور حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی* <http://www.majlis.ir>
- صالحی مازندرانی، اسماعیل، ۱۳۷۶، «احکام فقهی پول»، *فقه اهل بیت*، ش ۹، ص ۳۱-۵۴.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۳۷ق، *حاشیه مکاسب*، قم، اسماعیلیان.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، ۱۴۲۰ق، *العروة الوثقی*، قم، اسلامی.
- عراقی، ضیاءالدین، ۱۴۱۸ق، *قاعده لاضرر*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- قحف، منذر، ۱۴۱۵ق، *ربط الحقوق والالتزامات الاجله بتثیر الاسعار*، جده، البنك الاسلامی للتنمية.
- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۱، *قواعد فقه*، تهران، علوم اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۶، *ریا و بانک‌داری اسلامی*، قم، حوزه امام علی(ع).
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۹، *التواعد الفقهیه*، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب(ع).
- موسایی، میثم، ۱۳۷۷، *تبیین مفهوم و موضوع ربا*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، ۱۳۷۵، «احکام فقهی پول: مصاحبه با استاد سید محمد موسوی بجنوردی»، *فقه اهل بیت(ع)*، ش ۷، ص ۹-۴۲.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۳، «ربا و تورم»، *تجارت فردا*، ش ۸۷، ص ۱-۳.
- موسویان، سید عباس و میثمی، حسین، ۱۳۹۶، *بانک‌داری اسلامی (۲): بانک‌داری مرکزی اسلامی و سیاست‌گذاری پولی و ارزی*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
- نظری، حسن آقا، و غفوری چرخایی، حسین، ۱۳۸۹، «قدرت خرید مقوم تثلیث پول‌های اعتباری»، *جستارهای اقتصادی ایران*، ش ۱۳، ص ۱۰۳-۱۲۸.
- یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۱، *ریا و تورم*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳، «راه‌های جریان کاهش ارزش پول در سپرده‌های بانکی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۳، ص ۱۳۵-۱۵۴.
- Mankiw, Gregory, 2016, *Macroeconomics*, Ninth Edition, Washington. Harvard University press.
- Theodore, Glenn asnd Gordon, Jerome, 2009, *the Millennium Project: Futures Research Methodology*, New York, Amer Council for the United Nations.

## روش استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت

rajae95@chmail.ir  
m.kh47@yahoo.com

سیدمحمد کاظم رجایی / دانشیار گروه اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)  
مهدی خطیبی / استادیار گروه اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)  
دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷

### چکیده

تبیین روش استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت یکی از پیش‌نیازهای نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی است. این مقاله با روش «اجتهادی - تحلیلی» ضمن ارائه روشی برای استنباط نظریات اقتصاد اسلامی از کتاب و سنت، مراحل آن را بر «توازن» تطبیق می‌کند. در روش پیشنهادی، پس از طرح موضوع و شناسایی اولیه متغیرهای مرتبط با آن، مجموعه اطلاعات به دست آمده به دانش اقتصاد رایج عرضه و موضوع‌شناسی عمیق - در سه سطح مفهوم‌شناسی، بررسی سیر تاریخی، و کشف مبانی - در اقتصاد رایج صورت می‌گیرد. در مرحله بعد، جست‌وجو برای کشف مبانی اسلامی مرتبط با موضوع آغاز می‌شود. در ادامه راهبردهای مرتبط با موضوع از کتاب و سنت، که نوعاً در قالب احکام پنج‌گانه ظهور پیدا می‌کند، به روش «اجتهادی» استخراج می‌شود. ضمیمه شدن راهبردهای استخراج شده به مبانی، محقق را به سمت نظریه سوق می‌دهد. در این مرحله، متغیرهای مرتبط با موضوع مجدداً ارزیابی می‌شوند تا تغییری از قلم نیفتاده باشد و یا متغیر غیرمرتبطی به مجموعه متغیرها افزوده نشده باشد. «انسجام‌بخشی و یکپارچه‌سازی» مرحله پایانی و اساسی فرایند استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت است.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی اقتصاد، نظریات اقتصاد اسلامی، استنباط نظریه اقتصادی، اقتصاد اسلامی، فلسفه اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: B40, B00, C18, P4.

بر اساس دیدگاه غالب در اقتصاد متعارف مبنی بر توصیفی بودن دانش اقتصاد، از حس و تجربه به‌عنوان منابع انحصاری نظریه‌پردازی، و از آمار و اقتصادسنجی به‌عنوان ابزارهای اختصاصی آن یاد می‌شود. ولی بر اساس مبانی معرفت‌شناختی و آموزه‌های اسلام، همهٔ مسائل اقتصادی با ابزار مزبور قابل شناخت نیست، و افزون بر حس و تجربه، برای کسب معرفت نسبت به مسائل اجتماعی - از جمله اقتصاد - به فرایند ارسال رسل و هدایت‌های تشریحی الهی نیز نیاز است.

بنابراین، اصل موضوعهٔ اول آن است که دین اسلام یک دین جامع بوده و علاوه بر ارائهٔ برنامه برای سعادت اخروی، برای حل مسائل دنیوی زندگی بشر نیز برنامه دارد.

اصل موضوعهٔ دوم آن است که منابع وحیانی، بخشی از منابع و ابزارهای شناخت در حوزهٔ مسائل اقتصادی هستند. اصل موضوعهٔ سوم آن است که احکام شرعی و قوانین الهی در ابواب گوناگون فقه در عین پراکندگی ظاهری، مبتنی بر اصول و قواعدی نظام‌مند بوده، به هم پیوسته هستند. این اصول و قواعد از آن‌رو که چندان مورد ابتلای مکلفان نبوده‌اند، در منابع اسلامی به صراحت سخنی از آنها به میان نیامده است؛ اما می‌توان آنها را به صورت روشمند و در قالب نظریه، از منابع اسلامی استنباط کرد.

مقاله حاضر به دنبال تبیین روش استنباط این نظریه‌ها در حوزهٔ اقتصاد اسلامی است.

### پیشینهٔ بحث

پیشینهٔ روش استنباط نظریهٔ اقتصادی از کتاب و سنت، به عام و خاص قابل تقسیم است. «پیشینهٔ عام» عبارت است از: نظریه‌هایی که در باب اسلامی‌سازی علوم انسانی مطرح شده است (خسروپناه، ۱۳۹۲، ج ۱). این نظریات گاهی به صورت صریح و گاهی به صورت ضمنی به تبیین روش نیز پرداخته‌اند. در این زمینه، می‌توان به سه نظریه، که مبتنی بر روش «اجتهادی» هستند اشاره کرد: «علم دینی اجتهادی عام»، «الگوی پارادایم اجتهادی دانش دینی» و «الگوی حکمی-اجتهادی علوم انسانی».

روش‌های مطرح شده در این نظریه‌ها معمولاً ناظر به تمام زیرمجموعه‌های علوم انسانی است. همین ویژگی، به صورت ناخواسته منجر به کلی‌گویی شده است، به گونه‌ای که محقق نمی‌تواند به صورت ملموس روش مورد اشاره را بر اقتصاد - به‌عنوان مثال - تطبیق دهد.

در بخش پیشینهٔ خاص نیز آثار متعددی به چشم می‌خورد: *آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر* در کتاب *اقتصادنا* (۱۴۲۴ق) روش کشف نظریات اقتصادی از کتاب و سنت را تبیین کرده، سپس با عملیاتی کردن آن، نظریاتی همچون منشأ بودن کار برای درآمد را کشف نموده است. اشکال کار شهید صدر در حجیت روش «کشفی» است. ایشان تصریح می‌کند: در خلال کشف نظریه، محقق می‌تواند از فتوای سایر فقها، که هماهنگی و انسجام بیشتری با نظریه دارد، استفاده کند، درحالی‌که در روش اجتهادی، دیدگاه هر فقیهی برای خود و مقلدانش حجت است، نه برای دیگران.

حسن آقا نظری (۱۳۸۲) برای مکتب اقتصادی اسلام، یک روش و برای علم اقتصاد اسلامی یک روش جداگانه مطرح می‌کند. در بخش نخست، همان روش شهید صدر را به اجمال مطرح می‌کند. اما در بخش دوم، تأکید می‌نماید که محقق اقتصاد اسلامی علاوه بر فقه، باید بر دانش اقتصاد نیز تسلط داشته باشد. سپس با توجه به مسئله مطرح شده، در ذهن محقق یک فرضیه شکل می‌گیرد. این فرضیه از تعدادی متغیرهای وابسته و مستقل تشکیل شده است، و چنانچه هر یک از این متغیرها با اسلام سازگار نباشد باید کنار گذاشته شود و جایگزین اسلامی مناسبی برای آن انتخاب شود.

روش مطرح شده در این تحقیق در بخش مکتب، منطبق بر روش «کشفی» شهید صدر است و طبیعتاً اشکالات روش «کشفی» بر این روش هم وارد است. روش مطرح شده برای علم اقتصاد اسلامی نیز منطبق بر روش مطرح شده توسط انس زرقاء است که در ادامه، طرح و نقد می‌شود:

محمد انس زرقاء (۱۳۸۳) می‌نویسد: برخی از مقوله‌های ارزشی اسلام، اقتصادی و برخی غیر اقتصادی هستند. همچنین در اقتصاد متعارف، برخی مقولات ارزشی وجود دارد که در منابع اسلامی، اثری از آنها دیده نمی‌شود و یا حتی ضد اسلامی هستند. برای اسلامی‌سازی علم اقتصاد، باید مقوله‌های ارزشی - اقتصادی اسلام را جایگزین مقولات ارزشی اقتصاد متعارف کنیم که اساس اسلامی ندارند.

در نقد این روش، باید گفت: چنین روشی - در واقع - نسخه‌برداری از اقتصاد متعارف است و تجربه بانکداری در ایران نشان می‌دهد چنین روشی چندان موفقیت‌آمیز نبوده است.

میرمعزی (۱۳۸۳) روش پیشنهادی خود برای کشف ماهیت اقتصاد اسلامی را «استقراء نصوص و طبقه‌بندی آنها» می‌نامد. بر اساس این روش نصوص اقتصادی اسلام به چهار دسته «عقیدتی»، «اخلاقی»، «حقوقی»، و «علمی» تقسیم می‌شود. در مرحله بعد، با تعریف مذهب، نظام و علم اقتصاد اسلامی در صدد اثبات آن است که اقتصاد اسلامی متشکل از هر سه بخش است.

این تفکیک اگرچه - فی‌نفسه - مفید است، اما راه و روش روشنی برای دستیابی به نظریات اقتصادی پیش روی محقق قرار نمی‌دهد.

یوسفی (۱۳۸۵) بعد از معرفی روش «امضاء»، «تأسیس» و «اکتشاف» می‌نویسد: در کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی، هیچ‌یک از روش‌های سه‌گانه به تنهایی کافی نیست، و لازم است از هر سه روش استفاده شود و نام آن را روش «ترکیب» می‌نهد.

تأکید بر روش «امضاء» و «تأسیس» در کنار روش «اکتشاف» کاملاً بجا و مطلوب است، اما در عین حال، به صورت جزئی و به صورت فرآیندی روش را نشان نمی‌دهد.

## مفاهیم

الف. روش: روش مسیری است که برای تحصیل یک معرفت طی می‌شود (سایر، ۱۳۸۵، ص ۲۱). محققان

فلسفه علم، معانی دیگری برای «روش» ذکر کرده‌اند. برخی روش را چگونگی کاربست قواعد و اصول برگرفته از مبانی فلسفی دانسته‌اند (خسروپناه، ۱۳۹۴، ص ۲۳). برخی دیگر معتقدند: روش عبارت است از: فنون و راه‌هایی که برای گردآوری یا بررسی و تحلیل مطالب گردآوری شده به کار می‌رود (شریفی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۹). در این نوشتار، منظور از «روش» فرایند رسیدن به نظریه اقتصادی با تبیین ملزومات و لوازم آن از ابتدا تا انتهاست.

ب. **نظریه اقتصادی:** نظریه اقتصادی مجموعه‌ای از گزاره‌هاست که درصدد بازتاب چارچوب‌های هنجاری کلان حاکم بر نظام اقتصادی بوده و یا راه‌های وصول به یک هدف مشخص را تبیین می‌کند، و یا آنکه درصدد تبیین یک رفتار یا پدیده اقتصادی تحقق یافته در عالم خارج به همراه ایجاد قدرت پیش‌بینی نسبت به آینده است. براین اساس، نظریات اقتصادی به سه دسته قابل تقسیم هستند: اثباتی، هنجاری و تجویزی. روش پیشنهادی در این مقاله قابلیت آن را دارد که برای استنباط هر سه دسته به کار گرفته شود.

ج. **استنباط نظریه:** استفاده از واژه «استنباط» به جای «نظریه‌پردازی» به نکته‌ای خاص اشاره دارد، و آن، اینکه نظریه‌پردازان برای تدوین یک نظریه، از منابع گوناگونی، همچون واقعیت بیرونی، وقایع تاریخی، و انتزاعات ذهنی استفاده می‌کنند. در کنار اینها، منابع وحیانی نیز می‌تواند به‌عنوان منبعی برای نظریه‌پردازی قابل استفاده باشد. همان‌گونه که فقیه حکم را از منابع دینی استنباط می‌کند، محقق اقتصاد اسلامی نیز می‌تواند نظریه را از کتاب و سنت استنباط کند. البته همان‌گونه که استنباط حکم شرعی مستلزم مسئولیت شرعی انتساب حکم به دین است، تدوین نظریه و انتساب آن به دین نیز مستلزم مسئولیت شرعی است.

### پیش‌فرض‌ها

استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت پیش‌فرض‌هایی دارد که بدون آنها، امکان دستیابی به نظریه وجود ندارد. در ادامه، به پیش‌فرض‌هایی که توانسته‌ایم استقصا کنیم، اشاره می‌کنیم.

### مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی

بسته به اینکه مبانی قابل استفاده در استنباط نظریه اقتصادی از چه دانشی به عاریت گرفته شده باشد، می‌توان از مبانی فلسفی، فقهی، الهیاتی، حقوقی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و مانند آن سخن به میان آورد (توکلی، ۱۳۹۴، ص ۸۷). اما مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، الهیات، انسان‌شناختی، و ارزش‌شناختی، که زیرمجموعه فلسفه هستند، کلیدی‌ترین و تأثیرگذارترین مبانی به‌شمار می‌آیند و هر کدام چند مبنا دارند. از باب مثال، برای هر یک، دو نمونه ذکر می‌شود:

دسته اول. معرفت‌شناختی: مبناگرایی در توجیه معرفت حصولی؛ تقدم معرفت یقینی بر معرفت معارض با آن؛



دسته دوم. هستی‌شناختی: تقسیم موجودات به مادی و فرامادی؛ وجود تراحم در عالم ماده؛

دسته سوم. الهیات: هدایت تشریحی؛ ولایت پیامبر و ائمه علیهم‌السلام؛

دسته چهارم. انسان‌شناختی: اصالت و جاودانگی روح؛ مختار بودن انسان؛

دسته پنجم. ارزش‌شناختی: تأثیر نیت در ارزش عمل؛ ثابت و مطلق بودن اصول ارزشی و متغیر بودن ارزش امور

دیگر (شریفی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۵).

جمعی از محققان قریب ۸۶ مینا از مبانی تعلیم و تربیت اسلامی را گردآوری کرده‌اند که اکثر قریب به اتفاق

آنها اختصاصی به تعلیم و تربیت نداشته، قابلیت تعمیم به مجموعه علوم انسانی - اسلامی و از جمله اقتصاد

اسلامی را دارند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۸۳).

### وجود منطقه‌الفراغ در حوزه مسائل اقتصادی

اصطلاح «منطقه‌الفراغ» به محدوده‌ای از موضوعات اشاره دارد که در شرع حکم ثابت ندارند و ولی امر بر

اساس اختیاراتی که دارد و منطبق بر مصالح جاری اسلام و مسلمانان، احکام لازم را برای آن موضوعات

صادر می‌کند. وجود منطقه‌الفراغ در حوزه مسائل اقتصادی یک پیش‌فرض ضروری در استنباط نظریه است و

بدون اعتراف به آن، امکان استنباط نظریه وجود ندارد (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۴۴۳)؛ زیرا دایره تحولات در بخش

واقعی اقتصاد بسیار وسیع و سریع است و فرض احکام ثابتی که بتواند تمام تحولات را پوشش دهد، غیر

ممکن است. از این رو، منطقه‌الفراغ به‌عنوان ابزاری انعطاف‌پذیر در اختیار ولی امر قرار داده شده است تا بتواند

بخش واقعی اقتصاد را تحت هر شرایطی مدیریت کند. نمونه‌هایی از این احکام در یک تحقیق مستقل توسط

یکی از محققان گردآوری شده است (حسینی، ۱۳۹۳).

احکام منطقه‌الفراغ، که در عصر تشریح صادر شده، احکامی متناسب با شرایط آن روزگار بوده، و بی‌توجهی به

این نکته ممکن است استنباط نظریه اقتصادی اسلامی را به انحراف بکشاند. البته نظریه منطقه‌الفراغ مخالفانی دارد

که معتقدند: این نظریه با مبانی فقهی سازگاری ندارد (بحرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۹۱) در مقابل، عده‌ای از آن به شدت

دفاع می‌کنند (حائری، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۳). این مقاله نظریه مزبور را مفروض گرفته است.

### شرایط مستنبط

محقق اقتصاد اسلامی برای آنکه بتواند نظریه اقتصادی را از کتاب و سنت استنباط کند، باید حایز دو شرط

اساسی باشد:

۱. اجتهاد متجزی در ابواب معاملات مالی؛

۲. تسلط بر دانش اقتصاد رایج.

در ادامه، به توضیح این دو شرط می‌پردازیم:

## اجتهاد متجزی در ابواب معاملات مالی

محقق اقتصاد اسلامی - دست کم - باید حایز اجتهاد متجزی در ابواب فقه معاملات باشد تا بتواند به استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت بپردازد. این بدان دلیل است که اولاً، هر استنباطی مستلزم انتساب مستنبط، به شریعت است، و از آن رو که انتساب بدون دلیل چیزی به شریعت بدعت بوده و حرام است، بنابراین، کسی که حایز ملکه اجتهاد نیست، حق استنباط از کتاب و سنت را ندارد؛ چه استنباط حکم شرعی باشد و چه استنباط نظریه اقتصادی. ثانیاً، درک لطایف و ظرایف مستتر در آیات و روایات نیازمند مقدماتی است که با تحصیل آن، مقدمات اجتهاد حاصل شده است. این مقدمات عبارتند از: دانش اصول، رجال، ادبیات عرب، معانی و بیان، منطق، تفسیر، کلام (بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۳۵). علت اکتفا به مرتبه تجزی آن است که با وجود آن، استنباط حکم شرعی در همان محدوده جایز خواهد بود، و اگر استنباط حکم شرعی جایز باشد، طبیعتاً با احراز سایر شروط، استنباط نظریه‌ای که مرتبط با آن ابواب باشد، نیز مجاز خواهد بود.

## تسلط بر دانش اقتصاد رایج

محقق اقتصاد اسلامی باید تسلط کافی بر دانش اقتصاد رایج داشته باشد تا بتواند نظریه اقتصادی را از کتاب و سنت استنباط کند. «اقتصاد اسلامی» یک دانش بین رشته‌ای است و پژوهشگران علاقه‌مند به استنباط نظریه اقتصادی، علاوه بر تسلط بر علوم اسلامی (اجتهاد)، لازم است در دانش اقتصاد نیز دارای تحصیلات عالی بوده و صاحب‌نظر باشند. در این زمینه، داشتن اطلاعات عمومی و کسب مشاوره از متخصصان کفایت نمی‌کند؛ همان‌گونه که یک اقتصاددان نمی‌تواند با کسب مشاوره از یک فقیه، نظریات اقتصاد اسلامی را استنباط کند. شناخت دقیق متغیرهای اقتصادی و آگاهی از نحوه عملکرد و تأثیر و تأثر آنها نقش اساسی در تحلیل نصوص اقتصادی دارد. این شناخت و آگاهی به سادگی حاصل نمی‌شود و نیازمند داشتن تحصیلات اقتصادی است. البته ممکن است مسائلی وجود داشته باشد که مبتنی بر مبانی مقبول اقتصاددانان غربی است و محقق اقتصاد اسلامی نتواند آنها را بپذیرد؛ اما در عین حال، آگاهی از آنها لازم است.

برای مثال، تلقی عمومی آن است که پول‌های رایج امروزی اعتباری بوده و برخلاف درهم و دینار، که پول حقیقی هستند، فاقد ارزش عینی و صرفاً منعکس‌کننده قدرت خرید هستند؛ همان‌گونه که چک، فقط سند بدهی صادرکننده آن است. این در حالی است که تفاوت پول رایج امروزی با درهم و دینار در میزان اختلاف ارزش مبادله‌ای و ارزش مصرفی هر یک از آنهاست؛ به گونه‌ای که ارزش مصرفی اسکناس بسیار پایین و در حد صفر است؛ ولی ارزش مصرفی درهم و دینار نسبتاً بالا و نزدیک به ارزش مبادله‌ای آن است. بنابراین، تفاوت ماهوی بین آن دو وجود ندارد. پذیرش این تحلیل برای کسی که با مسائل دانش اقتصاد آشنا نیست و بر آن تسلط ندارد، دشوار است. از این رو، حتی با کسب مشاوره از متخصص، گاهی نمی‌توان ماهیت یک متغیر اقتصادی را به صورت عمیق درک کرد.

## فرایند استنباط نظریات اقتصاد اسلامی

فرایند استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت مشتمل بر چندین مرحله است. این مراحل را به صورت تفصیلی از نظر می‌گذرانیم و از باب نمونه، فرایند استنباط نظریه «توازن» را به هر مرحله تطبیق می‌دهیم (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۸۳؛ رجایی، ۱۳۹۱).

### مرحله اول. مباحث مقدماتی

#### الف. مواجهه با مشکل و طرح مسئله

نخستین گام در فرایند تحقیق، طرح مسئله است. مسئله - در حقیقت - مشکلی است که محقق با هدف حل آن وارد تحقیق می‌شود. مشاهده وضعیت اقتصادی موجود و رصد مشکلات اجرایی می‌تواند زمینه مناسبی برای طرح مسئله باشد. همچنین ممارست بر مطالعه هدفمند آموزه‌های اقتصادی اسلام به تدریج، ذهن محقق را به سمت شکل‌گیری مسئله تحقیق هدایت می‌کند. از دیگر روش‌های طرح مسئله مطالعه نظریات ارائه شده توسط سایر مکاتب اقتصادی است. محقق اقتصاد اسلامی پس از آگاهی از نظریات آنها، با این پرسش مواجه می‌شود که آیا نظریه مزبور از دیدگاه اسلام تأیید شده است؟ این پرسش می‌تواند آغازی بر طرح مسئله باشد و در نهایت، به استنباط نظریه ختم شود.

تطبیق: طرح مسئله در نظریه «توازن» می‌تواند برگرفته از یک واقعیت عینی در نظام سرمایه داری باشد. این مکتب بر اساس مبانی خود، رویه‌ای را در پیش گرفته است که ثروتمندان را ثروتمندتر می‌کند و سطح زندگی آحاد جامعه را منطبق بر قانون «دستمزد آهنی» (Iron law of wages) در حداقل معیشت یا در نهایت، در حد کفاف نگه می‌دارد. «جنبش اشغال» وال استریت - در حقیقت - بازخورد این سیاست نظام سرمایه‌داری بود که در سال ۲۰۱۱ در آمریکا اتفاق افتاد. مطالعه این رخداد اعتراضی می‌تواند مسئله‌ای را در ذهن محقق اقتصاد اسلامی، مطرح کند که آیا در اقتصاد اسلامی اختلاف فاحش طبقاتی به گونه‌ای که - برای مثال - یک درصد از جمعیت یک کشور، مالک ۹۹ درصد از ثروت آن باشند، قابل قبول است؟

#### ب. طرح مجموعه پرسش‌ها و طبقه‌بندی آنها

پس از طرح مسئله، لازم است پرسش‌های فرعی راجع به ابعاد گوناگون آن مطرح شود. مسئله، خود انعکاس یک پرسش است؛ اما پژوهشگر می‌تواند با طرح پرسش‌های فرعی متعدد، فضای تحقیقاتی را توسعه دهد. البته کثرت پرسش‌ها ممکن است در نگاه نخست، موجب آشفتگی ذهن محقق گردد؛ اما وی می‌تواند با جمع‌بندی، پرسش‌های غیر مرتبط را کنار نهاده و سرانجام، با اولویت‌بندی پرسش‌های باقی‌مانده، مسیر روشن‌تری را فراروی خود ترسیم کند.

تطبیق: در مسئله «توازن» این پرسش‌ها قابل طرح است:

- محدوده‌ای که شارع خواستار برقراری توازن در آن است، شامل چه بخش‌هایی می‌شود؟ (توازن در مصرف، توازن در درآمد، توازن در ثروت).

- در اقتصاد رایج، دیدگاه غالب نسبت به مسئله «توازن» چیست؟

- دیدگاه اقتصاد رایج درباره «توازن» بر کدام مبانی و پیشینه تاریخی استوار است؟

- در تحقق توازن، چه عناصر و متغیرهایی دخیل هستند؟

- مبانی اقتصاد اسلامی در باب «توازن» چیست؟

- کدام یک از واجبات و محرّمات به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تحقق توازن را هدف قرار داده است؟

لازم به ذکر است که علاوه بر این پرسش‌ها، می‌توان پرسش‌های فرعی تری را، که به صورت اختصاصی با موضوع تحقیق مرتبط باشد؛ مانند:

- در اقتصاد متعارف، چه دیدگاهی نسبت به عدالت توزیعی وجود دارد؟

- بر اساس مبانی اقتصاد متعارف، توزیع منابع اولیه ثروت بر چه مبنایی صورت می‌پذیرد؟

- درآمد حاصل از تولید، بر چه اساسی باید میان عوامل تولید توزیع شود؟

- تفاضل در درآمد و ثروت و سطح زندگی تا چه حد مورد پذیرش است؟

### ج. طرح فرضیه

«فرضیه» - در حقیقت - پاسخی اجمالی به پرسش اصلی است و درست یا نادرست بودنش در پایان تحقیق مشخص می‌شود. فرضیه بر اساس معلومات کلی و شناخت‌های قبلی محقق شکل می‌گیرد. این شناخت‌ها ممکن است بر اساس تجارب یا مطالعات قبلی باشد، از منابع شفاهی به دست آمده باشد، یا در جریان مطالعه ادبیات تحقیق حاصل شده باشد (فرهنگی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۴).

تطبيق: در مسئله توازن، فرضیه این است که «در اقتصاد اسلامی، تدابیری اتخاذ شده است تا توازن و همسنگی بین افراد جامعه، در سطح زندگی، درآمد و ثروت ایجاد شود».

### د. شناسایی اولیه عناصر و متغیرهای مرتبط با موضوع

از جمله مباحث مقدماتی مهم در استنباط نظریات اقتصاد اسلامی، شناسایی عناصر و متغیرهای مرتبط با موضوع است. این اهمیت از آن روست که رفتارها و پدیده‌های اقتصادی پیچیده بوده و متغیرهای فراوانی در رخ دادن آنها دخیل است؛ تا آنجا که اقتصاددانان مجبور شده‌اند در تحلیل‌های خود، به بررسی یک یا چند متغیر محدود اکتفا کرده و سایر شرایط را ثابت فرض کنند (Ceteris Paribus). این پیچیدگی تا حدی به ماهیت علوم اجتماعی، که متأثر از رفتار کنشگرهای مختار است، برمی‌گردد. بخش واقعی اقتصاد در حال رشد است و روز به روز روابط جدیدتری بین عوامل اقتصادی شکل می‌گیرد و به تبع آن، تشخیص علل بروز رفتارها و پدیده‌های اقتصادی

دشوارتر می‌شود. در چنین شرایطی، ارائه نظریه برای تحلیل واقعیت‌های اقتصادی، یا برای ایجاد تحول از وضع موجود به وضع مطلوب، متوقف بر شناسایی متغیرهای مؤثر و رتبه‌بندی آنها در میزان تأثیر است. به همین سبب، شناسایی این عناصر و متغیرها از مباحث مقدماتی مهم استنباط نظریه اقتصادی محسوب می‌شود. البته محقق در ابتدای مسیر تحقیق قرار دارد و ممکن است نتواند همه عناصر و متغیرهای مؤثر در نظریه را احصا کند، و یا عناصر غیرمرتبطی را به مجموعه متغیرها اضافه کند؛ اما می‌تواند در ادامه راه، خطاهای جزئی را اصلاح کرده، متغیرها را حذف یا اضافه نماید.

تطبيق: در مسئله توازن، محقق به دنبال آن است که بداند بر اساس معارف و آموزه‌های اسلام، آیا شارع مقدس به دنبال آن بوده است که توازن و همسنگی اجمالی بین افراد جامعه در تملک ثروت‌های طبیعی، درآمد، دارایی‌ها، و مصرف برقرار شود؟ بر همین اساس، می‌توان گفت: مالکیت حقیقی خداوند، خلافت و جانشینی عام انسان، امانت بودن اموال در دست انسان (امانت به معنای عام)، استحقاق عوامل تولید، عدالت توزیعی، منابع طبیعی و ثروت‌های اولیه، ثروتمندان، فقرا و مساکین و محرومان، خانواده، دولت، آحاد مسلمانان، انفاق‌های واجب و مستحب، عناصر و متغیرهایی هستند که با مسئله «توازن» ارتباط دارند و برای استنباط نظریه، باید بر روی آنها تمرکز شد.

### مرحله دوم. موضوع‌شناسی عمیق

پس از شناسایی متغیرها و عناصر مرتبط با موضوع، لازم است «موضوع‌شناسی عمیق» صورت پذیرد. همان‌گونه که استنباط حکم شرعی متوقف بر موضوع‌شناسی است، استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت نیز متوقف بر موضوع‌شناسی است، با این تفاوت که در استنباط فقهی، رجوع به متخصصان برای تحلیل ماهیت موضوعات مبهم، پیچیده و جدید، روشی مرسوم است؛ اما در استنباط نظریات اقتصادی از کتاب و سنت، کارایی لازم را ندارد و محقق باید خود در مباحث اقتصادی، همچون مباحث فقهی صاحب‌نظر باشد. دلیل مطلب آن است که نظریات اقتصادی با متغیرهای گوناگونی در ارتباط هستند و به صورت غیرمستقیم، مبانی پذیرفته شده توسط نظریه‌پرداز را منعکس می‌کنند. دستیابی به عمق مسئله در نظریات اقتصادی و برقراری ارتباط بین متغیرها و عناصر مؤثر در نظریه در صورتی امکان‌پذیر است که محقق به صورت مستقیم و بدون واسطه به منابع علمی موجود در این زمینه مراجعه کند. به عبارت دیگر، استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت ماهیتی بین رشته‌ای دارد و سطحی‌نگری در هر یک از دو علم «فقه» و «اقتصاد»، مانع از ثمربخشی تحقیقات خواهد شد. از این رو، تسلط بر دانش اقتصاد رایج جزء شروط استنباط نظریات اقتصاد اسلامی است.

به هر حال، لازم است موضوع‌شناسی عمیق به‌عنوان یکی از نقاط عطف استنباط نظریات اقتصاد اسلامی به حساب آید. یک نظریه اقتصادی، یا درصد توصیف و تبیین رفتارها و پدیده‌های اقتصادی است (نظریه توصیفی)، یا وضعیت مطلوب را ترسیم می‌کند (نظریه هنجاری) و یا روش حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب را نشان

می‌دهد (نظریه تجویزی). تلاش برای تدوین هر یک از این نظریات، حتی نظریات اثباتی در نهایت، به هدف بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و ارتقای رفاه عمومی صورت می‌گیرد. حتی آنان که مخالف دخالت دولت در بحران‌های اقتصادی یا دوره رکود چرخه‌های تجاری هستند بدان‌روست که معتقدند: دخالت دولت وضع را بدتر می‌کند. به عقیده آنان، اگر فرصت داده شود اقتصادی که از تعادل خارج شده، به تدریج، به سمت نقطه تعادل برمی‌گردد (رحمانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۵). طرفداران اقتصاد اسلامی معتقدند: اقتصاد اسلامی کارایی لازم برای حل مشکلات اقتصادی را دارد (رک: صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۷ و ۴۱۸). چنین اعتقادی نشان می‌دهد از نظر آنان، هدف از استنباط نظریه اقتصادی صرفاً عمل به تکلیف و کسب اجر معنوی و یا تحصیل معذرت نسبت به عقاب اخروی نیست و نمی‌توان در فرایند استنباط نظریه اقتصادی، فقط به تحصیل حجت شرعی اندیشید (علم‌الهدی، ۱۳۹۴، ص ۶۵). هر نظریه اقتصادی که از آموزه‌های اسلامی استنباط می‌شود، باید بتواند در تحلیل واقعیت‌های اقتصادی، یا حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب کارکرد بهتر یا - دست‌کم - مساوی نسبت به نظریات رقیب داشته باشد. برای حصول اطمینان از چنین کارکردی، اگرچه روش «آزمون و خطا» ساده‌ترین راهکار است، اما باید توجه داشت که این راهکار می‌تواند پرهزینه یا حتی غیر عملی باشد. بنابراین، محقق علاقه‌مند به استنباط نظریه، باید موضوع را عمیقاً مطالعه کند؛ متغیرهای مؤثر در آن و همچنین متغیرهای اقتصادی را بشناسد و از نحوه عملکرد آنها آگاه باشد. امروزه اطلاع از این مباحث، بدون تسلط بر دانش اقتصاد متعارف امکان‌پذیر نیست؛ غالب منابع موجود در این زمینه، متعلق به خارج از دنیای اسلام بوده و توسط اقتصاددانان غربی نگاشته شده است، محقق اقتصاد اسلامی با مراجعه به آثار تولید شده، می‌تواند از تحقیقات موجود برای شناسایی موضوعات پیچیده اقتصادی و متغیرهای مؤثر در آن و نحوه عملکرد آنها بهره‌بردار و از ذخایر تجربه بشری استفاده کند.

در فرایند استنباط نظریه اقتصادی، «موضوع‌شناسی عمیق» در سه سطح صورت می‌گیرد:

سطح اول. آشنایی با مفاهیم و متغیرهای مرتبط با موضوع؛

سطح دوم. بررسی سیر تاریخی موضوع و متغیرهای ذی‌ربط؛

سطح سوم. کشف و نقد مبانی اقتصاد رایج که با موضوع در ارتباط است.

سطح سوم. از آن نظر حایز اهمیت است که دیدگاه‌های اندیشمندان اقتصاد رایج در مباحث اقتصادی نوعاً برگرفته از مبانی نظام سرمایه‌داری است. کشف این مبانی کمک شایانی به درک عمیق‌تر موضوع می‌کند و اختلاف اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف را آشکار می‌کند؛ زیرا اساسی‌ترین محور اختلاف بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد رایج به مبانی پذیرفته شده از سوی هر یک از دو مکتب برمی‌گردد. برای مثال، بدینی *مالتوس* نسبت به آینده اقتصاد و تأکید بر کمبود مواد غذایی به خاطر رشد جمعیت و به تبع آن بروز جنگ و خونریزی (شومپیتر، ۱۳۷۵، ص ۳۲۱)، مبتنی بر نگاه غیرالهی *مالتوس* به موضوع ارتزاق بشر است. اقتصاددانی که منکر وجود خالق برای هستی است، یا خالق هستی را به ساعت‌ساز تشبیه می‌کند، طبیعتاً چنین تحلیلی از رشد جمعیت و مواد غذایی لازم آنان خواهد داشت.

تطبيق: در اقتصاد متعارف، راجع به پیامدهای اقتصادی توازن و اینکه آیا لازمه عدالت اقتصادی، برقراری توازن است، مباحث زیادی مطرح شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظریه پردازان اقتصاد سرمایه‌داری، بازار و نظام قیمت‌ها را بهترین معیار توزیع امکانات می‌دانند. همه دیدگاه‌ها - از دیدگاه کاملاً افراطی و منفی هایدک به عدالت توزیعی گرفته تا نظر جان‌رانز - به نوعی بر قانون طبیعی مبتنی است و نتیجه آنها (جز دیدگاه جامعه‌گرایان که اشکالات خاص خود را دارد) دفاع از نظام بازار آزاد و لیبرالیسم غربی است. از نظر اکثر قریب به اتفاق اقتصاددانان غربی، بازار و سازوکار قیمت، حتی اگر منجر به توازن نشود، عامل توزیع عادلانه درآمد و ثروت است (رجایی، ۱۳۹۴، ص ۸۰). بر اساس دیدگاه کلاسیک‌ها، که امروزه دوباره اندیشه غالب اقتصاددانان گردیده، اقتصاد متکی به قانون طبیعی بوده و باید به حال خود سپرده شود و هرگونه دخالت در جهت اصلاح جریان اقتصادی موجب بروز مشکلات مضاعف در سیستم خواهد شد. از این رو، معتقد به عدم دخالت دولت در ادوار تجاری بوده و دولت حداقلی را پیشنهاد می‌کنند. به اعتقاد اقتصاددانان غربی، ایجاد توازن به صورت دستوری، محدودکننده آزادی انسان‌ها در حوزه درآمد و مصرف است و مالکیت خصوصی را محدود می‌سازد و این با «لیبرالیسم» به عنوان اساسی‌ترین مبنای اقتصاد رایج سازگاری ندارد. همچنین آنها معتقدند: انباشت سرمایه مهم‌ترین راه رشد سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است.

با کشف این مبانی، علت عدم گرایش به نظریه «توازن» در اقتصاد رایج کاملاً روشن می‌شود؛ زیرا توازن اساساً با نظام «بازار آزاد» و «لیبرالیسم» سازگاری ندارد و کارایی نظام قیمت‌ها را مورد مناقشه قرار می‌دهد. قانون طبیعی و اکتفا به سازوکار بازار، به معنای نادیده گرفتن هدایت تشریحی و تعریف نکردن جایگاهی برای آن در حوزه اقتصاد است. انباشت سرمایه نیز اگرچه ممکن است به رشد اقتصاد و منتفع شدن کل جامعه بینجامد، اما موجب افزایش فاصله طبقاتی و ثروتمندتر شدن ثروتمندان می‌شود.

### مرحله سوم. رجوع به مبانی اقتصاد اسلامی

کشف مبانی مسئله از منظر اسلام، گام بعدی در استنباط نظریه اقتصاد اسلامی است. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، در بسیاری از موارد، منشأ اختلاف دیدگاه‌ها بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد رایج در مبانی پذیرفته شده از سوی هر یک نهفته است. «مبانی» بنیادهای فکری و پایه‌ای هستند که اصول، قواعد و مسائل هر مکتب و نظام اقتصادی بر اساس آنها شکل می‌گیرد. مبانی در استنباط نظریه، نقش اصلی ایفا کرده، هسته سخت نظریه را شکل می‌دهند و برای استنباط نظریه، پیش از مراجعه به احکام معاملات، باید به مبانی رجوع نمود. پیش از این، راجع به مبانی اقتصاد اسلامی سخن به میان آمد و روشن شد با وجود اینکه استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت مبانی گوناگونی دارد، اما مبانی فلسفی آن، که عبارتند از مبانی معرفت‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی الهیاتی، مبانی انسان‌شناختی، و مبانی ارزش‌شناختی، نقش کلیدی‌تری دارند.

تطبيق: در مسئله توازن، مبانی اقتصاد اسلامی تأثیرگذار در استنباط نظریه عبارتند از: مالکیت حقیقی خداوند بر

تمام کائنات و از جمله اموال؛ اعتباری بودن مالکیت انسان بر اموال؛ جانشینی خاص انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام و جانشینی عام انسان؛ تعمیم خلیفه‌اللهی انسان به مالکیت اموال؛ هدایت تشریحی بشر افزون بر هدایت تکوینی؛ لزوم برقراری عدالت اجتماعی؛ وجود پیوند برادری دینی بین مؤمنان (حجرات: ۱۰)؛ برابری همه افراد بشر در انسانیت (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۷).

این مبانی، شکل‌گیری نظریه را به سمت و سویی جدا از آنچه که در اقتصاد رایج متداول است، هدایت می‌کند.

### مرحله چهارم. کشف راهبردها و شناسایی مجدد متغیرها

«راهبردها» - در حقیقت - همان احکام شرعی هستند که برای تحقق هدفی خاص بر موضوعاتشان حمل شده‌اند. اطلاق واژه «راهبرد» به این بایدها و نبایدها از آن روست که شارع با تشریح این احکام، درصدد هدایت حرکت اقتصاد به سمت و سویی خاص است. با بررسی احکام شرعی مرتبط با موضوع، که به واسطه متغیرها و عناصر شناسایی شده صورت می‌گیرد، می‌توان ابعاد نظریه را تنقیح کرد و نشان داد که شارع با جعل این دستورات شرعی، به دنبال تحقق چه نظری بوده است.

عناصر و متغیرهای مرتبط با نظریه - هرچند قبلاً شناسایی شده‌اند- اما در این مرحله، مجدداً بازبینی می‌شوند و در صورت لزوم، حذف می‌گردند و حتی ممکن است متغیرهای جدید، که قبلاً مطرح‌نظر قرار نگرفته بودند، به مجموعه متغیرها اضافه گردند.

شهید صدر کشف نظریات اقتصاد اسلامی را از این مرحله آغاز کرده است. وی در کتاب *اقتصادنا*، در تبیین روش «کشفی» و همچنین در کشف نظریه «توزیع قبل از تولید» و «توزیع بعد از تولید»، در اولین گام، به سراغ احکام شرعی رفته، از دو مرحله قبل، یعنی موضوع‌شناسی و رجوع به مبانی، سخنی به میان نیاورده است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۴۱۵، ۴۷۷، ۶۳۹)، اگرچه مباحثی که تحت عنوان «المفاهیم تساهم فی العمليه» مطرح نموده است تا حدی می‌تواند ناظر به مبانی باشد (همان، ص ۴۳۹).

این مرحله نیازمند تتبع منابع فقهی با بهره‌گیری از روش «اجتهادی» است و تمام شرایطی که برای استنباط حکم شرعی از ادله لازم است در این مرحله باید لحاظ گردد. البته باید توجه داشت که هدف، استنباط نظریه است، نه استنباط حکم شرعی. بنابراین، باید اصول استنباط نظریه محور کار باشد. استنباط نظریه اقتصادی، اصول و قواعدی اختصاصی دارد که حلقه‌های مفقوده اصول فقه موجود در استنباط نظریه محسوب می‌شوند و بدون آنها استنباط نظریه از کتاب و سنت دشوار و حتی غیر ممکن است. کشف و استخراج این قواعد یکی از پیش‌نیازهای اساسی تدوین علوم انسانی - اسلامی و از مقدمات ضروری مباحث فقه حکومتی است.

تطبيق: در مسئله توازن، راهبردهای شریعت را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

قرآن کریم توجه به طبقات محروم و وضعیت معیشت آنها را مکرر گوشزد می‌کند؛ بارها بعد از توصیه به اقامه نماز، پرداخت زکات را متذکر می‌شود (بقره: ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷، ۲۷۷) و به صورت ویژه، به توصیف ثواب انفاق



می‌پردازد (بقره: ۲۵۱، ۲۵۶) و مؤمنان را به خاطر انفاق آشکارا و پنهانی و در حال گشایش و تنگدستی می‌ستاید (بقره: ۲۷۴؛ آل عمران: ۱۳۴) و حتی در برخی از آیات، یکی از علل جهنمی شدن اهل دوزخ را بی‌توجهی به مساکین می‌شمرد (مدثر: ۴۴؛ حاقه: ۳۴).

شارع مقدس علاوه بر این بیانات کلی، در این باره به صورت جزئی نیز به تشریح احکام شرعی پرداخته و زکات را در نه قلم کالا واجب کرده است.

زکات فطره را با همان مصارف زکات اموال بر تمام سرپرستان خانواده - در صورتی که خود فقیر نباشند - واجب کرده است.

بر هر مکلفی واجب است نفقه زوجه را مطلقاً و نفقه فرزندان و والدین را در صورتی که فقیر باشند، بپردازد. حتی اگر توان مالی ندارد، اما می‌تواند کار کند، کسب و کار بر وی واجب می‌شود.

در موارد متعددی همچون قتل خطا، حنث نذر و قسم، تأخیر قضای روزه تا حلول رمضان آینده، افطار عمدی و بدون عذر روزه، و در برخی موارد، افطار با عذر روزه، اطعام فقیر را به جای روزه کفاره پذیرفته است.

خمس را واجب کرده است که نصف آن برای تأمین مالی فقرا و مساکین و در راه ماندگان از سادات، و نصف دیگر آن بنا بر صلاحدید حاکم شرع، در مصالح جامعه و از جمله رفع فقر مؤمنان مصرف می‌شود.

در برخی از روایات، تصریح شده است که اگر مقدار خمسی که به دست ولی امر رسیده، نیازمندی سادات فقیر را جبران ننماید، بر ولی امر لازم است از دیگر منابع بیت‌المال، احتیاجات آنها را برآورده کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۰، ح ۴). با تنقیح مناط، می‌توان آن را به مطلق نیازمندان تعمیم داد و گفت: اگر زکات اموال کفاف تأمین مالی نیازمندان را نکند، بر دولت اسلامی لازم است در صورت امکان، از سایر درآمدها به تأمین مالی نیازمندان اقدام کند. در تأیید این برداشت، می‌توان به سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به تأمین مخارج زندگی یک مسیحی نابینا از بیت‌المال اشاره کرد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۲۹۲).

قرض دادن جزو مستحبات مؤکد شمرده شده و ثواب هجده برابری برای آن جعل شده است. حد و حدود ارتقای سطح معیشت نیازمندان صرفاً تأمین نیازهای ضروری نیست، بلکه تا رسیدن به سطح

عمومی جامعه، همچنان نیازمند و مستحق محسوب می‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۰، ح ۳).

روایات زیادی در ستایش زهد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۰)؛ قناعت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۷)؛ کفاف (همان، ص ۱۴۰) وارد شده و سیره عملی انبیا، اوصیا و اولیا نیز زندگی زاهدانه بوده است (عادلی، ۱۳۹۳).

اسراف و اتراف حرام و از گناهان کبیره شمرده شده است (اسراء: ۲۷).

در قرآن کریم، به تقسیم فیء بین نیازمندان تصریح شده و در بیان علت آن آمده است: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷). با استناد به این تعلیل و تنقیح مناط، می‌توان گفت: شارع مقدس به طور کلی، تمرکز

ثروت در دست عده‌ای معدود از افراد جامعه را نمی‌پسندد (معلمی، ۱۳۹۱).

## مرحله پنجم: انسجام بخشی و یکپارچه سازی و استنباط نظریه

همان گونه که اشاره شد، در شکل گیری نظریه، عناصر و متغیرهای متعددی دخیل هستند و نظریه پرداز می کوشد با انسجام بخشی و یکپارچه سازی بین این عناصر و متغیرها، نشان دهد که کل مجموعه با یک ارتباط منطقی درصدد وصول به هدفی خاص هستند، یا درصدد تبیین یک واقعیت غیر بدیهی هستند. در این مرحله، ثمره تلاش علمی محقق ظهور پیدا می کند و نظریه از درون اجزای به ظاهر متشتت و پراکنده متولد می شود. از همین رو، مرحله «انسجام بخشی و یکپارچه سازی» مهم ترین مرحله استنباط نظریه است. در این مرحله، هر یک از متغیرها، اعم از مبانی و راهبردها، به عنوان جزئی از کل، در ضمن مجموعه و به صورت یکجا دیده می شود؛ تا تصاویر پراکنده و جزئی تبدیل به تصویری واحد گردد.

تطبیق: در مسئله توازن، از آن رو که ارتقای و درآمد و ثروت همه افراد جامعه به بالاترین سطح به صورت همزمان امکان پذیر نیست، بنابراین، شارع مقدس، هم نسبت به ارتقای معیشت نیازمندان اهتمام داشته است (بخش اول نظریه)، هم کنترل مصرف را مد نظر قرار داده است (بخش دوم نظریه)، هم کنترل ثروت و درآمد ثروتمندان را دنبال کرده است (بخش سوم نظریه).

در مقام انسجام بخشی و یکپارچه سازی بین اجزای و عناصر نظریه «توازن»، مبانی اقتصاد اسلامی کشف شده و نیز راهبردهای استخراج شده از کتاب و سنت، باید گفت:

بر اساس مبانی اقتصاد اسلامی، از یک سو، خداوند مالکیت حقیقی تمام کائنات و از جمله اموال است. انسان نیز از سوی او به مقام خلیفه الله (به معنای عام) نایل گشته است و انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان خلیفه خاص خداوند، حق تصرف تشریحی در اموال را دارند. بنابراین، اموال در دست انسان به نوعی، امانت (به معنای عام) است و جعل احکامی که موجب محدودیت تصرف در اموال گردد، منافاتی با پذیرش مالکیت خصوصی ندارد. از سوی دیگر، اسلام برقراری عدالت را از اهداف انبیاء برشمرده است. از نظر اسلام، انسانها در انسانیت برابر، و مؤمنان نیز برادر دینی هستند. با چنین نگرشی، اختلاف فاحش طبقاتی فاحش بین افراد جامعه نمی تواند قابل قبول باشد.

راهبردهای شریعت نیز برداشت اخیر از مبانی را تأیید می کند. بر اساس احکام شرعی، در درون خانواده نظامی طراحی شده است که می تواند فقر و نیازمندی را پیش از آنکه به اجتماع منتقل شود، از بین ببرد. شارع مقدس در گام اول، تأمین مخارج عمودین فقیر (والدین و طبقات بالاتر)، فرزندان و طبقات پایین تر را بر مکلفان متمکن واجب ساخته است. در گام بعدی، قرآن کریم رسیدگی به طبقات محروم و توجه به وضعیت معیشت آنها را مکرر گوشزد کرده، و آن را در کنار اقامه نماز تذکر داده است. در این اهتمام، شارع صرفاً به توصیه اکتفا نکرده و برای شفاف سازی، زکات اموال را در نه قلم کالا واجب کرد که پنج قلم از مصارف هشت گانه آن مستقیماً برای تأمین حاجت نیازمندان است. همچنین زکات فطره را با همان مصارف زکات اموال بر تمام سرپرستان خانواده به شرطی که خود فقیر نباشند، واجب کرده است. کفارات با انواع و اقسام گوناگونش به نوعی مکمل زکات اموال و زکات فطره است، تا کسی گرسنه و برهنه نماند. نصف خمس صرف رفع نیاز بخشی از فقرا (سادات نیازمند) می شود و

نصف دیگر آن نیز در مصالحی که ولی امر تشخیص دهد (از جمله رفع فقر فقراى شیعه) مصرف می‌گردد. تأکید بر استحباب قرض دادن نیز در راستای ارتقای سطح معیشت نیازمندان ارزیابی می‌شود؛ شارع می‌خواسته است کسانی را که حاضر نیستند اتفاق مستحب کنند، با این روش، به یاری نیازمندان تهییج نماید. شارع مقدس به رغم تمام این راهبردها، آخرین گام را با ایجاد تکلیف برای دولت اسلامی برداشته و آن را موظف کرده است در عرض تکلیف برای عموم مسلمانان، برای پیشگیری و رفع فقر، با استفاده از منابع مالی دولت اسلامی اقدام کند. از سوی دیگر، در صدق نیازمندی، ملاک رسیدن به سطح عمومی جامعه است، نه صرفاً تأمین نیازهای ضروری.

بنابراین، بخش اول نظریه «توازن» اثبات گردیده، و روشن می‌شود که شارع بر اساس مبانی پیش گفته و احکام اشاره شده به دنبال ارتقای سطح معیشت نیازمندان تا سطح عمومی جامعه است.

در بخش دوم نظریه، شارع مقدس درصدد کنترل سطح معیشت ثروتمندان برآمده است. تأکید بر زهد و قناعت و اکتفا به کفاف در کنار تحریم اسراف و اتراف، حاکی از سیاست کنترل مصرف از سوی شارع مقدس است. اسراف حرام منحصر در اتلاف حقیقی نیست؛ گاهی ممکن است کالایی از نگاه عرف به صورت صحیح مصرف شود و مصداق اتلاف نباشد، اما در عین حال، از نظر شرعی مصداق اسراف باشد. یکی از مصادیق این نوع از اسراف مصرف فراتر از سطح زندگی عمومی است که معمولاً به صورت تجملی و مترفانه صورت می‌گیرد. استدلال‌های مربوط به این نوع اسراف به تفصیل در کتاب *شاخص اسراف و معیارهای آن* بیان شده است (رجایی و خطیبی، ۱۳۹۲، ص ۹۵). شارع با تحریم این نوع اسراف در حقیقت، مصرف ثروتمندان، و به طور کلی، سطح معیشت آنها را کنترل کرده است تا از سطح عمومی جامعه تجاوز نکند. بنابراین، بخش دوم نظریه (کنترل مصرف ثروتمندان) نیز اثبات می‌شود.

بخش سوم نظریه ناظر به کنترل ثروت و درآمد ثروتمندان است. ذیل آیه «فیء» به لحاظ ادبی، تعلیل محسوب می‌شود. طبق این تعلیل، هدف از تقسیم فیء در بین نیازمندان، فقط ارتقای سطح زندگی آنان نیست، بلکه کاهش فاصله بین فقرا و اغنیا نیز مد نظر شارع بوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹) برای تحقق این بخش از نظریه، راهبردهای غیرمستقیم در نظر گرفته شده است. توضیح آنکه شارع مقدس اگرچه کسب درآمد و انباشت ثروت را به شرط ادای حقوق واجب آن، منع نکرده است، اما در عین حال، به نظر می‌رسد نظام مالی را به گونه‌ای تنظیم گردیده است که احتمال تراکم ثروت را به حداقل برساند.

یکی از مفسران معاصر ذیل آیه «فیء» می‌نویسد: «این آیه یک اصل اساسی را در اقتصاد اسلامی بازگو می‌کند، و آن اینکه جهت‌گیری اقتصاد اسلامی چنین است که در عین احترام به «مالکیت خصوصی» برنامه را طوری تنظیم کرده که اموال و ثروت‌ها در دست گروهی محدود متمرکز نشود که پیوسته در میان آنها، دست به دست گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۵۰۷).

شاهد این ادعا آن است که در تأمین مالی نیازمندان، ثروتمندان بر دولت مقدم داشته شده‌اند؛ یعنی ابتدا باید ثروتمندان به وظایف مالی خود عمل کرده، نیازمندان را یاری کنند. بعد از آن، اگر باز هم احساس نیاز باقی بود،

دولت وارد عمل شود و کاستی‌ها را جبران کند (این مطلب از روایتی که قبلاً ذکر شد و مربوط به لزوم تأمین نیازمندی‌های سادات فقیر توسط دولت در صورت عدم کفاف خمس بود، قابل استفاده است) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۰، ح ۴). به عبارت دیگر، قراردادن وظیفه تأمین مالی نیازمندان بر دوش ثروتمندان، سیاستی دوسویه است که در آن، علاوه بر ارتقای سطح زندگی نیازمندان، کنترل درآمد و ثروت ثروتمندان نیز مد نظر شارع بوده است.

### مرحله ششم: کشف معیارها و تعیین شاخص‌ها

معیار (Criteria) و شاخص (Index) ابزارهایی برای سنجش و ارزیابی هستند و تحقیقات نظری را به واقعیت‌های بیرونی گره می‌زنند. «معیار» در لغت، به اندازه، پیمان، ترازو، سنگ محک و وسیله سنجش اشیاء معنا شده است (معین، ۱۳۵۰، واژه معیار). همان‌گونه که از معیار برای سنجش و تمایز امور خارجی و واقعیت‌های بیرونی استفاده می‌شود، این واژه برای رفع ابهام از مفاهیم نیز کاربرد دارد. به عبارت دیگر، چون ممکن است گستره شمول برخی از مفاهیم نسبت به مصادیقشان مبهم باشد، می‌توان با تعیین معیار، ابهام آنها را کاست و حتی از بین برد. برای مثال، در بحث «اسراف» هر آنچه مصداق زیاده‌روی است، حرام نشده و برای شناسایی مصادیق اسراف، معیارهایی همچون اتلاف، مصرف بالاتر از سطح عمومی جامعه، مصرف فراتر از توان مالی، صرف اموال در معصیت الهی و صرف بیت‌المال در غیر موارد مجاز ذکر شده است (رجایی و خطیبی، ۱۳۹۱).

اگرچه برخی «شاخص» و «معیار» را تقریباً مترادف دانسته و گفته‌اند: «شاخص معیاری است که روند تغییر یک متغیر را نشان می‌دهد» (فرهنگ، ۱۳۷۹، ص ۵۴۱)، اما به نظر می‌رسد «معیار» برای شفاف‌سازی مفاهیم عمل می‌کند و «شاخص» نشانه‌هایی را تعریف می‌کند و عملیات آماری را امکان‌پذیر می‌سازد. در حقیقت، معیار نسبت به شاخص، سنگ محک کلی و واسطه میان «مفهوم» و «شاخص» است.

گاهی برای سنجش برخی از مفاهیم، مانند «عدالت»، «توسعه» و «رفاه» باید از نشانه‌هایی کمک گرفت. این نشانه‌ها، که در اصطلاح «معرف» یا «نماگر» (Indicator) نامیده شده‌اند، امکان ارزیابی یا اندازه‌گیری اجزای گوناگون مفهوم تحت بررسی و ابعاد و مؤلفه‌های آن را فراهم می‌کنند. شاخص‌ها می‌توانند از همین نشانه یا نشانه‌ها، علائم و نماگرهایی تشکیل شوند (رجایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۲). موضوع شاخص ممکن است یک مفهوم کیفی یا کمی باشد و یا از ترکیب چندین معرف و نماگر ساخته شود که با یکدیگر ارتباطی معنادار و منطقی دارند؛ مثلاً شاخص توسعه انسانی از ترکیب نماگرهای درآمد سرانه، میزان سواد و امید به زندگی تشکیل شده است.

در حوزه اقتصاد اسلامی، گاهی لازم است برای نظریه‌های استنباط شده معیارها و شاخص‌هایی برای ارزیابی تعیین شود. تعیین معیار و شاخص در جایی لازم است که بخواهیم با گردآوری اطلاعات بیرونی درباره تأیید یا رد نظریه، اظهار نظر کنیم و یا برای تغییر وضعیت موجود، به وضعیت مطلوب برنامه‌ریزی نماییم. بنابراین، برخی از نظریات اقتصاد اسلامی ممکن است اساساً نیازی به شاخص‌سازی نداشته باشند. برای مثال، نظریه «منشأ بودن کار برای تملک» نیازی به ساختن شاخص برای محاسبه و ارزیابی ندارد.

تطبيق: برای سنجش «توازن» می‌توان معیارهای پیشینی مانند «استحقاق عرفی»؛ «استحقاق حد کفافی»؛ «استحقاق سهمی» و «کارایی» و معیارهای پسینی مانند «استغنا» را در نظر گرفت. برخی از شاخص‌های سنجش توازن نیز عبارتند از: «نسبت سرپرستان خانواده دارای اشتغال با درآمد کافی به کل سرپرستان خانواده»؛ «نسبت خانواده‌های درون تفاضل پذیرفته شده به کل خانواده‌ها» (رجایی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۶-۲۶۲).

## نتیجه‌گیری

برای استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت پس از طرح مسئله، عناصر و متغیرهای مرتبط با موضوع، شناسایی می‌شود. سپس موضوع‌شناسی نظریه با رجوع به ادبیات اقتصاد رایج آغاز می‌گردد و در مرحله مفهوم‌شناسی، سیر تاریخی شکل‌گیری موضوع و مبانی آن مطالعه و نقادی می‌شود. در ادامه، مبانی اقتصاد اسلامی مرتبط با موضوع استخراج می‌شود و حرکت به سمت استنباط نظریه آغاز می‌گردد. رجوع به مبانی اقتصاد اسلامی و حرکت از آن نقطه به سمت نظریه، از جمله نقاط عطف در استنباط نظریه اقتصادی و اساسی‌ترین نقطه افتراق اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف است. در مرحله بعد با تمرکز بر موضوع، به کتاب و سنت مراجعه می‌شود و راهبردهای کتاب و سنت در خصوص موضوع و متغیرهای مرتبط با آن بررسی می‌شود. این مرحله مبتنی بر روش اجتهادی مرسوم در فقه است. البته باید توجه داشت استنباط نظریه با استنباط حکم تفاوت دارد و نباید از اصول و قواعد اختصاصی استنباط نظریه غافل ماند. در پایان، اساسی‌ترین مرحله استنباط نظریه، یعنی «انسجام‌بخشی و یکپارچه‌سازی» صورت می‌گیرد و بین عناصر و اجزای به ظاهر پراکنده و متشتت ارتباط برقرار می‌شود. پس از پایان استنباط نظریه از کتاب و سنت، در صورت امکان، معیارها و شاخص‌های لازم کشف و به عنوان متمم به نظریه استنباط‌شده ملحق می‌شود.

نمودار ۱. مراحل استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت



## منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، قم، مؤسسه نهج البلاغه.
- بحرانی، محمد سند، ۱۴۲۶ق، *أسس النظام السياسي عند الامامية*، قم، فذک.
- بهیمنی، محمدباقر، ۱۴۱۵ق، *الفوائد الحائریة*، قم، مجمع الفكر الاسلامی.
- توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۴، «چیستی و کارکرد مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی»، *معرفت اقتصادی*، ش ۱۳، ص ۷۷-۱۰۷.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، «ویژگی نظام اسلامی»، *پاسار اسلامی*، ش ۲۸۴، بازیابی شده از: <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/89/92/1094/>
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، چ دوم، تهران، مدرسه.
- حائری، سیدعلی اکبر، ۱۴۱۷ق، «منطقه الفراغ فی التشريع الاسلامی»، *رسالة التقرير*، ش ۱۱، ص ۱۱۱-۱۴۱.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البیت.
- حسینی، سیدعلی، ۱۳۹۳، «تحلیلی بر احکام حکومتی رسول خدا ﷺ در حوزه اقتصاد کشاورزی»، *معرفت اقتصادی*، ش ۱۱، ص ۱۱۹-۱۴۲.
- خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۴، «روش شناسی و مبانی فلسفی حکمی-اجتهادی در علوم رفتاری و اجتماعی اسلامی»، در: *مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی علوم انسانی*، تهران، آفتاب توسعه.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲، *در جستجوی علوم انسانی اسلامی*، چ دوم، بی جا، معارف.
- رحمانی، تیمور، ۱۳۸۹، *اقتصاد کلان*، چ دوازدهم، تهران، برادران.
- رجایی، سیدمحمد کاظم و مهدی خطیبی، ۱۳۹۱، «معیارهای اسراف»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۵، ص ۵۵-۷۶.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲، *شاخص اسراف و معیارهای آن*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- رجایی، سیدمحمد کاظم، ۱۳۹۴، *درآمدی بر مفهوم علالت اقتصادی و شاخص های آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رجایی، سیدمحمد کاظم و همکاران، ۱۳۹۴، «روش شناسی تدوین شاخص»، در: *مجموعه مقالات درآمدی بر شاخص های اقتصادی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- زرقاء، محمد انس، ۱۳۸۲، «اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم روش»، ترجمه منصور زراءنژاد، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۴، ص ۱۴۵-۱۶۶.
- سایر، آندرو، ۱۳۸۵، *روش در علوم اجتماعی*، ترجمه عماد افروغ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۳، *مبانی علوم انسانی اسلامی*، تهران، آفتاب توسعه.
- شومپیتر، جوزف، ۱۳۷۵، *تاریخ تحلیل اقتصادی*، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، مرکز.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۳۴ق، *اقتصادنا*، قم، مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الأحکام*، چ چهارم، تهران، اسلامیة.
- عدلی، فاطمه، ۱۳۹۳، «ساده زیستی پیامبر اکرم»، پژوهشکده باقر العلوم (ع)، بازیابی شده از: 24 آبان ۱۳۹۳ <http://pajoohe.ir/37927.aspx>
- علم الهدی، سیدمحمدصادق، ۱۳۹۴، «کارکرد گزاره های فقهی در اسلامی سازی علوم انسانی»، *علوم انسانی اسلامی صدر*، ش ۱۴، ص ۶۵-۹۶.
- فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۹، *فرهنگ علوم اقتصادی*، بی جا، پیکان.
- فرهنگی، علی اکبر و حسین صفرزاده، ۱۳۸۷، *روش های تحقیق در علوم انسانی (با نگرشی بر پایان نامه نویسی)*، چ دوم، بی جا، پیام پویا.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، اسلامیة.
- معلمی، سیدمهدی، ۱۳۹۱، «قاعده نفی تناول ثروت»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۷، ص ۱۴۳-۱۶۴.
- معین، محمد، ۱۳۵۰، *فرهنگ معین*، تهران، امیر کبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیة.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۳، «روش کشف ماهیت اقتصاد اسلامی»، *قیسات*، ش ۳۴، ص ۸۹-۱۰۹.
- نظری، حسن آقا، ۱۳۸۲، «درآمدی بر شکل گیری نظریات علمی اقتصاد اسلامی»، چهارمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی.
- یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۵، «روش های کشف آموزه های اقتصادی اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۹، ص ۱۴۷-۱۷۶.

## اندازه‌گیری شاخص بهره‌وری کل

### عوامل تولید بانک‌های منتخب نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا.

seyednourani@gmail.com

r.v.yeganeh@gmail.com

سیدمحمدرضا سید نورانی / استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

رضا وفايي يگانه / دکتری اقتصاد اسلامی

دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۳ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۴

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی بهره‌وری (کارایی و اثربخشی) بانک‌های منتخب نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا. ایران انجام شده است. پیش‌فرض مطالعه این بوده که نظام بانکداری بدون ربا مقدمه‌ای برای بانکداری اسلامی است. روش پژوهش در این مطالعه بر اساس محتوا، توسعه‌ای و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، «تحلیلی - توصیفی» از نوع «پیمایشی» است. شیوه گردآوری داده‌ها «اسنادی، کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای» است. در این مطالعه، با استفاده از روش «دلفی» شاخص‌های اثربخشی و رویکرد سنجش نهاده و ستانده بانک‌های اسلامی احصا شده است. با استفاده از رویکرد شاخص عددی روند شاخص کل عوامل تولید بانک‌های تجاری با ملاحظه اثربخشی و بدون ملاحظه اثربخشی سنجیده می‌شود و با استفاده از رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها (الگوی  $vrs$ ) کارایی نسبی بانک‌های منتخب در دو عرصه (خروجی ارزش افزوده، خروجی درآمد کل) ارزیابی می‌گردد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد متوسط رشد بهره‌وری کل عوامل تولید بدون شاخص‌های اثربخشی بیش از شاخص بهره‌وری با ملاحظه شاخص‌های اثربخشی بوده است.

کلیدواژه‌ها: بانکداری اسلامی، بهره‌وری، کارایی، اثربخشی، شاخص عددی.

طبقه‌بندی JEL: G21, D24, O47

با توجه به نظام ارزشی و اعتقادی ملت مسلمان جمهوری اسلامی ایران، قانون «عملیات بانکی بدون ربا (بهره)» در جهت انجام فعالیت‌های بانکی کشور مطابق معیارهای اسلامی و با اهدافی همانند استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به تصویب رسید. این نظام بانکی مقدمه‌ای برای تحقق نظام بانکداری اسلامی است. از سوی دیگر، اقتصاد ایران یک اقتصاد بانک‌محور است. از این رو، استفاده بهینه از منابع بانکی و تحقق اهداف مد نظر نظام بانکی برای این اقتصاد بسیار حیاتی است. شاخص بهره‌وری می‌تواند سنجه مناسبی برای ارزیابی وضعیت تخصیص بهینه منابع باشد. «بهره‌وری» ترکیبی از کارایی (درست انجام دادن کارها) و اثربخشی فعالیت‌ها (انجام کارهای درست) است (سازمان ملی بهره‌وری، ۱۳۹۴). بسیاری از اقتصاددانان اعتقاد دارند که نگاه به بهره‌وری، باید یک نگاه بومی باشد؛ یعنی عوامل برانگیزنده بهره‌وری باید از جمع عواملی برگزیده شوند که برای مردم کشور مفهوم و معنا دارند، و در عین حال، با مفاهیم ساختاری بهره‌وری در جهان، هماهنگی نشان دهند. بیشتر مطالعات بهره‌وری در بخش بانکی، بر مفهوم «کارایی» تمرکز کرده و مفهوم «اثربخشی» کمتر بررسی و مطالعه شده است. این در صورتی است که «بهره‌وری» مفهومی فراتر از کارایی است و بررسی اثربخشی و درجه تحقق اهداف و مأموریت بانک‌ها (تحقق اهداف نظام بانکداری بدون ربا) ضروری می‌نماید.

نکته متمایز این مطالعه نسبت به مطالعات پیشین، معرفی شاخص‌های اثربخشی و معیاری برای احصای ستانده و نهاده بانک‌ها متناسب با نظام بانکداری بدون ربا و اهداف و مأموریت بانک‌های کشور است. بر این اساس، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که رویکرد متناسب برای احصای ستانده و نهاده در بانک‌های اسلامی چیست؟ و شاخص‌های سنجش اثربخشی بانک‌های مذکور کدامند؟ روند شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید با ملاحظه شاخص‌های اثربخشی چگونه است؟ بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش عبارت است از:

- در بانک‌های تجاری منتخب، متوسط رشد شاخص بهره‌وری - بدون ملاحظه اثربخشی - از متوسط رشد شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید با ملاحظه اثربخشی بیشتر است.

- متوسط رشد شاخص‌های بهره‌وری کل عوامل تولید بانک‌های منتخب بدون ملاحظه اثربخشی فزاینده است.

- متوسط رشد شاخص‌های بهره‌وری کل عوامل تولید با ملاحظه اثربخشی در بانک‌های منتخب کاهش یافته است.

در این مطالعه، به منظور پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق، ابتدا روش‌های سنجش بهره‌وری، از جمله روش «شاخص عددی» بیان می‌شود، سپس به رویکردهای شناسایی نهاده و ستانده در بانک و سابقه پژوهش اشاره می‌شود، و در انتها، روش پژوهش معرفی می‌گردد.

بر اساس روش پژوهشی انتخاب شده، رویکرد شناسایی ستانده و نهاده بانک‌های اسلامی و شاخص‌های اثربخشی شناسایی شده و مبتنی بر آنها شاخص‌های بهره‌وری نیروی کار، سرمایه، سپرده و بهره‌وری کل عوامل تولید در دو عرصه (با ملاحظه اثربخشی و بدون اثربخشی) سنجیده می‌شود در آخر، بر اساس الگوی تحلیل پوششی داده‌ها، کارایی نسبی بانک‌ها ارزیابی می‌شود.



## ادبیات پژوهش

به منظور اندازه‌گیری بهره‌وری، از رویکردهای گوناگونی استفاده می‌شود که در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان آنها را به رویکردهای «پارامتری» و «غیرپارامتری» تفکیک کرد. در رویکرد «پارامتری»، سنجش بهره‌وری با استفاده از روش اقتصادسنجی و براساس تخمین عوامل تابع تولید انجام می‌شود. در این رویکرد، غالباً تابع تولید به صورت نرخ رشد بیان می‌شود. در رویکرد «غیرپارامتری»، سنجش بهره‌وری با استفاده از روش‌هایی همانند حسابداری رشد، روش تحلیل پوششی داده‌ها، روش شاخص عددی و مانند آن صورت می‌گیرد (امامی میبدی و دیگران ۱۳۹۳). اساس بسیاری از روش‌های سنجش بهره‌وری «تابع تولید» است که ریشه در اقتصاد خرد دارد. فروزی را که این روش‌ها بر آن مبتنی است، می‌توان به صورت ذیل خلاصه نمود:

- نوعی فناوری تکنولوژی تولیدی وجود دارد که توسط یک تابع تولید بیان می‌شود و در آن ستانده تولیدی به داده‌های اولیه و واسطه مرتبط می‌گردد.

- تابع تولید دارای ویژگی بازده ثابت در مقیاس است.

داده‌های تولید لزوماً همگن نیستند. اقالام متفاوتی از نیروی کار، سرمایه و داده‌های واسطه وجود دارند.

$$Q = H(L_1, L_2, \dots, L_N, K_1, K_2, \dots, K_M, M_1, M_2, \dots, M_R, l)$$

تغییر بهره‌وری از نوع هیکسی و خنثاست. به عبارت دیگر، با تغییر در بهره‌وری، تابع تولید به سمت بیرون جابه‌جا

$$Q = A \cdot F(L_1, L_2, \dots, L_N, K_1, K_2, \dots, K_M, M_1, M_2, \dots, M_P)$$

می‌شود.

- برای هر سطح مطلوب از تولید، بنگاه هزینه داده‌ها را به حداقل می‌رساند. بازار داده‌های تولیدی رقابتی بوده و قیمت داده‌ها در اختیار بنگاه قرار می‌گیرد تا مقدار داده‌ها را تعیین کند.

- نیروی کار و داده‌های واسطه در هر لحظه از زمان، با قیمت‌های بازاری قابل به‌کارگیری است.

- استفاده از خدمات سرمایه‌گذاران نیازمند سرمایه‌گذاری یا به خدمت گرفتن کالای سرمایه‌ای برای یک دوره است.

سرمایه‌گذاری جدید منجر به افزایش موجودی سرمایه، که مولد خدمات سرمایه است، خواهد گردید

(OECD, ۲۰۰۱، ص ۵۶).

## الف. روش «شاخص عددی»

بیشتر واحدهای تولیدکننده آمار در کشورها، که به طور منظم، آمارهای بهره‌وری را تهیه و ارائه می‌کنند، از روش «شاخص عددی» استفاده می‌کنند. قبلاً به این نکته اشاره شد که بهره‌وری معمولاً به عنوان تقسیم شاخص مقداری ستانده به شاخص مقداری داده تعریف می‌شود:

$$A_t = \frac{Q_t}{I_t}$$

در عبارت بالا،  $A_t$  بهره‌وری کل،  $Q_t$  شاخص مقداری ستانده، و  $I_t$  شاخص مقداری داده است (بانک مرکزی، ۱۳۹۶).

همه ستاندها و داده‌هایی که در اقتصاد تولید شده و یا از آنها استفاده می‌شود از یک جنس نبوده و همگن نیستند. جمع بستن مقادیر متعدد به منظور به دست آوردن یک شاخص مقداری واحد برای هر یک از آنها مقدور نخواهد بود. بدین منظور، از روش «وزن‌دهی» به ترکیب ستاندها و داده‌ها استفاده می‌شود؛ بدین صورت که از سهم اسمی (یا جاری) ترکیب ستاندها و داده‌ها از کل ستاندها و داده‌ها در ساختن شاخص‌های مقداری مورد نظر استفاده می‌شود.

به منظور ساختن شاخص‌های مقداری، روش‌های شناخته شده‌ای وجود دارد که معروف‌ترین و متداول‌ترین آنها عبارت است از: شاخص «لاسپیرز»، «پاشه» و «فیشر». با این فرض که قیمت و مقدار  $N$  ستانده برای دوره‌های زمانی  $t=0, \dots, T$  در دست بوده و بردار قیمت و مقدار - به ترتیب - به صورت و  $P_t = (P^1, \dots, P^M)$  و  $q_t = (P^1, \dots, P^M)$  باشد، شاخص مقداری ستانده لاسپیرز  $(Q_i^L)$  به شکل ذیل خواهد بود:

$$Q_i^L = \frac{\sum_{m=1}^M P_0^m q_i^m}{\sum_{m=1}^M P_0^m q_0^m} = \sum_{m=1}^M w_0^m \frac{q_i^m}{q_0^m}$$

این شاخص، در  $w_i^m = \frac{P_i^m q_i^m}{\sum_{m=1}^M P_1^m q_1^m}$  سهم ستانده اسمی است. براساس رابطه بالا، شاخص مقداری لاسپیرز جمع نسبت مقادیر براساس وزن دوره صفر است.

شاخص مقداری ستانده پاشه  $(Q_i^P)$  به صورت ذیل قابل ارائه است:

$$Q_i^P = \frac{\sum_{m=1}^M P_1^m q_1^m}{\sum_{m=1}^M P_1^m q_0^m} \left[ \sum_{m=1}^M w_1^m \left( \frac{q_1^m}{q_0^m} \right)^{-1} \right]^{-1}$$

شاخص «پاشه»، برعکس شاخص «لاسپیرز»، از قیمت‌های دوره  $t$  به عنوان وزن استفاده می‌کند.

شاخص «فیشر»  $(Q_i^F)$  میانگین موزون هندسی دو شاخص «لاسپیرز» و «پاشه» است که از رابطه ذیل قابل محاسبه است.

$$(Q_i^F) = (Q_i^L Q_i^P)^{\frac{1}{2}}$$

شاخص آخر، که در اینجا بدان اشاره می‌شود، شاخص «تورنکوپیست»  $Q_i^T$  است که با رابطه ذیل تعریف می‌شود:

$$Q_i^T = \prod_{m=1}^M \left( \frac{q_1^m}{q_0^m} \right)^{\frac{1}{2}(w_0^m + w_1^m)} \quad (\text{دایورت، ۲۰۱۱، ص ۳۴})$$

## ب. الگوهای تحلیل پوششی داده‌ها

«تحلیل پوششی داده‌ها» (Data Envelopment Analysis) یک الگوی برنامه‌ریزی ریاضی برای ارزیابی بهره‌وری واحدهای تصمیم‌گیرنده‌ای (Decision making unit) است که چندین ورودی و چندین خروجی دارند. در واقع،

تحلیل پوششی داده‌ها مبتنی بر یک سلسله بهینه‌سازی با استفاده از برنامه‌ریزی خطی است که به آن روش «ناپارامتریک» نیز گفته می‌شود. در این روش، منحنی مرزی کارا از تعدادی نقاط، که به وسیله برنامه‌ریزی خطی تعیین می‌شود، ایجاد می‌گردد. برای تعیین این نقاط، می‌توان از دو فرض بازدهی ثابت و متغیر نسبت به مقیاس استفاده کرد. روش «برنامه‌ریزی خطی» پس از یک سلسله بهینه‌سازی مشخص می‌کند که آیا واحد تصمیم‌گیرنده منظور، روی مرز بهره‌وری قرار گرفته است و یا خارج آن قرار دارد؟ بدین وسیله، واحدهای کارا و ناکارا از یکدیگر تفکیک می‌شوند. فن «تحلیل پوششی داده‌ها» تمام داده‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهد و به همین دلیل، تحلیل پوششی داده‌ها نامیده شده است (امامی میبیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۴). استفاده از الگوی مزبور برای ارزیابی نسبی واحدها، نیازمند تعیین دو مشخصه اساسی «ماهیت الگو» و «بازده به مقیاس الگو» است که در ذیل، هر یک تبیین می‌شود:

الف. ماهیت ورودی: در صورتی که در فرایند ارزیابی، با ثابت نگه‌داشتن سطح خروجی‌ها، سعی در حداقل سازی ورودی‌ها داشته باشیم ماهیت الگوی استفاده شده ورودی است.

ب. ماهیت خروجی: در صورتی که در فرایند ارزیابی با ثابت نگه‌داشتن سطح ورودی‌ها، سعی در افزایش سطح خروجی داشته باشیم ماهیت الگوی استفاده شده خروجی است.

در الگوی تحلیل پوششی داده‌ها با دیدگاه ورودی محور، به دنبال به دست آوردن نا بهره‌وری فنی به‌عنوان نسبتی هستیم که باید در ورودی‌ها کاهش داده شود تا خروجی، بدون تغییر بماند و واحد در مرز بهره‌وری قرار گیرد. در دیدگاه خروجی به دنبال نسبتی هستیم تا خروجی‌ها افزایش یابند، بدون آنکه تغییر در ورودی‌ها به وجود آید و واحد مورد نظر به مرز بهره‌وری برسد (مهرگان، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲)

فن تحلیل پوششی داده‌ها دارای دو الگوی اصلی است:

نخست. الگوی بازدهی ثابت نسبت به مقیاس (CRS): این الگو، که اولین روش فن تحلیل پوششی داده‌ها است، توسط چارنر، کوپر و رودز (Banker, Charnes, Cooper) در سال ۱۹۷۸ ارائه شد. این الگو را گاهی با حروف «CCR» می‌شناسند که برگرفته از نام این سه پژوهشگر است. در این الگو، با تغییر یک واحد در ورودی‌ها، خروجی‌ها نیز با نسبت ثابت (کاهش یا افزایش) تغییر می‌کنند. در واقع، شیب تابع تولید در این الگو ثابت است.

دوم. بازدهی متغیر نسبت به مقیاس (VRS): این الگو توسط بانکر، چارنر و کوپر در سال ۱۹۸۴ ارائه شد. این الگو در مواقعی استفاده می‌شود که مقیاس‌گذاری یکسان بالاتر و پایینتر از حداکثر مقداری که برای هر یک از ورودی‌ها و خروجی‌ها مشاهده شده است، امکان پذیر نباشد. در این الگو با تغییر یک واحد در ورودی‌ها، خروجی‌ها با نسبت متفاوتی تغییر می‌کنند. این تغییر می‌تواند کاهشی یا افزایشی باشد. شیب تابع تولید در این مدل متغیر است. (قصیری و جعفریان، ۱۳۸۹).

بازده متغیر نسبت به مقیاس - ورودی محور:

$$\begin{aligned} \text{MAX } Z_0 &= \sum_{r=1}^s u_r y_{r0} + w \\ \text{St: } \sum_{i=1}^m v_i x_{i0} &= 1 \\ \sum_{r=1}^s u_r y_{rj} - \sum_{i=1}^m v_i x_{ij} + w &\leq 0 \\ (j = 1, 2, \dots, n) u_r, v_i &\geq 0 \end{aligned}$$

هرگاه  $w < 0$  باشد نوع بازده به مقیاس، کاهش می‌یابد.  
 هرگاه  $w = 0$  باشد نوع بازده به مقیاس، ثابت است.  
 هرگاه  $w > 0$  باشد نوع بازده به مقیاس، افزایش می‌یابد.  
 بازده متغیر نسبت به مقیاس - خروجی محور:

$$\begin{aligned} \text{Min } Z_0 &= \sum_{i=1}^m v_i x_{i0} + w \\ \text{St: } \sum_{r=1}^s u_r y_{r0} &= 1 \\ \sum_{i=1}^m v_i x_{ij} - \sum_{r=1}^s u_r y_{ij} + w &\leq 0 \\ (j = 1, 2, \dots, n) u_r, v_i &\geq 0 \end{aligned}$$

### رویکردهای شناسایی نهاده و ستانده در بانک

یکی از مهم‌ترین مسائل در سنجش بهره‌وری در صنعت بانکداری، تمایز میان رویکردها در شناسایی و تفکیک نهاده‌ها از ستانده‌های بانک است. مهم‌ترین تمایز مطرح در این باب، اختلاف در شناسایی سپرده به عنوان نهاده و یا ستانده است. برخی از روش‌ها سپرده را از آنجا که موجب افزایش درآمدهای بانک و - در واقع - نوعی تزریق مالی برای آن است، آن را به عنوان ستانده، و برخی دیگر آن را به سبب آنکه بانک بابت آن به پس‌اندازکنندگان بهره پرداخت می‌کند و این بهره نوعی هزینه است، سپرده را نوعی نهاده در نظر می‌گیرند. مهم‌ترین رویکردهای شناسایی نهاده و ستانده در بانک، رویکرد واسطه‌ای و رویکرد تولیدی است که در ادامه بررسی می‌گردد:

#### اول. رویکرد واسطه‌ای

در این «رویکرد واسطه‌ای» (intermediary approach)، بانک به عنوان یک نهاد مالی، که نقش واسطه‌گری را بین مشتریانی که پول خود را در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند و آنها که نیاز به پول برای سرمایه‌گذاری دارند، ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، در این رویکرد، نهاده‌ها شامل حجم سپرده‌ها، حقوق و دست‌مزد و دارایی‌های ثابت (موجودی سرمایه) بوده و حجم تسهیلات به عنوان ستانده در نظر گرفته می‌شوند. این رویکرد گسترده‌ترین روش استفاده شده در تعیین نهاده‌ها و ستانده‌ها به منظور سنجش کارایی و بهره‌وری است (سارا، ۲۰۱۲، ص ۸۵).

## دوم. رویکرد تولیدی

در «رویکرد تولیدی» (production approach)، که «ارزش افزوده» نیز نامیده می‌شود، بانک به عنوان یک نهاد مالی، که به مشتریان خود، خدمات ارائه می‌کند، تعریف و توانمندی آن در ارائه هر چه بیشتر این خدمات (تولید خدمات) دیده می‌شود. بر مبنای این رویکرد، بهترین عامل در سنجش و ارزیابی بهره‌وری، تعداد حساب‌ها و تراکنش‌های مالی در نظر گرفته می‌شود و در آن دارایی‌های ثابت و حقوق و دست‌مزد به عنوان نهاده‌ها و حجم سپرده‌ها و تسهیلات به عنوان ستانده لحاظ می‌شوند. در این رویکرد، بانک‌ها از طریق مدیریت معاملات مشتریان، نگهداری سپرده‌های آنها، نقد کردن چک، اعطای وام و مدیریت دیگر دارایی‌های مالی، به مشتریان خدمات ارائه می‌دهند و بر این اساس، می‌توان شاخص‌های بهره‌وری را در مقایسه حجم این خدمات ارائه شده با حجم استفاده شده از منابع تحلیل کرد. این روش یک مفهوم جریان است که از رویکرد استاندارد تولید پی‌روی می‌کند (همان).

### پیشینه پژوهش

#### الف. مطالعات خارجی

ریزیت (Rizet) (2006) در مطالعه‌ای با عنوان «رشد بهره‌وری در صنعت بانکداری کشور یونان» با استفاده از رویکرد واسطه‌ای، بهره‌وری کل عوامل تولید شش بانک در کشور یونان در طول سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۹۷ را محاسبه کرد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بهره‌وری کل عوامل به‌طور نسبی بعد از سال‌های آزادسازی اقتصادی به میزان ۲/۴ درصد افزایش یافته است.

پاسیوراس و سافوداسکالاسکی (Passover and Safedascalvaski) (۲۰۰۷) در پژوهش خود با عنوان «تغییرات بهره‌وری کل بانک‌های سهامی کشور یونان»، به بررسی بهره‌وری کل عوامل تولید با استفاده از شاخص «مالم کوئیست» در ۱۳ بانک یونان، طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ پرداختند. حجم تسهیلات اعطایی، دارایی نقدی و سرمایه‌گذاری‌ها و سپرده‌ها به‌عنوان ستانده بانک، و تعداد کارکنان و حجم دارایی‌های ثابت به‌عنوان نهاده در نظر گرفته شده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بهره‌وری کل عوامل تولید طی دوره تحت بررسی ۷ درصد رشد داشته است.

اسراییری (Srairi) (۲۰۰۹) کارایی بانک‌های اسلامی کشورهای عضو «شورای همکاری خلیج فارس» را با استفاده از رویکرد واسطه‌ای بررسی کرد. در این مطالعه، سرمایه فیزیکی، نیروی انسانی و سپرده به‌عنوان نهاده، و درآمد حاصل از تسهیلات و درآمد ناشی از ارائه خدمات به‌عنوان ستانده در نظر گرفته شد. نتایج این مطالعه نشان داد که ناکارایی رابطه‌ای مثبت با هزینه عملیاتی و نسبت وام به دارایی، و رابطه‌ای منفی با نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی، سود خالص به دارایی کل و اندازه بانک دارد.

روغنی و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «بهره‌وری بانک‌ها از طریق کارایی و اثربخشی» الگویی برای ارزیابی بهره‌وری بانک‌ها را از این طریق ارائه دادند و به مدیران و سیاستگذاران بخش بانکی پیشنهاد دادند که بهره‌وری بخش بانکی را با لحاظ کارایی و اثربخشی تحلیل کنند.

نینگ زو و همکاران (Ning Zhu et al) (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «کارایی و بهره‌وری کل عوامل تولید بخش بانکی کشور چین» در دوره سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۰ بهره‌وری و کارایی ۲۵ بانک این کشور را اندازه گرفتند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که کارایی بانک‌های دولتی از بانک‌های خصوصی بیشتر بوده است. البته در این مطالعه، درآمدهای غیرعملیاتی منشأ اصلی ناکارایی به‌شمار آمده است. در مجموع، عملکرد بهره‌وری فعالیت بانک‌داری چین بیش از متوسط کل اقتصاد بوده است.

وانگ و همکاران (Wang et al) (2014) در پژوهشی، کارایی بانک‌های تجاری چین را با روش تحلیل پوششی داده‌ها در دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۳ محاسبه کردند. در این پژوهش، نهاده‌ها شامل دارایی‌های ثابت، نیروی کار و سپرده، و ستانده شامل درآمدهای بهره‌ای و درآمدهای غیر بهره‌ای هستند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که کارایی نظام بانکی طی دوره بررسی افزایش یافته است. همچنین طبق نتایج به‌دست‌آمده در دوره پیش از اصلاحات اقتصادی، بانک‌های تجاری با مالکیت دولت بیش از بانک‌های تجاری خصوصی کارا بوده‌اند، و در دوره پس از اصلاحات، این اختلاف کارایی کاهش یافته است.

الیس و همکاران (Ellis et al) (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای، شاخص بهره‌وری «الم کوئیست» برای بانک‌های اروپایی را با استفاده از روش «واسطه‌ای» برآورد کردند. درآمدهای بهره‌ای و غیر بهره‌ای به‌عنوان ستانده، و مجموع دارایی‌های ثابت، حجم سپرده‌ها و مجموع پرداختی به کارکنان به‌عنوان نهاده در نظر گرفته شد. در این مطالعه بر روی ۶۴۴ بانک از ۲۸ کشور اروپایی در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که سطح بهره‌وری بانک‌های اروپایی به‌طور نسبی طی بحران مالی جهانی بدون تغییر مانده است. بانک‌ها در این دوره، سطح بهره‌وری خود را به‌وسیله مصرف بهتر منابع و بهره‌برداری از مقیاس تولید خود حفظ نمودند.

## ب. مطالعات داخلی

صدر، سلامی و فیروزآبادی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای، به «اندازه‌گیری بهره‌وری بانک‌های اسلامی (مورد بانک کشاورزی)» با رویکرد واسطه‌گری تعدیل‌شده پرداختند در این مطالعه، تسهیلات بانکی، سرمایه‌گذاری و مشارکت در واحدهای تولیدی، خدمات بانکی و سپرده‌های قانونی به‌عنوان ستانده، و دارایی‌های ثابت (سرمایه)، نیروی کار، سپرده‌های بانکی، تسهیلات دریافتی از منابع داخلی و نهاده‌های واسطه‌ای به‌عنوان نهاده در نظر گرفته شدند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که شاخص مقداری ستانده‌ها سالیانه ۳۷/۲ درصد، و شاخص مقداری کل نهاده‌ها سالیانه ۱۹ درصد در دوره در دست مطالعه، رشد داشته است. در نتیجه رشد سریع‌تر شاخص مقداری کل ستانده‌ها نسبت به نهاده‌ها، شاخص بهره‌وری کل عوامل در این بانک ۱۵,۲ درصد رشد یافته است. این یافته نشان می‌دهد که نظام بانکداری بدون ربا، که در ایران از سال ۱۳۶۱ به اجرا درآمده، برخلاف برخی از مشکلات، با بهبود بهره‌وری قابل ملاحظه‌ای مواجه بوده است.

حسین زاده بحرینی و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی به مقایسه کارایی بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران با

استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها پرداخته‌اند. در این مطالعه، از رویکرد واسطه‌ای با دو رویکرد «درآمدی» و «ارزش افزوده» استفاده شده است. در این مطالعه، نهاده‌ها شامل تعداد کل نیروهای بانک، دارایی‌های ثابت بانک و حجم سپرده‌ها، و ستانده‌ها شامل حجم تسهیلات و ارزش افزوده بانک بوده است. بر اساس نتایج این مطالعه، در نگرش واسطه‌ای با رویکرد درآمدی، کارایی اقتصادی بانک‌های دولتی بیش از بانک‌های خصوصی است که دلیل آن نیز پایین بودن کارایی تخصیصی این بانک‌ها به خاطر تازه تأسیس بودن آنهاست. در نگرش واسطه‌ای با رویکرد ارزش افزوده، کارایی اقتصادی بانک‌های خصوصی بالاتر از بانک‌های دولتی است که علت آن بالا بودن میزان کارایی فنی در این بانک‌هاست.

*ابوالحسنی (۱۳۸۹)* در مطالعه‌ای به ارزیابی بهره‌وری بانک کشاورزی استان مازندران طی سال‌های ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸ با روش تحلیل پوششی داده‌ها و رویکرد تولیدی پرداخته است. در این مطالعه، از متغیرهای تعداد کارکنان، سود و کارمزد پرداختی و هزینه‌های اداری و کارکنان به‌عنوان نهاده، و تسهیلات اعطایی، کارمزد دریافتی و سپرده‌ها به‌عنوان خروجی استفاده گردیده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بهره‌وری شعب بانک در سال ۱۳۸۷ به‌طور متوسط ۰/۸ و در سال ۱۳۸۸ به‌طور متوسط ۰/۷ کاهش داشته است.

فراهانی فرد و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای، بین کارایی بانک‌های اسلامی و غیر اسلامی با روش «توصیفی» و «تحلیل محتوا» با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها و با استفاده از رویکرد واسطه‌ای مقایسه تطبیقی کرده‌اند. در این مطالعه، کارایی ۱۰۰ بانک طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ (۵۰ بانک اسلامی و ۵۰ بانک غیر اسلامی در منطقه خاورمیانه) سنجیده شده و نتایج نشان داده که بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های غیر اسلامی، طی سال‌های بحران مالی ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ کارایی بیشتری داشته‌اند.

گودرزوی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای، کارایی نسبی شعب بانک رفاه استان لرستان را با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها بررسی کردند. در این تحقیق، نهاده‌ها شامل تعداد کارکنان، میانگین هزینه، فضای شعبه و میانگین مطالبات، و ستانده‌ها شامل میانگین منابع، میانگین مصارف، حجم فعالیت و عملکرد در نظر گرفته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از بین ۱۷ شعبه در این استان، ۱۱ شعبه کارا و ۶ شعبه ناکارا هستند.

*خطیبی و سالم (۱۳۹۴)* در مطالعه‌ای، به بررسی کارایی هزینه بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های غیر اسلامی با استفاده از رویکرد واسطه‌ای پرداختند. در این مطالعه، تسهیلات اعطایی و سرمایه‌گذاری و درآمد حاصل از ارائه خدمات غیر تسهیلاتی به‌عنوان ستانده و هزینه‌های نیروی کار، موجودی سرمایه، قیمت منابع مالی، تمام مخارج صورت گرفته در اداره بانک و قیمت دارایی‌های ثابت به‌عنوان نهاده در نظر گرفته شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که یکی از علل رشد بانک‌داری اسلامی و استقبال کشورها از آن، می‌تواند کارایی بالاتر بانک‌های اسلامی باشد؛ زیرا طی دوره تحت بررسی، میانگین کارایی بانک‌های اسلامی (۹۰/۲ درصد) بیش از بانک‌های غیر اسلامی (۸۴/۹ درصد) بوده است. بررسی بین کشوری نیز نشان می‌دهد کارایی بانک‌های اسلامی در کشورهای امارات، اندونزی، بحرین و عربستان بیش از کارایی بانک‌های مرسوم بوده، اما در کشورهای اردن، ترکیه و قطر این‌گونه نبوده است.

یزدان شناس و شجاعی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «شناسایی و تبیین الگوی عوامل مؤثر بر بهره‌وری دانش: مطالعه‌ای در شعب بانک ملی استان قم» به این نتیجه رسیدند که عوامل تخصص و خبرگی کاری، توانایی حل مسئله، توانایی تفکر، مهارت‌های ارتباطاتی، انگیزش خودتنظیم، استمرار و پایداری و اختلال خلاق می‌توانند به‌طور معناداری وضعیت بهره‌وری دانش را در سازمان تبیین نمایند.

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که تحلیل بهره‌وری بانک‌ها عمدتاً بر موضوع کارایی متمرکز بوده و تحلیل شاخص‌های اثربخشی مطرح نظر نبوده است. همچنین در یک چارچوب علمی، موضوع احصای ستانده‌ها و نهاده‌های بانک‌ها، از جمله بانک‌های اسلامی بررسی شده است. از این‌رو، این مطالعه با محور قرار دادن موضوعات مذکور، تفاوت‌هایی با مطالعات گذشته دارد.

### روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه بر اساس محتوا، «توسعه‌ای»، و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، روش پژوهش «تحلیلی - توصیفی» از نوع پیمایشی است. در این مطالعه، از روش «دلفی» برای نظرخواهی از نخبگان فن در جهت احصای شاخص‌های اثربخشی بانک‌های تجاری و انتخاب رویکرد سنجش ستانده و نهاده بانک‌ها استفاده می‌شود. شیوه گردآوری داده‌ها اسنادی، کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای است. در این مطالعه، با استفاده از ادبیات حوزه بهره‌وری، سازگارترین روش برای سنجش ستانده بخش بانک محاسبه می‌شود و با استفاده از نظر نخبگان فن و اصول بانکداری اسلامی و اهداف قانون بانکداری بدون ربای جمهوری اسلامی ایران و اساس‌نامه بانک‌ها، شاخص‌های اثربخشی احصا می‌گردند. با استفاده از رویکرد شاخص عددی، روند شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید در دو عرصه (با ملاحظه اثربخشی و بدون ملاحظه اثربخشی) سنجش می‌گردد. حداقل تعداد خبرگان در این پژوهش سی تن است که از بین متخصصان، کارشناسان، محققان و صاحب‌نظران بانکداری اسلامی کشور انتخاب شدند. همچنین با استفاده از رویکرد «تحلیل پوششی داده‌ها» (الگوی VRS)، بهره‌وری کل عوامل تولید بانک‌های منتخب در دو عرصه (خروجی ارزش افزوده، خروجی درآمد کل) ارزیابی گردیده است.

### اهداف، وظایف و فرایند عملکرد نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران

- بر اساس قانون بانکداری بدون ربا، اهداف نظام بانکی ج.ا.ا عبارت است از:
- استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (مطابق ضوابط اسلامی)؛
- فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت؛
- ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه؛
- حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی؛
- تسهیل در امور پرداخت‌ها و دریافت‌ها و مبادلات ...



در این نظام، بانک‌ها می‌توانند از طریق سپرده قرض‌الحسنه (جاری، پس‌انداز) و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، به تجهیز منابع اقدام کنند. بانک‌ها در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، وکیل سپرده‌گذاران بوده و مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) هستند. بانک‌ها می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم، قرارداد مضاربه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، مزارعه، مساقات، استصناع، مرابحه و خرید دین اقدام به تخصیص منابع کنند. از سوی دیگر، از سال ۱۳۷۹ بر اساس قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیر دولتی و به منظور افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی و تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرر و زیان جامعه با توجه به ذیل اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی اجازه تأسیس بانک توسط بخش غیر دولتی داده شده است (قانون بانکداری بدون ربا، ۱۳۶۲).

### سنجش بهره‌وری در بانک‌ها از طریق شاخص‌های کارایی و اثربخشی الف. رویکرد شناسایی داده‌ها و ستانده‌های بانک (شاخص‌های اثربخشی)

در این مطالعه، به‌منظور انتخاب رویکرد احصای ستانده و نهاده بانک‌ها در قالب بانکداری اسلامی، از روش دلفی و نظرخواهی از نخبگان استفاده شده است. تکنیک دلفی یکی از روش‌های کسب دانش گروهی است که در تصمیم‌گیری پیرامون مسائل کیفی نیز کاربرد دارد. در پژوهش‌های کیفی که جنبه اکتشافی دارد و شناسایی ماهیت و عناصر بنیادین یک پدیده، محور مطالعه است، می‌توان از تکنیک دلفی استفاده کرد. تکنیک دلفی فرایندی ساختارمند جهت گردآوری اطلاعات در طی دوره‌های متوالی و در نهایت اجماع گروهی است. رسیدن به این اجماع زمانی امکان‌پذیر است که شرایط زیر وجود داشته باشند:

- روشی برای ارائه اطلاعات و دریافت بازخورد دانش از خبرگان، وجود داشته باشد

- روشی برای ارزیابی نظر خبرگان وجود داشته باشد

- خبرگان فرصت داشته باشند تا دیدگاه خود را تغییر دهند

- ناشناس ماندن خبرگان (احمدی و وفايي یگانه، ۱۳۸۹).

در این مطالعه جهت انجام روش دلفی، در سه مرحله از سی تن از نخبگان حوزه بانکداری اسلامی نظرخواهی شده است. همان‌گونه که جدول (۱) نشان داده، بر اساس نظر نخبگان، رویکرد تلفیقی برای شناسایی ستانده انتخاب شده است. در این رویکرد، از یک‌سو، بانک واسطه‌گر و سرمایه‌گذار بوده، و از سوی دیگر، بانک به وکالت از مردم، حق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی را دارد. در این رویکرد، حجم سپرده‌ها، دارایی‌های ثابت (موجودی سرمایه) و نیروی انسانی به عنوان نهاده و درآمد ناشی از ارائه تسهیلات، سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات بانکی به عنوان ستانده در نظر گرفته می‌شوند. همچنین - همان‌گونه که در جدول (۲) نشان داده شده است - بر اساس نظر خبرگان، شاخص‌های درجه تحقق اهداف بانک، متناسب با اساس‌نامه آن، سهم تسهیلات قرض‌الحسنه به کل تسهیلات، نسبت کفایت سرمایه بانک و نسبت مطالبات غیر جاری به کل مطالبات، بالاترین امتیاز را داشتند.

از این رو، شاخص‌های مذکور برای محاسبه شاخص ترکیبی اثربخشی مورد استفاده قرار گرفت. بررسی اساس نامه بانک‌ها نشان داد که اهداف بانک‌ها عموماً قابل کمی کردن نبوده و از این رو، شاخص اول - با وجود اهمیت زیاد آن در سنجش شاخص ترکیبی - مورد استفاده قرار نگرفته است. شاخص اثربخشی با استفاده از شاخص‌های موزون (وزن بر اساس امتیازدهی نخبگان) و با استفاده از آمار صورت‌های مالی برآورد شده است.

جدول ۱: نتایج روش دلفی در خصوص انتخاب رویکرد سنجش ستانده و نهاده بانک در نظام بانکداری اسلامی (محاسبات پژوهش)

ردیف	عنوان	امتیاز
۱	رویکرد واسطه‌ای؛ در این رویکرد بانک به عنوان یک نهاد مالی که نقش واسطه‌گری را بین مشتریانی که پول خود را در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند و آنها که نیاز به پول برای سرمایه‌گذاری دارند ایفا می‌کند به عبارت دیگر، در این رویکرد کل سپرده‌ها، هزینه‌های مربوط به کارکنان (حقوق و دستمزد) و سرمایه (طراحی‌های فیزیکی) از جمله نهاده‌ها و درآمد حاصل از تسهیلات به عنوان ستانده‌ها در نظر گرفته می‌شوند.	۵
۲	رویکرد تولیدی؛ در این رویکرد دارایی‌های فیزیکی و نیروی انسانی به عنوان نهاده‌ها و سپرده‌ها و وام‌ها به عنوان ستانده لحاظ می‌شوند.	۴
۳	رویکرد تلفیقی؛ در این نگرش بانک واسطه‌گر و سرمایه‌گذار است. بانک به وکالت از مردم، حق سرمایه‌گذاری دارد و سپرده‌ها، دارایی‌های فیزیکی و نیروی انسانی، به عنوان نهاده و ستانده بانک حاصل ارائه تسهیلات، سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات بانکی است.	۹.۵

جدول ۲: نتایج روش دلفی در خصوص انتخاب شاخص‌های اثربخشی (محاسبات پژوهش)

عنوان	امتیاز از یک تا ده
درجه تحقق اهداف بانک متناسب با اساس نامه بانک	۹.۵
سهم تسهیلات قرض‌الحسنه به کل تسهیلات	۹.۴
نسبت کفایت سرمایه بانک	۹.۳
نسبت مطالبات غیر جاری به کل مطالبات	۹.۲
نسبت هزینه مطالبات مشکوک الوصول به کل هزینه‌ها	۹.۲
رشد بدهی بانک به بانک مرکزی	۹
نسبت عقود مشارکتی به عقود مبادله‌ای	۸.۷
نسبت تسهیلات به سپرده‌ها	۸.۶
وفاداری مشتریان (میزان وفاداری سپرده‌گذاران)	۸.۵
نسبت تسهیلات اعطایی به بخش‌های تولیدی به کل تسهیلات	۸.۵

## سنجش شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید

### اول. سنجش شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید بدون لحاظ شاخص‌های اثربخشی

برای محاسبه بهره‌وری کل عوامل تولید، از رویکرد «ارزش افزوده» و فرض بازدهی ثابت نسبت به مقیاس و روش «شاخص عددی» استفاده شده است. در این روش، شاخص موجودی سرمایه و نیروی کار به صورت موزون در مخرج کسر، و شاخص ارزش افزوده در صورت کسر قرار گرفته است. آمار موجودی سرمایه، تعداد نیروی کار و ارزش افزوده بانک از صورتهای مالی حسابرسی شده سایت کدال سازمان بورس اوراق بهادار استخراج شده است (www.codal.ir). نتایج نشان می‌دهد که متوسط رشد بهره‌وری کل عوامل تولید بانک‌های منتخب در دوره بررسی شده معادل (۴ درصد) بوده است. بدترین عملکرد بانک‌ها در این شاخص، مربوط به سال ۱۳۹۳ با متوسط رشد معادل (۳/۱۰ درصد) اعلام شده است که فرضیه دوم پژوهش در خصوص شاخص بهره‌وری کل بدون اثربخشی را رد می‌کند.

$$TFP = \frac{VALUE\ ADDED}{\alpha L + \beta K}$$

$$\alpha + \beta = 1$$

$$\alpha = \frac{\text{مجموع هزینه‌های نیروی کار در سال مورد نظر}}{\text{مجموع ارزش کارافزوده در سال مورد نظر}}$$

$$1 - \alpha = \beta$$

$\alpha$  = سهم عامل نیروی کار از تولید

$\beta$  = سهم عامل سرمایه ثابت عملیاتی از تولید

$K$  = شاخص موجودی سرمایه

$L$  = شاخص نیروی کار

جدول ۳: روند رشد شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید (یافته‌های پژوهش)

متوسط رشد	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	بانک
-۱۲	-۱۳،۵۶	-۲۰،۲۸	-۱۲،۰۴	-۲۲،۱۲	-۵،۰۲	بانک (۱)
-۱۴	-۲۸،۳۴	۱۲،۹۵	-۲،۹۸	-۵۰،۶۰	-۴،۵۶	بانک (۲)
-۷	۰،۱۷	-۳۷،۸۸	-۱۴،۷۲	-۸،۲۲	۶،۱۹	بانک (۳)
-۱۰	-۲،۷۷	-۴۴،۱۰	-۱۲،۲۰	۸،۹۶	-۸،۹۰	بانک (۴)
۳	۲۰،۶۴	-۶۵،۸۴	-۱۹،۸۷	۱۶،۲۵	۶۸،۶۲	بانک (۵)
۱	۶۱،۷۷	-۳۱،۷۱	-۰،۱۶	-۳۱،۵۱	۷،۹۵	بانک (۶)
۱	-۹۱،۶۷	۹۷،۳۸	-۴۸،۴۴	-۳۶،۹۵	۷۷،۱۹	بانک (۷)
۱۴	-	۷،۳۷	۳۱،۴۲	۵۷،۱۵	-۲۷،۸۵	بانک (۸)
-۵	-۱۱،۰۶	-۳۶،۷۹	۱۷،۷۲	-۸،۴۸	۱۱،۱۱	بانک (۹)
-۶	-۲۰،۱۹	۴،۵۳	-۴۱،۱۹	-۴،۶۳	۲۲،۴۸	بانک (۱۰)

## دوم. شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید با لحاظ شاخص‌های اثربخشی

همان‌گونه که بیان شد، «بهره‌وری» ترکیبی از دو مفهوم کارایی و اثربخشی و به عبارت دیگر، «انجام درست کارهای درست» است. در مطالعات بهره‌وری، شناسایی اثربخشی و به عبارت دیگر، گزینش کارهای درست، اجماع نظر وجود ندارد. برخی اثربخشی را متناسب با درجه تحقق اهداف، رسالت و مأموریت‌ها می‌دانند، و برخی شاخص‌هایی همانند میزان رضایتمندی ذی‌نفعان را ملاک قرار می‌دهند. در این مطالعه و با استفاده از ادبیات نظری، اهداف قانون عملیات بانکداری بدون ربای جمهوری اسلامی ایران و اساس‌نامه بانک‌ها شاخص‌های اثربخشی احصا شده و با استفاده از روش دلفی و استفاده از نظر خبرگان (تعداد خبرگان در این پژوهش سی تن است) شاخص‌های درجه تحقق اهداف بانک متناسب با اساسنامه بانک، سهم تسهیلات قرض الحسنه به کل تسهیلات، نسبت کفایت سرمایه بانک و نسبت مطالبات غیر جاری به کل مطالبات بالاترین امتیاز را داشتند. از این‌رو، شاخص‌های مذکور جهت محاسبه شاخص ترکیبی اثربخشی مورد استفاده قرار گرفتند. بررسی اساس‌نامه بانک‌ها نشان داد که اهداف بانک‌ها عموماً قابل کمی کردن نبوده و از این‌رو،

شاخص اول با وجود اهمیت زیاد، در سنجش شاخص ترکیبی مورد استفاده قرار نگرفته است. بر این اساس، شاخص ترکیبی اثربخشی با استفاده از شاخص‌های موزون (وزن بر اساس امتیازدهی نخبگان بوده) و با استفاده از آمار صورت‌های مالی برآورد شده است.

$$TFP(\text{Effectiveness}) = \frac{\text{شاخص ارزش افزوده تعدیل یافته}}{\alpha L + \beta K}$$

$$\alpha + \beta = 1 \quad \alpha = \frac{\text{مجموع هزینه های نیروی کار در سال مورد نظر}}{\text{مجموع ارزش کارافزوده در سال مورد نظر}} \quad 1 - \alpha = \beta$$

سهم عامل سرمایه ثابت عملیاتی از تولید  $\beta$  سهم عامل نیروی کار از تولید  $\alpha$

$K$  = شاخص نیروی کار  $L$  = شاخص موجودی سرمایه

جدول ۴: روند رشد شاخص بهره‌وری با لحاظ شاخص‌های اثربخشی (یافته‌های پژوهش)

متوسط دوره	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	بانک
-۱۰٫۸	-۱۶٫۴	-۱۸٫۶	-۸٫۲	-۱۴٫۷	۲٫۸	بانک (۱)
-۱۵٫۵	-۳۴٫۹	-۱۲٫۶	-۱٫۷	-۳۱٫۸	۳٫۵	بانک (۲)
-۲٫۱	۳٫۶	-۱۸٫۳	-۹٫۸	-۰٫۴	۱۴٫۵	بانک (۳)
-۱۴	-۵٫۱	-۴۰٫۳	-۱۳٫۴	۱	-۱۲٫۳	بانک (۴)
۸٫۹	۰٫۶	-۳۷٫۲	-۱۲٫۷	۱۴٫۴	۷۹٫۵	بانک (۵)
-۱٫۷	۱۳٫۳	-۱۶٫۳	-۳٫۷	-۱۶٫۹	۱۵٫۲	بانک (۶)
-۷٫۷	-۶۰٫۵	۴۰٫۳	-۴۱٫۱	-۵۰٫۶	۲۰٫۶	بانک (۷)
۵٫۹	-	۷٫۳	۱۶٫۵	۲۵٫۲	-۲۵٫۳	بانک (۸)
-۲٫۳	-۱۰٫۴	-۲۴٫۲	۵٫۸	-۲۱٫۲	۲۸٫۳	بانک (۹)
-۵٫۵	-۱۲٫۷	۵٫۵	-۴۱٫۹	-۶٫۲	۳۳٫۱	بانک (۱۰)

روند شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید با لحاظ اثربخشی، نشان می‌دهد که متوسط رشد بهره‌وری کل عوامل تولید بانک‌های منتخب در دوره تحت بررسی معادل (۴/۵ درصد) بوده است. بر این اساس، فرضیه سوم پژوهش رد نمی‌شود. متوسط رشد بهره‌وری کل عوامل تولید بدون شاخص‌های اثربخشی معادل (۴ درصد)، و با ملاحظه شاخص‌های اثربخشی معادل (۴/۵ درصد) بوده است. از این رو، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌گردد.

### ارزیابی بهره‌وری نسبی بانک‌ها

در این مطالعه، با استفاده از الگوی «VRS» ورودی محور بهره‌وری و کارایی نسبی بانک‌ها ارزیابی گردیده است. این الگو دارای بازده متغیر به مقیاس است و سعی دارد با انتخاب وزن‌های بهینه برای متغیرهای ورودی و خروجی واحد تحت بررسی، کسر کارایی این واحد (واحد صفر) را به گونه‌ای بیشتر کند که کارایی سایر واحدها از حد بالای یک تجاوز نکند. با توجه به رویکرد ترکیبی برای شناسایی ستانده و نهاده بانک (مبتنی بر نظر نخبگان) مقادیر جبران

خدمات کارکنان، موجودی سرمایه و حجم سپرده‌ها به عنوان ورودی و دو عرصه درآمد کل بانک و ارزش افزوده به عنوان خروجی الگو انتخاب شدند.

### الف. برآورد عرصه اول با استفاده از الگوی پایه‌ای VRS (خروجی الگو مبتنی بر درآمد بانک)

در عرصه اول، مقادیر جبران خدمات کارکنان، موجودی سرمایه و حجم سپرده‌ها به‌عنوان داده و درآمد بانک به‌عنوان ستانده در نظر گرفته شده است. بر اساس خروجی الگو، اگر کارایی واحدی کمتر از ۱ باشد، ناکاراست؛ اگر کارایی واحدی برابر ۱ بوده و کمبودی در خروجی و مازادی در ورودی نداشته باشد کارایی پاراتو است و اگر کارایی واحدی برابر ۱ بوده و کمبودی در خروجی یا مازادی در ورودی داشته باشد کارایی ضعیف است. به منظور ارزیابی کارایی نسبی بانک‌های منتخب در سال ۱۳۹۴، و نه بانک به‌عنوان واحد تصمیم‌گیری انتخاب شدند. در ابتدا عرصه بر اساس فرض ورودی محور برآورد شد و با ثابت نگه داشتن ستانده بانک‌ها، واحدهای کارا شناسایی شدند. برآوردهای این الگو در جدول (۵) و (۶) نشان داده شده است. بر اساس برآوردها، در سال ۱۳۹۴ فقط یک بانک ناکارآمد بوده است و بقیه کارا معرفی شدند. اما چنانچه فرض الگو خروجی محور باشد و با ثابت نگه داشتن نهاده‌ها سعی در حداکثر سازی درآمد کل داشته باشیم، از بین نه بانک، پنج بانک کارآمد قوی و چهار بانک ناکارا شناخته شدند. این نتایج بیانگر این موضوع است که چنانچه درآمد کل بانک (از جمله سود سپرده‌گذاران) به عنوان ستانده در نظر گرفته شود، تفاوت بانک‌های کارآمد و ناکارآمد در حداکثرسازی درآمد کل است.

جدول ۵: کارایی واحدها در سال ۱۳۹۴ برحسب درآمد (فرض ورودی محور) (یافته‌های پژوهش)

الگوی پایه‌ای VRS		نام واحدها	
نوع کارایی	میزان کارایی		
کارایی قوی	1	بانک شماره ۱	DMU 1
ناکارا	۰/۸۰۹	بانک شماره ۲	DMU 2
کارایی قوی	1	بانک شماره ۳	DMU 3
کارایی قوی	1	بانک شماره ۴	DMU 4
کارایی قوی	1	بانک شماره ۵	DMU 5
کارایی قوی	1	بانک شماره ۶	DMU 6
کارایی قوی	1	بانک شماره ۷	DMU 7
کارایی قوی	1	بانک شماره ۸	DMU 8
کارایی قوی	1	بانک شماره ۹	DMU 9

جدول ۶: کارایی واحدها در سال ۱۳۹۴ برحسب درآمد کل بانک (فرض خروجی محور) (یافته‌های پژوهش)

الگوی پایه‌ای VRS		نام واحد	
نوع کارایی	میزان کارایی		
کارایی قوی	1	بانک شماره ۱	DMU 1
ناکارا	۰/۷۷۵	بانک شماره ۲	DMU 2
ناکارا	۰/۶۹۹	بانک شماره ۳	DMU 3
کارایی قوی	۱	بانک شماره ۴	DMU 4
کارایی قوی	۱	بانک شماره ۵	DMU 5
ناکارا	۰/۸۲۸	بانک شماره ۶	DMU 6
کارایی قوی	۱	بانک شماره ۷	DMU 7
ناکارا	۰/۹۵۹	بانک شماره ۸	DMU 8
کارایی قوی	۱	بانک شماره ۹	DMU 9

ب. برآورد عرصه دوم با استفاده از الگوی پایه‌ای VRS (خروجی الگو مدل مبتنی بر ارزش افزوده بانک)

در عرصه دوم همانند عرصه اول، در سال ۱۳۹۴ نه بانک به‌عنوان واحد تصمیم‌گیری انتخاب شدند. این عرصه در دو فرض خروجی محور و ورودی محور برآورد شده است. برآوردهای الگو در جدول (۷) و (۸) نشان داد شده است. بر اساس برآوردها، در سال ۱۳۹۴ بر اساس الگوی ورودی محور، هفت بانک کارآمد قوی و دو بانک ناکارآمد شناخته شده‌اند، و چنانچه از الگوی خروجی محور استفاده شود، دو بانک ناکارآمد و هفت بانک کارآمد قوی هستند، و چنانچه فرض خروجی محور مد نظر باشد دو بانک ناکارا و هفت بانک کارایی قوی شناخته شدند. این مدل نشان می‌دهد چنانچه معیار ستانده بانک ارزش افزوده باشد، تفاوتی در مدیریت حداکثر سازی درآمد و یا مدیریت حداقل سازی هزینه نهاده‌ها از حیث تعداد بانک‌های کارا وجود ندارد. لازم به ذکر است که بانک‌های ناکارا در هر دو فرض، یکی هستند.

جدول ۶: کارایی واحدها در سال ۱۳۹۴ (برحسب ارزش افزوده و فرض ورودی محور) (محاسبات پژوهش)

الگوی پایه‌ای VRS		نام واحدها	
نوع کارایی	میزان کارایی		
الگوی AP (اندرسون - پیترسون)		اقتصاد نوین	DMU 1
۰/۹۸۲	ناکارا	بانک سامان	DMU 2
۰/۷۱۷	ناکارا	بانک ملت	DMU 3
۵	کارایی قوی	پاسارگاد	DMU 4
۳/۴۸	کارایی قوی	پارسیان	DMU 5
۱/۰۸۵	کارایی قوی	پست بانک	DMU 6
۱/۹۳۹	کارایی قوی	دی	DMU 7
۱/۵۲۶	کارایی قوی	سینا	DMU 8
۱/۳۷۶	کارایی قوی	کارآفرین	DMU 9
۱/۵	کارایی قوی		

جدول ۷: کارایی واحدها در سال ۱۳۹۴ (برحسب ارزش افزوده و فرض خروجی محور) (محاسبات پژوهش)

الگوی پایه‌ای VRS		نام واحد	
نوع کارایی	میزان کارایی		
ناکارا	۰/۹۷۸	اقتصاد نوین	DMU 1
ناکارا	۰/۳۵۸	بانک سامان	DMU 2
کارایی قوی	1	بانک ملت	DMU 3
کارایی قوی	1	پاسارگاد	DMU 4
کارایی قوی	1	پارسیان	DMU 5
کارایی قوی	1	پست بانک	DMU 6
کارایی قوی	1	دی	DMU 7
کارایی قوی	1	سینا	DMU 8
کارایی قوی	1	کارآفرین	DMU 9

### نتیجه‌گیری

بانک‌محور بودن اقتصاد ایران موجب شده است که چگونگی مدیریت منابع بانکی تأثیر زیادی بر عملکرد تأمین مالی کشور داشته باشد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که می‌توان از طریق آن نحوه استفاده از منابع را ارزیابی کرد شاخص بهره‌وری است. بهره‌وری ترکیبی از کارایی و اثربخشی است. بررسی مطالعات گذشته نشان می‌دهد که مفهوم اثربخشی در فرایند سنجش بهره‌وری معمولاً مغفول مانده است. در این مطالعه با استفاده از روش دلفی (نظرخواهی از نخبگان) شاخص‌های اثربخشی و همچنین رویکرد متناسب با نظام بانکداری بدون ربا برای شناسایی ستانده‌ها و نهاده‌ها برگزیده شد و با استفاده از روش شاخص عددی، سطح بهره‌وری بانک‌ها سنجیده شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، درجه تحقق اهداف بانک، نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه‌ای، حفظ نسبت کفایت سرمایه و نسبت مطالبات غیر جاری بانک‌ها به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های اثربخشی انتخاب شدند. همچنین مناسب‌ترین رویکرد برای شناسایی داده‌ها و ستانده‌های بانک‌ها در چارچوب بانکداری بدون ربا، رویکرد تلفیقی (تلفیقی از رویکرد تولیدی و واسطه‌ای) است. در این رویکرد، سپرده‌ها دارایی‌های فیزیکی و نیروی انسانی به عنوان نهاده، و درآمد حاصل از ارائه تسهیلات، سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات بانکی به عنوان ستانده در نظر گرفته شده‌اند. روند شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید بانک‌های منتخب نشان می‌دهد که بانک‌ها در استفاده بهینه از منابع تولیدی موفق نبودند. البته چرایی این موضوع (کیفیت نیروی کار و سرمایه یا مشکلات ساختاری و سازمانی)، نیاز به مطالعات تکمیلی دارد. تحلیل بهره‌وری با لحاظ شاخص‌های اثربخشی، همانند شاخص‌های کفایت سرمایه و نسبت مطالبات غیرجاری نشان می‌دهد که بانک‌ها در انجام کار درست (اثربخشی) دارای اشکالات اساسی هستند. در این زمینه، تقویت نظارت بانک مرکزی برای اصلاح وضعیت بانک‌ها بسیار ضروری است.

- ابوالحسنی گردرودباری، سیده فاطمه، ۱۳۸۹، *بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری در شعب بانک کشاورزی استان مازندران به روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده امور اقتصادی.
- احمدی، علی محمد و رضا وفایی یگانه، ۱۳۸۹، «پیشنهاد شاخص بومی اندازه‌گیری فساد در ایران با استفاده از روش دلفی»، *مجلس و راهبرد*، ش ۶۳، ص ۷-۴۰.
- امامی میبیدی، علی و عارف بهروز، ۱۳۹۳، «اندازه‌گیری کارایی فنی، تخصیصی، اقتصادی و بهره‌وری زیر بخش زراعت ایران با روش ناپارامتری»، *تحقیقات کشاورزی*، ش ۳، ص ۴۳-۶۶.
- امامی میبیدی، علی، ۱۳۹۰، *کارایی و بهره‌وری از دیدگاه اقتصادی*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶، *گزارش بهره‌وری اقتصاد ایران (۹۵-۱۳۸۳)*، تهران، اداره حسابهای اقتصادی معاونت اقتصادی.
- حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین و همکاران، ۱۳۸۷، «مقایسه کارایی اقتصادی بانک‌های خصوصی و دولتی در ایران با استفاده از روش تحلیل پوششی (فراگیر) داده‌ها (DEA)، *دانش و توسعه*، ش ۲۵، ص ۱-۳۰.
- خطیبی، سمیه و علی اصغر سالم، ۱۳۹۴، «ارزیابی توانمندی بانک‌های اسلامی در رقابت با بانک‌های مرسوم از منظر مقایسه کارایی هزینه»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ش ۵۷، ص ۱۴۱-۱۶۴.
- سازمان ملی بهره‌وری ایران، ۱۳۹۴، *سند پشتیبان برنامه جامع بهره‌وری ایران*، تهران.
- صدر، سیدکاظم و همکاران، ۱۳۸۵، «اندازه‌گیری بهره‌وری بانک‌های اسلامی (مورد بانک کشاورزی)»، *نامه مفید*، ش ۲، ص ۷-۲۶.
- فراهانی‌فرد، سعید و همکاران، ۱۳۹۱، «مقایسه تطبیقی کارایی بانک‌های اسلامی و غیر اسلامی؛ مطالعه موردی: تاثیر بحران ۲۰۰۷-۲۰۰۹»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۶، ص ۹۳-۱۲۲.
- قصیری، کیوان و احمدرضا جعفریان مقدم، ۱۳۸۹، «مدل پویای چندهدفه تحلیل پوششی داده‌های فازی»، *مدیریت صنعتی*، ص ۱۹-۳۶.
- گودرزی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۳، «کاربرد تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) در ارزیابی کارایی نسبی و رتبه‌بندی شعب بانک رفاه استان لرستان و مقایسه نتایج آن با روش Topsis»، *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)*، ج ۱۴، ش ۱، ص ۱۱۵-۱۲۶.
- مهرگان، محمدرضا، ۱۳۸۸، *مدل‌های کمی برای ارزیابی عملکرد سازمان‌ها/تحلیل پوششی داده‌ها*، تهران، دانشگاه تهران.
- یزدان شناس، مهدی و محمدحسین شجاعی، ۱۳۹۵، شناسایی و تبیین الگوی عوامل مؤثر بر بهره‌وری دانش؛ مطالعه‌ای در شعب بانک ملی استان قم، *مدیریت بهره‌وری*، ش ۱۰، ص ۵۱-۷۰.
- Diewert, W.E, 2011, "Measuring Productivity in the Public Sector: Some Conceptual Problems", *Journal of Productivity Analysis*, No. 36, P 177-198.
- Ellis, Florence Y. A, Richard B. Nyuur, Yaw A. Debrah, 2017, "South African MNCs' HRM Systems and Practices at the Subsidiary Level: Insights From Subsidiaries in Ghana", *Journal of International Management*, Vol. 23, Issue 2, P 59-76.
- Ning Zhu , Bing Wang , Yanrui Wu, 2014, "Productivity, efficiency, and non-performing loans in the Chinese banking industry", *The Social Science Journal*, Vol. 52, No. 4, P 142-159.
- Organization for Economic Cooperation and Development OECD, 2001, *Measuring productivity manual, Measurement of aggregate and industry-level productivity*. Office for National Statistics.
- Parastoo Roghanian, Amran Rasli, Hamed Gheysari, 2012, "Productivity Through Effectiveness and Efficiency in the Banking Industry", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol.



40, P 550-556.

Rizet, C, Hine, A, 1993, *A comparison of the costs and productivity of road freight transport in Africa and Pakistan Foreign summaries*, Transport Reviews.

Sara E. Royster, 2012, *Improved measures of commercial banking output and productivity*, BLS.

Srairi, Samir Abderrazek, 2009, "Cost and Profit Efficiency of Conventional and Islamic Banks in GCC Countries", *Springer Science and Business Media*, Vol. 7, P 85-99.

Wang, Ke.; Huang, Wei; Wu, Jie & Ying-Nan Liu, 2014, "Efficiency Measures of the Chinese Commercial Banking System using an Additive two-Stage DEA", *omega*, Vol. 44, P 5-20.



## عقلانیت طیفی اسلامی در مقابل نظریه انتخاب عقلایی اقتصاد متعارف

p\_davoodi@yahoo.com

پرویز داودی / استاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

Tavakoli@iki.ac.ir

محمدجواد توکلی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدسعید پناهی پروچردی / دکترای فلسفه اقتصاد اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

sd\_panahi@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۹ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۷

چکیده

نظریه «انتخاب عقلایی» با دو رویکرد عمده پی‌جویی «نفع شخصی» و «سازگاری درونی انتخاب‌ها»، یکی از پایه‌ای‌ترین فروض علم اقتصاد متعارف بوده و همواره از سوی اقتصاددانان متعارف و مسلمان اشکالاتی بر آن مطرح شده است. اقتصاددانان متعارف و اسلامی برای معرفی جایگزینی مناسب برای این نظریه، درصدد ارائه تعریف جدیدی از «عقلانیت اقتصادی» برآمده‌اند. در این مقاله، با روش تحقیق «توصیفی - تحلیلی»، نظریه «عقلانیت طیفی اسلامی» معرفی شده است. بنا به فرضیه مقاله، عقلانیت در رویکرد اسلامی، هم از لحاظ هنجاری و هم اثباتی، مفهومی طیفی دارد. بر اساس رویکرد عقلانیت طیفی اسلامی، انتخاب عقلایی از نگاه هنجاری، انتخابی است که دارای چهار مؤلفه: تبعیت از تکالیف اقتصادی الهی، منفعت‌گرایی فراگیر، محاسبه‌گری جامع، و جمع‌آوری اطلاعات در حد علم و یقین باشد. این نظریه از نگاه اثباتی نیز تشکیکی بودن عقلانیت افراد را مطرح می‌کند. بر این اساس، انسان مسلمان عاقل در صورت مواجهه با گزینه‌های مختلف، ممکن است انتخاب‌هایی با درجات متفاوت عقلانیت داشته باشد؛ هرچند که برخی از این انتخاب‌ها، عاقلانه‌تر از انتخاب‌های دیگر محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: عقلانیت طیفی اسلامی، نفع‌گرایی، نظریه انتخاب عقلایی، مؤلفه‌های انتخاب عقلایی، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی: JEL: D03, B00, P4.

یکی از مباحث مهم و پر مناقشه در علم اقتصاد، مفهوم «عقلانیت اقتصادی» است. این مفهوم از همان بدو شکل گیری دانش اقتصاد، مطرح نظر اقتصاددانان بوده است؛ زیرا این مسئله برای آنان اهمیت داشت که در علم اقتصاد، می‌بایست چه انسانی و با چه ویژگی‌هایی محور تحلیل قرار گیرد؟ آنان به‌عنوان اولین پاسخ به این سؤال، «عقلایی بودن» او را به‌عنوان ویژگی اساسی انسان اقتصادی مطرح ساختند (آرگریس، ۱۹۷۳، ص ۲۵۵). در مرحله بعد، اقتصاددانان به منظور روشن شدن مفهوم «عقلانیت»، در مسیر تعریف عقلانیت اقتصادی گام برداشتند. در نتیجه، نظریه «انتخاب عقلایی» متولد گردید. قرائت غالب اقتصاد متعارف از «انتخاب عقلایی»، چه در رویکرد هنجاری و چه اثباتی، عمدتاً بر دو محور «پی‌جویی نفع شخصی» و «سازگاری درونی گزینه‌ها» استوار است. اقتصاددانان مفهوم «عقلانیت» را به‌عنوان پیش فرض اساسی برای رفتارهای اقتصادی، به ویژه نظریه «رفتار مصرف کننده و رفتار بنگاه» به کار می‌برند.

در دهه‌های اخیر، خود اقتصاددانان متعارف نسبت به چنین تعریفی از «عقلانیت»، انتقادات زیادی مطرح کرده‌اند. کثرت اشکالات مطرح شده آنان را وادار کرده است تا در تحقیقات خویش، به دنبال پیدا کردن راه‌حلی برای پوشش دادن نقاط ضعف این نظریه باشند. در سایر نحله‌های اقتصادی، همچون «اقتصاد نهادی» نیز انتقاداتی بر این نظریه وارد شده است. برای نمونه، نهادگراها، انتخاب افراد را مقید به اثر نهادهای اجتماعی می‌دانند (تورفینگ، ۲۰۰۱، ص ۲۸۳). اقتصاددانان سوسیالیست نظریه «انتخاب عقلایی» را وسیله‌ای برای استثمار توده‌های مردم و قشر کارگر دانسته و به کلی، درصد جایگزینی نوعی عقلانیت برگرفته از اجتماع برآمده‌اند (گودلیر، ۱۹۶۸، ص ۱۲۰-۱۵۳). اقتصاددانان مسلمان هم این دیدگاه را با روح حاکم بر هنجارهای دینی ناسازگار دانسته، بر لزوم تعریف جدیدی از «عقلانیت اقتصادی»، که با ارزش‌های اسلامی همخوان باشد، تأکید می‌کنند.

این مقاله با استفاده از روش «تحلیلی»، ضمن نقد نظریه «انتخاب عقلایی» متعارف، به دنبال تبیین رویکرد اسلام نسبت به عقلانیت اقتصادی و تأثیر آن بر نظریات اقتصاد اسلامی است. مقاله با طرح مفهوم جدید «عقلانیت طیفی اسلامی»، بعد جدیدی را بر تحلیل عقلانیت اقتصادی در اقتصاد اسلامی می‌افزاید. بنا به فرضیه مقاله، «عقلانیت» در رویکرد اسلامی، هم در بعد هنجاری و هم در بعد اثباتی، مفهومی طیفی است. بر اساس این دیدگاه، اولاً، عقلانیت دارای سطوح متفاوتی است؛ و ثانیاً نمی‌توان صرفاً یک رفتار مشخص و منحصر به فرد را به‌عنوان انتخاب عاقلانه پذیرفت؛ بلکه در انتخاب میان گزینه‌های متفاوت، می‌توان گونه‌هایی از رفتارها را با اتصاف به عقلانیت‌های بیشتر و کمتر، مشاهده نمود.

### پیشینه تحقیق

هرچند در نوشته‌های نهایی گرایان، به صراحت، به «عقلانیت» اشاره نشده است، لیکن از این مفهوم به طور ضمنی و تحت عناوینی نظیر «ترجیح مقادیر بیشتر بر کمتر» (preferring more to less)؛ «انتخاب بالاترین

نرخ بازدهی» (choosing the highest rate of return)؛ «به حداقل رساندن هزینه تولید هر واحد محصول» (minimizing unit costs)؛ و از همه مهم‌تر، «دنبال کردن نفع شخصی بدون ملاحظه رفاه دیگران» (pursuing one's self-interest without explicit regard to the welfare of others) یاد شده است. اما در ادامه، «پی‌جویی نفع شخصی» به تدریج، جای خویش را به ویژه با تفسیر ترتیبی نظریه «مطلوبیت» آلن-هیکس، به مفهوم «حداکثرسازی مبتنی بر رتبه بندی سازگارِ ترجیحات، تحت شرایط اطمینان و اطلاعات کامل»، داد (بلاگ، ۱۹۹۲، ص ۲۲۹).

در جهت تبیین نظریه «انتخاب عقلایی» با رویکرد «پی‌جویی نفع شخصی»، تورنر در کتاب *ساختار نظریه اجتماعی*، این دیدگاه را به شکل تفصیلی موضوع بحث قرار داده، جزئیات چگونگی انتخاب انسان‌ها بر اساس نفع‌جویی و آثار آن در تحلیل‌های اقتصاد را تبیین می‌کند. *پوتنام* نیز در کتاب *فروپاشی تفکیک واقعیت و ارزش*، رویکرد سازگاری درونی‌گرایش‌ها و نحوه استدلال اقتصاددانان و چگونگی ترتب نظریه‌های اقتصادی بر این اساس را موضوع بحث قرار می‌دهد.

*آمارتیا سن* در کتاب *اندیشه عدالت* هر دو مفهوم «عقلانیت» به‌عنوان «نفع شخصی» و «سازگاری انتخاب‌ها» را آماج انتقاد جدی قرار داده، آنها را غیرقابل قبول معرفی می‌کند. وی «عقلانیت ارتباطی» را، که در آن فرد می‌بایست بتواند از انتخاب خویش در مقابل منتقدان، دفاع کند، به‌عنوان نظریه جایگزین مطرح می‌کند. سن در کتاب *اخلاق و اقتصاد*، عقلانیت ابزاری را زیر سؤال می‌برد. از نظر او، عقلانیت می‌تواند غیر ابزاری و در عین حال، اصیل باشد. او بدین‌منظور، «عقلانیت انطباقی» را، که در آن انطباق‌گرایش با اهداف مطمح‌نظر قرار می‌گیرد، به‌عنوان شرط لازم عقلانیت معرفی می‌کند.

هربرت سایمون در فصل چهارم و پنجم کتاب *رفتار اداری؛ بررسی در فراگردهای تصمیم‌گیری در سازمان اداری*، ضمن مخالفت با عقلانیت مطرح شده در اقتصاد متعارف، نظریه مشهور خود، یعنی «عقلانیت محدود» را شرح می‌دهد. او در تبیین نظریه خویش، در مقاله‌ای با عنوان «نظریات عقلانیت محدود»، عقلانیت محدود را شکلی از رفتار می‌داند که دستیابی به هدف مشخصی را با لحاظ قیود و محدودیت‌های تحمیل شده برای انسان فراهم می‌کند و به این دلیل، دیدگاه واقعی‌تری از یک انسان عقلایی اقتصادی به نمایش می‌گذارد.

*بروس کالدول* در مقاله «روش‌شناسی اقتصاد؛ پایه‌های عقلانی چشم‌اندازها» می‌نویسد: آنچه در عرصه عقلانیت اقتصادی لازم است، یک نظریه عمومی از خواسته‌ها، عقاید و رفتارهای عقلانی است که هم بتواند تعاریف متفاوت «عقلانیت» را در خود جای دهد و هم بتواند ارتباط الگوهای مذکور با تعاملات اجتماعی انسان‌ها را تعریف کند. این نگاه توجه اقتصاددانان مسلمان را نیز برانگیخته است. برای مثال، *محمد رضا جوادی یگانه* در مقاله «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی»، بررسی نظریه «انتخاب عقلانی» را با رویکرد جامعه‌شناسانه پیش می‌گیرد.

گیگز نزر و سلتن در کتاب *عقلانیت محدود: جعبه‌ابزار تطبیقی* می‌نویسد: رفتار آدمی با عادات و احساسات عجین است و همین عادات و احساسات در بسیاری از حالات، با رفتار عقلانی، که در اقتصاد متعارف تعریف می‌گردد، تضاد و تناقض پیدا می‌کند.

سیدعمر سید عقیل، در مقاله «عقلانیت در نظریه اقتصادی: ارزیابی انتقادی»: محمدحسین کرمی و عسکر دیریاز در دو فصل کتاب *مباحثی در فلسفه اقتصاد و محمد عبدالمنان* در کتاب *ساخت جامعه اقتصاد اسلامی: ابعاد اسلامی در تحلیل اقتصاد* نپذیرفتن ارزش‌های سنتی، مذهبی، اجتماعی و اخلاقی در نظریه «انتخاب عقلایی» را مشکل اساسی این دیدگاه می‌دانند.

علی‌اصغر هادوی‌نیا نیز در کتاب‌های *انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام* و *فلسفه اقتصاد در جهان‌بینی قرآنی* پذیرش «دئیسم» توسط این نظریه و همچنین اتخاذ مبانی انسان‌شناختی غیراسلامی را از ضعف‌های این دیدگاه می‌داند.

عطاءالله رفیعی‌آنانی در مقاله «نقد عقلانیت به مثابه بنیاد توسعه» و سیدحسین میرمعزی در کتاب *اقتصاد کلان با نگرش اسلامی* نیز معتقدند: از نظر اسلام، بر خلاف دیدگاه اقتصاد متعارف، گستره نفع محدود به نفع دنیوی نبوده و شامل نفع اخروی نیز می‌شود، براین اساس، هدف و انگیزه مسلمان عاقل «بیشینه کردن سرجمع لذت‌های دنیایی و آخرتی و کمینه کردن سرجمع رنج‌های دنیایی و آخرتی» است.

باید گفت: سمت و سوی نقدهای مطرح شده در کتب و مقالات اندیشمندان غربی، معمولاً حفظ هسته سخت نظریه اقتصاد متعارف و پارادایم آن و در مسیر اصلاح نظریه «انتخاب عقلایی» برای نگرهانی از پایه‌های اقتصاد سرمایه‌داری است. نگاشته‌های اندیشمندان اسلامی نیز اولاً، به شکل محدود و غالباً در ذیل موضوع «صرف» بوده، و ثانیاً، بهره‌گیری آنان از آیات و به ویژه روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام اندک است. همچنین در این تحقیقات، برای عقلانیت اقتصادی، یا مؤلفه‌ای معرفی نشده و یا اگر هم مطرح گردیده، معدود بوده و اثربخشی آنها در عقلانیت به شکل مشخصی تبیین نشده است. از سوی دیگر، این دیدگاه‌ها عقلانیت را به شکل طیفی در نظر نگرفته و همواره فرض می‌کنند که فقط یک گزینه عقلایی بوده و دیگر گزینه‌های غیرعقلایی است.

در این مقاله، برای رفع مشکلات مذکور، تلاش می‌شود با بررسی جامع آیات و روایات، مؤلفه‌های عقلانیت اسلامی تبیین گشته، عقلانیت در اقتصاد اسلامی، هم از بعد هنجاری و هم اثباتی تعریف شود. بنا به فرضیه مقاله، «عقلانیت» در رویکرد اسلامی، مفهومی طیفی و تشکیکی دارد.

### مفهوم «عقلانیت» در نظریه «انتخاب عقلایی» در اقتصاد متعارف

در اقتصاد متعارف، «عقلانیت» به دو مفهوم «بیشینه‌سازی نفع شخصی» و «سازگاری درونی گزینش‌ها» تعریف شده است (سن، ۱۳۷۷، ص ۱۳). هر یک از این دو تعریف با مشکلاتی روبروست که بدان اشاره می‌شود.

## الف. «عقلانیت» به مفهوم «بیشینه‌سازی نفع شخصی»

قرائتی که از گذشته تا کنون در زمینه انتخاب عقلایی رایج بوده و به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی نظریه‌پردازی در اقتصاد کلاسیک به‌شمار آمده، «عقلانیت به معنای تعقیب منافع شخصی» است (سن، ۱۳۷۷، ص ۱۶؛ زولنای، ۱۹۹۸، ج ۲۷، ص ۶۱۴).

در این نظریه، زندگی آدمی بر مبنای شناخت دقیق میان انسان، ابزار و محیط سامان گرفته و هدف آن، به دست آوردن کارایی و بازدهی بیشتر است. بر اساس این دیدگاه، آدمی کنشگری است که اگر تنها بر اساس اصل «انتخاب حداکثرکننده نفع»، عمل کند، عقلایی محسوب می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۲۱۲)؛ به گونه‌ای که عدم پی‌جویی آگاهانه نفع، به منزله غیرعقل بودن انسان، تلقی شده است (سن، ۱۳۹۰، ص ۲۳۴).

بر این مبنای، در جامعه شکل گرفته از انسان‌ها، از «عقل»، به‌عنوان ابزاری برای بیشینه‌سازی منافع شخصی (فروند، ۱۳۶۲، ص ۲۴) و تسلط ابزاری او (هابرماس، ۱۹۸۴، ص ۲۸۶)، بهره‌برداری می‌شود و انسان‌ها بر اساس منافع شخصی لحظه‌ای، منطبق بر عقلانیت خودپندار و مبتنی بر تقدم ترجیحات کوتاه مدت (با کمک ابزار مشخص)، انتخاب می‌کنند (فاین، ۲۰۰۱، ص ۱۸۵).

مطابق این رویکرد، انتخاب عقلایی مبتنی بر فروض و مراحل ذیل، ساخته و جاری می‌گردد:

۱- انسان‌ها دارای هدف بوده و به دنبال رسیدن به آن هستند؛

۲- هر انسانی دارای یک سلسله ترجیحاتی مبتنی بر منافع شخصی خود است؛

۳- انسان‌ها ترجیحات خود را بر اساس منافع، رتبه‌بندی می‌کنند؛

۴- انسان‌ها در انتخاب و گزینش از میان ترجیحات، به شکل ذیل محاسبه می‌کنند:

۱. شناسایی گزینه‌ها و راه‌های ممکن؛

۲. محاسبه نفع حاصله از گزینه‌های متفاوت و پیامدهای آنها بر اساس ترجیحات؛

۳. محاسبه هزینه فرصت‌های انتخاب گزینه‌ها؛

انتخاب گزینه‌ای که بیشترین نفع ممکن را فراهم می‌نماید (تورنر، ۲۰۰۲، ص ۳۰۴).

بنابراین، «انتخاب عقلایی» یک روش مکانیکی مبتنی بر محاسبات پیچیده را معرفی کرده و فرض می‌کند که

تمام انسان‌های عقلایی، از چنین روشی برای کسب حداکثر ساختن مطلوبیت بهره می‌گیرند.

## اشکالات «عقلانیت» به مفهوم «بیشینه‌سازی نفع شخصی»

این تعریف از «عقلانیت»، از سوی بسیاری از اقتصاددانان متعارف، آماج نقد قرار گرفته است که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. توجه نکردن به هنجارها و ارزش‌های فردی، اجتماعی و دینی

برخی از اقتصاددانان معتقدند که این مفهوم عقلانیت، هنجارهای فردی، اجتماعی و دینی را در نظر نگرفته و صرفاً

پی‌جویی نفع شخصی را ملاک خویش قرار داده است. این در حالی است که در خارج، این عوامل نقش بسیار ملموس و عینی در کنش‌های انسان‌ها داشته و بر بسیاری از رفتارهای اقتصادی تأثیر دارند. عقلانیتی که در قالب نفع شخصی تفسیر می‌گردد، برای هنجارهای فردی و اجتماعی، توجیه عقلانی قائل نبوده و صرفاً به لذت‌های انسان و حداکثرسازی آن توجه می‌کند (سنت، ۲۰۰۸، ص ۸۹۸). در این نظریه، تمایلات و لذات انسانی نقش پایه‌ای و محوری بر عهده گرفته‌اند و حتی خود هدف، به تنهایی ایجاد نخواهد شد؛ بلکه این تمایلات هستند که آغازگر راه بوده و مبتنی بر آنها، اهداف را تشکیل می‌دهند (همان).

اقتصاددانان مسلمان به شکل جدی‌تر به این نقد توجه و بر آن تأکید کرده‌اند. برای مثال، کرمی و دیرباز (۱۳۸۴) معتقدند: تکیه بر منافع شخصی در نظریه «انتخاب»، مستلزم نادیده گرفتن نقش آداب و رسوم، سنت‌های اجتماعی و دینی در فعالیت‌های اقتصادی است. این در حالی است که انسان‌ها علاوه بر ذهن اقتصادی، دارای ذهن عرفی هستند و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی عموم مردم، نوع‌دوستی، انصاف، عدالت، صداقت، مهربانی و ارزش‌های دینی نقش مهمی ایفا می‌کند (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴، ص ۱۸۴-۱۸۵). قحف (۱۹۹۲، ص ۹۳-۹۴)، زبیر حسن (۲۰۰۲، ص ۹۶-۹۸)، فهیم خان (۱۹۹۲، ص ۷۰-۷۱)، صدیقی (۱۹۷۲، ص ۹۰)، چپرا (۱۳۸۴، ص ۵۱) نیز از توجه نکردن این نظریه به هنجارهای فردی، اجتماعی و به ویژه دینی سخن گفته‌اند. آنان عقلانیتی مقید به هنجارها را می‌پذیرند.

## ۲. توجه نکردن به ویژگی‌های روانی، احساسات، عادات و عواطف انسان

یکی دیگر از مهم‌ترین انتقاداتی که به این قرائت از نظریه «انتخاب عقلایی» وارد شده، توجه نکردن این دیدگاه به احساسات، عادات، عواطف و ویژگی‌های روانی انسان است. این رویکرد، انسان را همچون ماشین محاسبه‌گری تصور می‌کند که فقط به دنبال پی‌جویی نفع شخصی است و در این مسیر، هیچ‌یک از عوامل روانی، نمی‌تواند او را از رسیدن به این منافع بازدارد. به نظر مک دوگال (۲۰۰۱)، انسان تا اندازه‌ای عقلایی است و تا حد زیادی، بسیار غیرهوشمندانه و با روش‌هایی کاملاً غیرعقلایی، رفتار می‌کند (مک دوگال، ۲۰۰۱، ص ۲۰). از نظر او، ویژگی‌های روانی انسان، گاهی وی را به سمتی هدایت می‌کند که بر خلاف این نظریه، رفتاری غیرعقلایی را برگزیند.

میچل و کالهون (۱۹۱۰) مقدمات و پیش‌فرض‌های ساده روان‌شناسی در این نوع اقتصاد مکانیکی و بالتبع، پنداشتن «عقلانیت» به‌عنوان پیگیری نفع شخصی، را نامناسب می‌دانند؛ زیرا در برخی حالات، رفتار انسان‌ها بر اساس عادت‌ها و یا اساساً به شکل غیر عقلایی شکل می‌گیرد (میچل، ۱۹۱۰، ص ۱۰۹، کالهون، ۲۰۰۲، ص ۸۶).

سید عقیل (۱۹۸۹) نیز معتقد است: انسان عقلایی در اقتصاد متعارف، کسی است که هیچ‌گونه احساسات و عواطفی ندارد و شاخص‌های مهم انسانی، از جمله: دلسوزی برای دیگران، علاقه‌های مذهبی، انگیزه‌های مذهبی، و بهره‌گیری از هنر متعالی در او نیست. چنین پنداری از انسان کاملاً با واقعیات بیرونی در تضاد است (سیدعقیل، ۱۹۸۹، ص ۸۳).



### ۳. توجه نکردن به محدودیت‌های شناختی

به نظر برخیز اقتصاددانان، انسان با محدودیت‌های گوناگون شناختی و محاسباتی مواجه است. از این رو، انسان نمی‌تواند آن گونه که نظریه «انتخاب عقلایی» تصور می‌کند، همچون یک ماشین حساب دقیق، رفتارها و پیامدهای حاصل از آنها را محاسبه کرده، گزینه‌ای را انتخاب کند که بالاترین نفع را در برداشته باشد. هربرت سایمون (۱۳۷۱) به‌عنوان پیشتاز این انتقاد، «عقلانیت» به‌معنای «پی‌جویی نفع شخصی» را مبتنی بر این فرض می‌داند که انسان یک پدیده مکانیکی و یک «ماشین معجزه‌آسای» محاسبه باشد که بتواند عوامل اقتصادی را به هم پیوند دهد. از نظر او، توانایی‌های شناختی و محاسباتی انسان به هیچ‌عنوان، به این اندازه نبوده و اساساً تصور این نوع توانایی، بسیار مشکل است. او با صراحت، رسیدن به عقلانیت ادعایی در این نظریه را غیرممکن می‌داند (سایمون، ۱۳۷۱، ص ۹۷). فریدریش و اوپ (۲۰۰۲) نیز معتقدند: انسان‌ها به علت محدودیت‌های شناختی، با ساده کردن شرایط، اقدام به انتخاب می‌کنند؛ نه اینکه طبق نظریه «انتخاب عقلایی»، به محاسبه‌گری دقیق بر اساس حداکثرسازی مطلوبیت بپردازند (فریدریش و اوپ، ۲۰۰۲، ص ۴۱۰).

### ۴. نپذیرفتن نفع‌گرایی مادی به‌عنوان ملاک عقلانیت

برخی اقتصاددانان «نفع‌گرایی» را ملاک مناسبی برای عقلانیت نمی‌دانند. برای نمونه، *آمارتیا سن* این ادعا را، که عقلانیت مستلزم بیشینه‌سازی نفع شخصی باشد، اشتباه و نامناسب می‌داند (سن، ۱۳۷۷، ص ۱۷). زیر حسن (۲۰۰۲) نیز معتقد است: اصولاً گاهی انگیزه‌های معنوی و اخلاقی موجب می‌شود که انسان حتی خلاف منافع شخصی مادی‌اش عمل کند. از نظر او، در این حالات، نمی‌شود گفت: این فرد، غیر عقلایی عمل کرده است، و بر همین اساس نیز نمی‌توان همواره «پی‌جویی نفع شخصی» را ملاک عقلانیت اقتصادی قرار داد (حسن، ۲۰۰۲، ص ۹۹-۱۰۰).

برخی اقتصاددانان مسلمان ضمن رد نفع‌گرایی مادی، جایگزین‌هایی معرفی می‌کنند. برای مثال، صدیقی (۱۹۷۲) تصریح می‌کند که انسان عقلایی در اقتصاد اسلامی، کسی است که به دنبال بیشینه‌کردن تطابق رفتار خود با هنجارهای اسلامی است (صدیقی، ۱۹۷۲، ص ۹۰)؛ انسانی عقلایی عمل می‌کند که رفتارش همواره مطابق استانداردهای اخلاقی باشد؛ نه اینکه پیوسته در پی بیشینه‌کردن نفع شخصی خویش باشد (صدیقی، ۱۹۷۰، ص ۱۵-۱۶).

### ب. «عقلانیت» به‌عنوان سازگاری درونی

در دهه‌های اخیر، «عقلانیت» به مفهوم «سازگاری درونی گزینش‌ها»، متداول شده است (بلاگ، ۱۹۹۲، ص ۲۳۰). بر اساس این دیدگاه، انتخاب عقلایی، اساساً به مفهوم «پی‌جویی نفع شخصی» نیست؛ بلکه به‌معنای «سازگاری درونی گزینش‌ها» است (هاسمن، ۲۰۰۶، ص ۴۹). بر اساس این رویکرد، زمانی رفتار اقتصادی انسان عقلایی است که بین انتخاب‌ها و گزینش‌های وی یک سازگاری و همسازی درونی وجود داشته باشد و بتوان میان آنها تناقضی یافت (زولنای، ۱۹۹۸).

بر مبنای این برداشت از عقلانیت اقتصادی، انتخابی سازگار است که در آن، شرایط ذیل محقق شود:

۱. اصل کامل بودن: هر فرد باید بتواند نسبت به کالاها، ترجیح‌بندی کرده، و همه آنها نیز باید «مقایسه‌پذیر» باشند (پاتنام، ۲۰۰۹، ص ۷۹). بر این مبنای، اگر مصرف‌کننده با دو سبد A و B مواجه باشد، لزوماً باید به یکی از نتایج ذیل برسد:

۱. A را بر B ترجیح دهد؛

۲. B را بر A ترجیح دهد؛

۳. بین A و B بی‌تفاوت باشد (مطلوبیت یکسانی داشته باشند).

۲. اصل انعکاس‌پذیری: اگر دو سبد مصرفی یکسان، در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد، نسبت به آنها بی‌تفاوت بوده، علتی برای ترجیح یکی بر دیگری وجود ندارد (داودی، ۱۳۸۹، ص ۳۱).

۳. اصل انتقال‌پذیری: اگر فردی کالای A را بر B و کالای B را بر C ترجیح دهد، حتماً می‌بایست کالای A را نیز بر کالای C ترجیح دهد (حسن، ۲۰۰۲).

۴. اصل اشباع‌ناپذیری (Nonsatiation): مصرف‌کننده همواره بیش را بر کم، ترجیح می‌دهد (مک کول، ۱۹۹۵، ص ۱۰).

۵. هزینه نکردن برای دسترسی به اطلاعات کامل: اولاً، اطلاعات فرد کامل است؛ ثانیاً، دسترسی به اطلاعات کامل در بردارنده هیچ‌گونه هزینه‌ای نیست (بلاگ، ۱۹۹۲، ص ۲۲۹).

اگر در یک انتخاب اقتصادی، تمام ۵ اصل بالا تحقق یابد، انتخاب صورت‌گرفته بدون نیاز به هیچ شرط دیگری عاقلانه است.

### اشکالات «عقلانیت» به مفهوم «سازگاری درونی»

این رویکرد به عقلانیت اقتصادی، از جانب اقتصاددانان با اشکالات ذیل مواجه گردیده است:

#### ۱. امکان تحقق سازگاری بدون دستیابی به هدف

سازگاری درونی گزینش‌ها بدون در نظر گرفتن تطابقش با هدف، به تنهایی نمی‌تواند معرف عقلانیت باشد؛ زیرا اگر - به عنوان مثال - فردی دارای هدف «الف» باشد، اما رفتارهای او در جهت خلاف دستیابی به این هدف باشد، هر قدر هم که این رفتارها با یکدیگر سازگاری داشته باشند، نمی‌توان رفتارهای او را عاقلانه خواند؛ زیرا این افعال او منجر به تحقق هدف «الف» نشده است. از این رو، این رفتار قاعداً عقلایی هم محسوب نخواهد شد. این در حالی است که مطابق این رویکرد، باید به این رفتارها، «رفتار عقلایی» اطلاق شود (سن، ۱۳۹۰، ص ۶۸).

#### ۲. ناتوانی شناختی انسان برای ایجاد سازگاری در رفتارها

لازمه سازگاری این است که انسان، آگاهی کاملی از ترجیحات خود و امور مرتبط با رفتارهای اقتصادی‌اش داشته

باشد؛ تا بتواند با کنار هم قرار دادن این دو در کنار یکدیگر، سازگاری درونی انتخاب‌های خویش را فراهم سازد؛ این در حالی است که توانایی شناختی انسان، محدود بوده و گاهی، حتی قوهٔ تخیل او هم از تشخیص کامل این موارد ناتوان است (سایمون، ۱۳۷۱، ص ۸۵).

### ۳. نبود انسجام نظریهٔ «انتخاب عقلایی» با «رویکرد سازگاری»

پذیرش سازگاری مجموعه‌ای از رفتارهای اقتصادی، مبتنی بر تفسیر این گزینش‌ها بر اساس ارزش‌ها، ترجیحات و انگیزه‌هایی است که بیرون از فرآیند سازگاری است. از این‌رو، این نظریه به سبب وابستگی به عواملی خارج از دامنهٔ خود، نمی‌تواند به‌عنوان یک نظریهٔ منسجم مطرح شود و از این نظر، دچار اشکال اساسی است (سن، ۱۳۷۷، ص ۱۵).

### ۴. بی‌توجهی به هنجارها و ارزش‌ها

اگر سازگاری بین رفتارها و انتخاب‌ها تنها ملاک عقلانیت باشد، این بدان معناست که انگیزه‌ها و ارزش‌های فردی، دینی و اجتماعی، هیچ نقشی در عقلانیت اقتصادی ندارند؛ درحالی‌که در واقعیت خارجی، ترجیح یا عدم ترجیح گزینه‌ها بر یکدیگر، بدون توجه به انگیزه‌ها و ارزش‌ها، عملاً مقدر نیست (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸). در جهان بینی اسلامی، رفتار عقلایی صرفاً بر اساس سازگاری شکل نگرفته و دخالت دادن عواملی نظیر نوع‌دوستی و تعامل اجتماعی در عقلانیت فرد، مؤثر است (سیدعقیل، ۱۹۸۹، ص ۸۳).

## عقلانیت طیفی اسلامی

در نقدهای نظریهٔ «عقلانیت» توجه چندانی به تشکیکی بودن مفهوم عقلانیت نشده است. همان‌گونه که در ادامه اشاره خواهد شد، از نگاه اسلامی، عقلانیت و انتخاب عقلایی یک مفهوم «طیفی» دارای مراتب است؛ بدین معنا که ممکن است فرد «الف»، از فرد «ب»، به سبب آنکه در انتخاب‌هایش از عقلانیت بیشتری بهره برده است، عاقل‌تر محسوب شود. البته این لزوماً به‌معنای عاقل نبودن فرد «ب» نیست بلکه گاهی صرفاً به‌معنای آن است که فرد «الف» نسبت به «ب»، از عقلانیت بیشتری برخوردار است. با توجه به این موضوع، می‌توان گفت: عقلانیت دارای دامنه وسیعی است که از حد مرزی عقلانیت (نزدیک به عقلانیت صفر)، آغاز می‌شود و تا عقلانیت بی‌نهایت که مختص انسان کامل است، گسترده می‌شود.

در برخی آثار محققان اقتصاد اسلامی، به مفهومی مشابه «عقلانیت طیفی» اشاره شده است. برای مثال، نویسندگان کتاب *مبانی اقتصاد اسلامی*، انسان اقتصادی در اسلام را در دو سطح تعریف کرده‌اند:

۱. انسانی که انگیزه و رفتار او از سوی اسلام تأیید و پذیرفته شده است.

۲. انسانی که انگیزه و رفتار او مطلوب اسلام است.

آنها در ادامه، برای هر کدام از این دو گروه، شاخص‌ها و ویژگی‌هایی را برمی‌شمارند. به نظر آنها، رفتارهای اقتصادی جامعهٔ مسلمان، باید بر اساس این دو گروه تفسیر شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ص ۱۰۹).

سید کاظم رجایی (۱۳۸۶) نیز در تحلیل تقاضای بازار، تقاضاکنندگان را به سه دسته تقسیم می‌کند: دسته اول. افرادی غیرمعتقد به مبدأ و معاد که تنها به فکر منافع دنیوی و شخصی خود هستند؛ دسته دوم. افرادی دارای اعتقاد جدی به مبدأ و معاد که هدفشان تنها رضایت خداوند است؛ دسته سوم. افرادی که اعتقادی بینابین دارند. آنان هرچند دنیاطلبند، اما از آخرت نیز خوف دارند. وی بر این مبنا، تقاضای بازار را جمع افقی این افراد دانسته و بدین صورت، تفاوت سطوح انسانی را در تحلیل‌های خویش از تقاضا، دخالت می‌دهد (رجایی، ۱۳۸۶، ص ۹۲-۹۳).

عقلانیت طیفی اسلامی را می‌توان با دو رویکرد «هنجاری» و «اثباتی» ارائه داد. «عقلانیت طیفی هنجاری» به بیان استاندارد مطلوب در انتخاب می‌پردازد. «عقلانیت طیفی اثباتی» نیز ناظر به این است که افراد در عمل چگونه انتخاب می‌کنند.

شکل ۱. مفهوم عقلانیت طیفی

نبود عقلانیت کامل

وضعیت‌های میانه

عقلانیت کامل

## عقلانیت طیفی در رویکرد هنجاری

عقلانیت طیفی هنجاری در رویکرد اسلامی، شروط و مؤلفه‌های عقلانیت اقتصادی را معرفی می‌کند. در ادامه، این موضوع تبیین می‌شود.

## مؤلفه‌های عقلانیت اقتصادی اسلامی

با بررسی ۸۶ آیه از آیات قرآن و ۷۰ روایت مرتبط با مفهوم «عقلانیت» و شروط آن، به دست می‌آید که عقلانیت اقتصادی در رویکرد اسلامی، باید دربرگیرنده چهار مؤلفه «تبعیت از تکالیف الهی»، «منفعت‌گرایی فراگیر»، «محاسبه‌گری جامع‌نگر» و «جمع‌آوری اطلاعات تا سرحد علم و یقین» باشد.

### اول. تبعیت از تکالیف اقتصادی الهی

لازمه عقلانیت در رویکرد اسلامی، تبعیت از تکالیف شرعی است. انسان عاقل، باید به تمام واجبات الهی عمل کند و محرّمات را ترک نماید (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۲؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۴۹). برای نمونه، در آیه ۲۹ سوره نساء، به حرمت اکل مال بالباطل و لزوم تجارت بر مبنای رضایت طرفین اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا». در آیه ۲۷۵ سوره بقره، حرمت ربا گوشرد شده است: «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا». در آیات اول تا سوم سوره مطففین نیز بر حرمت

کم فروشی تأکید شده است: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ» (مطففین: ۱-۳). وجوب زکات نیز در آیه ۴۳ سوره بقره مطرح شده است: «وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ» (بقره: ۴۳). البته انجام مستحبات و ترک مکروهات نیز از لوازم عقلانیت محسوب می‌شود (رجایی، ۱۳۸۶، ص ۷۰-۷۱). به این مضمون در روایات بسیاری اشاره شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴-۲۳).

## دوم. منفعت‌گرایی فراگیر

یکی دیگر از لوازم عقلانیت طیفی در رویکرد اسلامی، توجه به گستره‌ای از «منافع فردی و جمعی» و «منافع دنیوی و اخروی» است. در آیات و روایات زیادی به این نوع منفعت‌گرایی فراگیر توجه شده است. در آیه ۲۰۱ سوره بقره، حسنات دنیا و آخرت مطرح شده است: «يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» (بقره: ۲۰۱).

از لحاظ نسبت‌سنجی منافع دنیوی و اخروی، منافع اخروی بر منافع دنیوی برتری دارد. خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره قصص بر پایداری بودن منافع اخروی تأکید می‌کند: «وَمَا أَوْتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (قصص: ۶۰). امام صادق علیه السلام نیز در همین زمینه می‌فرماید: «عاقل کسی است که از هوا و هوس و فروختن دنیای خود به آخرت خود پرهیز کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۲).

در نسبت‌سنجی میان منافع فردی و جمعی، عقلانیت مستلزم اولویت‌دادن به منافع جمعی با رعایت اقتضائات عدالت است؛ زیرا این اقدام نه تنها منافع مادی افراد مستحق جامعه را توسعه داده و به کاهش اختلاف طبقاتی کمک می‌کند، بلکه به واسطهٔ اعطای پاداش الهی مضاعفی که در آیات و روایات به ایثارگران وعده داده شده است، خود موجب افزایش چندین برابری منافع فردی نیز می‌شود. در آیه ۲۴۵ سوره بقره، به این موضوع توجه شده است: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيَضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». امام صادق علیه السلام نیز در زمینهٔ توجه به منافع جمعی می‌فرماید: «تا چند صفت در انسان نباشد عقلش کامل نشده است...؛ زیادی مالش بخشیده شود؛ از جمله علامات عاقل این است که سه خصلت در او باشد: ... رأیی اظهار کند که به مصلحت همگان باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴-۲۳).

## سوم. محاسبه‌گری جامع

یکی دیگر از لوازم عقلانیت اسلامی، محاسبه‌گری جامع با در نظر گرفتن تمامی منافع دنیوی و اخروی است. خداوند در آیات قرآن مجید، لزوم محاسبه‌گرایی جامع را مطرح می‌کند؛ نوعی محاسبه‌گری که در آن به تمام منافع توجه می‌شود: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره: ۱۹۵)؛ «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷)؛ «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء: ۲۹).

روشن است که رویکرد محاسبه‌گرایی جامع، از محاسبه‌گرایی مکانیکی مطرح شده در رویکرد عقلانیت

متعارف، متمایز است (رایبستین، ۱۹۹۸، ص ۲). در محاسبه‌گرایی اسلامی، تنها به پدیده‌های مکانیکی جسمانی و علل و معلول‌های مادی توجه نمی‌شود (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶)؛ بلکه به شکلی جامع، امور مادی و معنوی، احساسات و عواطف انسانی (زمر: ۱۸؛ ق: ۱۶؛ طلاق: ۲-۳) و علل مادی و فرامادی (سید عقیل، ۱۹۸۹، ص ۸۷-۹۱) مورد نظر قرار می‌گیرد.

باید توجه داشت که درخواست محاسبه‌گری جامع در قالب ظرفیت انسان صورت می‌گیرد. خداوند افراد را به امری خارج از طاقتشان امر نمی‌کند: «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (اعراف: ۴۲). البته بر اساس سنت‌های الهی، هنگامی که افراد در قدر توانشان اقدام به محاسبه‌گری کنند، خداوند نیز آنان را یاری خواهد داد. خداوند ضعف‌های محاسباتی افراد را از طریق عواملی همچون برکت (اعراف: ۹۶)، چند برابر کردن حسنات (بقره: ۲۴۵)، و رزق خارج از محاسبات مادی (طلاق: ۳) جبران خواهد نمود.

### چهارم. جمع‌آوری اطلاعات تا سرحد علم و یقین

لازمهٔ دیگر عقلانیت آن است که فرد تا سرحد رسیدن به علم و یقین، اطلاعات و داده‌های لازم برای اتخاذ تصمیم را جمع‌آوری کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۸۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴). بر اساس فرمودهٔ امام صادق (ع) «عاقل پیوسته به راهنمایی و هدایت علم کار می‌کند» (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۳). رسول خدا (ص) نیز می‌فرمایند: «چهار چیز است که هر هوشمند و عاقلی از امت من باید به آنها ملزم باشد. عرض شد: ای پیامبر خدا، آنها چیست؟ فرمودند: شنیدن علم، حفظ کردن آن، نشر آن و عمل کردن به آن» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۴). از این رو، عاقل نباید گزینه‌ای را انتخاب کند که بر خلاف دانسته‌های وی، بهترین گزینه نمی‌باشد (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱).

### هویت طیفی عقلانیت

در چارچوب نظریهٔ «عقلانیت طیفی»، انتخاب از لحاظ اتصاف به «عقلانیت» و «عدم عقلانیت» هویتی طیفی دارد. انتخاب یک فرد، می‌تواند با توجه به مؤلفه‌های گفته شده کاملاً عقلانی باشد، کاملاً غیرعقلانی باشد؛ و یا وضعیتی بینابین داشته باشد.

عقلانیت کامل زمانی تحقق می‌یابد که فرد در انتخاب‌های خود:

- از تمامی احکام الهی تبعیت کند؛

- منافع را به شکلی فراگیر (منفعت خود و دیگران؛ منفعت دنیا و آخرت) دنبال کند؛

- محاسبه‌گری فرد جامع باشد و تمام عوامل مادی، معنوی و فرامادی را هنگام تصمیم در نظر بگیرد؛

- داده‌ها و اطلاعات را تا رسیدن به علم و یقین جمع‌آوری کند و بر مبنای آن تصمیم بگیرد.

تحقق نیافتن کامل هریک از این مؤلفه‌ها می‌تواند موجب ضعف عقلانیت شود. اگر هیچ‌یک از این مؤلفه‌ها محقق

نشود، با عدم عقلانیت کامل روبرو می‌باشیم. بین این دو حد وضعیتی را داریم که تحقق مؤلفه‌های عقلانیت به صورت کامل صورت نگرفته است.

### عقلانیت طیفی در رویکرد اثباتی

بر اساس «عقلانیت طیفی اسلامی» در «رویکرد اثباتی»، عقلانیت افراد در جهان خارج نیز طیفی و تشکیکی است. در روایات معصومان علیهم‌السلام شواهدی بر طیفی بودن عقلانیت وجود دارد. برای نمونه، معصومان علیهم‌السلام در انصاف افراد به مفهوم «عقل» و «جهل»، از صفات تفصیلی استفاده کرده و برخی از افراد را «عاقل‌تر» و یا «عاقل‌ترین» نامیده‌اند. در مقابل، برخی دیگر، به «جاهل‌تر» و «جاهل‌ترین»، متصف گردیده‌اند. برای مثال، در حدیث مشهور هشام، امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: «لقمان به پسرش گفت: در برابر حق متواضع باش تا عاقل‌ترین مردم باشی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶). در این روایت، امام علیه‌السلام از واژه «أعقل»، که صفت تفصیلی است، استفاده نموده و بیان می‌کنند: کسی که در برابر حق تواضع داشته باشد، نسبت به دیگران، دارای عقل بیشتری است. همچنین در روایات دیگری نیز به این امر اشاره شده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۹۵؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲-۱۱۳).

حتی از نگاه برخی از روایات، انسان در طول زندگی خود نیز دارای مراتب عقلانیت متفاوتی بوده و در موقعیتی از زمان، نسبت به موقعیت قبل از آن، دارای عقلانیت بیشتر یا کمتر است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۲). پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام به‌عنوان انسان‌های کامل، از عقلانیت حداکثری برخوردارند. آنان به دنبال کسب منافع اخروی می‌باشند؛ در عین حال، آنان از جانب خداوند فرمان می‌پذیرند که آنچه را از امور مادی، بر آنان حلال شده است، را بر خود حرام نکرده (تحریم: ۱) و ضمن بهره‌گیری از لذات مادی (اعراف: ۳۲)، جنبه اعتدال را، حتی در کسب منافع اخروی، رعایت کنند (اسراء: ۲۹). اصحاب و شیعیان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام هر قدر رفتار خود را با ایشان منطبق کنند، از درجه عقلانیت بالاتری برخوردار خواهند شد.

بر اساس مقتضای خطبه ۲۰۹ نهج البلاغه، افراد، در عمل، به خاطر ضعف در اراده، ممکن است نتوانند انتخابی عقلایی داشته باشند. آنها ممکن است منافع اخروی خویش را در نظر نگیرند (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۴). بحث «ضعف اراده انسان» در عمل به اهداف خویش نیز توسط برخی اقتصاددانان اشاره شده است (سن، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱-۲۳۲).

اگر ضعف اراده را در نظر بگیریم، برخی از افراد مسلمان عاقل، با اینکه می‌دانند اتفاق به یتیمان و فقرا نقش مهمی در ارتقای سعادت اخروی‌شان دارد، ولی ممکن است از تمام ظرفیت‌های مالی خویش برای کسب نفع اخروی استفاده نکرده و تنها بخش کوچکی از دارایی‌های خود را صرف این امر کنند. چنین افرادی هرچند عاقلند، لیکن اگر با عقلانیت بیشتری رفتارهای اقتصادی خود را رقم می‌زدند، نفع اخروی بیشتری کسب می‌کردند و در نتیجه، کمال بیشتری هم برایشان حاصل می‌شد.

رویکرد «عقلانیت محدود»، شباهت زیادی به دیدگاه «عقلانیت طیفی» دارد. در مباحث عقلانیت محدود نیز به ضعف افراد در محاسبه‌گری، کنترل غرایز و مانند آن اشاره می‌شود. نکته‌ای که رویکرد عقلانیت طیفی را از عقلانیت محدود جدا می‌کند این است که در این رویکرد، عقلانیت در سطح هنجاری نیز مفهومی طیفی در نظر گرفته می‌شود. در سطح اثباتی نیز مفهوم جدیدی از پیش‌بینی طیفی با توجه به اقتضائات اسلامی مطرح می‌شود.

## عقلانیت طیفی اسلامی و نتایج انتخاب فردی

یکی از ابهامات قابل طرح دربارهٔ عقلانیت طیفی، این است که این دیدگاه به سبب ارائه طیف‌های گوناگونی از عقلانیت، قادر به تعیین انتخاب افراد بین گزینه‌ها نیست. در پاسخ به این امر، گفته می‌شود که پیش‌بینی پدیده‌ها در عقلانیت طیفی اسلامی، دارای دو نوع پیش‌بینی نقطه‌ای و طیفی است:

۱. **پیش‌بینی نقطه‌ای:** در این نوع پیش‌بینی، بدون اینکه مختار بودن انسان مخدوش گردد، می‌توان به شکل دقیق پیش‌بینی کرد که یک مسلمان، از بین گزینه‌های موجود، به طور عام کدام گزینه را انتخاب می‌کند. این نوع پیش‌بینی زمانی اتفاق می‌افتد که در همهٔ گزینه‌های موجود، بجز یکی از آنها، برخی امور حرام و یا ترک واجب رخ داده باشد. در این صورت، از آن‌رو که فرد مسلمان، مقید به انجام تکالیف اسلامی است (بدون منکر شدن اختیار فرد)، می‌توان پیش‌بینی کرد که همان گزینه‌ای که خلاف تکالیف الهی نیست، انتخاب قطعی مسلمان خواهد بود و او به سراغ سایر گزینه‌ها نخواهد رفت.

۲. **پیش‌بینی طیفی:** این نوع پیش‌بینی در واقع بیان‌کنندهٔ مجموعه‌ای از انتخاب‌های ممکن با توجه به سطوح گوناگون عقلانیت است. در اینجا، ادعا نمی‌شود که یک رفتار خاص، به شکل قطعی، توسط مسلمان عاقل، انتخاب خواهد شد، بلکه ادعا می‌شود این فرد مسلمان ممکن است مجموعه‌ای از رفتارها را انتخاب کند که برخی از آنها نسبت به دیگری از عقلانیت بالاتری برخوردار است.

هرچند در پیش‌بینی طیفی، گستره‌ای از انتخاب‌ها پیش‌بینی می‌شود، ولی بسیاری از رفتارها نیز از آن خارج می‌گردد. از این‌رو، پیش‌بینی طیفی این قابلیت را دارد که دامنهٔ انتخاب‌ها را در تحلیل اقتصادی محدود سازد. این امر می‌تواند امتیاز مهمی برای نظریات اقتصادی تلقی گردد.

برای نمونه، انتخاب فرد مسلمان در حوزهٔ مصرف را در نظر بگیرید. در رویکرد اسلامی، سه محدودهٔ «کمتر از حد کفاف»، «حد کفاف» و «فراتر از حد کفاف» برای مصرف مطرح می‌شود. حد کفاف یک نقطه نیست، بلکه یک محدوده است. محدودهٔ زندگی در حد عرف جامعه اسلامی (عرفی که «فقر» بر آن اطلاق نشود)، که فراتر از سطح زندگی عمومی (اسراف و اتراف) نباشد «محدوده کفاف» خوانده می‌شود (رجایی و خطیبی، ۱۳۹۲، ص ۶۳). در این سطح، نیازهای اساسی و متعارف و مایحتاج انسان تأمین می‌شود (یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۶). یکی از معیارهای اسراف، فوق‌الکفاف بودن است: «مَا فَوْقَ الْكَفَافِ إِسْرَافٌ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۷۶).



بر اساس نظریه «عقلانیت طیفی اسلامی»، مصرف‌کننده عاقل مصرفش را در طیفی از دایره «حد کفاف» تنظیم می‌کند. این محدوده بین کرانه تعلق زکات و کرانه اسراف و اتراف قرار دارد. براین اساس، در منحنی‌های بی‌تفاوتی نیز نقاط بالاتر از حد اسراف و نقاط پایین‌تر از عرف جامعه نمی‌توانند به عنوان نقاط تعادلی معرفی شوند. از سوی دیگر، بر فرض که درآمد فرد، بیش از تأمین «هزینه‌های مصرف مشروع» باشد، در این صورت، وی با مازاد بودجه مواجه خواهد شد. این بودجه اضافی (بر فرض که فرد هیچ‌گونه مصرف دیگری نداشته باشد و در دنیای دو کالایی باشیم)، نمی‌تواند معطل بماند. وی بر حسب آیه شریفه «وَ الَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴)؛ حق ندارد دارایی پولی یا سرمایه فیزیکی خود را معطل بگذارد. وی بخشی از بودجه خود را صرف تأمین هزینه‌های خانواده، بخشی را سرمایه‌گذاری، و بخشی را صرف رساندن طبقات کمتر از حد عرف جامعه به حد کفاف (انفاق) می‌کند. در این صورت، وی از عقلانیت کامل برخوردار است. در حالت مقابل، اگر فرد به کنز اموال اقدام کند و از انفاق در راه خدا بپرهیزد، رفتار غیرعقلایی محسوب می‌گردد. بر اساس نظریه عقلانیت طیفی، عده زیادی از افراد، بخشی از اموالشان را در راه خداوند و واجبات نظامیه صرف کرده، بخشی را نیز در طرح‌های اقتصادی دارای منفعت شخصی سرمایه‌گذاری می‌کنند (عربی، ۱۳۷۴: یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۶). این گزینه را افرادی که در حد میانی عقلانیت قرار دارند، انتخاب خواهد کرد. براین اساس، ادعا می‌شود که مسلمان عاقل بر حسب نوع کمال نفسانی که دارد، درون حد کفاف اقدام به مصرف می‌کند. وی با سرمایه‌گذاری بخشی از اموالش و همچنین انفاق در راه خداوند، رفاه جامعه را افزایش می‌دهد.

### عقلانیت طیفی اسلامی و نتایج انتخاب جمعی

برای تعیین نتیجه جمعی انتخاب افراد، باید مختصات افراد از نظر سطح عقلانیت را بررسی و مشخص کرد که افراد جامعه از چه سطحی از عقلانیت برخوردارند. در میان افراد جامعه، برخی از سطح عقلانیت بالایی برخوردارند، در مقابل، گروه اندکی نیز کاملاً غیرعقلایی عمل می‌کنند. البته بخش زیادی از افراد نیز، دارای مراتب متفاوتی از عقلانیت می‌باشند.

پیش‌بینی و دانستن این امر که در یک جامعه، سرانجام چه انتخاب‌هایی صورت گرفته و کدام‌یک از این انتخاب‌ها، غلبه می‌یابد، وابسته به شناخت ترکیب جامعه و تحلیل تحولات حاصل از این ترکیبات است. برای بررسی این موضوع، می‌توان از ظرفیت نظریه «بازی‌ها» استفاده کرد. در این چارچوب، می‌توان گروه‌هایی از افراد با درجه متفاوت از عقلانیت را در نظر گرفت و به ارزیابی سرجمع انتخاب‌ها در جامعه و نتیجه نهایی آن پرداخت.

### نتیجه‌گیری

نظریه «انتخاب عقلایی» در اقتصاد متعارف، با دو مفهوم «پی‌جویی نفع شخصی» و «سازگاری درونی گزینش‌ها»، مطرح شده است. عقلانیت به معنای «پی‌جویی نفع شخصی»، تاکنون توسط اقتصاددانان متعارف و اقتصاددانان

اسلامی به دلایل گوناگویی آماج انتقاد قرار گرفته است؛ مانند: توجه نکردن به هنجارهای اجتماعی؛ در نظر نگرفتن عواطف و احساسات انسانی؛ مکانیکی پنداشتن انسان؛ محاسبه‌گرایی ماشینی؛ نامحدود دانستن ظرفیت انسانی؛ توجه نکردن به انگیزه‌های اخلاقی و دگرخواهانه انسان؛ و توجه نکردن به منافع اخروی و هنجارهای دینی. «عقلانیت» به معنای «سازگاری درونی گزینش‌ها» نیز به دلایلی محل اشکال واقع شده است؛ نظیر: نداشتن انسجام درونی، عدم لزوم تطابق رفتارهای عقلایی با تحصیل هدف؛ ناممکن بودن حصول شناخت کامل اطلاعات و ترجیحات؛ بی‌توجهی به انگیزه‌ها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی.

در این مقاله، مفهوم طیفی «عقلانیت» در رویکرد اسلامی معرفی شد. بر اساس این رویکرد، از میان چند گزینه موجود، لزوماً انتخاب یک گزینه (به شکل منحصر به فرد)، عقلایی و بقیه غیر عقلایی محسوب نمی‌شود؛ بلکه ممکن است، دو یا چند گزینه، عقلایی بوده، اما یکی از آنها عاقلانه‌تر باشد. عقلانیت انتخاب در مقام عمل نیز طیفی است.

بر اساس «عقلانیت طیفی اسلامی»، به لحاظ هنجاری، «رفتار عقلایی»، رفتاری است که دارای چهار مؤلفه: «تبعیت از تکالیف اقتصادی الهی»، «منفعت‌گرایی فراگیر»، «محاسبه‌گری جامع»، و «جمع‌آوری اطلاعات تا سرحد علم و یقین» باشد.

بر اساس «عقلانیت طیفی اسلامی»، از نظر اثباتی، رفتار عقلایی انسان مسلمان، به لحاظ مراتب، یک مفهوم تشکیکی و طیفی است. هر یک از مؤلفه‌های چهارگانه عقلانیت ماهیتی طیفی دارند. در عمل با طیفی از تحقق این مؤلفه‌ها روبرو هستیم. برخی از افراد از لحاظ تحقق مؤلفه‌های عقلانیت، به مراتب بالای آن نزدیک می‌شوند. برخی نیز به درجات بالای عدم عقلانیت نزدیک‌اند. گروه زیادی از افراد نیز وضعیتی بینابینی دارند.

با استفاده از مفهوم «عقلانیت طیفی»، می‌توان پیش‌بینی‌های طیفی ارائه داد. برای نمونه، این ادعا قابل طرح است که انسان مسلمان در جامعه اسلامی، مصرفی در منطقه حد کفاف دارد. «حد کفاف» یک نقطه نیست، بلکه ناظر به زندگی در حد عرف جامعه اسلامی است (عرفی که فقر بر آن اطلاق نشود) که فراتر از سطح زندگی عمومی (اسراف و اتراف) نمی‌رود. برای بررسی اینکه نتیجه انتخاب کل افراد جامعه چه خواهد شد، باید تصویر دقیقی از درجه عقلانیت افراد جامعه داشته باشیم. اگر داده‌های عینی وجود نداشته باشد، می‌توان با استفاده از نظریه «بازی‌ها» و در نظر گرفتن فروض گوناگون به تحلیل انتخاب افراد جامعه و آثار آن مبادرت ورزید.

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، شریف رضی، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، *میانی اقتصاد اسلامی*، چ دوم، تهران، سمت.
- چپرا، محمد عمر، ۱۳۸۴، *آینده علم اقتصاد (چشم اندازی اسلامی)*، ترجمه احمد شعبانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- داودی، پرویز، ۱۳۸۹، *اقتصاد خرد*، تهران، دانایی توانایی.
- رجایی، سید کاظم، ۱۳۸۶، «تقاضای بازار اسلامی در مقایسه با بازار رقابت کامل»، *جستارهای اقتصادی*، ش ۸، ص ۶۵-۹۸.
- رجایی، سیدمحمد کاظم و مهدی خطیبی، ۱۳۹۲، *شاخص اسراف و معیارهای آن*، قم، نشر المصطفی.
- سایمون، هربرت ای، ۱۳۷۱، *رفتار انسانی: بررسی در فراگردهای تصمیم گیری در سازمان اناری*، ترجمه محمدعلی طوسی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- سن، آمارتیا، ۱۳۷۷، *اخلاق و اقتصاد*، ترجمه حسن فشارکی، تهران، شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، *اندیشه عدالت*، ترجمه هرمز همایون پور و وحید محمودی، تهران، کندوکاو و کتاب روشن.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۸۵ق، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چ دوم، نجف، المكتبة الحیدریة.
- عربی، سیدهادی، ۱۳۷۴، «تقاضای سرمایه گذاری در اقتصاد اسلامی»، *حوزه و دانشگاه*، ش ۴، ص ۱۴-۲۱.
- فروند، ژولین، ۱۳۶۲، *جامعه شناسی ماکس وبر*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، راین.
- کراجکی، محمدبن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، قم، دارالذخائر.
- کرمی، محمدحسین و عسکر دیرباز، ۱۳۸۴، *مباحثی در فلسفه اقتصاد*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- کلمن، جیمز، ۱۳۷۷، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نشر نی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دار الحدیث.
- منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، ۱۴۰۰ق، *مصباح الشریعة*، چاپ اول، بیروت، اعلمی.
- یوسفی، احمدعلی، ۱۳۹۵، «رابطه کفاف و توسعه در مصرف بر اساس ر وایات اسلامی»، *علوم و حدیث*، ش ۲، ۱۳۸-۱۵۸.
- Argyris, Chris, 1973, "Some Loimiton of Rational Man Organization Theory", *Public Administration Review*, No. 4, P 253-267.
- Blaug, Mark, 1992, *The Methodology of Economics: Or How Economists Explain*, New York, Cambridge University Press,
- Calhoun, Craige et. Al, 2002, *Contemporary Sociological Theory*, Great Britain, Blackwell Publishers Ltd.
- Fine, Robert & David Hiss, 2001, *The Decision to Commit a Crime Against Humainty*, in Archer, Margaret S. & Jonathan Q., *Rational Choice Theory: Resisting Colonization*, USA & Canada, Routledge,.
- Friedrichs, J. & Opp, k, 2002, "Rational behaviour in Every Situations", *European Sociological Review*, Vol. 18, No. 4, P 401-415.
- Godelier, Maurice, 1968, *Rationalité et irrationalité en économie*, Paris, F. Maspero, impr.
- Hasan, Zubair, 2002, "Maximization postulates and their efficacy for Islamic economics", *American Journal of Islamic Social Sciences*, Vol. 19, No.1, P 95-118.
- Hausman, Daniel M, McPherson, Michael S, 2006, *Economic analysis, moral philosophy, and*

- public policy*, 2d ed., New York, Cambridge University Press.
- Kahf, Monzer, 1992, *A Contribution to the theory of Consumer Behavior in an Islamic Society in Readings in Microeconomics in Islamic Perspective*, edited by sayyid tahir et al, Malaysia, Longman.
- Khan, M. Fahim, 1992, *Theory of Consumer Behavior in an Islamic Perspective, Readings in Microeconomics in Islamic Perspective*, edited by sayyid tahir et al, Malaysia, Longman.
- Mas-Colell, Andreu, et al, 1995, *Microeconomic Theory*, Oxford, Oxford University Press.
- McDougall, William, 2001, *An Introduction to Social Psychology*, Kitchener, Batoche Books.
- Mitchell, Wesley C., Mar, 1910, "The Rationality of Economic Activity", *Journal of Political Economy*, The University of Chicago Press, Vol. 18, No. 3, P 197-216.
- Rubinstein, Ariel, 1998, *Modeling Bounded Rationality*, Cambridge, Massachusetts, The MIT Press.
- Sent, Esther-Mirjam, 2008, *History of the Concept of Rationality in The New Palgrave Dictionary of Economics*, Steven N. Durlauf and Lawrence E. Blume (Eds.), Second Edition, New York, Palgrave Macmillan.
- Siddiqi, M.N, 1972, *The Economic Enterprise in Islam*, Lahore, Islamic Publications.
- \_\_\_\_\_, 1970, *some aspects of the Islamic Economy*, Lahore, Islamic Publications.
- Syed Agil, Syed Omar, 1989, "Rationality in Economic Theory: A Critical Appraisal", *IJUM Journal of Economics and Management*, Vol. 2, No. 2, P 79-94.
- Torfinn, Jacob, 2001, "Path-Dependent Danish welfare Reforms: The Contribution of the New Institutionalisms to Understanding Evolutionary Change", *Scandinavian Political Studies*, Vol. 24, No. 4, P 277-309.
- Zsolnai, L, 1998, "Rational Choice and the Diversity of Choice", *Journal of Socio-Economics*, Vol. 27, No. 4, P 613-622.

## نقش مفاهیم ارزش محور

### در سامان‌دهی ساختار نظام اقتصادی «بررسی تطبیقی نظام سرمایه‌داری و اسلامی»

economy.islamic@gmail.com

احمدعلی یوسفی / دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ghafari.mojtaba@cmail.ir

مجتبی غفاری / دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۴

#### چکیده

در هر نظام اقتصادی «مفاهیم ارزش محور» جهت‌دهنده افکار، رفتارهای اقتصادی و نیز مؤثر بر ساختارها می‌باشند. تولید و تفسیر این مفاهیم وابستگی شدیدی به مبانی هستی‌شناختی مورد پذیرش دارد. این مقاله با روش تحلیلی به بررسی نقش مفاهیم ارزش محور در سامان‌دهی نظام اقتصادی می‌پردازد. در این بررسی که به روش «تحلیلی و توصیفی» سامان یافته، مفاهیم ارزش محور نظام اقتصادی سرمایه‌داری و نظام اقتصادی اسلام به شکلی مقایسه‌ای بررسی می‌شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نظام اقتصادی سرمایه‌داری به واسطه ابتناء بر مفاهیم ارزش محور خاص خود، منطقی‌دارای ساختار یک‌بخشی سرمایه‌سالاری با سه مؤلفه «هدف‌پیگیری منفعت‌مادی شخصی»، «اصل رفتاری رقابت آزاد اقتصادی» و «مالکیت خصوصی فردی» است. در مقابل، نظام اقتصادی اسلام به واسطه اتکاء بر مفاهیم ارزش محور اسلامی دارای ساختاری چهاربخشی است که هر بخش آن با سه مؤلفه خاص مشخص می‌گردد. این نوع استخراج ساختار بر اساس مفاهیم ارزش محور حاکی از تفاوت میان مسائل، پرسش‌ها و راه‌حل‌ها در نظام اقتصادی اسلامی و نظام اقتصادی سکولار است.

کلیدواژه‌ها: مفاهیم ارزش محور، ساختار اقتصادی، اقتصاد اسلامی، اقتصاد سرمایه‌داری.

طبقه‌بندی JEL : A11, B59, P40

«مفاهیم»، هم ابزاری برای تفکر هستند، هم می‌توانند جهت‌دهنده افکار و بسترساز فرهنگ و نظام اجتماعی و اقتصادی جدیدی باشند. برای نمونه، فرهنگ جاهلیت پیش از اسلام، بر محور برخی از مفاهیم سازمان یافته بود. بعضی از این مفاهیم که در تکوین یک نظام اجتماعی دخیل بود، عبارتند از: قبیله، عشیره، ولاء و اصنام کعبه، ماه‌های حرام، برده، ثروت و فرزند پسر. اما اسلام با ظهور خود، مفاهیم نوینی را در زندگی مردم وارد ساخت: الله، توحید، ایمان، علم، یقین، تقوا، غیب، وحی، رسالت، انفاق، عبودیت، بیت‌الله، ابراهیم حنیف، ثواب، عقاب، نذیر، بشیر، بلاغ، قیامت، ابدیت، بهشت، دوزخ، نماز، جهاد، قرآن، سنت، بدعت و مانند این‌ها (ر.ک: پارسانیا، ۱۳۷۶). روشن است که این دو نوع مفاهیم، از دو دسته مبانی متفاوت سرچشمه می‌گیرد و بستر شکل‌گیری دو نوع فرهنگ و نظام اجتماعی و اقتصادی متفاوتی را اقتضا دارند.

همچنین مفاهیم، اصلی‌ترین عناصر ساختار یک دانش به‌شمار می‌رود که نقش انتقال داده‌ها، تعیین قلمرو و جغرافیای آن دانش را بر عهده دارند (کریمی، ۱۳۸۸، ص ۱). در واقع، مفاهیم اجزای اصلی نظریه‌های علمی هستند (ترنر، ۱۹۸۹، ص ۱۵) و توسعه نظریه‌ها متکی بر مفاهیمی است که اندیشمندان در طول تاریخ علم مطرح کرده‌اند. مفاهیم عناصری نمادی یا انتزاعی هستند که نشانگر اشیاء و ویژگی‌ها، پدیده‌ها می‌باشند. بر اساس مفاهیم است که می‌توان ایده و دیدگاه خاصی را در توضیح پدیده‌ها یا رویدادها ارائه نمود، و از طریق مفاهیم است که انسان‌ها از تفکرات یکدیگر آگاه می‌شوند (ایمان، ۱۳۹۰، ص ۲۷). پس مفاهیم ابزارهایی هستند که ما با کمک آنها می‌اندیشیم و پیرامون خود را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. در واقع، مفاهیم، ابزار شناخت و ساخت نظریه‌ها و برداشت‌های تجریدی و ذهنی از واقعیات هستند (بخشایش اردستانی، ۱۳۸۴، ص ۴۰).

مفاهیمی که در علوم انسانی، از جمله اقتصاد به کار گرفته می‌شود، غالباً مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی خاصی شکل می‌گیرند. این قبیل مفاهیم به لحاظ مفهومی و معنایی، جهت‌گیری خاصی را القا می‌کنند. به این قبیل مفاهیم، مفاهیم ارزش‌محور گفته می‌شود. در تعریف این قبیل مفاهیم، هرگز نمی‌توان یک تعریف مشترک برای همه فرهنگ‌ها ارائه داد، بلکه در هر فرهنگی مبتنی بر مبانی آن فرهنگ، باید آنها را تعریف و تبیین نمود. در عرصه اقتصادی، مفاهیمی همانند «بخش خصوصی»، «مالکیت خصوصی»، «رقابت»، «آزادی اقتصادی» و «سود مادی»، مفاهیمی ارزش‌محور هستند و مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی سرمایه‌داری شکل گرفته‌اند و جهت‌گیری خاصی را در عرصه اقتصادی القا می‌کنند. اگر در کشف و طراحی نظام اقتصادی اسلام به این امر توجه نشود، ممکن است این مفاهیم انسان را به مسیری غیر متناسب با جهت‌گیری‌های اسلامی هدایت کنند.

فرایند مفهوم‌سازی نظام اقتصادی سرمایه‌داری و تفسیر خاص از آنها، نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم اقتصادی بر اساس نوع خاصی از هستی‌شناختی شکل می‌گیرند. در واقع، مقصود اصلی این مقاله بیان آن است که

مفاهیم ارزش‌محور، که بر اساس مبانی هستی‌شناختی خاصی کشف و استخراج می‌شوند و در نظام و ساختار اقتصادی دیگر با مبانی هستی‌شناختی متفاوتی استعمال می‌شوند، غالباً مشترک لفظی هستند و معنا و مفهوم واقعی آنها ممکن است تفاوت جدی در دو نظام داشته باشند. بی‌توجهی به این تفاوت اساسی ممکن است محققان اقتصاد اسلامی و جامعه اقتصاد اسلامی را به سمتی هدایت کند که هماهنگ با مبانی و معارف نظام اقتصادی اسلام نباشد و در بلندمدت، دچار تمام مشکلات نظام‌های اقتصادی سکولار شوند و از مزایای نظام اقتصادی مبتنی بر مبانی و معارف اسلامی محروم گردند.

در نظام سرمایه‌داری، پس از آنکه اراده الهی به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی متنفی شد، اراده انسان به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی قرار گرفت؛ یعنی اراده و خواست انسانی که بریده از عالم اعلی و اخری است. بر اساس انسان‌محوری، هدف فعالیت اقتصادی تنها سود مادی شخصی معرفی شد. از آن رو که اهداف ناشی از مبانی، امری مقدس و ارزشی تلقی می‌شود و هرچه انسان بتواند به آن هدف دست یابد، سعادت‌مندتر معرفی می‌گردد، تجمیع مالکیت امری ارزشی و مقدس معرفی شد و مالکیت خصوصی فردی اصل قرار گرفت. پس هر کس حق دارد برای دستیابی به سعادت، به تجمیع مالکیت بیشتری دست پیدا کند. از آن رو که منابع - دست کم بالفعل - محدود هستند، در تحصیل مالکیت بیشتر بر ثروت و درآمد جامعه، تزاخم پیش می‌آید که نتیجه آن رقابت است. بنابراین، رقابت آزاد اقتصادی تنها اصل رفتاری قابل قبول معرفی گردید. چون هر ساختار اقتصادی با سه عنصر «هدف فعالان اقتصادی»، «نوع مالکیت» و «اصل رفتاری خاص» سامان می‌یابد، در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، ساختار بخش خصوصی با سه مؤلفه بیان شده، به عنوان ساختار مبتنی بر مبانی آن نظام معرفی شد.

اگر نوع هستی‌شناختی انسان تغییر کند، فرایند تولید مفاهیم و نیز تفسیر آنها و همچنین ساختار اقتصادی ناشی از آن مبانی و مفاهیم متفاوت خواهد شد. اگر به‌جای انسان‌محوری، خدامحوری و توحید افعالی و عملی، خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی قرار گیرد، فرایند مفهوم‌سازی و تفسیر آنها نیز متفاوت خواهد شد. بر اساس این خاستگاه، ممکن است انواع اهداف اقتصادی، مالکیت، اصول رفتاری و بخش‌های اقتصادی ساماندهی شوند و تفسیر متفاوتی نیز از آنها ارائه گردد. همچنین در مقام اولویت‌گذاری، ممکن است برخی بخش‌ها با نوع خاصی از پیگیری هدف فعالان اقتصادی، اصل رفتاری اقتصادی، و مالکیت در نظام اقتصادی اسلام، در اولویت قرار گیرد. بنابراین، بی‌توجهی به این موضوع، ممکن است مشکلاتی را برای نظام اقتصادی اسلام فراهم کند و همه فعالان اقتصادی و مردم را در عمل، با ابهاماتی مواجه سازد.

با توجه به مطالب بیان شده، در این نوشتار به بررسی تأثیر مفاهیم ارزش‌محور در شکل‌دهی ساختار نظام اقتصادی می‌پردازیم. منظور از مفاهیم ارزش‌محور مفاهیمی است که بر اساس مبانی هستی‌شناسی، تولید و تفسیر می‌شوند، و منظور از «ساختار نظام اقتصادی»، بخش اقتصادی است که با سه مؤلفه: هدف، نوع

مالکیت و اصل رفتاری خاصی، مشخص می‌شود. در واقع، هر بخش اقتصادی از یک هدف ناشی از مبانی، نوعی مالکیت و اصل رفتاری متناسب با آن هدف مشخص می‌شود، به گونه‌ای که با تغییر هدف، نوع مالکیت و اصل رفتاری متفاوت می‌شود و از این طریق، بخش‌های اقتصادی گوناگونی شکل می‌گیرند. با کنار هم قرار گرفتن بخش‌های گوناگون اقتصادی، ساختار نظام اقتصادی سامان می‌یابد.

بنا به فرضیه مقاله، مفاهیم ارزش محور، که بر اساس مبانی هستی شناختی تولید و تفسیر می‌شوند، در شکل دهی بخش‌ها و ساختار نظام اقتصادی تأثیر جدی دارند. این تأثیر ممکن است به گونه‌ای باشد که مفاهیم اقتصادی و سایر ابعاد اشاره شده در دو نظام متفاوت باشند، یا در صورت تشابه لفظی، تنها در حد مشترک لفظی ظاهر شوند. بنابراین، اگر به این امر در فرایند فعالیت‌های اقتصادی، به ویژه در نظام‌سازی اقتصادی اسلامی، توجه نشود، ممکن است با اشتباهات جدی مواجه شویم و نظام اقتصادی اسلام در مسیری غیر صحیح قرار گیرد.

لازم است توجه شود که آنچه در این نوشتار به دنبال آن هستیم بحث از ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها نیست، بلکه بحث از مفاهیم خاصی است که بر اساس مبانی و معارف اساسی هر نظام اقتصادی استخراج می‌شود و در جهت‌دهی اذهان و علوم انسانی و استخراج ساختار اقتصادی با مؤلفه‌های خاصی، اثرگذار است.

برای دست‌یافتن به پاسخ پرسش پیش‌گفته و بررسی فرضیه بیان شده، از روش «تحلیلی و توصیفی» و با بررسی محورهای بحث، تحقیق دنبال می‌شود.

لازم به تأکید است که بررسی محورهای گفته شده، به اختصار و برای نشان دادن تأثیر مبانی در شکل‌گیری مفاهیم ارزش محور و در نتیجه، در ساختار نظام اقتصادی است. اما استخراج همه ابعاد و اجزای نظام اقتصادی اسلام نیازمند مباحث مفصل و عمیقی است که از حوزه این تحقیق خارج است.

### پیشینه تحقیق

برخی از اجزا و مثال‌های این نوشتار در سایر منابع تحقیقات اقتصادی وجود دارد، اما این تحقیق با این رویکرد - چگونگی تولید و ایجاد مفاهیم ارزش محور و نقش آنها در ساماندهی ساختار نظام اقتصادی و نیز تأثیرشان در جهت‌دهی اذهان و علوم اقتصادی - بی‌پیشینه است.

### جایگاه مفاهیم ارزش محور

مفاهیم به طور کلی به سه دسته شرعی، عرفی و عقلایی، و همچنین مفاهیم ارزش محور تقسیم می‌شوند. مفاهیم شرعی، مثل نماز، روزه و حج از ناحیه شرع وضع شده‌اند یا حدود آنها، مثل آب گُر و آب قلیل از سوی شارع مشخص گردیده است. برای شناخت این گونه مفاهیم و احکام آنها، باید به ادله شرعی مراجعه نمود.

مفاهیم «عرفی و عقلایی» به مفاهیمی اطلاق می‌شود که شارع در ایجاد عنوان و معنوی آنها هیچ‌گونه دخالتی ندارد. این مفاهیم به اعتبار معنوی آنها، به انواعی تقسیم می‌شود:



الف. مفاهیم عرفی تکوینی: مانند عنوان گندم که عرف و عقلا بر امور تکوینی موجود در خارج اطلاق می‌کنند.  
 ب. مفاهیم عرفی اعتباری: معنوی این مفاهیم، به وسیله عرف و عقلا وضع و اعتبار می‌شود، یا اینکه عرف و عقلا آن وضع و اعتبار را می‌پذیرد. برای مثال، برای برطرف کردن مشکلات مبادلات پایاپای، پذیرفته‌اند که از شیء خاصی تحت عنوان پول، با برعهده‌گرفتن وظایفی، در مبادله‌ها استفاده شود.

ج. مفاهیم عرفی انتزاعی: این مفاهیم، عرفی و عقلایی به‌شمار می‌روند؛ اما نه به این معنا که عرف و عقلا آنها را وضع و اعتبار کرده باشند، بلکه آنها بعضی از اشیا را به‌گونه‌ای به‌کار می‌گیرند که از نحوه به‌کارگیری شان، آن مفاهیم خاص برای آن اشیا، انتزاع می‌شود. برای مثال، عقلا در زندگی خود، برای به دست آوردن بعضی اشیای مفید - مانند گندم - حاضرند از چیزهایی که نزدشان ارزش دارد، چشم‌پوشند. از این رفتار، عنوان مال برای گندم انتزاع می‌شود؛ اما برای مثال، هوا، چنین رفتاری را اقتضا نمی‌کند. از این رفتار آنها در مقابل هوا، می‌توان فهمید که عرف، هوا را مال نمی‌داند.

د. مفاهیم عرفی خاص: مثل تورم، سود، ثروت که عرف خاصی مانند عرف اقتصادی، آنها را اعتبار می‌کند (ر.ک: یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۸۹ - ۹۴).

ه. مفاهیم ارزش‌محور: مفاهیم ارزش‌محور مفاهیمی هستند که مبانی هستی‌شناختی در تولید و تفسیر آنها مؤثر است و در جهت‌دهی اذهان و علوم انسانی نقش اساسی دارند. بنابراین، در تفسیر و استفاده از آنها، لازم است به مبانی هستی‌شناختی، که این مفاهیم از آنها استخراج می‌شود، توجه نمود. نوع نگاه انسان به جهان، حیات دنیا و آخرت و هدف آفرینش، تأثیر غیر قابل انکاری در ایجاد و نوع تفسیر از آنها دارد. به همین سبب، به این نوع مفاهیم، مفاهیم ارزش‌محور می‌گوییم.

لازم به ذکر است که این اصطلاح در نوشته‌های متعارف اقتصادی و غیر اقتصادی وجود ندارد، اما نقش مهمی در جهت‌دهی اذهان و علوم انسانی دارد. بنابراین، باید به آن دقت کرد. همچنین با توجه به مطالب ارائه شده، روشن می‌گردد که در بحث مفاهیم ارزش‌محور، روش استخراج آنها از مبانی هستی‌شناختی و نقش آنها در جهت‌دهی اذهان و دانش اقتصاد با بحث امور اخلاقی و ارزشی در اقتصاد دو مقوله جدا از هم هستند. این مفاهیم به خاطر ارزش‌محور بودن، ارائه هرگونه تفسیری از آنها، در سمت و سوی افراد و کل نظام اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار است. این مفاهیم همچنین در توسعه و تضییق معانی، رفتارها و روابط نقش جدی دارند. مفاهیمی مانند: سود، بخش خصوصی، مالکیت خصوصی، رقابت اقتصادی، انحصار اقتصادی و اهداف اقتصادی از این قبیل هستند.

از آن رو که موضوع اصلی این نوشتار مفاهیم ارزش‌محور بوده و در سامان‌دهی نظام اقتصادی تأثیرگذار است، این بحث به اختصار از منظر رهبر معظم انقلاب نیز بررسی می‌گردد؛ زیرا ایشان تبیین دقیقی نسبت به تأثیر مفاهیم ارزش‌محور دارند. مطابق نظر ایشان، این مفاهیم متأثر از مبانی هستند و استفاده از آن مفاهیم اثراتی را بر جهت‌دهی ذهن می‌گذارد. ایشان این مطلب را با مثالی از مفاهیم جامعه‌شناسی مارکس توضیح

می‌دهند. از نظر ایشان، مفاهیم جامعه‌شناسی یا تاریخی مارکس وسیله‌ای برای القای تفکرات ماتریالیستی و فلسفی مارکس هستند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۰ / ۰۶ / ۳۱).

بنابراین، مفاهیم بسیار مهم هستند و باید با دقت به کار گرفته شوند. مطابق نظر مقام معظم رهبری، ما مفاهیم اساسی خود را از مبانی اسلامی گرفته‌ایم و این یکی از تفاوت‌های مفاهیم اسلامی با غیراسلامی است؛ زیرا مفاهیم غیراسلامی از قراردادهای اجتماعی گرفته شده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۲). از این رو، با توجه به اهمیت مفاهیم در اثرگذاری بر ذهن و تفاوت اساسی مفاهیم اسلامی با مفاهیم غیر اسلامی، برای ایجاد یک نهضت و حرکت عمومی، مفهوم‌سازی و یا واژه‌سازی بر اساس مبانی، از اهمیت خاصی برخوردار است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰ / ۰۷ / ۰۷). بر همین اساس، انقلاب اسلامی ایران توانسته است مفاهیم جدیدی را در عرصه‌های گوناگون از جمله سیاست، وارد فضای بین‌المللی کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱/۱). اما این مفهوم‌سازی آن گونه که قابل انتظار است در علوم انسانی اتفاق نیفتاده است.

ما بخصوص در زمینه علوم انسانی، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را - چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - به شکل وحی مُنزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جاداده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه‌ی خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به کار نرفته‌ایم، در حالی که این روش، روش غلطی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۸/۸).

ایشان در گفتاری بیان می‌دارند که ما در علوم انسانی، مفاهیم مختلفی را از غرب گرفتیم و حتی مفاهیم اسلامی را هم بر اساس مفاهیم غربی تفسیر کردیم:

یکی از مشکلات ما در طول این سال‌ها این بوده که افرادی آمده‌اند مفاهیم اسلامی را با مفاهیم غربی ترجمه کرده‌اند؛ حرف‌های غربی‌ها را تکرار کرده‌اند؛ دنبال تحقق آنها بودند. در حالی که انقلاب اسلامی برای این نیست. مفاهیم اسلامی مورد نظر است؛ عدالت با معنای اسلامی خود، آزادی با معنای اسلامی خود؛ کرامت انسان با معنای اسلامی خود؛ که اینها همه در اسلام روشن است، مبین است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰ / ۰۷ / ۲۴).

بنابراین، ما باید با توجه به مفاهیم اسلامی، علوم انسانی خودمان را سامان دهیم. رهبر معظم انقلاب از ابتدای انقلاب، خود پرچمدار تحول در مفاهیم بوده‌اند. ایشان در موارد بسیاری تفاوت بین مفاهیم اسلامی و غربی را متذکر شده‌اند. همچنین مفاهیم ارزش‌محور بسیاری را مطرح می‌کنند که باید منطبق با مبانی اسلامی تفسیر شوند. در ادامه، برای نمونه به دو مفهوم اقتصادی اشاره می‌کنیم:

یکی از مفاهیم اساسی، که ایشان به آن اشاره می‌کنند، «آزادی اقتصادی» است. از نظر ایشان، آزادی اقتصادی در اسلام، متفاوت با آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۶ / ۰۷ / ۲۴).

نمونه دیگر، مفهوم «توسعه» است. از نظر ایشان کلمه توسعه یک بار ارزشی و معنایی دارد و التزاماتی با خودش دارد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

### نقش مفاهیم ارزش‌محور نظام سرمایه‌داری در سامان‌دهی ساختار اقتصادی آن

به منظور تبیین نقش مفاهیم ارزش‌محور در سامان‌دهی ساختار نظام اقتصادی سرمایه‌داری، لازم است چگونگی پیدایش برخی از اساسی‌ترین مفاهیم اقتصادی بر اساس مبانی هستی‌شناختی آن نظام بررسی شود.

مبانی خدانشناسی نظام سرمایه‌داری «دئیسم» بوده است. دئیسم به معنای مشهورش، تأکید می‌کند که موجودی متعالی، جهان را آفرید؛ ولی پس از آن همچون مالکی غایب، آن را رها کرد تا به تنهایی تداوم یابد. در واقع، این تفکر به معنای قبول خالقیت و نفی ربوبیت خداوند است. بر اساس این اعتقاد، خداوند جهان و قوانین حاکم بر آن را آفرید، ولی در کارهای آن دخالت نمی‌کند (زیرا - مثلاً - تغییر دادن قوانین به خاطر دعا، عبارت است از: نقض قوانین خودش). دئیسم خداپرستی بدون اعتقاد به پیامبران و مسائل دیگر مذهبی است (فرهنگ آکسفورد). بنابراین، بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام سرمایه‌داری، اراده الهی به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی منتفی شده است. از آن رو که اقتصاد دانشی درباره رفتارها و روابط انسان در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است، بنابراین، اراده انسان به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی و همه ابعاد و اجزای آن قرار گرفته است. بدین سان، صورت نظام اقتصادی و همه ابعاد و اجزای آن مبتنی بر خواست و اراده انسان شکل گرفته و اراده و خواست انسان جایگزین اراده خداوند شده است. با تحلیل رفتار چنین انسانی، که بریده از عالم اعلا و عقباست، این نتیجه حاصل می‌شود که این انسان در حوزه رفتارهای اقتصادی، چیزی جز منفعت و لذت مادی را هدف فعالیت‌های اقتصادی خود قرار نمی‌دهد. بر این اساس، هدف کسب منفعت مادی وارد ادبیات علمی شد. در علم اقتصاد، این هدف برای مصرف‌کننده در حداکثرسازی مطلوبیت و برای تولیدکننده در حداکثرسازی سود تجلی می‌یابد. با توجه به مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری، پیگیری هر هدفی غیر از هدف بیان شده، رفتاری غیرعقلایی محسوب می‌شود. این هدف به عنوان پیش‌فرض تمام علوم اقتصادی نظام سرمایه‌داری خرد و کلان قرار گرفته است. جامعه علمی اقتصاد اسلامی و نیز اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به سبب توجه نکردن به روش تولید مفاهیم ارزش‌محور نظام اقتصادی سرمایه‌داری و نقش آنها در جهت‌دهی اذهان و علوم اقتصادی، نتوانسته است خود را از آثار مخرب آنها حفظ کند (یوسفی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۵۹).

با توجه به بی‌نهایت طلبی انسان و هدف‌گیری حداکثر منفعت مادی، بحث خواسته‌های مادی نامحدود انسان شکل می‌گیرد. با توجه به محدودیت منابع، تزاخم بر سر کسب منافع بیشتر مادی در بین فعالان اقتصادی اتفاق می‌افتد. از آن رو که تأمین هدف ناشی از مبانی، امر مقدس و ارزشمندی است، پس در هنگام تزاخم منافع، کسب منافع بیشتر امری مجاز، بلکه مطلوب و مقدس است. بنابراین، اصل رفتاری رقابت برای بدست آوردن منافع بیشتر توجیه می‌شود و از این رو، به عنوان مهم‌ترین اصل رفتاری نظام اقتصادی سرمایه‌داری به‌شمار آمده است. توجه شود

که هم هدف «حداکثرسازی منفعت مادی» و نیز اصل رفتاری «رقابت آزاد اقتصادی» از الغای خدامحوری و اثبات انسان‌محوری ناشی می‌شود و هم مفاهیم و رفتارها معمولاً در چارچوب قواعد فقهی حداقلی تحلیل و به عنوان امری مطلوب در اقتصاد اسلامی پذیرفته شده و همین آثار مخربی به دنبال داشته است (همان).

پس فعالان اقتصادی بر اساس هدف کسب منفعت و اصل رفتاری «رقابت آزاد اقتصادی»، حق دارند هر مقداری از مالکیت اقتصادی را به خود اختصاص دهند. بنابراین، در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی مطلق اصل قرار می‌گیرد (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴، ص ۲۱).

از آن رو که هر بخش اقتصادی با سه مؤلفه هدف فعالان اقتصادی، اصل رفتاری اقتصادی و نوع مالکیت شکل می‌گیرد، با کنار هم قرارگرفتن این سه مؤلفه هدف: حداکثر ساختن منفعت مادی، رقابت آزاد اقتصادی و مالکیت خصوصی، بخش اقتصادی به نام «بخش خصوصی» در سرمایه‌داری شکل گرفت و مطابق مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری، تنها بخش اقتصادی قلمداد شد. البته در طول تاریخ، تحولات اقتصادی، مشکلات و مسائل دیگری نیز اتفاق افتاد که اکنون درصدد بیان آنها نیستیم.

بنابراین، مشخص شد مهم‌ترین مفاهیم اقتصاد سرمایه‌داری نظیر حداکثر سازی منفعت مادی، رقابت آزاد اقتصادی، مالکیت خصوصی و بخش خصوصی از مبانی هستی‌شناختی آن نظام سرچشمه گرفته و دارای معانی خاصی است. بر اساس همین مفاهیم ارزش‌محور نظام اقتصادی سرمایه‌داری، بسیاری از امور اقتصادی دیگر و نیز وظایف برخی نهادها تعیین می‌شود. بدین‌روی، حرص، رباخواری، حتی رفتار انحصارگرایانه برای کسب منافع بیشتر و مانند آن قابل دفاع و توجیه می‌نماید و وظایف نهادهایی مانند دولت، تنها در جهت تأمین منافع منفعت‌طلبان و سودجویان توجیه می‌شود. همین مفاهیم نظام اقتصادی سرمایه‌داری با توجه به نقش آنها، با کمی تعدیل و اصلاح به حوزه ادبیات علمی اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران راه یافت و نظام اقتصادی را شکل داد. این امر درحالی رخ می‌دهد که وقتی به بررسی مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام توجه می‌کنیم، می‌یابیم که تفاوت‌ها در حد توحید و شرک است! (یوسفی، ۱۳۹۵، ج، ص ۱۵۹).

برای روشن شدن این امر، در ادامه، مفاهیم ارزش‌محور نظام اقتصادی اسلام و نقش آنها در ساماندهی ساختار نظام اقتصادی اسلام را به صورت مختصر بررسی می‌کنیم.

### نقش مفاهیم ارزش‌محور نظام اقتصادی اسلام در ساختار آن

منطق حرکت از مبانی به ساختار، در نظام اقتصادی سرمایه‌داری روشن شد. بر اساس مبانی و نوع جهان‌بینی مؤثر در عرصه اقتصادی، هدف یا اهداف فعالان اقتصادی استخراج می‌شود. برای تحقق آن هدف، اصل رفتاری و نوع مالکیت متناسب با آن هدف مشخص می‌شود. سه مؤلفه هدف، اصل رفتاری، و نوع مالکیت، ساختار اقتصادی را مشخص می‌کند. این منطق حرکت، یک منطق محکم و قابل قبول است. در واقع، بر اساس این منطق، می‌توان مبانی و نوع جهان‌بینی را به تمام ابعاد زندگی اقتصادی تعمیم داد. این منطق

نشان می‌دهد که چگونه مبانی و نوع جهان‌بینی مفاهیمی را تولید می‌کند که ساختار اقتصادی را سامان می‌دهد. در ادامه، همین منطق بر اساس مبانی و نوع جهان‌بینی اسلامی برای تولید و ایجاد مفاهیم ارزش‌محور به‌منظور تعیین ساختار نظام اقتصادی اسلام دنبال می‌گردد.

لازم به ذکر است که تمام نحله‌های فکری در حوزه اقتصادی در بحث مبانی هستی‌شناختی اقتصادی، ابتدا رابطه خدای متعال با جهان هستی و انسان‌ها را مشخص می‌کنند و سپس بر اساس آن نوع خدانشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی خود را ارائه می‌دهند.

مهم‌ترین مسئله در بحث مبانی نظام اقتصادی اسلام، توحید افعالی و عملی نسبت به خدای متعال است. بر اساس توحید افعالی، خدای متعال هم خالق جهان هستی و هم مدبر آن است. خدای متعال، جهان ماسوای الهی (جهان اکبر تکوین، اعم از دنیا و عقبا) و جهان اصغر تکوین (انسان) را احسن آفریده است. کل عالم تکوین اکبر دائم در حرکت به سمت خدای متعال است. برای اینکه انسان نیز همراه با کاروان هستی در مسیر کمال و خیر محض قرار گیرد، خدای متعال، عالم تشریح، را نیز به نحو احسن آفریده است تا انسان با بهره‌مندی از آموزه‌های عالم تشریح به خیر و کمال برسد (یوسفی، ۱۳۹۵، ب، ص ۱۴۱-۱۷۰). بر اساس آموزه‌های عالم تشریح، خدای متعال تمام نعمت‌های دنیا و عقبا را برای بهره‌مندی همه انسان‌ها آفریده است. پس انسان‌ها در تمام عرصه‌های زندگی خود، باید به گونه‌ای عمل کنند تا هم از نعمت‌های دنیوی و هم اخروی بهره‌مند شوند. بنابراین، هر فعال اقتصادی بر اساس مبانی اسلامی، اگر به قصد تقرب به خدای متعال، تأمین منافع شخصی، تأمین منافع سایر فعالان اقتصادی یا سایر مردم، تأمین منافع خود و سایر فعالان اقتصادی و نیز تأمین رفاه عموم مردم جامعه فعالیت کند، - همه - رفتاری عقلایی محسوب می‌شود؛ یعنی بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام، هر فعال اقتصادی حق دارد به عنوان رفتاری عقلایی، چهار نوع هدف را در عرصه اقتصادی نسبت به منافع سایر فعالان اقتصادی دنبال کند:

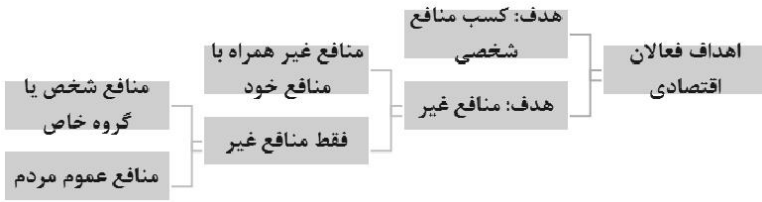
۱. فعالیت اقتصادی با هدف تأمین منافع مادی شخصی فعال اقتصادی؛

۲. فعالیت اقتصادی با هدف تأمین نیازهای مادی سایر مردم؛

۳. فعالیت اقتصادی با هدف تأمین منافع مادی خود و نیز سایر فعالان اقتصادی؛

۴. فعالیت اقتصادی با هدف تأمین رفاه عموم مردم.

توجه شود که با توجه به پیش‌فرض بحث (نگاه هر فعال اقتصادی در عرصه فعالیت اقتصادی نسبت به تأمین منافع خود و سایر فعالان اقتصادی) بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام، این چهار نوع هدف به حصر عقلی حاصل می‌شود؛ زیرا هر فعال اقتصادی یا تنها منافع مادی شخصی خود را دنبال می‌کند یا منافع غیر را. در فرض دوم، یا منافع غیر را همراه با منافع خود دنبال می‌کند یا فقط منافع غیر را دنبال می‌کند. منافع غیر، یا برای شخص و گروه خاصی است یا برای عموم مردم. این حصر عقلی در نمودار ذیل نشان داده شده است:



نمودار (۱): اهداف فعالان اقتصادی بر اساس حصر عقلی

پیگیری هر یک از چهار نوع هدف اگر به قصد قربت باشد، منافع معنوی و اخروی نصیب فعال اقتصادی می‌کند، و با توجه به گستردگی بی‌بدیل و پایداری منافع اخروی، پیگیری هر چهار نوع هدف در رفتارهای اقتصادی، رفتاری عقلایی محسوب می‌شود.

مطابق منطقی که بیان شد و درباره نظام اقتصادی سرمایه‌داری توضیح داده شد، تحقق هر یک از اهداف چهارگانه، نیازمند اصل رفتاری و نوع مالکیت خاصی است؛ یعنی پیگیری چهار نوع هدف، چهار نوع اصل رفتاری و چهار نوع مالکیت متناسب با تحقق چهار نوع هدف نیاز دارد تا اهداف فعالان اقتصادی در فرایند اقتصادی نهادینه شوند. بر اساس مطالب گذشته، هر ساختار یا بخش اقتصادی با سه مؤلفه هدف فعالیت اقتصادی، اصل رفتاری و نوع مالکیت مشخص می‌شود. پس باید انتظار چهار نوع ساختار یا بخش اقتصادی را بر اساس مبانی هستی‌شناختی اسلامی داشته باشیم که در ادامه، توضیح داده می‌شود و روشن می‌گردد که چگونه مفاهیم ارزش‌محور از مبانی هستی‌شناختی، تولید و استخراج می‌شوند و نقش جدی در تعیین ساختار اقتصادی دارند:

### یکم. پیگیری منافع مادی شخصی بر اساس آموزه‌های اسلامی

با توجه به مبانی خداشناسی، به مقتضای توحید عملی، اگر انسان بخواهد به سعادت و کمال برسد، باید اراده و فعل خود را همسو با خواست و اراده الهی همسو گرداند. به عبارت دیگر، اراده الهی را مبنای تعیین هدف اقتصادی قرار دهد. اراده الهی چنین قرار گرفته که تمام نعمت‌های جهان برای انسان آفریده شده است؛ چنان که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹). او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید. در واقع، حرکت به سمت خدای متعال و تحقق توحید عملی، نیازمند توانایی و سلامت جسمی است. به همین سبب امام باقر(ع) در دعای خود، رفاه و توانایی را از خدا می‌خواهد تا بتواند او را عبادت کند و به سعادت برسد (طوسی، بی‌تا، ص ۸۴).

شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، بین مواهب و نعمت‌های خدادادی عالم و انسان، رابطه غایی وجود داد؛ یعنی نوعی شعور کلی بر نوامیس عالم حاکم است که چیزی را برای چیزی دیگر به وجود می‌آورد، و اگر دومی نبود اولی به وجود نمی‌آمد. در قرآن کریم، مکرر تصریح گردیده که بر اساس ناموس خلقت، نعمت‌های عالم برای انسان آفریده شده

است. این مواهب مال انسان و حق اوست. قرآن می‌فرماید: «خَلَقَ لَكُمْ مَآ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» همان‌گونه که تفکر فلسفی ما را به سمت رابطه غایی خلقت انسان و مواهب الهی هدایت می‌کند؛ یعنی مواد غذایی و انسان برای یکدیگر آفریده شده‌اند. بنابراین، این حق را قانون خلقت و آفرینش مقدم بر قانون شرع قرار داده است. هم قانون خلقت و هم قانون شرع از جانب خداوند است و خداوند، قانون شرع را هماهنگ با قوانین فطرت و خلقت مقرر فرموده و معنای فطری بودن دین نیز همین است.

بنابراین، به مقتضای توحید افعالی و عملی و اینکه اراده الهی خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی قرار گیرد، منافاتی با پیگیری منافع مادی شخصی در فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد. اما پیگیری منافع مادی شخصی هرگز اقتضای خودخواهی و انحصارطلبی و محروم ساختن دیگران را ندارد.

بر اساس مبانی جهان‌شناسی اسلامی، تمام نعمت‌های دنیا و آخرت برای بهره‌مندی همه انسان‌ها آفریده شده است. به مصداق آموزه‌های اسلامی مانند «الدنيا مزرعه الآخرة»، بهره‌مندی از نعمت‌های دنیایی باید به‌گونه‌ای باشد که تا بستر بهره‌مندی از نعمت‌های آخرتی برای انسان‌ها فراهم کرد. بنابراین، پیگیری منافع مادی شخصی با این ویژگی، افزون بر آنکه اقتضای خودخواهی و انحصارطلبی مادی را ندارد، رعایت حقوق مادی سایرین در فرایند فعالیت‌های اقتصادی را مد نظر دارد. همچنین بر اساس مبانی انسان‌شناسی، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است. انسان رو به کمال کسی است که هر یک از این دو بعد را در مسیر تکامل قرار دهد.

بر اساس مبانی جامعه‌شناختی نظام اقتصادی اسلام (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳ - ۱۳۰)، نظریه اصالت فرد و جامعه، نزدیک‌ترین نظریه به آموزه‌های اسلامی است. بنابراین، اهداف شخصی انسان‌ها در تمام عرصه‌ها، از جمله عرصه اقتصادی به رسمیت شناخته می‌شود. پس همه انسان‌ها حق دارند در رفتارهای اقتصادی خود، پیگیری منافع مادی شخصی را هدف خود قرار دهند. از سوی دیگر، با نگاه به اصالت جامعه، انسان حق ندارد در پیگیری این هدف، رفتاری خودخواهانه و انحصارگرایانه داشته باشد تا سایر فعالان اقتصادی را محروم کند و همه چیز را تنها برای خود بخواهد. بنابراین، پیگیری هدف منافع مادی شخصی با ویژگی بیان شده مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی اسلامی امری کاملاً معقول و منطقی است. همین بیان نشان می‌دهد که مفهوم پیگیری منفعت مادی شخصی در نظام اقتصادی اسلام، با مفهوم پیگیری منفعت مادی شخصی در نظام اقتصادی سرمایه‌داری چقدر متفاوت است. یکی اقتضای رفتار انحصارگرایانه، خودخواهانه و محروم ساختن دیگران دارد و دیگری خلاف آن. همین نوع تفاوت، تفاوت‌هایی را در استخراج نوع اصل رفتاری و مالکیت دارد.

### الف. اصل متناسب با هدف منافع مادی شخصی از منظر اسلام (اصل رفتاری سودجویی مسئولانه)

بر اساس مبانی نظام اقتصادی اسلام در پیگیری هدف منافع مادی شخصی، خودخواهی، محروم ساختن سایر فعالان اقتصادی و انحصار منافع مادی مطلوب نیست. پس اصل رقابت آزاد اقتصادی منتفی است (ر.ک: یوسفی، ۱۳۹۵ب، ص ۴۶۲ - ۴۸۵). بنابراین، هر انسان مسلمانی برای تولید و تکثیر ثروت و منافع مادی شخصی، حق دارد

از همه ظرفیت‌های فکری، جسمی و اقتصادی خود با رعایت حقوق دیگران استفاده کند. به نظر می‌رسد این رفتار اقتصادی را می‌توان «اصل رفتاری سودجویی مسئولانه» نامید؛ یعنی همه انسان‌ها ضمن پذیرش برخی مسئولیت‌های حقوقی نسبت به سایر فعالان اقتصادی، حق دارند در عرصه اقتصادی رفتاری سودجویانه داشته باشند (یوسفی، ۱۳۹۴، ص ۵۱۰ - ۵۱۷). مسئولیت‌های انسان در برابر حق بهره‌مندی از اصل سودجویی نیز بدان روست که بتواند منافع خود را در حیات دنیوی و اخروی‌اش بیشینه کند. بنابراین، این مسئولیت‌ها برای تأمین و تکمیل مصالح انسان، جعل و تشریح شده‌اند. مسئولیت‌های انسان در برابر حق بهره‌مندی از اصل سودجویی دو دسته است: مسئولیت‌های حقوقی: مسئولیت‌های حقوقی، مسئولیت‌هایی هستند که ضمانت اجرایی دولتی دارند و دولت اسلامی حق دارد مردم را وادار به عمل به آنها کند و نیز خود فرد موظف به برنامه‌ریزی برای تحقق آنهاست. برخی از این مسئولیت‌ها عبارت است از: مسئولیت در برابر مال و ثروت خود (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۵۱ - ۳۶۳)، مسئولیت در برابر مال و ثروت سایر مردم (میرمعزی، ۱۳۸۶) و مسئولیت رفع فقر و تأمین رفاه عمومی (حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۳۸۷ - ۳۹۰؛ یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷ - ۳۳۲ و ۴۲۱ - ۴۲۴).

مسئولیت‌های اخلاقی: مسئولیت‌هایی هستند که ضمانت اجرایی دولتی ندارند و تنها ضمانت اجرایی آنها تبلیغ و تربیت انسان‌هاست. این قبیل ارزش‌ها عبارتند از: انصاف، رفق و مدارا، راستگویی، حسن خلق، وفاداری، و پرهیز از اسراف، تبذیر، تقطیر و مانند آن.

### ب. مالکیت متناسب با هدف منافع مادی شخصی از منظر اسلام

بیان شد که پیگیری هر نوع هدف اقتصادی، اقتضای ساختار مالکیتی خاصی را دارد. هدف منافع مادی شخصی با توجه به ویژگی‌هایش بر اساس آموزه‌های اسلامی، متناسب با مالکیت فردی است. در چارچوب این نوع مالکیت، فعالان اقتصادی می‌توانند منفعت مادی خود را دنبال کنند.

### ج. بخش اقتصادی متناسب با هدف منافع مادی شخصی از منظر اسلام

وقتی در ساختار اقتصادی، هدف فعالیت‌های اقتصادی حداکثر ساختن منافع مادی شخصی، اصل رفتاری نیز سودجویی و مالکیت متناسب با آن هدف و اصل رفتاری، مالکیت فردی باشد، باید انتظار داشت تا به تدریج، تجمیع مالکیت گسترده منابع و محصول تولیدی در اقتصاد اتفاق بیفتد. چنانکه بیان شد، این بخش اقتصادی آموزه‌های اسلامی تأیید می‌شود. در این بخش، مالکیت منابع تولیدی و محصول تولیدی و نیز فرایند مدیریتی تابع سرمایه و صاحب آن است. بیشتر نیروهای کار ماهر، نیمه ماهر و ساده به استخدام سرمایه و صاحب سرمایه درمی‌آیند و باید به دستمزدی که می‌گیرند، اکتفا کنند و نقشی در فرایند مدیریتی فعالیت اقتصادی ندارند. بنابراین، به نظر می‌رسد، بهترین واژه برای نام‌گذاری این بخش از فعالیت‌های اقتصادی، اقتصاد بخش سرمایه‌محور اسلامی است (یوسفی، ۱۳۹۵ب، ص ۲۰۱ - ۲۲۷).



## دوم. پیگیری منافع مادی دیگران

پس از فاصله گرفتن نظام‌های اقتصادی از ارزش‌های اخلاقی، بشر شاهد بی‌عدالتی، فقر گسترده و بحران‌های اقتصادی فراوانی شد. به همین سبب، در دهه‌های اخیر، از سوی اندیشمندان اقتصادی، رویکرد اخلاقی به اقتصاد، آغاز شد. بدین روی، بخش دیگری به نام «اقتصاد بخش بدون سود» شکل گرفته است (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۴-۳۶۷). به‌رغم تلاش‌های فراوانی که در چند دهه اخیر برای اجرایی کردن ارزش‌های اخلاقی در سطح بین‌المللی صورت گرفته است، اما موفقیت‌چندانی در این زمینه حاصل نشده و اقتصاد بین‌المللی با بحران مواجه گردیده و فقر و شکاف طبقاتی گسترده‌تر گردیده و مشکل اصلی همچنان باقی است (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۶۳۱-۶۴۷). مشکل اصلی ناکامی اقتصادی بخش بدون سود را باید در مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی حاکم در دنیا (نظام سرمایه‌داری) جست‌وجو کرد؛ زیرا بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام سرمایه‌داری، اگر انسان در فعالیت‌های اقتصادی، نفع شخصی را ترجیح دهد، از لذت‌های بیشتری بهره‌مند خواهد شد و در نتیجه، خود را سعادتمندتر می‌بیند و این رفتار، یک رفتار عقلایی محسوب می‌شود و پیگیری منافع مادی دیگران، رفتاری غیر عقلایی محسوب می‌گردد. جالب است توجه شود که در ادبیات اقتصادی نظام سرمایه‌داری، واژه «اقتصاد بخش بدون سود» برای این بخش از فعالیت اقتصادی بکار گرفته شده است؛ زیرا بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی سرمایه‌داری، نعمت‌های اخروی هیچ جایگاهی در فعالیت‌های اقتصادی ندارند. این در حالی است که آموزه‌های اسلامی سرشار از دستورات ناظر به کمک به دیگران است. برای نمونه، در سوره انعام آمده است: «هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت» (انعام: ۶۰).

### الف. اصل متناسب با پیگیری منافع مادی دیگران (اصل یاریگری)

متناسب با هدف بیان شده، بخشی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه برای تأمین منافع مادی دیگران انجام می‌شود. بنابراین، اصل رفتاری متناسب با هدف بیان شده، اصل رفتاری یاریگری نامیده می‌شود. هرچند مبانی هستی‌شناختی بیان شده در تأیید این اصل رفتاری کفایت می‌کند، اما توجه به آموزه‌های اسلامی، از قبیل نافع به حال دیگران بودن (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۶ و ۷؛ هندی، ۱۴۰۹، ق، ۴۴۱۵۴)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۴) و برادری در اسلام (حجرات: ۱۰؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۵-۱۶۷ و ۱۶۹-۱۷۴؛ تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۹۴، ش ۱۵۲۷) در تثبیت این اصل، نقش مهمی دارند.

### ب. نوع مالکیت متناسب با پیگیری منافع مادی دیگران

فعالیت اقتصادی با هدف تأمین منافع مادی دیگران، یک فعالیت کاملاً آزادانه و اخلاقی است. بنابراین، نوع مالکیتی که در ساختار این بخش از فعالیت اقتصادی بکار گرفته می‌شود، اعم از مالکیت فردی و مشاعی است.

### ج. بخش اقتصادی متناسب با تأمین منافع مادی دیگران

این نوع فعالیت اقتصادی با هدف تأمین منافع مادی دیگران و اخروی خویش صورت می‌گیرد. همچنین اصل

رفتاری اقتصادی، اصل «یاریگری» است و نیز مالکیت متناسب با آن، مالکیت فردی و مشاعی است. با توجه به ویژگی‌های بیان شده، به نظر می‌رسد واژه متناسب با این نوع فعالیت اقتصادی، اقتصاد بخش خیرخواهانه باشد. تعبیر به اقتصاد بخش بدون سود، تعبیری اشتباه و جهت‌دهنده به سوی مبانی غیر اسلامی است.

### سوم. پیگیری منافع مادی خود و دیگران

این هدف در دو نوع ساختار اقتصادی متفاوت و به دو گونه پیگیری می‌شود:

برخی فعالیت‌های اقتصادی توسط فعالان اقتصادی در ساختار خاصی با هدف حداکثر ساختن سود همه فعالان اقتصادی انجام می‌شود. ممکن است افرادی امکانات کافی اقتصادی و انسانی برای راه‌اندازی فعالیت اقتصادی نداشته باشند یا با همکاری و کمک دیگران سود بیشتری نصیب آنان شود. در این صورت، در درون ساختار خاصی به هدف بیان شده فعالیت اقتصادی را دنبال می‌کنند.

برخی فعالیت‌های اقتصادی توسط فعالان اقتصادی در ساختار خاصی به هدف تأمین نیازهای مادی همه فعالان اقتصادی، بلکه همه مردم پیگیری می‌شود.

در این زمینه، فعالیت‌های اقتصادی به نحوی سامان می‌یابد که همه فعالان اقتصادی در مالکیت منابع تولیدی و محصول تولیدی به‌طور واقعی سهیم بوده و در مدیریت فرایند اقتصادی مشارکت داشته باشند. در قرآن کریم تاکید شده است که انسان‌ها در امور نیک و تقوا با یکدیگر همکاری کنند: «تعاونوا علی البرّ و التقوی» (مائده: ۲). هر یک از این دو نوع هدف، در دو نوع ساختار اقتصادی پیگیری می‌شود که از جهتی شباهت‌های زیادی دارند؛ و از جهتی دیگر، با هم تفاوت دارند. اما به خاطر شباهت‌های فراوان دو نوع ساختار اقتصادی، به هر دو نوع ساختار، عنوان تعاونی اطلاق می‌شود. از سوی دیگر، هر یک از این دو نوع ساختار دارای مشابهت‌هایی با بخش سرمایه‌محور اسلامی هستند. بنابراین، به خاطر شباهت با بخش خصوصی سرمایه‌محور اسلامی، شاید بتوان هر یک از آنها را نوعی خاص از بخش خصوصی نظام اقتصادی اسلامی نامید. اما باید توجه داشت که کارکرد هر یک از این دو نوع ساختار اقتصادی، تفاوت‌های فراوانی با کارکردهای بخش خصوصی سرمایه‌محور اسلامی دارد. با توجه به تحلیلی که در سازگاری پیگیری منافع مادی شخصی با مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام بیان شد، به طریق اولی، آن مبانی با این نوع هدف سازگاری دارد. وقتی پیگیری منافع مادی شخصی با ویژگی‌های بیان شده در مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام سازگار باشد، پس به طریق اولی، در فعالیت‌های اقتصادی، هر فعال اقتصادی وقتی به دنبال منافع مادی خود و سایر فعالان اقتصادی باشد، با مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام سازگار خواهد بود.

### الف. اصل متناسب با هدف پیگیری منافع مادی خود و دیگران (اصل رفتاری تعاون)

در این بخش، فعالان اقتصادی، مبتنی بر رفتار تعاون و مشارکت، اهداف اقتصادی را دنبال می‌کنند. اما ممکن است دیگران با

آن اقدام به رقابت مخرب کنند. در این صورت، آنان نیز حق دارند از باب «اعتداء بمثل» به رقابت، برخیزند. اما در این رقابت آنان ضمن بهره‌مندی از حق رقابت، مواجه با مسئولیت‌هایی هستند که پیش‌تر به برخی از آنها اشاره شد. بنابراین، اصل متناسب با هدف پیگیری منافع مادی خود و سایر فعالان اقتصادی، اصل «رفتاری تعاون» رقابت مسئولانه است.

### ب. مالکیت متناسب با پیگیری منافع مادی خود و دیگران

وقتی هر فعال اقتصادی به هدف پیگیری منافع مادی خود و سایر فعالان اقتصادی تلاش می‌کند، مالکیت متناسب با این هدف، مالکیت مشاعی است. پیگیری منافع خود و سایرین به دو شکل ممکن است که متناسب با هر یک، نوع خاصی از مالکیت مشاعی نیاز است؛ زیرا مقصود از «سایران»، گاهی صاحبان سرمایه و نیروی کار - یعنی دو گروه از فعالان اقتصادی - است؛ و گاهی افزون بر دو گروه بیان شده، تقاضا کنندگان و مصرف کنندگان محصولات تولیدی نیز مقصود هستند. بنابراین، اگر فعالان اقتصادی شامل صاحبان سرمایه و نیروی کار باشند، مالکیت متناسب با هدف اقتصادی بیان شده، مالکیت مشاعی غیر فراگیر است. ولی اگر هر سه گروه فعال اقتصادی مقصود باشند، مالکیت متناسب با هدف بیان شده، مالکیت مشاعی فراگیر است.

### ج. بخش اقتصادی متناسب با هدف منافع مادی خود و دیگران

این نوع ساختار اقتصادی در ادبیات اقتصادی، «اقتصاد تعاونی» خوانده می‌شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد بخش تعاونی یکی از سه بخش اقتصاد ایران معرفی شده است. تفاوت اصلی این نوع ساختار اقتصادی با ساختار اقتصادی بخش خصوصی سرمایه‌محور، این است که در ساختار اقتصادی سرمایه‌محور، سرمایه، محور همه فعالیت‌های اقتصادی است؛ اما در این نوع ساختار اقتصادی، اعضا و فعالان اقتصادی، محور همه فعالیت‌های اقتصادی هستند. تمام اعضا و فعالان اقتصادی مالک منابع و محصول تولید هستند و در فرایند مدیریتی نقش جدی دارند. در دوران رونق اقتصادی، همه از منافع آن بهره‌مند می‌شوند و در دوران رکود اقتصادی، همه با بهره‌مندی کمتر تلاش بیشتر می‌کنند تا شرایط خود را تثبیت کنند. بنابراین، این نوع ساختار اقتصادی را می‌توان «اقتصاد بخش عضو محور» نام‌گذاری کرد.

### چهارم، پیگیری رفاه عموم مردم جامعه

در کنار پی‌گیری سه هدف پیشین، که ناشی از مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام بوده است، برخی فعالیت‌های اقتصادی در عرصه ملی و برای تأمین رفاه عموم مردم انجام می‌شود؛ یعنی هدف فعالیت اقتصادی تأمین رفاه عموم مردم است. این فعالیت‌ها از قبیل سرمایه‌گذاری در انرژی هسته‌ای یا فراهم ساختن زیرساخت‌های فیزیکی اقتصادی است. این قبیل سرمایه‌گذاری چه‌بسا سود مادی برای دولت در پی نداشته باشد؛ اما برای تأمین رفاه عمومی باید انجام پذیرد. همچنین بخشی از وظایف اقتصادی دولت سامان‌دهی سه بخش دیگر اقتصادی است تا رفاه برای عموم مردم فراهم گردد. لزوم فعالیت‌های اقتصادی توسط دولت با توجه به منابع مالی گسترده در

اختیار دولت اسلامی (از قبیل خمس، زکات، انفال) و نیز وظایف اقتصادی، که برای دولت اسلامی قرار داده شده، روشن است (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۴۳۵ - ۴۶۹).

رسول گرامی ﷺ در گفتاری وظیفه حاکمیت اسلامی را برای تأمین نیازهای مردم و تأمین رفاه آنان چنین بیان می‌فرمایند: «هر حاکمی که مسئول امور مسلمانان باشد، اما بی‌ثابته در جهت رفاه و بهروزی آنان نکوشد، با آنان وارد بهشت نخواهد شد» (فراهانی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵).

## ۱- اصل رفتاری متناسب با هدف تأمین رفاه عمومی

دولت موظف است بستر بهره‌مندی عموم مردم از نعمت‌های مادی الهی را در حد رفاه مطلوب فراهم کند. اگر لازمه تحقق این امر، اقدام دولت به تولید یا توزیع کالاها و خدمات ضروری نیازمندان جامعه باشد، دولت باید از موضع حاکمیتی، همه ابزارهای این امر را فراهم کند و تمام موانع را برطرف سازد. به عبارت دیگر، تأمین نیازهای افراد نیازمند در حد کفاف، یک وظیفه حاکمیتی دولت اسلامی است. بنابراین، دولت باید با سیاست‌گذاری مناسب نسبت به سایر بخش‌ها، نهادهای اقتصادی، افراد حقیقی و افراد حقوقی را به سمت تأمین نیازهای نیازمندان وادارد. اما اگر موفقیت کامل حاصل نشود، دولت برای تأمین رفاه نیازمندان، اقدام به تولید و توزیع می‌کند. همچنین برخی فعالیت‌های اقتصادی، که برای رفاه عمومی لازم است و فعالان سایر بخش‌های اقتصادی امکان یا علاقه به ورود به آن نوع فعالیت‌ها را ندارند، دولت به‌ناچار، با رویکرد حاکمیتی وارد این عرصه می‌شود. رویکرد حاکمیتی حق رفتار انحصارگرایانه به دولت می‌دهد. البته این رفتار انحصارگرایانه بدان معنا نیست که دولت مانع دیگران در تحقق این هدف شود، بلکه به این معناست که دولت تمام امکانات قانونی را برای تحقق این هدف درپیش می‌گیرد و به صورت قانونی و با قدرت تمام، موانع را برطرف می‌سازد و هیچ فردی یا نهادی حق ایجاد مانع برای دولت ندارد. به همین سبب، اصل رفتاری مناسب با تحقق این هدف، اصل رفتاری انحصارگرایانه نامیده می‌شود. رفتار انحصارگرایانه از منظر اسلام، نامطلوب است، اما انحصار دولتی با تبیینی که صورت گرفته، انحصاری مجاز و مباح است، بلکه چون تأمین همه نیازهای افراد نیازمند این نوع رفتار دولت بستگی دارد، می‌توان گفت: چنین رفتاری مطلوب و لازم است (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۵ - ۳۷۳).

## ۲- مالکیت متناسب با تأمین رفاه عمومی

یک نوع مالکیت، مالکیت دولت (امام) است. مقصود از مالکیت امام، مالکیت جایگاه امامت و رهبری است، نه مالکیت شخص امام. حاکمیت اسلامی افزون بر مدیریت مالکیت دولتی، سرپرستی مالکیت عمومی را نیز بر عهده دارد. مصادیق مالکیت امام، انفال و درآمدهای عمومی (از قبیل: خمس، زکات، جزیه و مالیات‌های حکومتی) است. مصادیق مالکیت عمومی عبارت است از: مباحات عامه؛ همچون آب رودخانه‌ها و چوب جنگل‌ها، مکان‌های عمومی که مالک خصوصی ندارند و زمین‌های مفتوح العنوه. بنابراین، مالکیت متناسب با هدف تأمین رفاه عمومی، مالکیت دولتی (امام) است.

### ۳- بخش اقتصادی متناسب با هدف تأمین رفاه عمومی

هدف تأمین رفاه عمومی در چارچوب اصل رفتاری انحصار دولتی و مالکیت عمومی پیگیری می‌شود. به عبارت دیگر، در ساختار اقتصادی، که تأمین رفاه عمومی هدف آن است، مالکیت و اصل رفتاری متناسب با آن، مالکیت امام و اصل رفتاری انحصار. با توجه به ویژگی‌های چنین ساختاری و رسالت دولت در اقتصاد، واژه متناسب با چنین ساختاری اقتصاد بخش حاکمیتی یا اقتصاد بخش دولتی است.

#### نتیجه‌گیری

واژه‌ها و مفاهیم ارزش‌محور اقتصادی ریشه در مبانی هستی‌شناختی هر نظام اقتصادی داشته، در جهت‌دهی اذهان اندیشمندان، علوم انسانی و اجزای یک نظام اقتصادی نقش مؤثری دارد. یکی از آنها در نوع ساختار نظام اقتصادی است. اولین واژه و مفهوم ارزش‌محور، که از مبانی استخراج می‌شود، اهداف فعالان اقتصادی است. بنابراین، اگر مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی با مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی دیگر تفاوت داشته باشد، اولین اثرش در اهداف فعالان اقتصادی باید ظاهر شود. بر اساس همین بررسی، روشن شد که نظام اقتصادی سرمایه‌داری تنها پیگیری یک نوع هدف (منفعت مادی شخصی) را تنها رفتار عقلایی معرفی می‌کند. ولی بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام، چهار نوع هدف استخراج و معرفی شده، تولید و استخراج واژه‌ها و مفاهیم ارزش‌محور مبتنی بر اهداف فعالان اقتصادی ادامه می‌یابد. تحقق هر هدفی لاجرم نیازمند نوع اصل رفتاری و مالکیت خاص خود است. پس بر اساس هدف فعالان اقتصادی نظام سرمایه‌داری، یک اصل رفتاری (رقابت آزاد اقتصادی) و مالکیت خصوصی استخراج شد. اما بر اساس اهداف چهارگانه فعالان اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام، چهار نوع اصل رفتاری با چهار نوع مالکیت استخراج گردید. از آن رو که هر نوع هدف با اصل رفتاری و نوع مالکیت متناسب با هدف، یک نوع ساختار (بخش) اقتصادی را سامان می‌دهد، بنابراین، نظام اقتصادی سرمایه‌داری منطقی یک ساختار یک بخشی خصوصی سرمایه‌داری (سرمایه‌سالاری) است. اما متناسب با اهداف چهارگانه فعالان نظام اقتصادی اسلام، چهار نوع اصل رفتاری و چهار نوع مالکیت و یک نظام اقتصادی چهاربخشی منطقی استخراج شد: بخش سرمایه‌محور اسلامی با هدف تأمین منافع مادی شخصی، با اصل رفتاری «سودجویی مسئولانه و مالکیت خصوصی»؛ بخش خیرخواهانه با هدف پیگیری منافع مادی دیگران، با اصل رفتاری «یاری‌گری» و «مالکیت خصوصی و مشاعی»؛ بخش عضو‌محور با هدف تأمین منافع مادی خود و نیز سایر فعالان اقتصادی با اصل رفتاری «تعاون - رقابت مسئولانه» و «مالکیت مشاعی»؛ و بخش دولتی با هدف تأمین منافع عموم مردم با اصل رفتاری «انحصار‌گرایانه و مالکیت دولتی».

البته آنچه در این نوشتار بیشتر مطمح نظر قرار گرفت، تأثیر مفاهیم و واژه‌های ارزش‌محور بر ساختار نظام اقتصادی بود. اما این تأثیر ابعاد گسترده‌ای در رفتارها و روابط و نیز در نهادها و سازمان‌های اقتصادی دارد که در نوشتارهای دیگری باید بدان توجه شود.

## منابع

- تمیمی آمدی، محمد، ۱۳۷۳، *غررالحکم و درر الکلم*، شرح محمد خوانساری، تهران، دانشگاه تهران.
- ایمان، محمدتقی، ۱۳۹۰، *میانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بخشایش اردستانی، احمد، ۱۳۸۴، «مفاهیم کندتر از مصادیق، بررسی تحول مفاهیم سیاسی در اندیشه سیاسی»، *اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر*، ش ۳۷، ص ۴۰-۴۴.
- حسینی خاضع‌نای، سیدعلی، ۱۳۷۰ / ۰۶ / ۳۱، *بیانات رهبر معظم انقلاب در درس خارج فقه*، در: Khamenei.ir.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲/۲/۲۲، *بیانات رهبر معظم انقلاب در دیلار اساتید دانشگاه شهید بهشتی*، در: Khamenei.ir.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰/۰۷/۲۲، *بیانات رهبر معظم انقلاب در دیلار بسیجیان استان کرمانشاه*، در: Khamenei.ir.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶/۱/۱، *بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی*، در: Khamenei.ir.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲/۸/۸، *بیانات رهبر معظم انقلاب در دیلار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها*، در: Khamenei.ir.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۶/۰۷/۲۴، *بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران*، در: Khamenei.ir.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹/۹/۱۰، *بیانات رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی*، در: Khamenei.ir.
- پارسانیا، حمید، ۱۳۷۶، *علم سکولار و علم دینی*، همایش دین و دنیاگرایی.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۳ق، *وسائل الشیعه*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت.
- طوسی، محمدبن حسن، بی‌تا، *تهذیب الاحکام*، تعلیق علی‌اکبر غفاری، بی‌جا، مکتبه الصدوق.
- فراهانی، سعید، ۱۳۸۱، *نقش دولت در اقتصاد (مجموعه مقالات)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کریمی، محمدحسین و عسکر دیرباز، ۱۳۸۴، *مباحثی در فلسفه اقتصاد*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کریمی، محمدکاظم، ۱۳۸۸، «مروری بر نقش و جایگاه مفاهیم گروه، نهاد، جامعه و فرهنگ با نگاه تطبیقی به دیدگاه‌های اسلامی»، *فرهنگ پژوهش*، ش ۴، ص ۴۰-۴۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۳، *اصول الکافی*، تعلیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۲، «سیستم تجهیز و تخصیص منابع در اقتصاد بدون سود»، در: *مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۳۴۳-۳۶۷.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، «رقابت و تعاون در نگرش اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۹، ص ۷-۳۴.
- هندی، علی متقی بن حسام الدین، ۱۴۰۹ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۱، *ربا و تورم*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، *نظام اقتصاد علوی*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۴، *اقتصاد تعاونی از منظر اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۵ (الف)، «بررسی روش شکل‌گیری نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، *حکومت اسلامی*، ش ۸۲، ص ۱۵۹-۱۸۹.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۵ (ب)، *نظام اقتصاد مقاومتی «الگوی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام»*، تهران، نگاه فارسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۵ (ج)، *میانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی*، ایران، مقاومت.

Turner, J.H, 1989, *Theory Building in Sociology. Assessing Theoretical Accumulation*, New Bury, (CA:sage).  
*Oxford Dictionary.*

## جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف و اسلامی

.mhkarami@rihu.ac.ir

.saeed.goodarzy@yahoo.com

محمدحسین کرمی / استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سعید گودرزی / کارشناس ارشد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۵

### چکیده

«آثار خارجی» در اقتصاد متعارف در چارچوب سازوکار بازار و بهینگی پارتو قابل تعریف است. در آثار اقتصاد اسلامی این موضوع کمتر مورد بحث قرار گرفته است. این مقاله با استفاده از روشی «تحلیلی»، به تبیین پیوند مفهومی آثار خارجی و سازوکار بازار در اقتصاد متعارف و نقد آن از دیدگاه اقتصاددانان مسلمان می‌پردازد. در ادامه جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی تبیین می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، آثار خارجی را به دو صورت اقتباس چارچوب مفهومی از اقتصاد متعارف و طرح اصطلاحی نو متناسب با ساختار ویژه تخصیص بهینه اسلامی می‌توان وارد اقتصاد اسلامی کرد. در حالی که روش اول با مشکلات و محدودیت‌هایی روبروست؛ روش دوم می‌تواند زمینه نظریه‌پرازی اصیل در اقتصاد اسلامی را فراهم کند. آثار خارجی در مفهوم جدید پیشنهادی به معنای آثار خارج از مکانیزم بازار نیست؛ بلکه ناظر به مکانیزمی است که تخصیص بهینه مورد نظر اسلام را با اخلال مواجه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: آثار خارجی، اقتصاد متعارف، اقتصاد اسلامی، سازوکار بازار، بهینه پارتو، تخصیص منابع، کارایی اقتصادی.

طبقه‌بندی: JEL: D62, H23, P4.

یک روش درست و منطقی در پی‌ریزی اقتصادی مبتنی بر اصول و مبانی اسلامی، این است که دیدگاه‌های اقتصاد متعارف دربارهٔ موضوعات گوناگون اقتصادی را نقد و بررسی کنیم تا از این رهگذر، ضمن مشخص شدن ناکارآمدی این نظریات، در مسیر ارائه نظریات اقتصاد اسلامی گام برداریم. با اینکه بسیاری از اندیشمندان اقتصاد اسلامی این روند را در بسیاری از موضوعات پیش گرفته‌اند، در مبحث آثار خارجی، نه تنها این روش مشاهده نمی‌شود، بلکه این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در زمینه تحلیل آثار خارجی در رویکرد اسلامی آثار چندانی به چشم نمی‌خورد. در میان اقتصاددانان مسلمان، چهار تحقیق عمده در بررسی آثار خارجی با نگاه اسلامی صورت گرفته است. *انصاری و همکاران (۱۳۷۸)* در کتاب *درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*؛ *دادگر (۱۳۸۰)* در کتاب *اقتصاد بخش عمومی*؛ *مصباحی مقدم، رضایی و موحدی‌بکنظر (۱۳۸۹)* در مقاله «تحلیل نحوه مواجهه با آثار خارجی منفی از منظر اقتصاد اسلامی»؛ و *رضایی دوانی (۱۳۸۹)* در کتاب *مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام*، ضمن بررسی آثار خارجی، راه‌کارهایی برای مواجهه با این پدیده از زاویه نگاه اقتصاد اسلامی ارائه کرده‌اند.

یکی از کمبودهایی که در پژوهش‌های مزبور به چشم می‌خورد این است که هیچ‌یک از آنها ابتدا به تبیین جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف پرداخته‌اند تا از این رهگذر، بتوانند جایگاه آن در اقتصاد اسلامی را نیز پیدا کنند.

مزیت اصلی این مقاله نسبت به آثار ذکر شده این است که ابتدا به جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف می‌پردازد و سپس به تحلیل جایگاه آن در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. یکی از سؤال‌های این پژوهش این است که آثار خارجی از چه جایگاهی در اقتصاد متعارف برخوردار است. پاسخی که در این باره ارائه می‌شود این است که این آثار در چنین اقتصادی با مفهوم بهینه پارتو و سازوکار بازار پیوندی ناگسستگی دارد و بدون توجه به این پیوندها، از مفهوم روشنی برخوردار نیست.

سؤال دیگر درباره جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی است. پاسخ به این سؤال نیز بدون توجه به پیوندها و زمینه‌های یاد شده و بررسی آنها در اقتصاد اسلامی امکان‌پذیر نیست. از این رو، هر جا بهینه پارتو و سازوکار بازار در اقتصاد اسلامی اعتبار ندارند، آثار خارجی نیز جایگاهی در اقتصاد اسلامی پیدا نمی‌کند و بحث از آن مانند سخن گفتن در خلأ است.

این مقاله، در صدد بیان راه‌کارهای اقتصاد اسلامی در مواجهه با آثار خارجی نیست، بلکه در پی آن است که پس از شناخت جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف، دیدگاه‌های اقتصاددانان مسلمان نسبت به آثار خارجی را نقد و بررسی کند. در ادامه مقاله به بررسی جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. سؤال از جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی ناظر به این امر است که مفهوم آثار خارجی در اقتصاد اسلامی چگونه قابل طرح است.



## ۱. جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف

بروز آثار خارجی در فعالیتهای اقتصادی، به عنوان یک پدیده نامطلوب در اقتصاد متعارف شناخته می شود. نامطلوب بودن آثار خارجی را می توان با عملکرد سازوکار بازار مرتبط دانست؛ زیرا اقتصاد متعارف آثار خارجی را یکی از نمادهای شکست بازار معرفی می کند. برای فهم جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف توجه به این نکته مهم است که چرا سازوکار بازار، مطلوب یک جامعه سرمایه داری است. با این رهیافت، به این مطلب نیز پی خواهیم برد که چرا آثار خارجی به عنوان یکی از نمادهای شکست بازار شناخته می شود و پدیده های نامطلوب است.

### سازوکار بازار و منافع اقتصادی - اجتماعی

منابع اقتصادی هر جامعه محدود است. از هر چیزی آنقدر وجود ندارد که همه خواسته ها را تأمین کند. از این رو، قوام هر جامعه مستلزم ایجاد نوعی هماهنگی میان منابع محدود و خواسته های نامحدود است. این هماهنگی - دست کم - دو کارکرد جلوگیری از نزاعها و آسیب هایی که مردم در غیر این صورت به هم وارد می کنند؛ و همیاری اجتماعی برای سازمان دهی مردم در کمک کردن و کمک گرفتن از یکدیگر دارد (لیندبلوم، ۱۳۸۸، ص ۲۴). در اقتصاد، هنگامی که از «همیاری اجتماعی» سخن گفته می شود، به طور عمده، منافع اقتصادی - اجتماعی منظور است. این همیاری باید به گونه ای باشد که بیشترین منافع عاید جامعه شود.

تاکنون رویکردهای مختلفی به منظور هماهنگ سازی فعالیتهای اقتصادی برای دستیابی به بیشترین منافع اقتصادی - اجتماعی ارائه شده است. در این زمینه، - دست کم - می توان به سه رویکرد «سنت»، «فرمان» و «بازار» اشاره کرد (رنانی، ۱۳۸۹، ص ۴۵). دیدگاه غالب در قرن هجدهم میلادی، به تبع مکتب «سوداگرایی»، پی روی از رویکرد «فرمان محور» و هماهنگ سازی از طریق هماهنگ ساز مرکزی بود. در چنین فضایی، *آدام اسمیت* کوشید نشان دهد که بازار می تواند فعالیتهای اقتصادی را به خوبی هماهنگ کند؛ به گونه ای که منابع جامعه بدون ایجاد هرج و مرج، در مسیری به حرکت درآیند و به محصولاتی تخصیص یابند که بیشترین فایده را عاید جامعه کنند (نیکلسون، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۵۸).

فرآیند محبوب / اسمیت، که در ادبیات اقتصادی به «دست نامرئی» (*Invisible hand*) مشهور شده است، از یک نظم طبیعی حکایت دارد که انگیزه های خودخواهانه فردی را در بستر بازار رقابتی، به طور خودکار در جهت تأمین منافع جمعی قرار می دهد. در این فرآیند، هر فرد بدون آنکه بخواهد یا حتی بداند، تنها با دنبال کردن منافع خود، در حال تأمین منافع اجتماعی نیز می باشد. «او تنها به فکر دستاورد خویش است و در این روند، همانند دیگر مواقع، توسط یک دست نامرئی هدایت می شود تا منفعتی ایجاد کند که هرگز قصد آن را نداشته است. افراد با دنبال کردن منافع خود، برای جامعه ثمربخش تر از زمانی هستند که واقعاً به دنبال منفعت رسانیدن به جامعه می باشند» (اسمیت، ۱۹۳۷، ص ۴۲۳).

اسمیت در فصل هفتم از کتاب اول خویش، توضیح می‌دهد که چگونه انگیزه پی‌جویی نفع شخصی موجب می‌شود که مبادله پدید آید و عرضه و تقاضای کالا در بازار تنظیم گردد (همان، ص ۵۵-۵۹). فرآیند تقسیم کار و تخصصی‌شدن مشاغل، تولید و عرضه بیشتر را به دنبال دارد و موجب درآمد بیشتر و انباشت سرمایه می‌شود. از سوی دیگر، گسترش تولید، رقابت برای تقاضای نیروی کار و دستمزدها را افزایش می‌دهد. در نتیجه، انگیزه منافع شخصی به تحقق منافع اقتصادی- اجتماعی منجر خواهد شد (کرمی، ۱۳۸۹، ص ۲۷). بدین سان، نقش سازوکار بازار این‌گونه پدیدار می‌شود که با دستی نامرئی انگیزه‌های فردی را به منافع اقتصادی- اجتماعی مربوط می‌سازد.

### سازوکار بازار و کارایی در تخصیص منابع

اقتصاددانان اکنون منافع عمومی و اجتماعی را به «بیشینه‌کردن رضایت همه مصرف‌کنندگان» تفسیر می‌کنند و آن را «کارایی» می‌نامند. ساموئلسون و نوردهاوس در این باره می‌گویند:

اقتصاددانان طی دو قرن اخیر، مفهوم «منافع عمومی» را پیراسته و امروزه به منطوق و محدودیت‌های آن کاملاً واقفاند.

«کارایی»، آن‌گونه که اقتصاددانان تعریف می‌کنند، روند کسب حداکثر رضایت مصرف‌کنندگان از منابع موجود است

(ساموئلسون و نوردهاوس، ۱۳۸۴، ص ۵۷۹).

این معنا از کارایی را می‌توان در بهینه پارتو یافت. «موقعیتی کارا» و یا «بهینه پارتو» آن است که در آن ممکن نباشد وضعیت یک فرد بهتر شود؛ مگر اینکه وضعیت عده‌ای دیگر بدتر شود (لیارد و والترز، ۱۹۷۸، ص ۷). این بیان تعبیر دیگری از بیشینه‌کردن مطلوبیت کل افراد جامعه است که از طریق سازوکار بازار و دست نامرئی حاصل می‌شود.

اندیشه‌اسمیت، در خصوص هماهنگی میان نفع شخصی با خیر جمعی، یا همان «دست نامرئی»، همواره مورد توجه اقتصاددانان پس از او قرار داشته است. اقتصاددانان نئوکلاسیک به پی‌روی از اسمیت، انگیزه نفع شخصی را در بستری از بازار رقابت کامل، محرک فعالیت‌های اقتصادی می‌دانند. از نظر آنها، چنین روندی به تأمین منافع جمعی یا همان بهینه پارتو می‌انجامد. پیوند میان تعادل‌های رقابتی و کارایی اقتصادی- اجتماعی (بهینه پارتو) در ادبیات اقتصادی به‌عنوان «قضیه اول اقتصاد رفاه» مطرح می‌شود (کالیز و جونز، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

بنابراین، سیستم هماهنگ‌ساز جامعه - در اینجا سازوکار بازار - چگونگی تخصیص منابع و نهاده‌های تولید را تعیین می‌کند و کارایی اقتصادی در جامعه را، که به معنای بیشینه‌کردن منافع عمومی و اجتماعی حاصل از چنین تخصیصی است، محقق می‌سازد. بر این اساس، سازوکار بازار از آن رو در اقتصاد متعارف اهمیت دارد که منابع جامعه را به بهترین و کاراترین شکل ممکن تخصیص می‌دهد و در نتیجه، بیشترین منافع اقتصادی- اجتماعی حاصل می‌شود. معلوم است که اگر عاملی در سازوکار بازار اخلال ایجاد کند، به این دلیل که مانع تحقق این کارایی

می‌شود، نامطلوب قلمداد می‌گردد. در نتیجه، یکی از رسالت‌های اقتصاد متعارف، شناسایی عوامل مخمل مزبور و چاره‌جویی برای رفع آنها است.

### شکل‌گیری آثار خارجی در سازوکار بازار

اسمیت هیچ‌گاه ادعا نکرده است که یک جامعه می‌تواند در همه زمینه‌ها بر مبنای دست نامرئی عمل کند و به کارایی اجتماعی دست یابد. اعتقاد وی به «دولت حداقلی» نشان دهنده این واقعیت است که هماهنگی برخی امور از عهده بازار خارج است. اسمیت سه وظیفه برای دولت برشمرده است: حفاظت از جامعه در برابر خشونت و یورش جوامع دیگر؛ حمایت از هر یک از اعضای جامعه در برابر بی‌عدالتی یا ظلم اعضای دیگر؛ و ایجاد و حفظ مشاغل و نهادهای عمومی، مانند ارتش، پلیس، مشاغل عمومی، مدارس عمومی و آموزش دینی، که هزینه آنها برای یک فرد یا یک گروه کوچک زیاد و سود حاصل از آن کم است (راسل وینستین، ۱۳۹۱، ص ۱۵۶-۱۵۷). بدین سان، می‌توان نشانه‌هایی از ناتوانی بازار در هماهنگ‌سازی امور اقتصادی برای دستیابی به کارایی اجتماعی را در دیدگاه/اسمیت ملاحظه کرد. با وجود این، وی هیچ اشاره‌ای به آثار خارجی به‌عنوان یکی از نواقص سازوکار بازار نکرده است.

نئوکلاسیک‌ها با وجود همسویی مبنایی با دیدگاه‌های/اسمیت، مشاهده کردند که در حالت وجود آثار خارجی دست نامرئی نمی‌تواند انگیزه‌های سودجویانه فردی را به کارایی اقتصادی-اجتماعی مرتبط سازد (ساموئلسون و نوردهاوس، ۱۳۸۸، ص ۵۹). به دیگر سخن، آنان سازوکار بازار را از برابر کردن هزینه‌ها و منافع خصوصی و اجتماعی، هنگام بروز آثار خارجی ناتوان دیدند (موریس و فیلیپس، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۴۸) و آثار خارجی را به‌عنوان یکی از عوامل شکست بازار در تخصیص بهینه منابع معرفی کردند.

در اقتصاد متعارف، شکل‌گیری آثار خارجی ناشی از فقدان بازار برای برخی از آثار سودمند یا زیان‌بخشی است که در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی به وجود می‌آیند (امیری و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۸۵)؛ مثلاً هیچ بازاری برای مبادله هزینه‌های ناشی از آلودگی کارخانه سیمان، یا منافع حاصل از گرده‌افشانی زنبورهای عسل وجود ندارد و همین فقدان بازار و نبود امکان مبادله موجب شکل‌گیری آثار خارجی در چنین فعالیت‌هایی می‌گردد. از آن‌رو که چنین آثاری «خارج از بازار» است و مبادلات بازاری روی آنها انجام نمی‌شود، به آنها آثار خارجی گفته می‌شود. بدین روی، آثار خارجی در بستر سازوکار بازار شکل می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که تصور درستی از آن به تنهایی و جدای از سازوکار بازار در کار نیست.

### ماهیت آثار خارجی

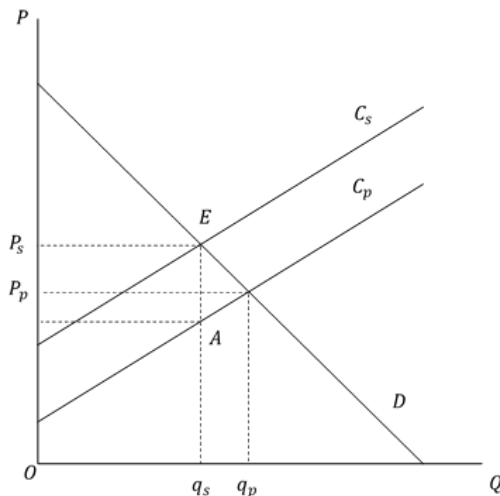
بر اساس پیوندی که میان آثار خارجی و سازوکار بازار وجود دارد، می‌توان گفت: عواملی مانند آلودگی ایجاد شده در

فرآیند تولید یک کارخانه، می‌تواند زمینه‌ساز بروز آثار خارجی شود، نه اینکه آثار خارجی معادل همین آلودگی باشد. برای تحقق آثار خارجی، علاوه بر وجود آلودگی، باید افرادی در اطراف این کارخانه باشند، به‌گونه‌ای که تحت تأثیر این فعالیت آلاینده‌ای که در بازار تولید می‌شود، قرار گیرند و بابت این آلوده‌سازی هزینه‌ای پرداخت نشود. به عبارت دیگر، آثار خارجی (فنی)، مجموعه منافع یا هزینه‌هایی است که از یک فعالیت، تولید می‌شود، ولی به تولیدکننده آن منعکس نمی‌شود (دمسترز، ۱۳۸۰، ص ۶۰). بنابراین، اگر هیچ‌کس از آلودگی ایجاد شده توسط کارخانه متأثر نشود (مثلاً کارخانه دور از محیط زندگی مردم باشد)، یا اگر صاحب کارخانه به نحو مطلوبی هزینه این آلودگی را برای افراد تحت تأثیر آن جبران کند، آلودگی ایجاد شده، موجب بروز آثار خارجی نخواهد شد.

البته همه هزینه‌ها یا منافع که از یک عامل به عوامل دیگر تحمیل می‌شود، آثار خارجی نیست. بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی همواره با مقادیری از آلودگی و دیگر زمینه‌های بروز آثار خارجی همراه هستند. آنچه موجب تحقق آثار خارجی می‌شود، بروز ناکارایی در تخصیص منابع است. به عبارت دیگر، اگر به‌خاطر چنین هزینه‌ها یا منافع برخی کالاها کمتر یا بیشتر از حد کارا تولید شوند، با پدیده آثار خارجی مواجه خواهیم شد (استیگلیتز، ۱۳۹۱، ص ۲۷۹).

نمودار ذیل، آثار خارجی ناشی از آلودگی یک کارخانه را نشان می‌دهد. در این نمودار، هزینه‌های اجتماعی تولید ( $C_s$ ) بیش از هزینه‌های خصوصی آن ( $C_p$ ) است؛ زیرا صاحب کارخانه هزینه‌هایی را که از آلودگی کارخانه به دیگران تحمیل می‌شود، در تصمیم‌گیری خود محاسبه نمی‌کند. در نتیجه، به‌خاطر وجود تباین میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی، میزان تولید بازار ( $q_p$ ) از تولید بهینه اجتماعی ( $q_s$ ) بیشتر می‌شود و تخصیص منابع، کارایی اجتماعی را تحقق نمی‌بخشد.

نمودار ۱: آثار خارجی منفی ناشی از آلودگی کارخانه



## آثار خارجی منفی ناشی از آلودگی بر مطلوبیت دیگران

منظور از هزینه‌های خصوصی در اینجا، مجموع هزینه‌هایی است که صاحب کارخانه در مبادلات بازاری متحمل می‌شود. هزینه استخدام نیروی کار، هزینه استفاده از سرمایه و هزینه تهیه مواد اولیه از جمله این هزینه‌هاست. هزینه‌های اجتماعی علاوه بر هزینه‌های خصوصی، شامل آن دسته از هزینه‌ها است که صاحب کارخانه خارج از فرآیند بازار، به دیگران وارد می‌کند (موریس و فیلیپس، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۵۷). تفاوت میان هزینه اجتماعی و خصوصی، آثار خارجی است.

با استفاده از مطالبی که تا اینجا بیان شد، می‌توان آثار خارجی را چنین تعریف کرد:

آثار خارجی عبارت است: از مجموعه منافع یا زیان‌هایی که از تولید یا مصرف یک عامل اقتصادی بر تولید یا مطلوبیت عامل اقتصادی دیگر وارد می‌شود و بدون انعکاس در مبادلات بازاری، مانع از تحقق کارایی اقتصادی می‌شود.

## رویکرد اقتصاد متعارف در مواجهه با آثار خارجی

اقتصاد متعارف سازوکار بازار را به‌منظور تخصیص بهینه منابع جامعه پذیرفته و معتقد است که دست نامرئی تنها گزینه برای بیشینه‌شدن منافع عمومی و اجتماعی است. وجود آثار خارجی می‌تواند دست نامرئی را در تحقق این هدف ناکام بگذارد و موجب شکست بازار در تخصیص منابع شود. از این رو، اقتصاد متعارف ناگزیر است در مواجهه با آثار خارجی، به‌گونه‌ای عمل کند که ناکارآمدی بازار در تحقق بیشینه منافع اقتصادی - اجتماعی برطرف شود. بدین روی، می‌توان رویکرد اقتصاد متعارف در مواجهه با آثار خارجی را «بازگشت به کارایی» دانست (امیری و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۸۶).

با توجه به اینکه آثار خارجی به‌عنوان تباين میان هزینه‌ها (یا منافع) خصوصی و اجتماعی شناخته می‌شود، رویکرد اقتصاد متعارف در مواجهه با آثار خارجی، رفع تباين مذکور است. در اقتصاد متعارف، سعی می‌شود با برابری هزینه‌ها (یا منافع) خصوصی و اجتماعی، سازوکار بازار در تخصیص بهینه منابع کارا شود و دست نامرئی به خوبی انگیزه‌های شخصی را به منافع اجتماعی مرتبط سازد.

این رویکرد نخستین بار از جانب آرتور پیگو در سال ۱۹۲۰ مطرح شد. وی در کتاب *اقتصاد رفاه* (*The Economics of Welfare*)، مفهوم تأثیر عوامل خارجی بر اقتصاد را، که توسط مارشال مطرح شده بود، بسط داد. پیگو معتقد بود: که برای جبران نارسایی عملکرد بازار و پر کردن شکاف میان هزینه‌ها (یا منافع) خصوصی و اجتماعی، دخالت دولت به شکل دریافت مالیات یا پرداخت یارانه الزامی است (بلاگ، ۱۳۷۵، ص ۳۳-۳۴). کارکرد مالیات و یارانه در مواجهه با آثار خارجی، این است که تباين میان منافع و هزینه‌های خصوصی و اجتماعی را از بین می‌برد. در حقیقت، این گونه راه‌کارها می‌تواند به‌عنوان مکملی برای دست نامرئی، سازوکار بازار را در تخصیص منابع و دستیابی به بهینه پارتو موفق سازد.

در نمودار رسم شده، آثار خارجی منفی ناشی از آلودگی بر دیگران نشان داده شد. به طور معمول، در مواجهه با آثار خارجی منفی، از راه کار «مالیات» استفاده می‌شود (امیری و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۹۴). این مالیات که به «مالیات پیگویی» شهرت دارد، به اندازه تفاوت هزینه یا منفعت اجتماعی و خصوصی در سطح بهینه اجتماعی است (نیکلسون، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۲۵) که در نمودار مذکور با «EA» مشخص شده است.

در کنار مالیات و یارانه، راه کارهای دیگری مانند وضع قوانین و مجوزهای آلودگی نیز از سوی اقتصاددانان متعارف برای مواجهه با آثار خارجی ارائه شده است (منکیو، ۱۳۸۸، ص ۲۴۴-۲۵۰). این راهکارها همگی مبتنی بر مداخله دولت می‌باشند. علت اینکه اقتصاد متعارف در مواجهه با آثار خارجی به راه کارهای دولتی روی آورده، این است که طبق این دیدگاه، به علل گوناگون، از جمله مسئله «سواری مجانی» (Free Ride) و وجود هزینه مبادله، امکان حل مسئله آثار خارجی با راه حل‌های خصوصی وجود ندارد (استیگلیتز، ۱۳۹۱، ص ۲۸۸). به همین منظور، دولت باید با هدف نزدیک کردن هزینه‌ها یا منافع خصوصی و اجتماعی وارد شود (موریس و فیلیپس، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۶۳).

## ۲. دیدگاه اقتصاددانان مسلمان درباره مسئله آثار خارجی

بحث آثار خارجی در مجموعه اقتصاد اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته و در آثار انگشت شماری به آن پرداخته شده است. اقتصاددانان مسلمان در ضمن این بیان محدود، با در نظر گرفتن مبانی اسلامی، راه کارهایی در مواجهه با آثار خارجی ارائه داده‌اند. در ادامه، به طرح این آثار و راه کارهای ارائه شده در آنها و سپس به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم:

### راه کارها و اظهار نظرهای اقتصاددانان مسلمان در مواجهه با آثار خارجی

راه کارهای مطرح شده از جانب اقتصاددانان مسلمان در مواجهه با آثار خارجی را می‌توان در چهار عنوان جای داد:

#### (۱) مالیات ستانی

به نظر انصاری و همکاران (۱۳۷۸)، آن بخش از آثار خارجی که مستلزم بهره‌گیری از امکانات طبیعت است و با محدوده فعالیت دیگران به طور مستقیم ارتباطی ندارد، از راه‌هایی مانند زکات جبران می‌شود. برای مثال، دارندگان حیوانات اهلی برای استفاده از آبها و مراتع طبیعی، که جزو اموال عمومی است، باید مبلغی تحت عنوان «زکات» بپردازند. اگرچه پرداخت زکات یک امر عبادی است و با نیت تقرب به خدای متعال انجام می‌شود، با اینکه چنین عملی خسارت وارد آمده به طبیعت را نیز جبران کند، منافاتی ندارد (انصاری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸-۱۴۹).

## ۲) جلوگیری قانونی از ضرر رساندن به دیگران

مصباحی مقدم و همکاران (۱۳۸۹) با تمسک به ادله «عدم جواز فساد در زمین»، «عدم اضرار به غیر» و «عدم اختلال در نظام آفرینش» نتیجه گرفته‌اند که می‌توان با عوامل تخریب محیط زیست (به عنوان یک اثر خارجی منفی) برخورد کرد و از چنین اعمالی جلوگیری نمود و در نهایت، متخلفان را به شدت مجازات کرد (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸۶). آنان ممانعت از فعالیت‌هایی را که میزان ضرر آنها مشخص نیست، یا افراد متضرر از آنها قابل شناسایی نیستند، ضروری می‌دانند (همان، ص ۸۸). ایشان بر حمایت دولت از امر به معروف و نهی از منکر و نیز حافظان محیط زیست تأکید می‌کنند (همان، ۸۸-۸۹).

انصاری و همکاران (۱۳۷۸)، در موارد دارای آثار خارجی منفی، طبق قاعده «لاضرر»، اصل را بر جبران ضرر می‌دانند (انصاری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱). دادگر (۱۳۸۰) نیز در خصوص آثار خارجی منفی، به قاعده «لا ضرر» اشاره می‌کند (دادگر، ۱۳۸۰، ص ۱۹۲-۱۹۳).

## ۳) شفاف‌سازی حقوق مالکیت

رضایی دوانی (۱۳۸۹) معتقد است که دولت اسلامی با برخورداری از مالکیت منابع طبیعی، می‌تواند مانع از تصرفات نابجا و تولید کالاهایی شود که آلودگی به همراه دارند. این وظیفه هنگامی پررنگ‌تر می‌شود که به حق نسل‌های آینده در بهره‌برداری از طبیعت توجه داشته باشیم. حوزه تأثیرگذاری دولت به مالکیت‌های دولتی محدود نمی‌شود، بلکه نظارت بر استفاده از برخی منابع طبیعی تحت عنوان «مباحات عامه» و نیز تشخیص مصلحت جامعه در میزان و چگونگی بهره‌برداری از سایر منابع بر اساس قاعده «لا ضرر»، قاعده «عدالت»، اصل «انصاف»، نفع اجتماعی، نظم عمومی و مانند آن، از دیگر اختیارات دولت اسلامی در این زمینه است (رضایی دوانی، ۱۳۸۹، ص ۶۵-۶۶).

## ۴) ترغیب انگیزه‌های درونی توسط تعالیم اسلامی

مصباحی مقدم و همکاران (۱۳۸۹) معتقدند: برخی عوامل موجود در تعالیم اسلام می‌تواند به‌عنوان سازوکاری درونی و اولیه، مانع از به‌وجود آمدن بسیاری از آثار خارجی نامطلوب شود. برای مثال، بسیاری از آثار خارجی منفی به واسطه مصرف بیش از حد نیاز است. توصیه اسلام به میانروی در مصرف، عامل مؤثری در کاهش آثار خارجی ناشی از اسراف به‌شمار می‌رود (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸۶).

انصاری و همکاران (۱۳۷۸) در خصوص آثار خارجی مثبت مرتبط با طبیعت (مثل کاشت درخت و حفر چاه)، که به طور غیر مستقیم با انسان‌ها ارتباط پیدا می‌کند، به‌ویژه اگر به شکل وقف در اختیار دیگران قرار داده شود، به وعده پاداش‌های اخروی اشاره می‌کنند. به نظر آنان، آثار خارجی مثبت مرتبط با دیگران، در

رفتارهای مسلمانان بیشتر مشاهده می‌شود؛ زیرا آنان خواهان خیر رساندن به دیگران هستند (انصاری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۹).

رضایی دوانی (۱۳۸۹) نیز معتقد است: میان دیدگاه اسلام و دیدگاه متعارف، تفاوت‌های اساسی در نگاه به جهان وجود دارد که در رفتار افراد، تأثیر بسیاری دارد. برای مثال، مسلمانان بر اساس احکام دینی مانند حرمت اسراف و اتلاف، تصرف کمتری در طبیعت خواهند داشت؛ امری که موجب کاهش آثار خارجی منفی می‌شود (رضایی دوانی، ۱۳۸۹، ص ۶۶).

### نقد و بررسی دیدگاه اقتصاددانان مسلمان درباره آثار خارجی

از بخش نخست این جستار معلوم شد که آثار خارجی را نمی‌توان بدون توجه به بحث کارایی پارتویی و نقش سازوکار بازار بررسی کرد؛ اما آنچه در آثار اقتصاددانان مسلمان درباره آثار خارجی مشاهده می‌شود، تصور آنان از آثار خارجی به‌عنوان یک موضوع مستقل و بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با کارایی پارتویی و سازوکار بازار است. آنان به لوازم مفهوم آثار خارجی و راه‌کارهای آن، که زائیده اقتصاد متعارف است، توجه نداشته‌اند. از این‌رو، راه‌کارهای مطرح شده توسط آنان در جهت «بازگشت به کارایی مورد نظر در اقتصاد متعارف» نیست و آثار خارجی را درونی نخواهد کرد.

برای نمونه، در یک دسته از این راه‌کارها، به نقش زکات در درونی کردن آثار خارجی اشاره شده است. در بررسی این راه‌کار، چند نکته قابل تأمل است: نخست آنکه استفاده از امکانات طبیعی در صورتی آثار خارجی محسوب می‌شود که این امکانات در اقتصاد اسلامی در بازار مبادله شود و نیز متضمن زیان برای دیگران باشد و از این طریق، منافع اجتماعی را کاهش دهد که در این صورت، کارایی پارتویی مختل خواهد شد. برای مثال، اگر این امکانات در بازار اسلامی مبادله می‌شد و استفاده از چنین امکاناتی موجب بروز پدیده «ازدحام» می‌گردید، آثار خارجی به وجود می‌آمد، در صورتی که این قبیل امکانات طبیعی در اقتصاد اسلامی از طریق بازار مبادله نمی‌شود و نیز بدون در نظر گرفتن پدیده‌هایی مانند ازدحام، زکات دریافت می‌گردد.

نکته دیگر این است که مالیات یا زکات در آثار خارجی برای درونی و بازاری کردن موضوعی که منافع و هزینه‌های آن از بازار خارج شده است، دریافت می‌شود. از این‌رو، مالیات یا زکات در صورتی می‌تواند به‌عنوان راه‌کاری در مواجهه با آثار خارجی مطرح باشد که به اندازه تباین میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی باشد. این در حالی است که در الزام به پرداخت زکات، چنین ملاحظاتی وجود ندارد؛ زیرا در این حالات، اثر خارجی به معنای متعارف اتفاق نیفتاده است تا تفاوتی میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی در آن متصور باشد.

نمونه دیگر از این راه‌کارها، جلوگیری از ضرر رساندن به طبیعت و به دیگران را مورد توجه قرار داده است. این در حالی است که در مواجهه با آثار خارجی، جبران ضرر مطمح نظر نیست؛ زیرا جبران ضرر الزاماً اثر خارجی را



درونی نمی‌کند. در اقتصاد متعارف، در بسیاری حالات، پس از درونی کردن آثار خارجی، زیان‌ها و منافع وارد شده بر افراد هنوز باقی است. برای مثال، مالیات دریافت شده در زمینه اثر خارجی منفی، لزوماً به آسیب دیدگان از آن اثر پرداخت نمی‌شود و یا دولت، آن را برای رفع آسیب، هزینه نمی‌کند تا آسیب‌های وارد شده جبران یا مرتفع شود. بنابراین، اگر در ارائه این راه‌کار، به درونی کردن آثار خارجی توجه می‌شود، باید بازگشت به کارایی و نه جبران زیان آسیب‌دیدگان، هدف قرار می‌گرفت. از این‌رو، علاوه بر اینکه این موارد در اقتصاد اسلامی در بازار مبادله نمی‌شود تا اثر خارجی در آن معنا داشته باشد، قواعدی مانند قاعده لاضرر، که مقصود از آن، رفع زیان و یا جبران آن است، نمی‌تواند به‌عنوان راه‌کار مواجهه با آثار خارجی معرفی شود.

در برخی از دیدگاه‌ها، به شفافیت حقوق مالکیت در اقتصاد اسلامی به واسطه مالکیت و نظارت دولت بر منابع طبیعی، به‌عنوان یکی از راه‌کارهای مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد اسلامی اشاره شده است. این در صورتی است که با وجود چنین نظارت‌هایی از سوی دولت اسلامی، آثار خارجی در این زمینه پدید نمی‌آید تا برای درونی کردن آن راه‌کاری بیان شود. بنابراین، چنین سیاست‌هایی راه‌کاری برای درونی کردن آثار خارجی به حساب نمی‌آید. در اقتصاد متعارف نیز یکی از وظایف دولت تعریف و تضمین حقوق مالکیت است. اما این وظیفه به‌عنوان راه‌کاری برای آثار خارجی مطرح نمی‌شود؛ بلکه هنگامی به عرصه آثار خارجی وارد می‌گردد که دولت بخواهد در این زمینه تصدی‌گری کند و فعالیت بازاری انجام دهد. البته اقتصاد متعارف با انجام چنین فعالیت‌های بازاری توسط دولت مخالف است و تصدی‌گری دولت بر منابع طبیعی به بهانه حقوق مالکیت را نمی‌پذیرد. طبق دیدگاه متعارف، هر گونه دخالت دولت در امور اقتصادی - به استثنای موارد شکست بازار - موجب دور شدن از کارایی خواهد شد.

در برخی از راه‌کارها، به ترغیب عوامل درونی انسان‌ها در کاهش آثار خارجی اشاره شده است. این سیاست نیز راه‌کاری برای درونی کردن آثار خارجی نیست؛ بلکه تنها می‌تواند نقش بازدارندگی از آثار خارجی را ایفا کند و موجب شود انسان‌ها با انگیزه دیگرخواهی و مانند آن به کارایی مورد نظر دست یابند. البته کارایی به دست آمده از این طریق با کارایی در بهینه پارتو متفاوت است؛ زیرا بهینه پارتو از طریق دست نامرئی به دست می‌آید که در آن پی‌جویی نفع شخصی به‌عنوان محرک اصلی در فعالیت‌های اقتصادی فرض می‌شود. طبق دیدگاه/سمیت، افرادی که به دنبال نفع خود هستند، بسیار بیش از آنهایی که می‌خواهند، منافع اجتماعی را به بار می‌آورند. این در حالی است که در راه‌کار پیشنهادی اقتصاددانان، انگیزه‌های دیگر از قبیل دیگرخواهی موجب ترغیب افراد برای دست‌یابی به کارایی می‌شود. از این‌رو، این راه‌کار همانند راه‌کارهای پیشین، ضرر را دفع می‌کند؛ اما نمی‌تواند راه‌کاری برای درونی کردن آثار خارجی به معنای واقعی‌اش به حساب آید. به دیگر سخن، ترغیب افراد به خودداری از نفع شخصی و تلاش برای برآوردن منافع دیگران، با مفهوم درونی کردن آثار خارجی، که در چارچوب سازوکار بازار ترسیم شده و هدفش برابر کردن هزینه‌ها و منافع خصوصی و اجتماعی است، متفاوت است.

بدین سان، اقتصاددانان مسلمان بدون توجه به محدوده و جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف و نیز بدون

تعریف جایگاه این آثار در اقتصاد اسلامی، چنین راه کارهایی برای آن ارائه کرده‌اند. بدون شک، آسیب‌رسانی به طبیعت و دیگران در جامعه اسلامی کار نامطلوبی است و باید برای آن چاره‌اندیشی شود؛ اما آثار خارجی دانستن چنین کاری بدون توجه به جایگاه آثار خارجی و پیوندهای آن، صحیح نیست.

### ۳. بررسی جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی

برای بحث از آثار خارجی در اقتصاد اسلامی، مسئله نخست آن است که آیا چنین آثاری در همه زمینه‌هایی که در اقتصاد متعارف شکل می‌گیرد، در اقتصاد اسلامی نیز شکل می‌گیرد؟ یا اینکه زمینه‌های شکل‌گیری آثار خارجی در اقتصاد اسلامی متفاوت است؟ به دیگر سخن، آیا رویکرد اقتصاد اسلامی در تخصیص منابع، یک رویکرد بازاری محض است که وجود آثار خارجی، آن را از حالت مطلوب خارج می‌کند؟ یا اینکه نهادهای دیگری نیز در تخصیص منابع دخالت دارند؟

اگر تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی همانند اقتصاد متعارف تنها در چارچوب بهینگی پارتو و تنها از طریق سازوکار بازار انجام گیرد، همه موارد آثار خارجی در اقتصاد متعارف، برای اقتصاد اسلامی نیز آثار خارجی به حساب می‌آیند. برای این منظور، باید بررسی شود که آیا سازوکار بازار و متعلقاتش، از جمله بهینگی پارتو، همه تخصیص‌ها در اقتصاد اسلامی را پوشش می‌دهند؟ یا اینکه عوامل دیگر غیر بازاری نیز در تخصیص بهینه جامعه اسلامی نقش ایفا می‌کنند.

### بررسی نقش بهینگی پارتو در تخصیص بهینه در اقتصاد اسلامی

در یک نگاه، ممکن است بهینگی پارتو با تخصیص بهینه در اقتصاد اسلامی کاملاً سازگار به نظر آید، به‌ویژه وقتی دارای مقاصدی همچون «تلاش برای رسیدن به بهترین نتیجه ممکن» و «جلوگیری از اتلاف منابع» است که در آموزه‌های اسلامی بر آنها تأکید شده است (صدر، ۱۳۹۹، ۶۵۰). در عین حال، جنبه‌هایی از ناسازگاری میان بهینه پارتو و رهنمودهای اسلام نیز به چشم می‌خورد که قابل بررسی است.

یکی از این ناسازگاری‌ها بی‌توجهی بهینه پارتو به مسئله توزیع است. بر اساس بهینگی پارتو، هرگونه تغییری که وضعیت یک ثروتمند را بهتر کند، اما بر وضعیت دیگران و از جمله نیازمندان بی‌تأثیر باشد، یک بهبود به شمار می‌آید و باید انجام گیرد (استیگلیتز، ۱۳۹۱، ص ۷۷). در مقابل، هرگونه تغییری که وضعیت نیازمندان را تغییر ندهد، اما بر وضعیت یک ثروتمند اندکی تأثیر منفی بگذارد، موجب کاهش در رفاه اجتماعی می‌گردد و نباید انجام شود. این امر با آموزه‌های اسلامی سازگاری ندارد. به همین دلیل، بهینه پارتو نمی‌تواند در اقتصاد اسلامی راهنمای رفتار افراد باشد (چپرا، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴ و عبدالمنان، ۱۳۷۵ الف، ص ۲۳۲).

باید توجه داشت که اشکال مزبور به بازتوزیع درآمد و ثروت مربوط می‌شود و توابع رفاه اجتماعی - که به طور

جداگانه و مستقل از بهینه پارتو تصویر می‌شوند - متکفل بیان بازتوزیع می‌باشند (کرمی، ۱۳۹۴، ص ۱۲-۱۳): حال آنکه بهینگی پارتو تنها مربوط به تخصیص بهینه منابع است. اما در عین حال، این مطلب اشکال مزبور را بکلی نفی نمی‌کند؛ زیرا صرف‌نظر از مسئله بازتوزیع، تخصیص، که به بهینگی پارتو مربوط می‌شود نیز به خودی خود، می‌تواند جامعه را در طیفی از فاصله میان فقیر و غنی قرار دهد. منشأ این نابرابری‌ها می‌تواند در فروض بهینگی پارتو نهفته باشد. یکی از این فروض، بیشینه‌سازی مطلوبیت و سود افراد و بنگاه‌های اقتصادی است (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰). این بیشینه‌سازی موجب می‌شود که فاصله درآمدی میان صاحبان سرمایه و کار به مرور زمان، زیاد شود (انصاری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱).

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا در بازار اسلامی نیز همانند بازارهای متعارف در جوامع سرمایه‌داری، بر اثر مبادلات، فاصله میان فقیر و غنی، و صاحبان سرمایه و کار زیاد می‌شود و سپس با بازتوزیع به نفع فقرا، باید توازن ایجاد کرد؟ یا اینکه در بازار اسلامی، مبادلات به گونه‌ای شکل می‌گیرد که از ابتدا چنین فاصله بی‌رویه‌ای میان فقیر و غنی ایجاد نمی‌شود؟

شکی نیست که اسلام از یک سو، برخی از تفاوت‌های درآمدی ناشی از مبادلات را می‌پذیرد، و از سوی دیگر، به منظور دستیابی به عدالت، از طریق بازتوزیع درآمد و ثروت، خواهان رسیدن به سطح کفاف و تأمین نیاز افرادی است که قدرت خرید کافی ندارند (همان، ص ۱۵۵-۱۵۷)؛ با این همه، اسلام در زمینه تخصیص بهینه نیز رهنمودهایی دارد که موجب جلوگیری از فاصله زیاد میان فقیر و غنی می‌شود. توصیه‌های اکید اسلام بر رعایت حقوق کارگر یکی از این رهنمودها است. از این رو، می‌توان گفت: تخصیص در اقتصاد اسلامی نمی‌تواند کاملاً مانند تخصیص در بهینه پارتو باشد. از این طریق، بسیاری از آثاری که در اقتصاد متعارف، با توجه به بهینه پارتو، اثر خارجی به حساب می‌آیند، در اقتصاد اسلامی اثر خارجی به حساب نمی‌آیند. برای مثال، با توصیه اسلام به حرمت اضرار به دیگران، آلودگی ایجاد نخواهد شد تا با سیاستی نیاز به درونی کردن آن باشد. در خصوص آثار مثبت نیز می‌توان به مطلوبیتی که فرد مسلمان از مصرف فقرا می‌برد، مثال زد. در اقتصاد متعارف، این‌گونه مطلوبیت‌ها، آثار خارجی و خارج از سازوکار بازار و بهینگی پارتو به‌شمار می‌آیند (لیارد، ۱۹۷۸، ص ۲۵)؛ اما در اقتصاد اسلامی، این مطلوبیت‌ها با انفاق و امور خیر ایجاد می‌شوند. از این رو، خارج از بازار اسلامی نیستند تا نیاز به درونی کردن داشته باشند.

نتیجه‌ای که از این بررسی اجمالی به دست آمد این است که بهینه پارتو به‌خاطر تعارضاتی که با مبانی اسلامی دارد، در متون اسلامی مطرح نشده (نقوی، ۱۹۸۶، ص ۲۸۹، عبدالمنان، ۱۳۷۵ الف، ص ۲۳۲) و یا دست‌کم فاقد جایگاه‌عالی است که در اقتصاد متعارف دارد (چپرا، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵-۱۱۶). بنابراین، آثاری که در اقتصاد متعارف تنها به سبب عدم شمول بهینگی پارتو آثار خارجی نامیده شده‌اند، در اقتصاد اسلامی لزوماً آثار خارجی نیستند. برخی از این آثار با رهنمودهای اسلام، بدون اینکه اثر خارجی تلقی شوند، خود به خود درونی می‌گردند.

## بررسی نقش سازوکار بازار در تخصیص بهینه در اقتصاد اسلامی

منظور از سازوکار بازار، رویکرد تخصیص منابع از مجرای بازار رقابت کامل است. در اقتصاد متعارف، سازوکار بازار به‌عنوان بهترین شیوه تخصیص منابع شناخته می‌شود که نتیجه آن، بهینه پارتو است. معلوم شد که بهینه پارتو هدف مطلوب در اقتصاد اسلامی نیست. اکنون بررسی می‌کنیم که آیا سازوکار بازار، می‌تواند رویکرد مناسبی برای تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی باشد؟

سازوکار بازار از نیروهای عرضه و تقاضا تشکیل شده است که در مواجهه با هم، قیمت بازار را تعیین می‌کنند. قیمت بازار راهنمای خوبی برای فعالیت‌های اقتصادی است. مصرف‌کنندگان بر اساس قیمت‌های بازاری، میزان مصرف خود از کالاها و خدمات گوناگون را مدیریت می‌کنند و تولیدکنندگان، نوع و میزان کالای تولیدی خود را بر این اساس تعیین می‌کنند. در آموزه‌های اسلامی، نه تنها قیمت شکل گرفته در بازار به رسمیت شناخته شده، بلکه هر گونه قیمت‌گذاری خارج از بازار - جز در موارد خاص - ممنوع و حتی بدعت دانسته شده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۶۸).

با وجود این، حتی در اقتصاد متعارف نیز سازوکار بازار در برخی زمینه‌ها - از جمله آثار خارجی - به شکست منتهی می‌شود و لازم است از بیرون، اصلاحات و مداخلاتی انجام گیرد. حالتی که سازوکار بازار و قیمت‌های بازاری از تأمین اهداف منظور در اقتصاد اسلامی باز می‌ماند، بیش از حالات شکست بازار در اقتصاد متعارف است.

سازوکار بازار می‌تواند نابرابری‌های درآمدی را تشدید کند (عبدالمنان، ۱۳۷۵ ب، ص ۳۸۰ و اکرم‌خان، ۱۳۷۵، ص ۳۵۵). در سازوکار بازار، تأمین خواسته‌ها اهمیت دارد و همین منجر به تقاضا می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۳۸)؛ بدین روی، آن بخش از نیازهای ضروری فقرا، که به سبب ناتوانی مالی به مرحله تقاضا نمی‌رسد، جایی در این نظام تخصیصی نخواهد داشت. در مقابل، کالاها و خدمات تجملاتی، که فراتر از مرز اسراف قرار می‌گیرند، در سازوکار بازار تقاضا می‌شوند. این نمونه‌ها بر خلاف شیوه مقبول اسلام است. از این‌رو، در اقتصاد اسلامی، قیمت‌ها تنها با خواست عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان سروکار ندارد، بلکه لازم است برخی قیود و ملاحظات به آن منضم شود تا اصلاح و تعدیل گردد. به منظور دستیابی به مقاصد اجتماعی مقبول اسلام، در کنار بازار و رقابت، گسترش ارزش‌های اخلاقی میان بازیگران اقتصادی و نقش پررنگ دولت ضروری به نظر می‌رسد (همان، ص ۱۸۲ - ۱۸۸).

بنابراین، در اقتصاد اسلامی، دولت با نظارت و هدایت غیرمستقیم و حتی گاهی به‌طور مستقیم، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین قیمت و خارجی یا داخلی بودن آثار دارد. بسیاری از آثاری که در اقتصاد متعارف آثار خارجی به حساب می‌آیند، در اقتصاد اسلامی، با دخالت دولت، بدون اینکه اثر خارجی به حساب آیند، خود به خود درونی می‌شوند. در این باره، می‌توان به ممانعت دولت اسلامی از تصرفات نابجا و تولید کالاهایی که آلودگی به همراه

دارند، اشاره کرد. دولت اسلامی با حق مالکیت خود در منابع طبیعی، قبل از اینکه چنین تصرفاتی انجام دهد و اثر خارجی محقق شود، از آنها جلوگیری، یا بر حسن استفاده از آنها نظارت می‌کند.

انکون پس از بررسی زمینه‌های شکل‌گیری آثار خارجی در اقتصاد اسلامی و مقایسه آن با اقتصاد متعارف، می‌توان جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی را به دو صورت مشخص کرد: یکی به این صورت که چارچوب مفهومی که در آن متولد شده است حفظ شود و به معنای مصطلح آن توجه شود؛ و صورت دیگر آنکه چارچوب مفهومی جدیدی (اصطلاحی نو) متناسب با ساختار ویژه تخصیص بهینه در اقتصاد اسلامی برای آن ابداع شود.

### جایگاه آثار خارجی مصطلح در اقتصاد اسلامی

از مطالب گذشته روشن شد که سازوکار بازار، به سبب نارسایی‌ها و مشکلاتی که ممکن است ایجاد کند، نمی‌تواند همه موارد تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی را به تنهایی عهده‌دار شود؛ بلکه برای این منظور، لازم است قیده‌ها و محدودیت‌هایی اضافه شود و اصلاحاتی انجام گیرد. به عبارت دیگر، اقتصاد اسلامی برای سازوکار بازار حدودی تعریف می‌کند و آن را در ریل مشخصی قرار می‌دهد.

بنابراین، هرچند امکان تحقق آثار خارجی در اقتصاد اسلامی وجود دارد، آن هم در جایی که بازار عهده‌دار تخصیص منابع است، اما گاهی نیز به سبب آنکه بازار عهده‌دار تخصیص منابع نیست، آثار خارجی معنای واقعی خود را پیدا نمی‌کند. بنابراین، برای مشخص کردن جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی، باید موضوعاتی را شناسایی کرد که اسلام تخصیص منابع با رویکرد صرفاً بازاری را به رسمیت می‌شناسد.

می‌توان گفت: دست‌کم دو محدودیت برای سازوکار بازار در اقتصاد اسلامی وجود دارد. به عبارت دیگر، تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی - دست‌کم - در دو جا از طریق سازوکار بازار صورت نمی‌گیرد: یکی محدودیت‌هایی که به عرضه و تقاضای افراد مربوط است؛ و دیگری محدودیت‌هایی که از گستره وظایف دولت در اقتصاد اسلامی شکل می‌گیرد. روشن است که آثار خارجی در این دو زمینه محقق نمی‌شوند.

### الف. محدودیت‌های مرتبط با عرضه و تقاضا

در اقتصاد اسلامی، برخی از ترجیحات افراد به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ بدین روی، عرضه و تقاضا با محدودیت در نوع و چگونگی تولید یا مصرف برخی از کالاها و خدمات و نیز برخی از عوامل تولید مواجه می‌گردد. اگر برای موارد منع شده، بازاری تشکیل شود؛ یعنی اگر چنین کالاها، خدمات یا نهاده‌هایی مبادله و داد و ستد شوند؛ چنین بازاری از نظر اسلام تأیید نمی‌گردند. به همین سبب چنین موضوعاتی، خارج از بازار اسلامی قرار می‌گیرد. بدین روی، اگر مصرف یا تولیدی در این زمینه، مطلوبیت (یا تولید) دیگران را تحت تأثیر قرار دهد، «شکست بازار» یا «آثار خارجی» بر آن اطلاق نخواهد شد.

برای مثال، زبانی که از مصرف یا تولید مشروبات الکلی بر مطلوبیت دیگران وارد می‌شود، آثار خارجی نیست؛ زیرا برای تحقق آثار خارجی، باید بازاری در کار باشد. این در صورتی است که در اقتصاد اسلامی، بازار مشروبات الکلی به رسمیت شناخته نمی‌شود. مثال دیگر در زمینه آثار منفی این است که با توصیه اسلام، به حرمت اضرار به دیگران، آلودگی ایجاد نخواهد شد تا با سیاستی نیاز به درونی کردن آن باشد.

در زمینه آثار مثبت نیز می‌توان به مطلوبیت حاصل برای فرد خیر از مصرف فقرا مثال زد. چنین مطلوبیتی از نظر اقتصاد خرد متعارف، به‌عنوان اثر خارجی مثبت شناخته می‌شود؛ زیرا فرض اقتصاد متعارف بر این است که مبادله‌کنندگان تنها منافع شخصی خود را در نظر می‌گیرند. از این‌رو، مطلوبیتی که با در نظر گرفتن منافع دیگران حاصل شده، خارج از سازوکار بازار و اثر خارجی است. اما در اقتصاد اسلامی، که فرض بر این است که افراد منافع فقرا را نیز در مبادلات خود در نظر می‌گیرند، چنین مطلوبیتی اثر خارج از بازار اسلامی نیست، تا اثر خارجی، حتی از نوع مثبت آن، به حساب آید، بلکه جزئی از ارکان بازار اسلامی این است که مبادله‌کنندگان در این بازار، منافع فقرا را نیز مورد توجه قرار می‌دهند و تنها به منافع شخصی نمی‌اندیشند. در این صورت، این مطلوبیت‌ها نه تنها از نمونه‌های شکست بازار اسلامی و اثرات خارجی آن نخواهد بود، بلکه از نکات قوت آن است.

### ب. محدودیت‌های مربوط به گستره وظایف دولت

دولت به دو صورت می‌تواند در عرصه اقتصاد فعالیت کند:

در یک صورت، دولت به مثابه یک تولیدکننده یا مصرف‌کننده وارد بازار می‌شود و کالاها و خدماتی به بازار عرضه و یا از آن تقاضا می‌کند. این سطح از فعالیت - که دولت نقش تصدی‌گری دارد - در چارچوب سازوکار بازار انجام می‌گیرد و دولت می‌تواند در خلال تولید یا مصرف - مانند هر بازیگر اقتصادی دیگر - مولد آثار خارجی مثبت یا منفی باشد.

نوع دیگر فعالیت دولت به فعالیت‌هایی مربوط می‌شود که با استفاده از قدرتی که او دارد، متغیرهای بازاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این متغیرها شامل تعیین نوع و میزان کالاهای تولیدی، صدور مجوز برای فعالیت‌های گوناگون، محدودیت در صادرات و واردات و مانند آن می‌شود.

در اقتصاد متعارف، اگر دولت دست به چنین اقداماتی بزند تنها به منظور این است که بازار را از شکست نجات دهد؛ از این‌رو، این اقدامات درباره آثار خارجی، درونی کردن آنها به حساب می‌آید؛ اما در اقتصاد اسلامی، فعالیت‌های دولت در این زمینه، برای آن است که آثار خارجی پدید نیاید و اقتصاد به نحو مطلوب اسلام به حرکت خود ادامه دهد. از این‌رو، دولت در اقتصاد اسلامی، نقش پررنگی در این نوع فعالیت‌ها ایفا می‌کند. بدین سان، بخشی از فرآیند تخصیص منابع تحت تأثیر فعالیت دولت قرار می‌گیرد. در این زمینه‌ها - که بازار عهده‌دار تخصیص منابع نیست - وجود آثار خارجی معنا ندارد؛ زیرا اصلاً بازاری در کار نیست تا آثار خارجی موجب شکست آن شود.

برای نمونه می‌توان گفت: اگر دولت اسلامی به منظور حمایت از کشاورزان، قیمت تضمینی برای برخی محصولات وضع کند و این امر، صرف‌نظر از عرضه و تقاضای آن محصول، موجب افزایش مطلوبیت برخی از افراد جامعه شود، این افزایش مطلوبیت، اثر خارجی به حساب نمی‌آید؛ زیرا در این زمینه، تخصیص منابع توسط سازوکار بازار انجام نگرفته است.

### اصطلاحی جدید برای آثار خارجی در چارچوب اقتصاد اسلامی

صرف‌نظر از اصطلاح متعارف، می‌توان آثار خارجی را زیان یا منافی دانست که از فعالیت یک عامل اقتصادی به عامل دیگر سرایت می‌کند و به جای شکست بازار، موجب شکست فرآیند تخصیص منابع در دست‌یابی به نتیجه مطلوب می‌شود. در این صورت، با توجه به اینکه فرآیند تخصیص در اقتصاد اسلامی تفاوت‌هایی با سازوکار بازار دارد، می‌توان آثار خارجی را با استفاده از مفاهیم منظور در اقتصاد اسلامی، به گونه دیگری معرفی کرد. برای این منظور، لازم است ابتدا رویکرد مطلوب تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی شناسایی شود. این رویکرد را، که به‌جای سازوکار بازار و یا به صورت مجموعه‌ای حاوی سازوکار بازار معرفی می‌شود، می‌توان «رویکرد اسلامی تخصیص بهینه» نامید. هر عاملی که تخصیص بهینه در رویکرد اسلامی را در دست‌یابی به هدف مورد نظر ناکام گذارد، «شکست رویکرد اسلامی تخصیص بهینه» خواهد بود. یکی از نمونه‌های این شکست، می‌تواند آثار خارجی باشد؛ به این صورت که فعالیت برخی از بازیگران اقتصادی، آثاری بر دیگران تحمیل کند که موجب شکست رویکرد اسلامی در دست‌یابی به تخصیص بهینه مقبول اسلام شود.

برای نمونه، می‌توان گفت: در نظام اسلامی، تخصیص بهینه موجب زدودن فقر از جامعه می‌شود. حال اگر شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که همه دست‌اندرکاران تخصیص در نظام اسلامی شامل سازوکار بازار، نظام امر به معروف و نهی از منکر مردمی و دولت نتوانند فقر را ریشه‌کن کنند و یا مسئولیت خود را در این زمینه به خوبی انجام ندهند، نامطلوبیت‌هایی که از این طریق عاید جامعه اسلامی و به‌ویژه فقرا می‌شود، شکست رویکرد اسلامی در تخصیص بهینه به شمار می‌آید. در این صورت، باید راه‌کارهای مناسبی برای این منظور که تخصیص در جامعه اسلامی بتواند فقر را بزدايد، اندیشیده شود. با توجه به اینکه مفاهیمی از قبیل «کارایی» و رویکرد تخصیص مطلوب در اقتصاد اسلامی هنوز در حاله‌ای از ابهام قرار دارد، بحث از آثار خارجی در اقتصاد اسلامی، در این چارچوب نیازمند پژوهش‌های گسترده‌تر است.

### ۴. ثمره این پژوهش

این پژوهش با هدف ترسیم جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی انجام گرفت. یکی از انگیزه‌هایی که نگارندگان را به انجام چنین پژوهشی ترغیب کرده، اشتباه رایجی است که در معدود آثار اقتصاددانان مسلمان در این زمینه به

چشم می‌خورد؛ اقتصاددانان مسلمان بدون برداشتی صحیح از تعریف و جایگاه آثار خارجی، برخی از فعالیت‌ها را در زمره آثار خارجی دانسته و راه‌کارهایی برای آن ارائه کرده‌اند، در حالی که نه آن فعالیت‌ها عامل ایجاد آثار خارجی بوده‌اند و نه آن راهکارها در جهت درونی کردن آثار خارجی هستند.

این اشتباه رایج به‌خاطر این پندار نادرست است که هر اثر سودمند یا زیان‌باری که از فعالیت‌های اقتصادی ناشی شود، اثر خارجی، و هر اقدامی که در جهت جبران آن باشد راه‌کاری در مواجهه با آثار خارجی است. این در حالی است که آثار خارجی تنها آن بخش از آثار سودمند یا زیان‌بار است که از یک فعالیت بازاری ناشی می‌شود و خود آن اثر خارج از سازوکار بازار قرار می‌گیرد.

شکی نیست که در اقتصاد اسلامی، باید برای آثار منفی اقتصادی، مثل ضرر و زیان به طبیعت، چاره‌اندیشی کرد و نیز برای افزایش آثار مثبت ناشی از امور خیر و مانند آن، برنامه‌ریزی نمود. اما این موضوع همیشه در حوزه آثار خارجی قرار نمی‌گیرد، بلکه در صورتی آثار خارجی قلمداد می‌شود که اولاً، از یک فعالیت بازاری ناشی شده باشد و ثانیاً، خود اثر خارج از حوزه بازار قرار گیرد. در این صورت، در مواجهه با آن، از راه‌کارهایی مانند مالیات و یارانه استفاده می‌شود. در چنین راه‌کارهایی، که صرفاً آن اثر را درونی می‌کنند، به طور کلی، جبران خسارت یا منفعت مورد توجه نیست. در مقابل، اگر اثر مفید یا مضر اقتصادی بدون فرآیند بازاری پدید آید، نه آن اثر، اثری خارجی به حساب می‌آید و نه راه‌کار متناسب با آن درونی و بازاری کردن است، بلکه در چنین حالتی، به طور عمده، توجه اصلی بر جبران خسارت آثار مضر و تشویق بر ترویج آثار مفید است.

این پژوهش با ترسیم جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف و اسلامی و تفکیک آن از سایر آثار مثبت و منفی اقتصادی، راه را برای پژوهشگرانی که می‌خواهند در این زمینه فعالیت کنند، هموار ساخته است.

## نتیجه‌گیری

آثار خارجی به معنای مصطلح، اثرات سودمند یا زیان‌آوری است که از فرآیند بازار به خارج از آن تحمیل می‌شود و بازار را در دستیابی به تخصیص بهینه ناکام می‌گذارد. این تصور از آثار خارجی با سازوکار بازار عجین شده است. در این صورت، هر جا تخصیص منابع به عهده سازوکار بازار نباشد، نمی‌توان از آثار خارجی سخن گفت. به عبارت دیگر، هر جا بازاری در کار نیست، سخن گفتن از آثار خارجی، سالبه به انتفای موضوع است.

برای بررسی آثار خارجی مصطلح در چارچوب اقتصاد اسلامی، می‌توان گفت: هر جا در اقتصاد اسلامی، سازوکار بازار به رسمیت شناخته می‌شود، زمینه شکل‌گیری آثار خارجی نیز وجود دارد. در اقتصاد اسلامی، - دست‌کم - در دو جا، تخصیص منابع با رویکرد بازاری صورت نمی‌گیرد: یکی جایی که دولت اسلامی عهده‌دار تخصیص منابع است، و دیگری جایی که به‌خاطر محدودیت‌های شرعی برای عرضه و تقاضا، تشکیل بازار به رسمیت شناخته نمی‌شود. در این حالات، همان‌گونه که سازوکار بازار وجود ندارد، شکل‌گیری آثار خارجی نیز بی‌معناست.



با یک نگاه متفاوت، می‌توان اصطلاح دیگری برای آثار خارجی در اقتصاد اسلامی ابداع کرد. آثار خارجی در این معنای جدید به معنای خارج از سازوکار بازار نیست؛ بلکه ناظر به سازوکاری است که تخصیص بهینه مقبول اسلام را به دنبال دارد. در این معنا، آثار خارجی به هر پدیده‌ای گفته می‌شود که از بیرون، آن سازوکار را در دستیابی به تخصیص بهینه منظور اسلام ناکام بگذارد.

این جستار با ترسیم جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی، ضمن اشاره به برداشت نادرست برخی از اقتصاددانان مسلمان نسبت به محدوده آثار خارجی و مواجهه با آن، زمینه را برای آن دسته از پژوهشگرانی که به موضوع آثار خارجی در اقتصاد اسلامی علاقه دارند، فراهم می‌کند.

## منابع

- استیکلیتزر، ژوزف ای، ۱۳۹۱، *اقتصاد بخش عمومی*، ترجمه محمد مهدی عسکری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- اکرم‌خان، محمد، ۱۳۷۵، «تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی»، ترجمه حسین صادقی، در: *مباحثی در اقتصاد خرد (نگرش اسلامی)*، تهران، موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- امیری، هادی و همکاران، ۱۳۹۱، *اقتصاد بخش عمومی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- انصاری، محمدجعفر و همکاران، ۱۳۷۸، *درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- بلاگ، مارک، ۱۳۷۵، *اقتصاددانان بزرگ جهان*، ترجمه حسن گلریز، تهران، نشر نی.
- چپرا، محمد عمر، ۱۳۸۵، *آینده علم اقتصاد (چشم‌اندازی اسلامی)*، ترجمه احمد شعبانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- حرعاملی، محمدین حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حکیمی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۰، *الحیاء*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دادگر، یدالله، ۱۳۸۰، *اقتصاد بخش عمومی*، قم، دانشگاه مفید.
- دمستز، هرولد، ۱۳۸۰، «به سوی یک تئوری در حقوق مالکیت»، ترجمه محسن رنای، *تأمین اجتماعی*، ش ۱۰، ص ۵۹-۷۴.
- راسل وینستین، جک، ۱۳۹۱، *زندگی و اندیشه‌های آدم اسمیت*، ترجمه شیرزاد پیک حرفه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضایی دونای، مجید، ۱۳۸۹، *مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام*، قم، دانشگاه مفید و سمت.
- رنای، محسن، ۱۳۸۹، *بازار یا ناپازار*، چ سوم، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ساموئلسون، پل آنتونی و نوردهاوس، ویلیام، ۱۳۸۸، *اصول علم اقتصاد*، ترجمه مرتضی محمدخان، چ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۹۹، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- صدوق، محمدین علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۳ق، *معانی الأخبار*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- عبدالمنان، محمد، ۱۳۷۵ (الف)، «اهداف و رفتار بنگاه در ساختار اسلامی»، ترجمه حسین صادقی، در: *مباحثی در اقتصاد خرد (نگرش اسلامی)*، تهران، موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۵ (ب)، «دیدگاه‌های اسلامی در زمینه بازار، قیمت‌ها و تخصیص منابع»، ترجمه حسین صادقی، در: *مباحثی در اقتصاد خرد (نگرش اسلامی)*، تهران، موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- کالیز، جان جی. و جونز، فیلیپ آر، ۱۳۸۸، *مالیه عمومی و انتخاب عمومی*، ترجمه الیاس نادران و همکاران، تهران، سمت.
- کریمی، محمدحسین و عسکر دیرباز، ۱۳۸۴، *مباحثی در فلسفه اقتصاد (علم اقتصاد و ارزش‌ها، انسان اقتصادی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کریمی، محمدحسین، ۱۳۹۴، *توابع رفاه اجتماعی (تبیین دیدگاه‌ها و بررسی مبانی آنها با نگرش اسلامی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹، *تعادل عمومی بازارها (نگاهی فلسفی و روش‌شناختی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- لیندبلوم، چارلز ادوارد، ۱۳۸۸، *نظام بازار*، ترجمه محمد مالجو، تهران، نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصباحی‌مقدم، غلامرضا و همکاران، ۱۳۸۹، «تحلیل نحوه مواجهه با آثار خارجی منفی از منظر اقتصاد اسلامی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۴، ص ۶۷-۹۸.
- منکیو، گریگوری، ۱۳۸۸، *نظریه اقتصاد خرد*، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی.

موريس، اس. چارلز؛ فيليبس، اون. آر، ۱۳۸۵، *تحليل اقتصادى نظريه و کاربرد (اقتصاد خرد)*، ترجمه حسن سبحانى، چ هفتم، تهران، دانشگاه تهران.

نيكلسون، والتر، ۱۳۸۹، *نظريه اقتصاد خرد، اصول اساسى و مباحث تكميلى*، ترجمه محمدمهدى عسكرى، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).

Layard, P. R. G. and Walters, A. A, 1978, *Microeconomic Theory*, London, McGraw-Hill College.

Naghavi, Syed Nawab Haider, 1986, *Comments on the Guarantee of a Minimum Level of Living in an Islamic State*, By Muhammad Nejatullah Siddiqi, in *Distributive Justice and Need in an Islamic Economy* , by Munavar Iqbal International Institute of Islamic Economics, Islamabad.

Smith, Adam, 1937, *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, New York, the Modern Library.

## راهنمای اشتراک نشریات تخصصی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۱. اشتراک به صورت آونمان پذیرفته می‌شود؛ ۲. در صورت تمایل به اشتراک وجه اشتراک را به حساب ۰۱۰۰۰۵۹۷۳۰۰۱۰۰۰ به نام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره واریز و اصل فیش بانکی یا فتوکپی آن را به همراه فرم اشتراک و مشخصات کامل خود به نشانی مجله ارسال نمایید؛ ۳. در صورت تغییر نشانی، آدره نشریات تخصصی را از نشانی جدید خود مطلع نمایید؛ ۴. کلیه مکاتبات خود را با شماره اشتراک مرقوم فرمایید؛ ۵. پهای اشتراک خارج از کشور با احتساب هزینه پست سالانه ۲۰ دلار و یا معادل آن می‌باشند؛ ۶. لطفاً در ذیل نوع نشریه و مبلغ واریزی و نیز مدت اشتراک خود را مشخص فرمایید.

فروشگاه الکترونیک <http://eshop.iki.ac.ir>

ردیف	عنوان نشریه	رتبه	تک‌شماره (ریال)	یک‌ساله (ریال)	از شماره تا شماره
۱.	دو فصل نامه «معرفت اقتصاد اسلامی»	علمی - پژوهشی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۲.	دو فصل نامه «تاریخ اسلام در آینه پژوهش»	علمی - پژوهشی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۳.	دو فصل نامه «قرآن شناخت»	علمی - پژوهشی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۴.	دو فصل نامه «معرفت سیاسی»	علمی - پژوهشی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۵.	دو فصل نامه «معرفت کلامی»	علمی - پژوهشی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۶.	فصل نامه «روان‌شناسی و دین»	علمی - پژوهشی	۷۰,۰۰۰	۲۸۰,۰۰۰	
۷.	فصل نامه «معرفت ادیان»	علمی - پژوهشی	۷۰,۰۰۰	۲۸۰,۰۰۰	
۸.	فصل نامه «معرفت فرهنگی-اجتماعی»	علمی - پژوهشی	۷۰,۰۰۰	۲۸۰,۰۰۰	
۹.	فصل نامه «معرفت فلسفی»	علمی - پژوهشی	۷۰,۰۰۰	۲۸۰,۰۰۰	
۱۰.	دو فصل نامه «اسلام و پژوهش‌های تربیتی»	علمی - پژوهشی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۱۱.	دو فصل نامه «معارف منطقی»	علمی - پژوهشی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۱۲.	دو فصل نامه «اسلام و پژوهش‌های مدیریتی»	علمی - ترویجی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۱۳.	دو فصل نامه «معارف عقلی»	علمی - ترویجی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۱۴.	دو فصل نامه «معرفت اخلاقی»	علمی - ترویجی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۱۵.	ماهنامه «سرفت»	علمی - ترویجی	۷۰,۰۰۰	۸۴۰,۰۰۰	
۱۶.	دو فصل نامه «عیار پژوهش در علوم انسانی»	علمی - ترویجی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۱۷.	دو فصل نامه «حکمت عرفانی»	علمی - تخصصی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۱۸.	دو فصل نامه «معارف منطقی»	علمی - تخصصی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۱۹.	دو فصل نامه «اندیشه‌های حقوق عمومی»	علمی - تخصصی	۷۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۲۰.	فصل نامه «پویایی در علوم انسانی»	علمی - تخصصی	۷۰,۰۰۰	۲۸۰,۰۰۰	
۲۱.	Semiannual «Horizons of Thought»	علمی - تخصصی	۱۵ دلار	۳۰ دلار	

نام نشریه: ..... و ..... و .....

مدت اشتراک: .....

مبلغ واریزی: ..... و ..... و .....

### فرم درخواست اشتراک

اینجا:	ب:	استان:	شهر:	تان:
خیابان / کوچ / ه / ا / ک:				
کد پستی:	صندوق پستی:	تلفن (تابلت):	همراه:	۰۹
متقاضی دریافت مجله / مجلات فوق می‌باشم.				
لطفاً از شماره‌های ذکر شده مجلات به مدت ..... به آدرس فوق ارسال فرمایید.				
در ضمن فیش بانکی به شماره: ..... مبلغ: ..... ریال به پیوست ارسال می‌گردد.				
امضا				

## **The Status of External Effects in Conventional and Islamic Economics**

**Mohammad Hossein Karami** / Assistant Professor at Hawzah and University Research Center

**Saeed Goodarzi** / MA at Hawzah and University Research Center

**Received:** 2017/08/03 - **Accepted:** 2018/01/25

### **Abstract**

“External effects” in the conventional economics can be defined within the framework of market mechanism and the Pareto's optimality. This issue has seldom been discussed in the works on Islamic economics. Using an analytical method, this paper explains the conceptual link between external effects and market mechanism in conventional economics, and criticizes it from the point of view of Muslim economists. Then, the status of external effects in Islamic economics is explained. Based on the research findings, external effects can contribute to Islamic economics in two ways: extracting a conceptual framework from conventional economics and proposing a new term in accordance with the special structure of the optimal Islamic allocation. While the first method faces some problems and limitations, the second method can provide the ground for authentic theorizing in Islamic economics. In the newly proposed concept, external effects do not mean the effects that are outside market mechanism; rather, they mean the mechanism that disturbs the optimal allocation advocated by Islam.

**Key words:** External effects, conventional Economics, Islamic economics, Market mechanism, Pareto optimality, Resource allocation, Economic efficiency.

JEL classification: D62, H23, P4.

## **A Comparative Study of the Role of Value-Based Concepts in Organizing the Structure of Economic Systems of Islam and Capitalism**

**Mojtaba Ghaffari** / Ph.D. Student of Islamic Economics, Research Center for Islamic Culture and Thought  
economy.islamic@gmail.com

**Ahmad Ali Yousefi** / Associate Professor at Research Center for Islamic Culture and Thought

**Received:** 2017/04/30 - **Accepted:** 2017/10/16

### **Abstract**

In every economic system, "value-oriented concepts" direct thinking and economic behaviors, and also affect structures. The development and interpretation of these concepts is highly dependent on the accepted ontological foundations. Using the analytical method, this paper analyzes the role of value-based concepts in organizing the economic system. In this analytical and descriptive study, the value-based concepts of the economic system of capitalism and the Islamic economic system are studied comparatively. The results of the research show that the economic system of capitalism, by virtue of its own special value-based concepts, logically has a capitalistic monolithic structure with three components: the "pursuit of personal material gain", "the behavioral principle of free economic competition" and "individual private possession". In contrast, the economic system of Islam, based on its reliance on Islamic value-based concepts, has a four-part structure in which each part is characterized by three specific components. This kind of structural extraction based on value-based concepts indicates the difference in issues, questions and solutions between the Islamic and secular economic systems.

**Key words:** Value-based concepts, Economic structure, Islamic economics, Capitalist economics.

JEL classification: A11, B59, P40.

## Islamic Spectral Rationality versus Rational Choice Theory in Conventional Economics

**Parviz Davoudi** / Professor at the Faculty of Economic & Political Sciences, Shahid Beheshti University  
p\_davoodi@yahoo.com

**Mohammad Javad Tavakkoli** / Assistant Professor at IKI  
Tavakoli@iki.ac.ir

**Mohammad Sa'eed Panahi Boroujerdi** / Ph.D. in Philosophy of Islamic Economics, IKI

**Received:** 2017/08/31 - **Accepted:** 2018/01/27

sd\_panahi@yahoo.com

### Abstract

Rational choice theory, with two main approaches of pursuing personal gain and internal consistency of choices, is one of the most basic assumptions of conventional economics, and has consistently been criticized by conventional and Muslim economists. In order to introduce a suitable alternative to this theory, conventional and Islamic economists have come up with a new definition of economic rationality. Using the "descriptive-analytical" research method, the present study introduces the theory of "Islamic spectral rationality". Based on the hypothesis of the paper, rationality in the Islamic approach has a spectral meaning both in normative and affirmative aspects. Based on the Islamic-spectral rationality approach, from a normative point of view, rational choice is a choice with four components: adherence to divine economic duties, comprehensive utilitarianism, comprehensive examination and gathering certain and correct information. From an affirmative approach, this theory also suggests the analogicity of individuals' rationality. Accordingly, a wise Muslim, when confronted with various options, may have choices of varying degrees of rationality, although some of these choices are considered more rational than other choices.

**Key words:** Islamic spectral rationality, Utilitarianism, Rational choice theory, Rational choice components, Islamic economics.

JEL classification: D03, B00, P4.

## **Measuring Total Efficiency Index of Production Factors in the Selected Banks of the Interest -Free Banking System in Iran**

**Seyyed Mohammad Reza Seyyed Nourani** / Assistant Professor at Allameh Tabatabaee University  
seyednourani@gmail.com

**Reza Vafae Yeganeh** / Ph.D. in Islamic Economics

r.v.yeganeh@gmail.com

**Received:** 2017/09/04 - **Accepted:** 2018/02/13

### **Abstract**

The purpose of this study was to investigate the efficiency (productivity and effectiveness) of selected banks in the interest -free banking system of Iran. The study's presupposition was that interest -free banking system is an introduction to Islamic banking. In terms of content, the research method in this study is developmental, and in terms of data collection, it is analytical-descriptive and survey-based. The data collection method is documentive, library – based and questionnaire. In this study, Delphi method has been used to measure the efficiency index and the approach to measuring the input and output of Islamic banks. Using the numerical index approach, the trend of the total index of production factors in commercial banks is measured with and without considering efficiency. Using the data envelopment analysis (vrs model), the relative efficiency of selected banks in two areas (value added output, total revenue output) is measured. The findings of this study indicate that the average total productivity growth of all production factors without efficacy indices was higher than the productivity index with efficiency indices.

**Key words:** Islamic banking, Productivity, Efficiency, Effectiveness, Numerical index.

JEL classification: G21, D24, O47.



## **Method of Inferring Economic Theory from the Holy Qur'an and the Sunna**

**Seyyed Mohammad Kazem Rajaei** / Associate Professor of Economics, IKI      rajae95@chmail.ir  
**Mahdi Khatibi** / Assistant Professor of Economics, IKI                      m.kh47@yahoo.com

**Received:** 2017/06/23- **Accepted:** 2018/03/08

### **Abstract**

Explaining the method of inferring economic theory from the Quran and the Sunna is one of the prerequisites for theorizing in Islamic economics. Using an "Ijtihadi -analytical" method, this paper presents a method for inferring theories of Islamic economics from the Quran and the Sunna, and adapts its steps to "balance". In the proposed method, after presentation of the subject and initial identification of the variables associated with it, the set of gathered information is added to the current knowledge of economics and the comprehensive study of topics in conventional economics, in three levels of studying the concept, studying the historical course, and discovering the foundations. In the next step, Islamic foundations related to the subject are explored, and the subject-related strategies, which typically appear in the form of five rulings, are extracted from the Qur'an and the Sunna by using an "Ijtihadi" method. Attaching the extracted strategies to the fundamentals leads the researcher to the theory. At this point, the variables associated with the subject are re-evaluated to make sure that no variable is overlooked, or no irrelevant variable has been added to the set of variables. "Integration and consolidation" is the final stage of the process of inferring economic theory from the Qur'an and the Sunna.

**Key words:** Economics Methodology, Islamic Economics Theory, Inference of Economic Theory, Islamic Economics, Philosophy of Islamic Economics.

JEL classification: B40, B00, C18, P4.

# Abstracts

## **The Theory of "Compensating for Depreciation after Maturity", with Emphasis on the rule of "Action" and "Prohibition of loss"**

**Seyyed Abbas Mousaviyan** / Professor at Research Center for Islamic Culture and Thought  
samosavian@yahoo.com

**Hossein Meisami** / Assistant Professor at Research Center for Banking and Monetary Affairs

**Received:** 2017/10/29 - **Accepted:** 2018/03/15

meisamy1986@gmail.com

### **Abstract**

One of the important discussions in the subject of "inflation" is the study of the legitimacy of "compensating for price depreciation in long-term contracts." While evaluating relevant views, this study addresses the question of "how can we use the combination of the jurisprudential rules of action and prohibition of loss in the analysis of the depreciation of money within the framework of Islamic jurisprudence?" To answer this question, content analysis and two-step Delphi method have been used for collecting the views of Islamic banking experts. According to the hypothesis of the paper, "compensation for the depreciation of money before maturity is considered usury due to the person's action. However, after maturity, it is necessary to compensate for the depreciation of money because no action is involved, and one sustains a loss due to the depreciation of money". The research findings suggest that there are three views on the depreciation of the value of money, including: "being absolutely permitted"; "being absolutely unpermitted"; and "the necessity of a detailed description of severe, moderate and mild inflation." All three perspectives face some problems. In contrast, the selected view, which is based on the rules of action and the prohibition of loss, provides a good theoretical basis for analyzing the depreciation of money in the Islamic framework.

**Key words:** Depreciation of money, Islamic banking, Rule of action, Rule of Prohibition of loss, Islamic Jurisprudence, Usury.

JEL classification: D53, E52.

# Table of Contents

**The Theory of "Compensating for Depreciation after Maturity", with Emphasis on the rule of "Action" and "Prohibition of loss" / Seyyed Abbas Mousaviyan / Hossein Meisami ..... 5**

**Method of Inferring Economic Theory from the Holy Qur'an and the Sunna / Seyyed Mohammad Kazem Rajae / Mahdi Khatibi ..... 29**

**Measuring Total Efficiency Index of Production Factors in the Selected Banks of the Interest -Free Banking System in Iran / Seyyed Mohammad Reza Seyyed Nourani / Reza Vafae Yeganeh ..... 47**

**Islamic Spectral Rationality versus Rational Choice Theory in Conventional Economics / Parviz Davoudi / Mohammad Javad Tavakkoli / Mohammad Sa'eed Panahi Boroujerdi ..... 67**

**A Comparative Study of the Role of Value-Based Concepts in Organizing the Structure of Economic Systems of Islam and Capitalism / Mojtaba Ghaffari / Ahmad Ali Yousefi ..... 85**

**The Status of External Effects in Conventional and Islamic Economics / Mohammad Hossein Karami / Saeed Goodarzi ..... 103**

# *In the Name of Allah*

## **Ma'rifat-e Eghtesad-e Islami**

(Islamic Economic Knowledge)

An Academic Semianual Journal on Islamic Economics

Vol.9, No.1

Fall & Winter 2017-18

**Proprietor:** *Imam Khomeini Educational and Research Institute*

**Editor in Chief:** *Mohammad Javad Tavakoli*

**Editor:** *Hasan-Agha Nazari*

**Executive Manager:** *Amir Hosein Nikpour*

### **Editorial Board:**

☐ **Hasan-Agha Nazari:** *Professor, A Member of Advisory Board of Economics Group, IKI.*

☐ **Hamid Abrishami:** *Professor, Tehran University.*

☐ **Parviz Davodi:** *Professor, Shahid Beheshti University & Manager of Economics Group, IKI.*

☐ **Masoud Derakhshan:** *Professor, Alameh Tabataba'i University.*

☐ **Farhad Rahbar:** *Associate Professor, Tehran University.*

☐ **Seyyed Mohammad Kazem Rajae:** *Associate Professor, IKI.*

☐ **Gholam Reza Mesbahi Moghadam:** *Professor, Imam Sadeq University.*

☐ **Hasan Sobhani:** *Professor, Tehran University.*

☐ **Elyas Naderan:** *Associate Professor, Tehran University.*

☐ **Mohammad Jamal Khalilian:** *Associate Professor, IKI.*

---

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd  
Amin Blvd., Qum, Iran

**PO Box:** 37185-186

**Tel:** +9825-32113476

**Fax:** +9825-32934483

**Sms:** 10002532113473

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

• [www.iki.ac.ir](http://www.iki.ac.ir) & [www.jek.iki.ac.ir](http://www.jek.iki.ac.ir) & [www.nashriyat.ir](http://www.nashriyat.ir)